



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



« راهنمای اماکن زیارتی عتبات عالیات عراق »

نویسنده: ایوب خانزهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هفت شهر دیار ولایت: راهنمای اماکن زیارتی عتبات عالیات عراق

نویسنده:

ایوب حائری

ناشر چاپی:

زائر - آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۵	هفت شهر دیار ولایت «راهنمای اماکن زیارتی عتبات عالیات عراق»
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۱۹	فهرست مطالب
۳۱	طلیعه
۳۳	پیشگفتار
۳۳	سفری به دیار عشق و محبت
۳۳	سفر و آداب آن در اسلام
۳۵	سفرهای زیارتی
۳۶	شروع سفر با دعا
۳۶	آداب و مستحبات سفر
۳۷	آداب معاشرت با همسفران
۳۸	بازگشت از سفر
۳۹	شکرانه توفیق زیارت
۴۱	فصل اول: شناخت اجمالی دیار ولایت
۴۱	اشاره
۴۳	عراق در گذر تاریخ
۴۴	عراق در دوران اسلامی
۴۴	اشاره
۴۶	عراق پس از جنگ جهانی
۴۷	عراق امروز در یک نگاه
۴۹	فصل دوم: آشنایی با هفت شهر دیار ولایت
۴۹	اشاره

۵۱	شهر نجف اشرف
۵۱	اشاره
۵۴	سوغات نجف
۵۵	نجف در گذر تاریخ
۵۶	حوزه علمیه نجف
۵۶	اماکن زیارتی و آثار دینی نجف
۵۶	۱. مرقد مطهر امام علی علیه السلام
۵۶	اشاره
۵۹	هنرمندی و معماری در آستان علوی علیه السلام
۶۰	بناهای آستان قدس علوی علیه السلام
۶۱	مساجد مشهور شهر نجف علیه السلام
۶۴	مدارس دینی مشهور نجف
۶۵	کتابخانه های نجف
۶۷	مراقد علمای دین
۷۳	مراجع تقلید (معاصر) در حوزه علمیه نجف
۷۳	مزار حاکمان و دولت مردان
۷۵	سایر اماکن مقدس شهر نجف
۷۷	۲. مرقد منسوب به حضرت هود علیه السلام
۷۸	۳. مرقد منسوب به حضرت صالح علیه السلام
۷۹	۴. قبور صحابه و تابعین در نجف
۸۴	شهر کوفه
۸۴	اشاره
۸۸	کوفه و اهل بیت علیهم السلام
۸۹	شهر کوفه از منظر روایات
۹۰	کوفه مرکز خلافت علی علیه السلام
۹۰	اشاره

۹۰	دارالاماره
۹۲	اماکن مقدس شهر کوفه
۹۲	۱. مسجد کوفه و آثار دینی آن
۹۲	اشاره
۹۴	نماز در مسجد کوفه
۹۶	نماز حاجت در مسجد کوفه
۹۶	نماز مسافر در مسجد کوفه
۹۷	آثار دینی مسجد کوفه
۹۹	۲. مقام سفینه نوح علیه السلام
۱۰۱	۳. مراقد و آثار دینی اطراف مسجد کوفه
۱۰۵	۴. خانه امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۰۵	۵. مرقد میثم تمار
۱۰۵	اشاره
۱۰۸	مساجد دیگر شهر کوفه
۱۱۰	امامزاده های شهر کوفه
۱۱۱	مقام و مراقد انبیاء
۱۱۳	شهر کربلا
۱۱۳	اشاره
۱۱۵	کربلا در گذر تاریخ
۱۱۷	امیرالمؤمنین علیه السلام و کربلا
۱۱۸	اماکن زیارتی و آثار دینی کربلا
۱۱۸	۱. مرقد امام حسین علیه السلام
۱۱۸	اشاره
۱۱۹	ترتیب امام حسین علیه السلام
۱۲۰	احکام ترتیب امام حسین علیه السلام و آثار آن
۱۲۱	تسبیح ترتیب و تاریخچه آن

- ۱۲۲ ..... حائر حسینی
- ۱۲۳ ..... نماز در حرم امام حسین علیه السلام
- ۱۲۵ ..... قتلگاه امام حسین علیه السلام
- ۱۲۵ ..... خیمه گاه (مخیم)
- ۱۲۵ ..... تلّ زینبیه
- ۱۲۶ ..... بین الحرمین
- ۱۲۶ ..... ۲. مرقد شهدای کربلا
- ۱۲۶ ..... اشاره
- ۱۲۷ ..... مرقد حضرت علی اکبر و شهیدان بنی هاشم
- ۱۲۸ ..... مرقد حبیب بن مُظاهر
- ۱۲۹ ..... مرقد حرّ بن یزید ریاحی
- ۱۳۰ ..... مرقد عون بن عبدالله
- ۱۳۱ ..... مقام طفلان مسلم علیه السلام
- ۱۳۱ ..... مراقد امام زاده های کربلا
- ۱۳۳ ..... مراقد علما و سادات
- ۱۳۵ ..... قبور پادشاهان و رجال سیاسی
- ۱۳۷ ..... در محضر ابوالفضل العباس علیه السلام
- ۱۳۷ ..... اشاره
- ۱۳۷ ..... مقام و مرقد حضرت ابوالفضل علیه السلام
- ۱۳۹ ..... مقام دستان ابوالفضل العباس علیه السلام
- ۱۴۰ ..... احکام فقهی زیارت حضرت عباس علیه السلام
- ۱۴۲ ..... رود فرات و نهر علقمه
- ۱۴۴ ..... شهر حلّه سیفیه
- ۱۴۴ ..... اشاره
- ۱۴۶ ..... اماکن تاریخی و دینی حلّه
- ۱۴۶ ..... ۱. باغ های معلّق بابل



۲. مقام حضرت ابراهیم علیه السلام - - - - - ۱۴۷
۳. مساجد معروف حله - - - - - ۱۴۷
- الف) مسجد ردالشمس - - - - - ۱۴۷
- ب) مسجد نخلیه - - - - - ۱۴۸
۴. امام زاده های شهر حله - - - - - ۱۴۹
۵. رشید هجری از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام - - - - - ۱۵۳
۶. خاندان آل طاووس و حلی - - - - - ۱۵۴
- شهر کاظمین - - - - - ۱۵۶
- اشاره - - - - - ۱۵۶
- تاریخچه حرم کاظمین - - - - - ۱۵۸
- مراقد امامزاده ها و علما - - - - - ۱۶۱
- شهر بغداد - - - - - ۱۶۳
- اشاره - - - - - ۱۶۳
- اماکن زیارتی و آثار دینی بغداد - - - - - ۱۶۶
- اشاره - - - - - ۱۶۶
- مسجد براتا - - - - - ۱۶۶
- مشهد التُّدور - - - - - ۱۶۷
- سید ادریس - - - - - ۱۶۷
- نواب اربعه امام زمان علیه السلام - - - - - ۱۶۷
- اشاره - - - - - ۱۶۷
- مشاهیر اهل سنت مدفون در بغداد - - - - - ۱۷۰
- اماکن تاریخی و زیارتی مدائن - - - - - ۱۷۳
- اشاره - - - - - ۱۷۳
- طاق کسری - - - - - ۱۷۳
- مرقد سلمان فارسی - - - - - ۱۷۴
- آرامگاه حدیفه یمانی - - - - - ۱۷۵

شهر سامراء	۱۷۷
اشاره	۱۷۷
اماکن تاریخی و زیارتی سامرا	۱۸۰
۱. بقعه و آستان عسکریین علیهما السلام	۱۸۰
۲. مسجد جامع سامرا	۱۸۱
۳. مسجد جامع ابودلف	۱۸۲
۴. قبور خاندان عسکریین علیهما السلام	۱۸۳
۵. ابوهاشم جعفری	۱۸۷
۶. ابراهیم فرزند مالک اشتر	۱۸۷
سرداب مقدس	۱۸۸
زیارت حضرت حجت علیه السلام	۱۹۰
فصل سوم: درمحضر شش ستاره تابناک ولایت	۱۹۳
اشاره	۱۹۳
امام علی علیه السلام ستاره تابناک نجف	۱۹۵
اشاره	۱۹۵
از کعبه ولادت تا محراب شهادت	۱۹۷
برخی از فضائل امام علی علیه السلام	۱۹۷
اشاره	۱۹۷
نهج البلاغه قطره ای از علم امام علی علیه السلام	۲۰۴
نقش امام علی علیه السلام در تاریخ اسلام	۲۰۵
۱. امام علی علیه السلام در جنگ بدر	۲۰۵
۲. امام علی علیه السلام در جنگ اُحد	۲۰۵
۳. امام علی علیه السلام در غزوه خندق	۲۰۶
۴. امام علی علیه السلام در جنگ خیبر	۲۰۷
۵. فتح مکه و شکستن بت های کعبه	۲۰۸
۶. امام علی علیه السلام در جنگ حنین	۲۰۸

- ۲۰۸ ..... ۷. امام علی علیه السلام و غزوه تبوک -
- ۲۰۹ ..... ۸. امام علی علیه السلام در روز مباحله
- ۲۱۰ ..... ۹. حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۱۰ ..... اشاره
- ۲۱۰ ..... الف) جنگ جمل (ناکثین)
- ۲۱۰ ..... ب) جنگ صفین (قاسطین)
- ۲۱۱ ..... ج) جنگ نهروان (مارقین)
- ۲۱۲ ..... ۱۰. امام علی علیه السلام در محراب شهادت
- ۲۱۳ ..... زیارت مطلقه و مخصوصه امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۱۳ ..... عنایت امیرالمؤمنین علیه السلام به شعر شهریار
- ۲۱۷ ..... امام حسین علیه السلام ستاره تابناک کربلا
- ۲۱۷ ..... اشاره
- ۲۱۸ ..... امام حسین علیه السلام الگوی مجاهدان و سالار شهیدان
- ۲۱۹ ..... اهداف قیام امام حسین علیه السلام
- ۲۲۱ ..... آثار نهضت امام حسین علیه السلام
- ۲۲۱ ..... حرکت امام به سوی کربلا
- ۲۲۲ ..... گریه بر امام حسین علیه السلام
- ۲۲۴ ..... فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام
- ۲۲۴ ..... ثواب پیاده رفتن به زیارت سیدالشهدا علیه السلام
- ۲۲۶ ..... ایام مخصوص زیارت امام حسین علیه السلام
- ۲۲۷ ..... امام موسی کاظم علیه السلام ستاره تابناک شهر کاظمین
- ۲۲۷ ..... اشاره
- ۲۲۸ ..... امام موسی کاظم علیه السلام در زندان های هارون
- ۲۳۰ ..... امام در زندان سندی بن شاهک
- ۲۳۱ ..... شهادت امام موسی بن جعفر علیهما السلام
- ۲۳۳ ..... فضیلت زیارت امام موسی کاظم علیه السلام

- ۲۳۴ ..... امام جواد علیه السلام ستاره تابناک شهر کاظمین
- ۲۳۴ ..... اشاره
- ۲۳۵ ..... پرتویی از سیره امام جواد علیه السلام
- ۲۳۷ ..... امام جواد علیه السلام و مناظره علمی
- ۲۴۱ ..... عمر پر برکت امام جواد علیه السلام
- ۲۴۱ ..... اشاره
- ۲۴۲ ..... پندهای آموزنده
- ۲۴۴ ..... امام هادی علیه السلام ستاره ی تابناک شهر سامرا
- ۲۴۴ ..... اشاره
- ۲۴۵ ..... امام هادی علیه السلام از مدینه تا سامرا
- ۲۴۶ ..... ورود امام علیه السلام به سامرا
- ۲۴۷ ..... دشمنی متوکل با اهل بیت علیهم السلام
- ۲۴۸ ..... اذیت و آزار امام هادی
- ۲۵۰ ..... زیارت حرم حسینی
- ۲۵۱ ..... زمینه سازی برای عصر غیبت
- ۲۵۲ ..... شهادت امام هادی علیه السلام
- ۲۵۲ ..... اشاره
- ۲۵۳ ..... زیارت جامعه کبیره
- ۲۵۴ ..... امام حسن عسکری علیه السلام ستاره تابناک شهر سامرا
- ۲۵۴ ..... اشاره
- ۲۵۵ ..... فعالیت های علمی امام حسن عسکری علیه السلام
- ۲۵۷ ..... فعالیت های سیاسی امام علیه السلام
- ۲۵۷ ..... اشاره
- ۲۵۸ ..... ۱. قوت یافتن شیعیان
- ۲۵۸ ..... ۲. مسئله مهدویت
- ۲۵۹ ..... اقدامات خلفای عباسی علیه امام حسن عسکری علیه السلام و شیعیان

۲۵۹	..... اشاره
۲۵۹	..... ۱. سرکوب شیعیان
۲۶۰	..... ۲. قطع ارتباط شیعیان با امام
۲۶۰	..... ۳. زندانی کردن امام علیه السلام
۲۶۱	..... تدابیر امنیتی امام عسکری علیه السلام
۲۶۱	..... اشاره
۲۶۲	..... ۱. ارتباط مستمر و منظم با شیعیان
۲۶۲	..... ۲. فعالیت های سزّی
۲۶۳	..... ۳. هشدار و راهنمایی شیعیان
۲۶۵	..... وصایای امام به شیعیان
۲۶۷	..... شهادت امام حسن عسکری علیه السلام
۲۶۹	..... فضیلت زیارت عسکریین علیهما السلام
۲۷۱	..... فصل چهارم: فلسفه، احکام و آداب زیارت
۲۷۱	..... اشاره
۲۷۳	..... فلسفه زیارت
۲۷۶	..... زیارت، تجدید عهد با امامت
۲۷۸	..... آثار و برکات زیارت
۲۷۹	..... آثار زیارت قبور پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام
۲۸۱	..... آداب و احکام زیارت
۲۸۱	..... اشاره
۲۸۳	..... آداب زیارت اولیای خدا
۲۸۳	..... اشاره
۲۸۴	..... برخی از احکام زیارت معصومان علیهم السلام
۲۸۴	..... ۱. رعایت ادب
۲۸۵	..... ۲. جا گرفتن برای زیارت
۲۸۵	..... ۳. زائر ونذر و وقف

۲۸۶ ..... ۴. نماز و زیارت نیابتی

۲۸۸ ..... زیارتنامه ها

۲۸۹ ..... زیارت جامعه صغیره

۲۹۰ ..... زیارت امامزاده ها

۲۹۱ ..... ضمیمه یا پیوست مترجم شما در سفرهای زیارتی

۳۳۰ ..... کتابنامه

۳۴۱ ..... درباره مرکز

## هفت شهر دیار ولایت «راهنمای اماکن زیارتی عتبات عالیات عراق»

### مشخصات کتاب

سرشناسه: حائری، ایوب، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور: هفت شهر دیار ولایت «راهنمای اماکن زیارتی عتبات عالیات عراق» [کتاب] / ایوب حائری.

مشخصات نشر: قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۰۷ ص.

فروست: انتشارات آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام؛ ۴۳۸

شابک: ۹۰۰۰۰ ریال : ۳-۲-۴۳-۰۸۱-۴۶۹-۸۷۹

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: کتاب حاضر با حمایت آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام، مدیریت پژوهشی منتشر شده است.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۹۷]-۳۰۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: زیارتگاه های اسلامی -- عراق -- راهنما ها

موضوع: زیارت و زائران -- آداب و رسوم

شناسه افزوده: آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره: ۳۶۲PB /ح ۷۰۲ ۲۹۳۱

رده بندی دیویی: ۴۶۷/۷۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۳۶۶۹۱

ص: ۱

اشاره





بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

هفت شهر دیار ولایت «راهنمای اماکن زیارتی عتبات عالیات عراق»

ص: ۴

## فهرست مطالب

طلیعه ۱۷

پیشگفتار ۱۹

سفری به دیار عشق و محبت ۱۹

سفر و آداب آن در اسلام ۱۹

سفرهای زیارتی ۲۱

شروع سفر با دعا ۲۲

آداب و مستحبات سفر ۲۲

آداب معاشرت با همسفران ۲۳

بازگشت از سفر ۲۴

شکرانه توفیق زیارت ۲۵

ص: ۵

فصل اول: شناخت اجمالی دیار ولایت

عراق در گذر تاریخ ۲۹

عراق در دوران اسلامی ۳۰

عراق پس از جنگ جهانی ۳۲

عراق امروز در یک نگاه ۳۳

فصل دوم: آشنایی با هفت شهر دیار ولایت

شهر نجف اشرف ۳۷

نجف در گذر تاریخ ۴۱

حوزه علمیه نجف ۴۲

اماکن زیارتی و آثار دینی نجف ۴۲

۱. مرقد مطهر امام علی علیه السلام ۴۲

هنرمندی و معماری در آستان علوی علیه السلام ۴۵

بناهای آستان قدس علوی علیه السلام ۴۶

مساجد مشهور شهر نجف علیه السلام ۴۷

مدارس دینی مشهور نجف ۵۰

کتابخانه های نجف ۵۱

مراقدهای علمای دین ۵۳

ص: ۶

مراجع تقلید (معاصر) در حوزه علمیه نجف ۵۹

مزار حاکمان و دولت مردان ۵۹

سایر اماکن مقدس شهر نجف ۶۱

۲. مرقد منسوب به حضرت هود علیه السلام ۶۳

۳. مرقد منسوب به حضرت صالح علیه السلام ۶۴

۴. قبور صحابه و تابعین در نجف ۶۵

شهر کوفه ۷۰

کوفه و اهل بیت علیهم السلام ۷۴

شهر کوفه از منظر روایات ۷۵

کوفه مرکز خلافت علی علیه السلام ۷۶

دارالاماره ۷۶

اماکن مقدس شهر کوفه ۷۸

۱. مسجد کوفه و آثار دینی آن ۷۸

نماز در مسجد کوفه ۸۰

نماز حاجت در مسجد کوفه ۸۲

نماز مسافر در مسجد کوفه ۸۲

آثار دینی مسجد کوفه ۸۳

۲. مقام سفینه نوح علیه السلام ۸۵

۳. مراقب و آثار دینی اطراف مسجد کوفه ۸۷

۴. خانه امیرالمؤمنین علیه السلام ۹۱

۵. مرقد میثم تمار ۹۱

مساجد دیگر شهر کوفه ۹۴

امامزاده های شهر کوفه ۹۶

مقام و مراقد انبیاء ۹۷

شهر کربلا ۹۹

کربلا در گذر تاریخ ۱۰۱

امیرالمؤمنین علیه السلام و کربلا ۱۰۳

اماکن زیارتی و آثار دینی کربلا ۱۰۴

۱. مرقد امام حسین علیه السلام ۱۰۴

تربت امام حسین علیه السلام ۱۰۵

احکام تربت امام حسین علیه السلام و آثار آن ۱۰۶

تسبیح تربت و تاریخچه آن ۱۰۷

حائر حسینی ۱۰۸

نماز در حرم امام حسین علیه السلام ۱۰۹

قتلگاه امام حسین علیه السلام ۱۱۱

خیمه گاه (مخیم) ۱۱۱

تلّ زینبیه ۱۱۱

بین الحرمین ۱۱۲

۲. مرقد شهدای کربلا ۱۱۲

مرقد حضرت علی اکبر و شهیدان بنی هاشم ۱۱۳

مرقد حبیب بن مُظاهر ۱۱۴

مرقد حرّ بن یزید ریاحی ۱۱۵

مرقد عون بن عبدالله ۱۱۶

مقام طفلان مسلم علیه السلام ۱۱۷

مراقده امام زاده های کربلا ۱۱۷

مراقده علما و سادات ۱۱۹

قبور پادشاهان و رجال سیاسی ۱۲۱

در محضر ابوالفضل العباس علیه السلام ۱۲۳

مقام و مرقد حضرت ابوالفضل علیه السلام ۱۲۳

مقام دستان ابوالفضل العباس علیه السلام ۱۲۵

احکام فقهی زیارت حضرت عباس علیه السلام ۱۲۶

رود فرات و نهر علقمه ۱۲۸

شهر حلّه سیفیه ۱۳۰

اماکن تاریخی و دینی حلّه ۱۳۲

۱. باغ های معلق بابل ۱۳۲

۲. مقام حضرت ابراهیم علیه السلام ۱۳۳

۳. مساجد معروف حلّه ۱۳۳

الف) مسجد ردّالشمس ۱۳۳

ب) مسجد نخلیه ۱۳۴

۴. امام زاده های شهر حلّه ۱۳۵

۵. رشید هجری از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۳۹

۶. خاندان آل طاووس و حلّی ۱۴۰

شهر کاظمین ۱۴۲

تاریخچه حرم کاظمین ۱۴۴

مراقده امامزاده ها و علما ۱۴۷

شهر بغداد ۱۴۹

اماکن زیارتی و آثار دینی بغداد ۱۵۲

مسجد برائا ۱۵۲

مشهد النُّور ۱۵۳

سید ادریس ۱۵۳

نوّاب اربعه امام زمان علیه السلام ۱۵۳

مشاهیر اهل سنت مدفون در بغداد ۱۵۶

اماکن تاریخی و زیارتی مدائن ۱۵۹

طاق کسری ۱۵۹

مرقد سلمان فارسی ۱۶۰

آرامگاه حدیفه یمانی ۱۶۱



اماکن تاریخی و زیارتی سامرا ۱۶۶

۱. بقعه و آستان عسکرین علیهما السلام ۱۶۶

۲. مسجد جامع سامرا ۱۶۷

۳. مسجد جامع ابو دلف ۱۶۸

۴. قبور خاندان عسکرین علیهما السلام ۱۶۹

۵. ابوهاشم جعفری ۱۷۳

۶. ابراهیم فرزند مالک اشتر ۱۷۳

سرداب مقدس ۱۷۴

زیارت حضرت حجّت علیه السلام ۱۷۶

فصل سوم: در محضر شش ستاره تابناک ولایت

امام علی علیه السلام ستاره تابناک نجف ۱۸۱

از کعبه ولادت تا محراب شهادت ۱۸۳

برخی از فضائل امام علی علیه السلام ۱۸۳

نهج البلاغه قطره ای از علم امام علی علیه السلام ۱۹۰

نقش امام علی علیه السلام در تاریخ اسلام ۱۹۱

۱. امام علی علیه السلام در جنگ بدر ۱۹۱

۲. امام علی علیه السلام در جنگ اُحد ۱۹۱

۳. امام علی علیه السلام در غزوه خندق ۱۹۲
۴. امام علی علیه السلام در جنگ خیبر ۱۹۳
۵. فتح مکه و شکستن بت های کعبه ۱۹۴
۶. امام علی علیه السلام در جنگ حنین ۱۹۴
۷. امام علی علیه السلام و غزوه تبوک ۱۹۴
۸. امام علی علیه السلام در روز مباهله ۱۹۵
۹. حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۹۶
- الف) جنگ جمل (ناکثین) ۱۹۶
- ب) جنگ صفین (قاسطین) ۱۹۶
- ج) جنگ نهروان (مارقین) ۱۹۷
۱۰. امام علی علیه السلام در محراب شهادت ۱۹۸
- زیارت مطلقه و مخصوصه امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۹۹
- عنایت امیرالمؤمنین علیه السلام به شعر شهریار ۱۹۹
- امام حسین علیه السلام ستاره تابناک کربلا ۲۰۳
- امام حسین علیه السلام الگوی مجاهدان و سالار شهیدان ۲۰۴
- اهداف قیام امام حسین علیه السلام ۲۰۵
- آثار نهضت امام حسین علیه السلام ۲۰۷
- حرکت امام به سوی کربلا ۲۰۷
- گریه بر امام حسین علیه السلام ۲۰۸

فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام ۲۱۰

ثواب پیاده رفتن به زیارت سیدالشهدا علیه السلام ۲۱۰

ایام مخصوص زیارت امام حسین علیه السلام ۲۱۲

امام موسی کاظم علیه السلام ستاره تابناک شهر کاظمین ۲۱۳

امام موسی کاظم علیه السلام در زندان های هارون ۲۱۴

امام در زندان سندی بن شاهک ۲۱۶

شهادت امام موسی بن جعفر علیهما السلام ۲۱۷

فضیلت زیارت امام موسی کاظم علیه السلام ۲۱۹

امام جواد علیه السلام ستاره تابناک شهر کاظمین ۲۲۰

پرتویی از سیره امام جواد علیه السلام ۲۲۱

امام جواد علیه السلام و مناظره علمی ۲۲۳

عمر پر برکت امام جواد علیه السلام ۲۲۷

پندهای آموزنده ۲۲۸

امام هادی علیه السلام ستاره ی تابناک شهر سامرا ۲۳۰

امام هادی علیه السلام از مدینه تا سامرا ۲۳۱

ورود امام علیه السلام به سامرا ۲۳۲

دشمنی متوکل با اهل بیت علیهم السلام ۲۳۳

اذیت و آزار امام هادی ۲۳۴

زیارت حرم حسینی ۲۳۶

زمینه سازی برای عصر غیبت ۲۳۷

شهادت امام هادی علیه السلام ۲۳۸

زیارت جامعه کبیره ۲۳۹

امام حسن عسکری علیه السلام ستاره تابناک شهر سامرا ۲۴۰

فعالیت های علمی امام حسن عسکری علیه السلام ۲۴۱

فعالیت های سیاسی امام علیه السلام ۲۴۳

۱. قوت یافتن شیعیان ۲۴۴

۲. مسئله مهدویت ۲۴۴

اقدامات خلفای عباسی علیه امام حسن عسکری علیه السلام و شیعیان ۲۴۵

۱. سرکوب شیعیان ۲۴۵

۲. قطع ارتباط شیعیان با امام ۲۴۶

۳. زندانی کردن امام علیه السلام ۲۴۶

تدابیر امنیتی امام عسکری علیه السلام ۲۴۷

۱. ارتباط مستمر و منظم با شیعیان ۲۴۸

۲. فعالیت های سرّی ۲۴۸

۳. هشدار و راهنمایی شیعیان ۲۴۹

وصایای امام به شیعیان ۲۵۱

شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ۲۵۳

فضیلت زیارت عسکرین علیهما السلام ۲۵۵

فصل چهارم: فلسفه، احکام و آداب زیارت

فلسفه زیارت ۲۵۹

زیارت، تجدید عهد با امامت ۲۶۲

آثار و برکات زیارت ۲۶۴

آثار زیارت قبور پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام ۲۶۵

آداب و احکام زیارت ۲۶۷

آداب زیارت اولیای خدا ۲۶۹

برخی از احکام زیارت معصومان علیهم السلام ۲۷۰

۱. رعایت ادب ۲۷۰

۲. جا گرفتن برای زیارت ۲۷۱

۳. زائر و نذر و وقف ۲۷۱

۴. نماز و زیارت نیابتی ۲۷۲

زیارتنامه ها ۲۷۴

زیارت جامعه صغیره ۲۷۵

زیارت امامزاده ها ۲۷۶

ضمیمه یا پیوست ۲۷۷

کتابنامه ۲۹۷

ص: ۱۵



زیارت در اسلام، به خصوص در فرهنگ شیعه، جایگاه والایی دارد، و یکی از سازنده ترین برنامه های تربیتی به شمار می آید. زیارت و احترام و بزرگداشت انسان های پاک و با فضیلتی است که الهام گرفتن از آنان موجبات تطهیر روح را فراهم می آورد و راه تقرُّب به خدا و رسیدن به کمالات انسانی را هموار می کند. در این راستا شناخت اماکن زیارتی و شخصیت های والای دینی از ضرورت های انکار ناپذیر است.

براین اساس، نوشته حاضر جهت آشنایی زائرین با اماکن زیارتی کشور عراق تدوین شده تا زائرین محترم با معرفت و شناخت اولیای خدا به ویژه شش ستاره تابناک آسمان امامت از فیوضات زیارت آنان بهرمنند شده، از این سفر، بیشترین توشه معنوی را برگیرند.

مؤلف محترم جهت سهولت دست یابی خواننده به مطالب دلخواه، این مجموعه را به شرح ذیل تنظیم نموده که امیدواریم مورد پسند شما واقع گردد.

پیشگفتار: سفر به دیار عشق و محبت.

فصل اول: شناخت اجمالی دیار ولایت.

فصل دوّم: گذری بر هفت شهر دیار ولایت.

فصل سوّم: در محضر شش ستاره تابناک امامت.

فصل چهارم: فلسفه، احکام، و آداب زیارت.

پیوست: مترجم شما در سفرهای زیارت.

در پایان با سپاس از درگاه الهی به خاطر توفیق این خدمت از حمایت های حضرت آیت الله سید محمد سعیدی دامت افاضاته تولیت محترم آستان مقدس و همه محققان و پژوهشگران محترم که با این مدیریت همکاری دارند به ویژه از مؤلف ارجمند جناب آقای حائری و نیز کلیه دست اندرکاران امور چاپ قدردانی می نمایم.

مدیریت پژوهشی

آستان مقدس

ص: ۱۸



### سفری به دیار عشق و محبت

سفر به عتبات عالیات گذری است به دیار ولایت، زائرین به سرزمین قدم می گذارند که جمع کثیری از اولیای الهی به ویژه شش امام معصوم در آن مدفونند. پس شایسته است که خود را برای زیارت آن بزرگواران آماده ساخته و با توسل و استمداد از ارواح پاک و مقدس ایشان گرد و غبار خستگی و ناپاکی را از روح و روان خویش بزدائیم.

باشد که در این سفر لطف خدا و عنایت ائمه شامل حال زائرین گردد و نسیم عطر آگین ولایت بر آنان بوزد، و دنیا و آخرت آنان را آباد نموده تا به سر منزل مقصود برساند.

### سفر و آداب آن در اسلام

سیر و سفر و به ویژه، سفرهای زیارتی، ریشه در اعماق فطرت انسان و رهنمودهای پیامبران دارد. البته سفرها و هجرت ها و گردش های فردی و گروهی، با انگیزه های علمی، تجاری، جهادی، زیارتی و عبادی، پیشینه ای

ناشناخته و ابعادی گسترده دارد و از آن روز که انسان بر کره خاکی پای نهاده، موجودی مهاجر و سیاح و زائر و جهانگرد بوده است.

گرچه انسان نیاز به وطن دارد و هر کس بخش عمده ای از عمر و زندگی خود را در منطقه ای خاص سپری می کند، لیکن گسستن از عادت ها و پیوستن به کانون های نور و معرفت و حضور در محضر و مزار اولیاء الله و صالحان و عالمان، از اقدامات ارزشمند انسان ها در طول تاریخ بوده است.

وابستگی های شغلی و مکانی و عادت به حرکت در محدوده قلمرو خاص، انسان را از امکانات فراوان الهی و حقایق بسیار در جهان هستی غافل می سازد و سبب یأس و خستگی و جمود و کوله بینی می شود. از طرفی حضور در آفاق گسترده جهان و دیدار با انسان ها و مشاهده تلاش ها، نیازها، فرهنگ ها و اخلاق و آداب آنان، بسیاری از بیماری های روحی و جسمی را بهبود می بخشد و مشکلات اخلاقی و اجتماعی را درمان می کند. از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«سَافِرُوا تَصْحُوا وَ تُرْزَقُوا(۱)؛ مسافرت کنید تا تندرست بمانید و به شما روزی داده شود».

یکی از روش های تربیتی و بسیار آموزنده قرآن کریم، ترغیب و تشویق و دعوت به سیر و سیاحت در زمین است. در این آیات، درس خداشناسی و پند آموزی از گذشتگان نهفته است؛ از جمله این آیه شریفه:

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌۚ۲.

ص: ۲۰

در آیه ای دیگر نیز خداوند می فرماید:

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ۱. در شعر معروف و منسوب به مولا- علی علیه السلام پنج فایده برای سفر یاد شده است: غم زدایی، تأمین اقتصادی، تقویت دانش و اطلاعات علمی، آشنایی با آداب و سنن ملت ها و هم نشینی با صالحان و نیکان.

آن حضرت فرموده است:

تَغَرَّبَ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى وَسَافِرٍ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسُ فَوَائِدَ

تَفَرَّجَ هَمٌّ وَاکْتَسَبَ مَعِيشَهُ وَعِلْمٌ وَآدَابٌ وَصُحْبَةُ مَا جَدَ (۱)

### سفرهای زیارتی

اصولاً سفرهای زیارتی آن هم به صورت دسته جمعی، دست آوردهایی فزون تر و گرانبها تر از گردش های علمی و تفریحی و سفرهای تجاری و سیاسی دارد، چرا که سفرهای زیارتی، اقدامی عبادی، معنوی و به انگیزه تقرب به آستان قدس ربوبی و حضور در محضر و مزار انسان های نمونه تاریخ است.

سفرهای زیارتی، آمیزه ای از عشق ملکوتی، تکریم و احترام به پاسداران ارزش ها، شست و شوی غبار غفلت و گناه و پناهندگی انسان به پایگاه های امن الهی و مشاهد و مراقد برکت آفرین اولیای اوست.

ص: ۲۱

---

۱- (۲) دیوان علی علیه السلام، ص ۱۳۹، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۱۵، باب ۲.

## شروع سفر با دعا

وقتی انسان مسافر آماده سفر می شود، بهتر است ابتدا غسل کند و پس از آن دو رکعت نماز بگزارد و از خدای متعال خیر خود را طلب نماید و آیه الکرسی بخواند، سپس حمد و ثنای الهی به جای آورد و بر حضرت رسول و آل او صلوات بفرستد و سپس این دعا را که از امام علی علیه السلام نقل شده بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ وَ كَأَبِهِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَ الْأَهْلِ وَ الْمَالِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ أَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَ لَا يَجْمَعُهُمَا غَيْرُكَ لِأَنَّ الْمُشْتَخْلَفَ لَا يَكُونُ مُسْتَضْحَبًا وَ الْمُسْتَضْحَبُ لَا يَكُونُ مُسْتَخْلَفًا» (۱)

پس از این دعا نیز تسیحات حضرت فاطمه علیها السلام را بگویند و سوره حمد را از پیش رو و از جانب راست و از جانب چپ بخواند و سپس سوره توحید و قدر را از شش جانب بخواند، و بعد از خواندن آیه الکرسی و سوره ناس و فلق و صدقه دادن سفر را آغاز کند.

## آداب و مستحبات سفر

(۲)

از جمله آداب سفر می توان به این موارد اشاره کرد:

۱ - طلب خیر از خداوند.

۲ - اطلاع به دوستان و بستگان و طلب حلالیت از آنان.

ص: ۲۲

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۹۱، باب ۱۱، به نقل از نهج البلاغه خطبه ۴۶، دعای امام علی علیه السلام هنگام رفتن به شام.

۲- (۲) العروه الوثقی، ج ۲، کتاب الحج، فی آداب السفر، ص ۴۱۱.

۳- وصیت کردن، به خصوص نسبت به امور واجب.

۴- صدقه دادن که بهتر است هنگام سوار شدن انجام گیرد.

۵- انتخاب همسفران مناسب و هم شأن از نظر اخلاقی و اقتصادی.

۶- انتخاب زمان مناسب برای سفر. از میان ایام هفته، روزهای شنبه، سه شنبه و پنجشنبه مستحب، و روز جمعه، قبل از نماز جمعه مکروه است. اگر در سایر ایام هفته لازم شد به سفر برود، بهتر است صدقه بدهد.

۷- خواندن دعای سفر، آیات و سوره های قرآنی که از جمله آنها سوره قدر، آیه الکرسی و سوره های حمد، ناس و فلق است.

### آداب معاشرت با همسفران

از امام صادق علیه السلام نقل شده که لقمان به فرزندش فرمود:

هر گاه با عده ای همسفر شدی در کارهای مربوط به خودت و آنها، با ایشان بسیار مشورت کن و به آنان بسیار تبسم نما؛ در زاد و توشه ات نسبت به آنان بخشنده باش و اگر تو را دعوت کردند قبول کن و اگر از تو کمک خواستند کمکشان کن؛ و در سه چیز از آنان برتر باش: خاموشی، کثرت نماز و بخشندگی در مرکب یا دارایی یا توشه ای که همراه داری.

اگر در امر حقی از تو شهادت خواستند، شهادت بده و اگر از تو مشورت و نظر خواستند، با تمام توان، اندیشه ات را برای آنان به کار گیر....

اگر همسفرانت به راه افتادند، تو نیز با آنان راه بیفت؛ و اگر دیدی کار می کنند، تو نیز با آنان مشغول کار شو؛ و اگر صدقه یا قرضی دادند، تو نیز با آنان همراهی کن. و از کسی که سنش از تو بیشتر است، حرف شنوی داشته باش.... و هر گاه از حرکت بازایستادی، پیش از

آنکه بنشیند دو رکعت نماز بگزار... و هر گاه کوچ کردی نیز دو رکعت نماز بخوان. و آن گاه با سرزمینی که در آن فرود آمده ای خداحافظی کن؛ و بر آن و مردمش درود فرست؛ زیرا هر سرزمینی را ساکنانی از فرشتگان است. (۱)

### بازگشت از سفر

یکی از مستحبات سفر، آوردن هدیه و سوغاتی برای نزدیکان و برادران دینی هنگام بازگشت از سفر است.

در روایتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده:

اِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ إِلَى سَفَرٍ تَمَّ قَدَمَ عَلَى أَهْلِهِ فَلْيَهْدِهِمْ وَ لِيُطِرْفَهُمْ وَ لَوْ حِجَارَةً (۲)؛ هر گاه یکی از شما به سفر رفت، در بازگشت حتی اگر شده یک قطعه سنگ برای خانواده اش هدیه و تحفه بیاورد.

همان طور که مستحب است مسافر، هنگام سفر به دوستان و بستگان اطلاع دهد و از آنان طلب حلالیت نماید، متقابلاً برای آنها نیز مستحب است هنگام برگشت مسافر، به پیشواز وی بروند و درخانه از او بازدید کنند، چرا که ثواب دیدار برادر مؤمن را برای آنان در پی خواهد داشت، و در صورتی که مسافر به زیارت قبور اولیا خدا رفته باشد در ثواب آن شریک خواهند شد.

معلی بن خنیس می گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

هر گاه کسی از برادرانتان از زیارت ما یا از زیارت قبور ما بازگشت، به

ص: ۲۴

---

۱- (۱) میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۴۸.

۲- (۲) همان.

استقبالش بروید و سلامش کنید و به خاطر نعمتی که خداوند به او ارزانی داشته، تهنیتش گوید که شما نیز همانند وی از رحمت الهی بهره دارید. بدانید هیچ کس به زیارت ما یا زیارت قبور ما نمی آید، مگر آنکه رحمت الهی او را در بر می گیرد و گناهایش بخشیده می شود(۱).

### شکرانه توفیق زیارت

سپاس از الطاف خدای متعال در هر لحظه ای امری پسندیده، بلکه لازم است، پس چه خوب است بعد از هر زیارتی، زبان به حمد و ثنای محبوب بگشاییم و بگوییم: سپاس خدایی را که بعد از سال ها آرزومندی، دعای مرا مستجاب کرد و مرا موفّق نمود تا به دیار ولایت مشرف شوم و نام من در زمره نام هایی قرار داد که شایسته زیارت آستان بهترین دوستانش قرار گرفته اند. الهی از تو می خواهم چشم هایم با عطر تربت مطهر آنان روشن شود؛ از لطفت سپاس گزارم که دیده ام را به تماشای لحظه هایی بردی که سال ها در آرزویش بودم. پروردگارا از تو سپاس گزارم که نامم را در فهرست عاشقان و دوستان و اولیای خود به ثبت رساندی؛ دوستانی که مرامشان چراغ زندگی من و سیره زندگی شان، روشنی بخش راه رسیدن به توست و یادشان مایه آرامش و امید ماست.

اکنون که از این سرزمین مقدس و ساحت پاک و بارگاه آسمانی بهترین بندگان خدا دور می شوم و با آنان خداحافظی می کنم دلم را غم گرفته و از تو

ص: ۲۵

می خواهم که جانم را برای همیشه میهمان این آستانِ آسمانی کنی و دست های مرا در سخت ترین شرایط روزگار، در  
دستان پرمهر آنان قرار دهی!

ای بهترین بندگان خدا و ای شهیدان کربلا! با خدای خویش و با شما عهد می بندم که بعد از این، عطر و بوی این دیار  
نورانی و رایحه خوش بندگی را با خود به همراه داشته باشم و از خط ولایت شما لحظه ای فاصله نگیرم. باشد که به حرمت  
دوستی صادقانه شما با خدا، در روزهای تنهایی و وحشت سرای آخرت، در زیر سایه شفاعت شما آرام بگیرم.

ص: ۲۶



## فصل اول: شناخت اجمالی دیار ولایت

اشاره

ص: ۲۷



عراق یکی از باستانی‌ترین کشورهای جهان و دارای تمدن و فرهنگی دیرینه و پُر بار است. از سویی به دلیل جاری بودن دجله و فرات، از گذشته به عراق «بین‌النهرین» می‌گفتند. تمدن بین‌النهرین از جمله قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری به شمار می‌رود که به هزاره پنجم قبل از میلاد بازمی‌گردد. سومری‌ها قدیمی‌ترین اقوام این سرزمین به حساب می‌آیند، به طوری که حکومت آنان به بیش از چهار هزار سال پیش از میلاد برمی‌گردد (۴۵۰۰-۲۳۰۰ ق. م).

پس از سومری‌ها به ترتیب دولت‌های «آکد» در مرکز و جنوب (۲۳۵۰-۲۱۵۹ ق. م)، «عیلامی»‌ها در شمال خوزستان به پایتختی شوش دانیال (۲۱۵۹-۱۸۹۴ ق. م) و بابلی‌ها (یا عموری‌ها) در جنوب عراق (۱۸۹۴-۱۵۹۴ ق. م) به قدرت رسیدند. از پادشاهان نامدار این دوره، حمورابی است که قانون‌نامه او نخستین قانون مکتوب و مدوّن جهان به شمار می‌آید. پایتخت حمورابی شهر بابل بود که بزرگ‌ترین و آبادترین شهر دنیای باستان به شمار می‌رفت. در این دوره، تمدن بین‌النهرین به اوج خود رسید (۱).

ص: ۲۹

---

۱- (۱) پیروز مجتهد زاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس، ص ۲۳۹.

از دیگر دولت های بین النهرین می توان به آشوری ها (۱۳۰۰-۶۰۶ ق. م) در شمال عراق، و کلدانی ها (۶۲۶-۵۳۹ ق. م) در جنوب اشاره کرد. کلدانی ها به پایتختی نینوا سال ها بر این سرزمین حکومت کردند.

بعد از آن یونانی ها توسط اسکندر مقدونی به مدت حدود بیست سال (۳۳۱-۲۴۷ ق. م) بر این سرزمین حکومت کردند. سپس حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد، کوروش، شاهنشاه هخامنشی مرکز و شمال بین النهرین را به قلمرو ایران ملحق کرد و عراق کنونی یکی از ایالات ایران شد. پس از هخامنشیان سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان نیز بر عراق حکومت کردند. البته در دوره ساسانی، عراق اهمیت بسیاری یافت تا جایی که پایتخت شاهنشاهی ایران، یعنی تیسفون در بین النهرین قرار داشت. ایوان مداین (طاق کسری) نیز از آثار همین دوره است.

## عراق در دوران اسلامی

### اشاره

در سال ۱۷ هـ - ق به هنگام ظهور اسلام، فاتحان مسلمان در زمان خلیفه دوم، حکومت ساسانی را از بین بردند و عراق، جزئی از قلمرو اسلامی شد. در زمان خلافت امام علی علیه السلام در سال ۳۵ هـ - ق امیرالمؤمنین علیه السلام مرکز حکومت اسلامی خود را از حجاز (مدینه) به کوفه انتقال داد و مدّت حدود پنج سال در آن دیار حکومت کرد و به این ترتیب بود که عراق اهمیت بسیار یافت. سه جنگ بزرگ جمل، صفین و نهروان نیز در این زمان به وقوع پیوست.

از سال ۴۱ تا ۱۳۲ هـ - ق سرزمین عراق با حکومت امویان و مروانیان، بستر حادثه های فراوانی شد؛ از جمله در زمان حکومت یزید بن معاویه و به دستور او در سال ۶۱ هـ - ق و در دهم محرم، واقعه عاشورا اتفاق افتاد و امام حسین علیه السلام با ۷۲ تن از بستگان و اصحابشان در کربلا به شهادت رسیدند.

در سال ۶۶ هـ - ق مختار بن ابوعبیده ثقفی، شیعیان را گرد خود جمع کرد و علیه بنی امیه قیام کرد و قاتلان امام حسین علیه السلام و یارانش را دستگیر و مجازات کرد. بعدها نیز در سال ۱۲۲ هـ - ق زید بن علی، به خونخواهی جدش امام حسین علیه السلام، علیه هشام بن عبدالملک، خلیفه اموی قیام کرد.

از سال ۱۳۲ هـ - ق عباسیان جای حکومت امویان را گرفتند، و ابوالعباس نخستین خلیفه عباسی در کوفه به خلافت نشست. در سال ۱۴۵ هـ - ق منصور دوانیقی، پایتخت عباسیان را به شهر نوبنیاد بغداد انتقال داد.

سال ۳۳۴ هـ - ق آغاز حکومت آل بویه در عراق، تحت نظر خلافت عباسی بود که تا سال ۴۴۷ هـ - ق (بیش از یک قرن) ادامه داشت. فرمانروایان آل بویه نسبت به برپایی مراسم عاشورا و عید غدیر، تقویت و ترویج مذهب شیعه در عراق و ساخت مقابر شیعه، به ویژه حرم امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، سهم به سزایی داشتند.

در سال ۶۵۶ هـ - ق حکومت عباسی با یورش هولاکوخان مغول از بین رفت. پس از مرگ هولاکوخان جانشینان وی یعنی ایلخانان تا سال ۷۳۸ ق حکومت کردند. پس آنها نیز خاندان «جلایری» به مدت هفتاد و پنج سال و خاندان «آق قویونلو» و «قراقویونلو» به مدت یک قرن یعنی تا سال ۹۱۴ ق بر عراق حکومت کردند.

از اوائل قرن نهم هجری، شاه اسماعیل صفوی بغداد را فتح کرد و عراق، مجدداً جزئی از ایران شد. حکومت صفویان تا سال ۹۴۱ ق ادامه یافت. از آن تاریخ تا سال ۱۰۴۹ ق، عراق گاهی تحت حکومت صفوی ها و گاه تحت حکومت عثمانی ها بود، اما از نیمه قرن یازدهم تا پایان قرن سیزدهم هجری شمسی، عراق حدود سه قرن و به طور مستمر، تحت حکومت امپراتوری عثمانی قرار داشت.

در جریان جنگ جهانی اول و فروپاشی دولت عثمانی در سال (۱۹۱۵ م) عراق در سال (۱۹۱۷ م) از عثمانی جدا شد و به اشغال انگلستان درآمد. در سال (۱۹۲۰ م) قیام مردم عراق علیه سلطه و اشغال انگلیس به رهبری، میرزا محمد تقی شیرازی، سید مهدی حیدری و شیخ مهدی خالصی انجام گرفت که به «ثوره العشرین» شهرت یافت. در این دوره، انگلیس ناگزیر شد برای حفظ منافع خود در سال (۱۹۲۱ م) ملک فیصل را به پادشاهی عراق برساند. بعد از وی ملک غازی و ملک فیصل دوم به پادشاهی رسیدند تا اینکه در سال (۱۹۴۷ م) از سوی سازمان ملل، استقلال عراق اعلام شد.

در سال (۱۹۵۸ م) با کودتای سرتیب عبدالکریم قاسم، علیه ملک فیصل دوم، در عراق، حکومت جمهوری اعلام شد، ولی چند سال بعد یعنی در سال (۱۹۶۳ م) و در یک کودتا، عبدالکریم قاسم کشته شد و عبدالسلام عارف جای وی نشست. گرچه او نیز در سال (۱۹۶۶ م) و در یک سانحه هوایی کشته شد و برادرش عبدالرحمن عارف به جای وی نشست.

در سال (۱۹۶۸ م) احمد حسن البکر با کودتا، از طریق حزب بعث، به رهبری «میشل عفلق» حکومت عراق را به دست گرفت. ولی شش سال بعد، یعنی در سال (۱۹۷۴ م) صدام حسین، حسن البکر را مجبور به استعفا کرد و خودش رئیس جمهور عراق شد.

در سال (۱۹۷۹ م) با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در سال (۱۹۸۰ م) صدام قرارداد الجزایر موسوم به قرارداد سال (۱۹۷۵ م) را که برای تعیین مرزهای آبی و خاکی تنظیم شده بود، پاره کرد و در سپتامبر همان سال (۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ش) به ایران یورش برد و جنگی هشت ساله را به این کشور تحمیل کرد. این جنگ با قبول قطعنامه سازمان ملل از سوی ایران به پایان رسید. ولی

خوی تجاوز گری صدام باعث شد در سال ۱۹۹۰ م به کویت حمله کند، تا اینکه نیروهای چند ملیتی به رهبری آمریکا در عملیات «طوفان صحرا» در سال (۱۹۹۱ م) کویت را آزاد نمودند. در این هنگام، انتفاضه شعبانیه مردم عراق، در سال ۱۹۹۱ (۱۳۷۰ هـ. ش) چند روز پس از شکست رژیم صدام در جنگ کویت آغاز شد. سیاستمداران آمریکا که از به قدرت رسیدن شیعیان نگران بودند، به رژیم صدام اجازه دادند آنان را سرکوب کند. بخش اعظم این جنایت ها با همکاری منافقین و حمایت آمریکا صورت گرفته بود.

در سال (۲۰۰۳ م) با حمله نیروهای ائتلاف به ریاست آمریکا به بهانه وجود سلاح کشتار جمعی در عراق، به این کشور یورش بردند و صدام را سرنگون کردند، و عراق به اشغال آمریکا و متحدینش در آمد. در این بین، بیش از یک میلیون عراقی و در پی حملات اشغالگران و بمب گذاری ها و عملیات تروریستی گروه های افراطی و وهابیون از جمله القاعده در عراق کشته شده اند. بالأخره در سال (۲۰۰۵ م) در عراق انتخابات انجام گرفت و برای اولین بار یک حکومت مردمی تشکیل شد.

### عراق امروز در یک نگاه

نام رسمی: الجمهوریه العربیه العراقیه - Ir

پایتخت: بغداد.

روز ملی: روز انتفاضه شعبانیه (هفدهم شعبان ۱۴۱۱ ق مصادف با ۱۹۹۱ م).

نوع حکومت: جمهوری چندحزبی داری سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه.

مساحت: ۴۳۸/۳۱۷ کیلومتر مربع (شصت و پنجمین کشور جهان).

جمعیت: حدود ۳۰ میلیون نفر (آمار ۱۳۸۶).

ص: ۳۳

نژاد: عرب: ۷۵٪، کرد: ۲۰٪، ترکمن، آشوری، فارس و غیره: ۵٪.

دین: مسلمان: ۹۷٪ (شیعه، ۶۴٪؛ سنی، ۳۳٪) مسیحی و غیره: ۳٪.

زبان: عربی (زبان رسمی) زبان های کردی، ترکی و فارسی نیز رایج است.

واحد پول: دینار عراق (۱۰۰۰ فلس معادل یک دینار)، این واژه از دیناریوس واحد پول امپراتوری روم گرفته شده.

منابع ثروت: نفت و خرما.

همسایگان: ایران در شرق (طول مرز ۱۴۵۸ کیلومتر)، ترکیه در شمال (طول مرز ۳۵۲ کیلومتر) سوریه در غرب (طول مرز ۶۵ کیلومتر)، اردن در غرب (طول مرز ۱۸۱ کیلومتر) عربستان سعودی در جنوب غربی (طول مرز ۸۱۴ کیلومتر)، کویت در جنوب شرقی (طول مرز ۲۴۰ کیلومتر).

رودهای مهم: دجله، به طول ۱۸۵۰ کیلومتر که از کشور ترکیه سرچشمه می گیرد و رود فرات که منشأ آن از کشور سوریه است. هر دو رود از شمال کشور به سمت جنوب آن روان هستند و در جنوب در نزدیکی بصره با پیوستن به هم به اروند رود سپس به خلیج فارس می ریزند.

اماکن زیارتی: عراق محل زندگی و شهادت شش امام شیعه است. شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا زیارتگاه شیعیان جهان است.

اماکن تاریخی: طاق کسری در مدائن، و بسیاری شهرهای تاریخی مانند بابل، آشور، نیوا، بورسیا، حیره و اور.



## فصل دوم: آشنایی با هفت شهر دیار ولایت

اشاره

ص: ۳۵



شهر نجف اشرف

اشاره

ص: ۳۷



نجف یکی از شهرهای زیارتی عراق است که در جنوب این کشور واقع شده و به سبب وجود مزار شریف نخستین پیشوای شیعیان جهان، کعبه آمال و آرزوهای بسیاری از مشتاقان و ارادت مندان اهل بیت علیهم السلام است. این شهر در ۷۷ کیلومتری جنوب شرقی کربلا- و ده کیلومتری جنوب کوفه قرار دارد. وجود شهر باستانی حیره در مجاورت آن، که تمدن درخشانی در تاریخ عراق دارد، از سابقه تاریخی این منطقه خبر می دهد. وادی السلام در شمال و دریای خشک شده نجف در مغرب و صحرائی متصل به بادیه الشام که تا عربستان و اردن و سوریه ادامه دارد در مغرب آن واقع شده است. (۱)

این شهر را از آن رو نجف نامیده اند که نسبت به زمین های مجاور بلند، و به سبب آنکه مستطیل شکل یا دایره ای است، آب بر سطح آن جمع نمی شود. (۲) همچنین در وجه تسمیه آن گفته اند:

در زمان طوفان نوح اینجا مکانی مرتفع بود، سپس دریاچه ای پهناور در آن شکل گرفت که به «نی» اشتهار یافت. این دریاچه با گذشت

ص: ۳۹

---

۱- (۱) عضدالملک، سفرنامه عضد الملک به عتبات عالیات، ص ۱۵۳.

۲- (۲) یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۷۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۳۳۴.

زمان به تدریج خشک شد و به آن «نی جَفّ» گفتند؛ یعنی دریای نی خشک شد. (۱)

این منطقه علاوه بر نجف، به نام های دیگری نیز شهرت دارد از جمله الغری یا غرّیان. غری به معنای زیبایی است و هر بنای نیکی را غری گویند. در وجه تسمیه آن گفته اند نام یک یا دو علامت یا بنای بلند بوده که قبل از اسلام در محل کنونی مسجد حنانه از دور دیده می شده است (۲). همچنین به کسانی که در نجف اشرف ساکن یا متولد شده اند، عمدتاً غروی می گویند.

در فضیلت این شهر مقدس روایات فراوانی نقل شده که به برخی از آن ها اشاره می نمایم. از امام امیر المؤمنین علیه السلام نقل است:

«اول مکانی که در آن، خدا را عبادت کرده اند پشت کوفه (نجف) است، زیرا در آن جا ملائکه به فرمان خداوند، آدم را سجده کردند.» (۳)

### سوغات نجف

مفضل بن عمرو نقل می کند خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، آن حضرت فرمود:

ای مفضل دوست می دارم هر مؤمنی، پنج انگشتری داشته باشد و یکی از آنها را در نجف برشمرد. هر کس آن را به انگشت داشته باشد، خداوند پاداش

ص: ۴۰

---

۱- (۱) ابن بابویه، علل الشرایع، ص ۲۲.

۲- (۲) ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۲۱.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۲.

حج یا عمره ای که انبیا و صالحین، آن را به جای آورده باشند، به وی اعطا می کند. و اگر نبود رحمت الهی بر شیعیان ما، بهای آن، آن چنان بالا می رفت که نمی شد آن را قیمت گذاری کرد، ولی خداوند قیمتش را پایین نگه داشت تا دارا و ندار همه بتوانند آن را داشته باشند(۱).

### نجف در گذر تاریخ

نجف به دلیل همسایگی با شهر باستانی حیره، در سرزمینی صاحب تمدن و فرهنگ قرار گرفته است. حیره از هزاره اول قبل از میلاد مرکز تمدن «لخمی» ها و «آل منذر» بود و سابقه درخشانی در عرصه فرهنگ و تمدن داشت. بر اساس روایاتی، سابقه تاریخی نجف به دوران طوفان نوح برمی گردد و عده ای این مکان را جای به گل نشستن کشتی نوح و محل جدا شدن فرزندان او می دانند و نام های «طور» و «جودی» را برای آن برگزیده اند.

در عصر اسلامی، نام نجف تنها به سبب فتح و گشایش ایران و عراق در متون تاریخی دیده می شود و تا زمان عباسی نام چندانی از آن به چشم نمی خورد. از دوران هارون الرشید، به سبب آشکار شدن مرقد امام علی علیه السلام، این شهر، بسیاری را به سکونت پیرامون خود ترغیب کرد. نجف در عصر آل بویه رونق و شکوه فراوانی یافت. پادشاهان شیعی دیلمی نیز در تعمیر و بازسازی مرقد حضرت علی علیه السلام و خدمات عمرانی در این شهر تلاش زیادی کردند(۲).

ص: ۴۱

---

۱- (۱) علامه مجلسی، حلیه المتقین، ص ۱۹.

۲- (۲) ر. ک: تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۳۶۰؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۴.

اکنون نجف، هم یک شهر مقدس و زیارتی است و هم از لحاظ علمی، شهره آفاق است و در سده های اخیر تربیت کنندگان و صاحبان فقه و مرجع تقلید بوده است. امام خمینی سال های تبعید خود را در نجف گذراند و پایه های نظری حکومت اسلامی و ولایت فقیه را در درس های خارج فقه این حوزه استوار ساخت.

### حوزه علمیه نجف

با گذشت زمان، نجف به شهری آباد تبدیل شد و عاشقان حق و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام به آنجا روی آوردند. شیخ طوسی در قرن پنجم، حوزه علمیه نجف را تأسیس کرد.<sup>(۱)</sup> و این شهر، مهد علم و کانون معارف اهل بیت علیهم السلام گشت. از حوزه هزارساله نجف، هزاران دانشمند، فقیه و محدث برخاست و هم اکنون قبر بسیاری از علمای اسلام در نجف است.

حوزه علمیه نجف از آن هنگام تا عصر حاضر، به رغم فرازها و فرودها، هم چنان، به عنوان یکی از مراکز علمی جهان تشیع مطرح و منشأ اثر است.<sup>(۲)</sup>

### اماکن زیارتی و آثار دینی نجف

#### ۱. مرقد مطهر امام علی علیه السلام

#### اشاره

در روایتی آمده که امام علی علیه السلام نگاهی به وادی مرتفع پشت کوفه (ظهر الکوفه) افکند و فرمود:

ص: ۴۲

---

۱- (۱) جعفر آل حبویه نجفی، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۳۱.

۲- (۲) ر. ک: سعید بابایی، سیمای نجف اشرف، صص ۳۲-۳۵.



«چه قدر منظره ات زیبا و ژرفای درونت پاکیزه و معطر است. خدایا قبر مرا در این سرزمین قرار بده».(۱)

وقتی حضرت امیر در سال ۴۰ هجری شهید شدند، امام حسن و امام حسین علیهماالسلام طبق دستور آن حضرت، پیکر مقدسش را شبانه و پنهانی تشییع کردند و در مرقد پاکش در نجف به خاک سپردند تا خوارج نسبت به بدن مطهر آن حضرت جسارت نکنند.(۲)

در شب دفن، تابوتی را بر شتری بستند و همراه با افراد موثق، از کوفه بیرون بردند، تا وانمود کنند که به مدینه می برند. استری را نیز با جنازه ای پوشانده بیرون بردند، تا وانمود کنند که در «حیره» دفن می کنند. در مسجد و نیز دارالاماره و منزل یکی از اصحاب و در «کناسه» و «ثویه» چند قبر کردند و بدین صورت جز اصحاب خاص و فرزندان آن حضرت، کسی از محل دقیق دفن ایشان اطلاع نداشت.(۳)

امام سجاد علیه السلام به طور مخفیانه آن را زیارت می کرد. امام باقر علیه السلام در عهد بنی مروان از آن خبر داشت و گاهی به زیارت آن حضرت می رفتند. امام صادق علیه السلام که در عصر عباسیان چندین بار به عراق احضار شد، در مسیر راه، موضع قبر شریف را به یاران مخصوص که همراهش بودند، نشان می داد. به تدریج برای همه جایگاه آن مرقد مطهر آشکار و محل زیارت و رفت و آمد گشت و در زمان هارون، کاملاً از آن حالت پنهانی درآمد.(۴)

ص: ۴۳

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۳۷.

۲- (۲) دیلمی، ارشادالقلوب، ج ۲، ص ۳۸۶.

۳- (۳) سیدمحمد مهدی موسوی اصفهانی، معجم القبور، ج ۱، ص ۳۶۷.

۴- (۴) محمدحسین المظفری، تاریخ الشیعه، ص ۹۴.

هارون به شکار رفته بود. همراهان او در منطقه «غریین» آهوانی را دیدند و در پی آنها باز و سگ شکاری فرستادند. پس از مدتی آهوان به تپه ای پناهنده شدند و بازها و سگ ها برگشتند. هارون تعجب کرد. بار دیگر آهوان از تپه پایین آمدند و بازها و سگ ها دوباره در پی آنها روان شدند، اما آهوان باز هم به آن تلّ پناه بردند. این صحنه سه بار تکرار شد. به دستور هارون، پیرمردی از بنی اسد را در آن منطقه یافته، آوردند. هارون ماجرای تپه را پرسید. او امان خواست و سپس به نقل از پدرانش گفت که در این تپه، قبر علی بن ابیطالب علیه السلام است. خداوند آن را حرم و پناهگاه قرار داده و هر که به آنجا پناه آورد، ایمن است. هارون نیز متأثر شد و گریست... (۱)، سپس دستور داد بفرزاد قهرمان علی علیه السلام بقعه و بنایی استوار شد و این نخستین بنای مرقد مطهر و در دوران خلافت هارون به سال ۱۶۵ هـ. ق بود. (۲)

در عصر پادشاهان شیعی آل بویه، مرقد مطهر امام علی علیه السلام چون سایر مراقد و مزارها در عراق، توسط عضدالدوله بازسازی شد و توسعه یافت و عظیم ترین بنا بر آن استوار شد. او در ۳۶۳ ق مدت یک سال در نجف ساکن شد و شخصاً بر این توسعه و بنای باشکوه نظارت کرد و ثروت فراوانی به مجاوران قبر و سادات بخشید. بنای عضدالدوله تا ۷۵۵ ق باقی بود. (۳)

شاه اسماعیل پس از سلطه بر بغداد، به زیارت عتبات و مرقد امام علی علیه السلام در نجف رفت و کارهایی برای آبادانی شهر انجام داد. در دوران صفوی، بازسازی و توسعه حرم با شدت بیشتری دنبال شد. شاه عباس صفوی ضمن

ص: ۴۴

---

۱- (۱) شیخ مفید، ارشاد، ج ۱، ص ۲۶، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۶.

۲- (۲) ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، صص ۲۱-۲۲.

۳- (۳) ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۴۴؛ دایره المعارف تشیع، ج ۱، صص ۶۷-۶۸.

زیارت آن مرقد در ۱۰۳۳ ق، دستورهایی برای تعمیر حرم، گنبد و صحن صادر کرد.<sup>(۱)</sup>

شاه صفی، نوه شاه عباس صفوی، وزیر خود میرزا تقی مازندرانی را امر کرد تا قسمتی از اطراف صحن و حرم را توسعه دهد. این کار در ۱۰۴۷ ق انجام شد.<sup>(۲)</sup> بنای فعلی با اندکی تغییر، یادگار آن دوران است.<sup>(۳)</sup>

نادرشاه افشار در ۱۱۵۶ ق دستور داد کاشی های گنبد و گل دسته ها را بردارند و به جای آن از خشت های طلایی استفاده کنند. تاریخ این طلا کاری نیز بر روی گنبد ثبت شد.<sup>(۴)</sup> در دوره قاجار نیز اقدام هایی برای توسعه و بازسازی حرم انجام شد.

### هنرمندی و معماری در آستان علوی علیه السلام

در عصر صفویه، تعمیرات حرم مطهر به دست شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۴ هـ - ق آغاز شد. در عصر شاه عباس نیز با طرح و نقشه و مهندسی شیخ بهایی، صحن شریف آستان علوی تکمیل شد. شیخ بهایی در طراحی بنای حرم امیرالمؤمنین علیه السلام تمام هنرمندی خود را به کار برد و آن را متمایز از سایر حرم ها بنیان نهاد.

در سایر حرم های شریف، زائر، پشت به قبله و از جهت جنوب وارد حرم می شود، اما در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام، ایوان و ورودی اصلی، به گونه ای است

ص: ۴۵

---

۱- (۱) ال محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۴۶.

۲- (۲) جلالی الحسینی، مزارات اهل البیت، ص ۴۸.

۳- (۳) حسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۳۴.

۴- (۴) دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۸۰.

که زائر از پایین پا، یعنی از جهت شرقی وارد قبه مطهر می شود. احتمالاً شیخ بهایی خواسته است با این کار، احترام ویژه ای نسبت به ساحت مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام ابراز کند. اما بیرون صحن هم، باب «امام رضا علیه السلام» از یک سو به طرف بازار اصلی شهر (سوق الکبیر) باز شده و از سوی دیگر در برابر ایوان حضرت علیه السلام قرار دارد و هنگامی که کسی از دروازه اصلی وارد شهر شده و آن را در پشت سر خود قرار می داد، تا انتهای بازار شهر و باب امام رضا علیه السلام ایوان طلا و ضریح مطهر را به خوبی می دید.

از صدها سال پیش تا امروز و با تمام تغییراتی که در شهر به وجود آمده، همواره اولین شعاع آفتاب بامدادی، بازار شهر را روشن کرده، از میانه «باب امام رضا علیه السلام» مستقیماً بر ضریح مطهر می تابد. این تابش، چنان زیبا و خیال انگیز است که شعرای بسیاری در وصف زیبایی آن، قصیده هایی سروده و این پدیده را «سلام بامدادی آفتاب، به ساحت مقدس مولی الموحدین» به شمار آورده اند.

### **بناهای آستان قدس علوی علیه السلام**

۱ - حسینیه صحن شریف: این حسینیه در قسمت شمال صحن مطهر واقع شده و در آن از ایوان سوم از زاویه شمال شرقی باز می شود. بنای آن را سید محسن زینی از خیرین نجف ساخته است. این بنا برای نماز، مراسم و استراحت زائران حضرت ساخته شده و دارای وضوخانه بوده است.

۲ - ایوان العلماء: این ایوان در وسط ضلع شمالی رواق مطهر واقع شده و از آثار دوره آل بویه است. از آنجا که عده ای از علمای بزرگ در آنجا مدفون هستند، نام «ایوان العلماء» را بر آن نهاده اند. از جمله این بزرگان شیخ ملا محمد مهدی نراقی، متوفای سال ۱۲۱۱ هـ. ق، و شیخ احمد نراقی فرزند ایشان و متوفای ۱۲۴۵ هـ. ق. هستند.

۳ - مدرسه علوم دینی: در طبقه فوقانی صحن مطهر، ۵۲ حجره وجود دارد که هر حجره، ایوانی مشرف به صحن دارد و پشت هر حجره هم راهرویی قرار دارد که به پله ها منتهی می شود. این حجره ها مکان درس و سکونت طلاب بوده و علمایی چون مقدس اردبیلی در آن می زیسته اند.

### مساجد مشهور شهر نجف علیه السلام

نجف اشرف، مساجد زیادی دارد که مساجد بزرگ آن بالغ بر یکصد مسجد است. قبل از این و در زمان مرحوم کاشف العطاء، نمازجماعت در حرم مطهر برگزار نمی گردید، بلکه در این مساجد برپا می شد. زیرا کاشف الغطاء عقیده داشت که اقامه نمازجماعت در حرم، باعث آزار زائرین می گردد و همین مسئله موجب شد مساجد نجف، آبادتر شوند. از مساجد مشهور و مهم شهر نجف عبارتند از:

۱ - مسجد عمران بن شاهین: این مسجد از قدیمی ترین مساجد نجف است که در شمال صحن مطهر واقع شده و اکنون جزئی از حرم به شمار می آید. عمران، در دوران حکومت عضدالدوله در عراق علیه وی قیام کرد، اما شکست خورد. پس از شکست، نذر کرد چنانچه عضدالدوله او را ببخشد، رواقی در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام بنا کند. عضدالدوله او را بخشید و عمران هم به نذرش وفا کرد و در اواسط قرن چهارم این رواق را بنا نهاد. در نهایت نیز این رواق، به مسجد تبدیل شد.

۲ - مسجد الرأس: این مسجد در غرب صحن مطهر و متصل به رواق بنا شده و هم اکنون در طرح توسعه حرم مطهر قرار دارد. در نام گذاری مسجد دو احتمال بیان شده است؛ یکی موقعیت این مسجد که در مقابل سر مبارک حضرت قرار دارد و دیگری روایاتی از امام صادق علیه السلام که بر دفن سر مقدس

امام حسین علیه السلام در این مکان دلالت دارد. از جمله این روایات سلام دادن امام صادق علیه السلام به همراه فرزندش اسماعیل، بر امام حسین علیه السلام پس از نماز خواندن بر جدشان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف است. (۱)

۳- مسجد الخضر: این مسجد در ضلع شرقی صحن مطهر واقع شده و دو در دارد که یکی داخل صحن (سومین ایوان سمت راست باب مسلم بن عقیل) و دیگری بیرون صحن قرار دارد. این مسجد محل تدریس آیت الله العظمی خویی بوده است. هم اکنون دیوار حائل مابین مقبره ایشان (حجره ۳۱) و مسجد را برداشته و آن را با پنجره ای مشبک پوشش داده اند.

۴- مسجد حنّانه: کاروان کربلا در مسیرشان به سمت کوفه، سر مقدس سیدالشهداء علیه السلام را در این محل بر زمین گذاشتند و زمین ناله سر داد. بعدها در این مکان، مسجدی ساختند و به یاد آن ناله، مسجد را «حنّانه» نامیدند. این مسجد بین نجف و کوفه، نزدیک قبرستان «ثوی» و مرقد کمیل قرار دارد. ابن ابی عمیر از مفضل روایت کرده:

هنگامی که امام صادق علیه السلام به این عمارت رسید، دو رکعت نماز خواند. به حضرت عرض کردند: این چه نمازی بود؟ حضرت فرمود: این موضع سر مبارک جدّم حسین بن علی علیه السلام است؛ هنگامی که او را از کربلا به سوی عیدالله می بردند، در اینجا نهادند. (۲)

ص: ۴۸

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۸ به نقل از کامل الزیارات، ص ۳۴؛ کافی، ج ۴، ص ۵۷۱.

۲- (۲) تحفه الزائر، ص ۱۰۶.

۵ - مسجد شیخ طوسی: این مسجد که در کنار مرقد شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ق) واقع است، همچنان محل تدریس اساتید حوزه نجف می باشد. بعد از هجرت شیخ طوسی از بغداد به نجف، اینجا منزل و محل سکونت ایشان بود و جلسات درس و مذاکرات علمی شیخ در اینجا برگزار می شد و پس از وفات شیخ و طبق وصیت وی، به مسجد تبدیل شد. این مسجد، یکی از مشهورترین مساجد نجف است که در محله مشراق قرار دارد(۱).

۶ - مسجد هندی: این مسجد که در ابتدای شارع الرسول واقع شده، از مساجد بزرگ و مشهور نجف و یکی از مراکز تدریس حوزه علمیه نجف است و در اوائل قرن سیزدهم به دست حاج خان محمد هندی ساخته شد. در کنار آن کتابخانه آیت الله العظمی سید محسن حکیم و آرامگاه وی و دیگر خاندانش قرار دارد.

۷ - مسجد شیخ انصاری: مشهور به مسجد ترک ها که در محله «حَوَیش» واقع شده و با مساعدت و تحت نظارت شیخ مرتضی انصاری بنا شده است. این مسجد محل برگزاری جلسات درس بزرگان حوزه نجف از جمله سیدمحمد کاظم یزدی بوده است. امام خمینی رحمه الله سال های تبعید و اقامتش در نجف، در این مسجد به اقامه نماز جماعت و تدریس می پرداخت.

۸ - مسجد شیخ جعفر شوشتری: این مسجد در محله مشراق قرار دارد و واعظ مشهور، شیخ جعفر شوشتری، سال ها در آن به موعظه و ایراد سخن اشتغال داشت.

ص: ۴۹

۹ - مسجد علامه میرزای شیرازی: از مساجدی است که در بیشتر اوقات مملو از نمازگزاران است.

۱۰ - مسجد صفه الصفا: از مساجد قدیمی نجف است که در محله «شیلان» قرار دارد و تاریخ بنای آن به قرن هشتم هجری می‌رسد.

۱۱ - مسجد شیخ طریحی: از مساجد بزرگ و مشهور نجف است که به محقق کرکی نسبت داده می‌شود. این مسجد در سال ۱۳۷۶ هـ. ق مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفت.

۱۲ - مسجد و مدرسه کاشف الغطاء: این مسجد مدفن مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء و نیز عده ای از خاندان ایشان است.

### مدارس دینی مشهور نجف

در حوزه هزار ساله نجف، که بزرگ‌ترین و با سابقه‌ترین حوزه دینی شیعه است، مدارس بسیاری با هدف سکونت و تدریس طلاب ساخته شده است که مشهورترین آنها عبارتند از:

۱ - مدرسه مقداد سیوری: فاضل مقداد متوفای سال ۸۲۶ هـ. ق.

۲ - مدرسه صدر: قدیمی‌ترین مدرسه موجود، شامل ۳۰ حجره.

۳ - مدرسه معتمد: تأسیس آن در سال ۱۲۶۲ هـ. ق و شامل ۲۰ حجره است.

۴ - مدرسه قوام: تأسیس در سال ۱۳۰۰ هـ. ق و شامل ۲۶ حجره.

۵ - مدارس آخوند خراسانی: شامل ۳ مدرسه (بزرگ، متوسط، کوچک).

۶ - مدرسه هندی: شامل ۲۰ حجره.

۷ - مدرسه بخارائی: تأسیس در سال ۱۳۲۹ هـ. ق و تجدید بنا در ۱۳۸۰ هـ. ق.



۸ - مدرسه سیدمحمد کاظم یزدی: تأسیس در سال ۱۳۲۵ هـ - ق.

۹ - مدرسه میرزای شیرازی: قبر میرزا نیز در آن قرار دارد.

۱۰ - مدرسه بروجردی: تأسیس در سال ۱۳۷۳ هـ - ق، که دارای کتابخانه ارزشمندی است. این مسجد در اصل سقاخانه حرم بوده، و فعلاً تنها اسمی از آن باقی است.

۱۱ - مدرسه دارالحکمه: تأسیس آیت الله العظمی حکیم رحمه الله.

۱۲ - مدرسه سبزواری: در این مسجد مرقد آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری رحمه الله قرار دارد.

۱۳ - مدرسه دارالعلم: مدرسه آیت الله العظمی خویی رحمه الله.

۱۴ - جامعه النجف الدینیه: تأسیس سال ۱۳۷۶ هـ - ق، و بزرگ ترین مدرسه در نجف است که دارای کتابخانه جامع و مسجد است و در خیابان اصلی نجف به سمت کوفه قرار دارد.

### کتابخانه های نجف

نجف، شهری حوزوی و مرکز علم و عالمان بوده و هست و دارای سابقه ای هزار ساله در رشد و ترویج فرهنگ اسلامی است، از این رو کتابخانه های بسیاری دارد؛ به طوری که معمولاً در هر مدرسه، کتابخانه ای نیز وجود دارد. از جمله کتابخانه هایی که اهمیت بیشتری دارند، عبارتند از:

۱ - مکتبه الروضه الحیدریه: تاریخ آن به قرن چهارم هجری و به دوره آل بویه می رسد و دارای نسخه های بسیار نفیسی است. محل کنونی آن، در کنار مسجد عمران بن شاهین می باشد.

- ۲ - مکتبه الامام الحکیم العامه: این کتابخانه در مجاورت مسجد هندی است و در سال ۱۳۷۷ هـ - ق تأسیس شد. آرامگاه آن مرحوم نیز در گوشه ای از مسجد قرار دارد.
- ۳ - مکتبه الشیخ آغابزرگ الطهرانی: مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی در سال ۱۳۷۵ هـ - ق کتاب های خود را وقف عام نمود. مجموع کتاب های وی، ۵۰۰۰ جلد بود که ۱۰۰ نسخه خطی کم نظیر نیز در میان آنهاست.
- ۴ - مکتبه مدرسه الصدر: در ابتدای قرن سیزدهم توسط محمد حسین خان صدراعظم تأسیس شد.
- ۵ - مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام: در محل حُویث است، و بانی آن مرحوم علامه امینی صاحب الغدیر است. آرامگاه آن مرحوم نیز در جوار آن قرار دارد.
- ۶ - مکتبه حسینیه الشوشتریه: از قدیمی ترین کتابخانه های نجف بوده و توسط حاج میرزا علی محمد نجف آبادی در اواخر قرن سیزدهم تأسیس گردید. این کتابخانه محل عزاداری شوشتری ها نیز بوده است.
- ۷ - مکتبه الامام حسن المجتبی: این کتابخانه در انتهای شارع الرسول بنا شده است. بنیانگذار این کتابخانه، جناب علامه شیخ باقر شریف القرّشی، مؤلف کتب «موسوعه سیره اهل البیت» است.
- ۸ - مکتبه مدرسه کاشف الغطاء: نزدیک حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام.

حوزه علمیه مقدس نجف اشرف توسط شیخ الطائفه، طوسی در قرن چهارم هجری تأسیس گردید و بیش از هزار سال است که عاشقان علوم اهل بیت در جوار مرقد منور و ملکوتی امام علی علیه السلام از دریای بیکران علم استفاده می کنند. در طول حیات پربار این حوزه کهن، عالمان بسیار بزرگی برخاسته و چراغ راه شیعیان جهان شدند. آنان پس از عمری مجاهدت در راه اعتلای فرهنگ ناب تشیع، در جوار مرقد ملکوتی مولی الموحدین، امام علی علیه السلام آرمیده اند. در اینجا به اختصار به شرح زندگی تعدادی از این عالمان بزرگ می پردازیم و از خداوند برای آنها علو مقام خواهانیم.

۱ - شیخ طوسی (۳۸۵ ق - ۴۶۰ ق): این آستان در کنار باب الطوسی حرم مطهر و در «شارع الطوسی» قرار دارد. این جا سکونت گاه شیخ الطائفه ابوجعفر محمد بن حسن طوسی بوده است. او پیش از آن در بغداد اقامت داشت و از محضر شیخ مفید و سید مرتضی بهره می برد و پس از وفات سید مرتضی به مرجعیت شیعه رسید. شیخ طوسی وصیت کرد که از این مکان به عنوان مسجد استفاده کنند و خود او را نیز، پس از مرگ، در آن جا به خاک بسپارند. (۱)

۲ - علامه حلّی (۶۴۷ ق - ۷۲۶ ق): حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، در حجره ای میان ایوان طلای صحن مرقد امام علی علیه السلام به خاک سپرده شده است. شیعه شدن سلطان محمد خدابنده، از ایلخانان مغول، به سبب زحمت و تلاش های اوست. (۲)

ص: ۵۳

---

۱- (۱) ر. ک: حسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۵۹.

۲- (۲) اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۳۹۶.

۳ - ابن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ ق): رضی الدین علی بن موسی مشهور به ابن طاووس، از دیگر بزرگانی است که در جوار حرم مطهر امام علی علیه السلام آرمیده اند. تألیف مشهور اللهوف علی قتلی الطفوف از اوست. (۱)

۴ - ملا احمد مقدس اردبیلی (۱۲۴۹ ق - ۱۳۵۰ ق): مقدس اردبیلی به قدری متقی و پرهیزکار بود که به «مقدس» ملقب گشت. شاه عباس صفوی بسیار به او علاقه مند بود و از او دعوت کرد به اصفهان برود، ولی او نپذیرفت. وی در سال ۹۹۳ هـ - ق. در نجف اشرف دیده از جهان فروبست و او را در اتاقی که در ایوان طلا، جنب گلدسته جنوبی واقع شده، دفن نمودند. (۲)

۵ - شیخ محمد حسن صاحب جواهر (ت ۱۲۰۰ ق): محله عماره، محل دفن یکی از بزرگ ترین و معروف ترین فقیهان شیعه معاصر، یعنی صاحب جواهر است.

۶ - سید محمد مهدی بحر العلوم (۱۱۵۵ ق - ۱۲۱۲ ق): آرامگاه وی و فرزندانش در کنار آستان شیخ طوسی قرار دارد.

۷ - شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ ق - ۱۲۸۱ ق): شیخ مرتضی انصاری دزفولی در عید غدیر ۱۲۱۴ در شهر دزفول دیده به جهان گشود. مادرش که زنی مؤمن بود، قبل از تولد فرزندش در خواب دید که امام صادق علیه السلام قرآنی با جلد طلاکاری شده به او دادند. معبرین خواب، خوابش را به فرزندی عالم و

ص: ۵۴

---

۱- (۱) جعفر الخلیلی، ج ۶، ص ۱۵۴.

۲- (۲) ر. ک: گلشن ابرار، ج ۱، صص ۱۸۳-۱۷۹.

پارسا تعبیر کردند. این مرجع بزرگ شیعه و شاگرد صاحب جواهر در ۱۲۸۱ ق در نجف از دنیا رفت و در دالان باب القبله در سمت جنوبی صحن مطهر به خاک سپرده شد. (۱)

۸- ملا محمد مهدی نراقی (۱۱۸۵ ق - ۱۲۴۵ ق) و فرزندش ملا احمد نراقی: ملا احمد نراقی فرزند ملا مهدی، از مراجع شیعه در ابتدای عصر قاجار و استاد شیخ مرتضی بود. او در ۱۲۴۵ در نراق از دنیا رفت و در نجف دفن شد. ملا احمد را در صحن مطهر، نزدیک ایوان بزرگی که در ضلع شمالی حرم واقع است، کنار پدرش به خاک سپردند. وی دارای آثار زیادی از جمله «معراج السعاده» است. (۲)

۹- میرزای شیرازی (۱۲۳۰ ق - ۱۳۱۲ ق): سید محمد حسن فرزند میرزا محمود، شاگرد شیخ مرتضی انصاری، مرجع تقلید شیعه و صاحب فتوای معروف تحریم تنباکوست. وی در مجاورت صحن مطهر امام علی علیه السلام در مدرسه ای بیرون از صحن مطهر، قسمت شرقی باب طوسی دفن شده است. (۳)

۱۰- میرزا حسین نوری (۱۲۵۴ ق - ۱۳۲۰ ق): وی از شاگردان میرزای شیرازی و شیخ مرتضی انصاری و صاحب تألیف معروف «مستدرک الوسایل» است که در ۱۳۲۰ ق وفات یافت. قبر او در صحن امام و در سومین ایوان شرقی باب القبله، واقع است.

ص: ۵۵

---

۱- (۱) اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۱۷.

۲- (۲) ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۹۱.

۳- (۳) اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۳۰۴.

۱۱ - شیخ عباس قمی (ف ۱۳۵۹ ق): شیخ عباس محدث قمی، صاحب کتاب های مشهور مفاتیح الجنان و منتهی الآمال و از شاگردان میرزا حسین نوری است. وفات او در ۱۳۵۹ ق اتفاق افتاد و در صحن مطهر امام، در سومین ایوان شرقی باب القبله، کنار میرزا حسین نوری دفن شد.

۱۲ - علامه نائینی (ف ۱۳۵۵ ق): وی عالم و مرجع شیعه و شاگرد میرزای شیرازی بود و در جریان انقلاب مشروطیت از اندیشمندان و متفکران سیاسی معاصر به شمار می رفت که هدایت فکری و عملی انقلاب مشروطه را تا پیروزی آن، همراه با آخوند خراسانی، بر عهده داشت. کتاب «تنزیه الامه و تنبیه المله» وی حاوی اندیشه های سیاسی او درباره مشروطیت است. وی در صحن مطهر و در پنجمین مقبره جنوبی در بازار، به خاک سپرده شد. (۱)

۱۳ - سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ ق - ۱۳۶۵ ق): سید ابوالحسن در ۱۲۸۴ هـ - ق. در روستای کوچک «مدیسه» از توابع «لنجان» استان اصفهان دیده به جهان گشود. وی از مراجع بزرگ شیعه و از شاگردان سید محمد باقر درجه ای و آخوند کاشی است. او در سال ۱۳۶۵ ق وفات کرد و در درگاه ورودی دروازه شرقی صحن مطهر دفن شد. (۲)

۱۴ - شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی (۱۲۹۶ ق - ۱۳۶۱ ق): کمپانی دارای تألیفات بسیار در فقه و اصول و شاگرد آخوند خراسانی بود. وی در ایوان

ص: ۵۶

---

۱- (۱) اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۵۴.

۲- (۲) حسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۳۱.

حرم در اطاق کوچکی، بین مناره شمالی و مقبره علامه حلی، به خاک سپرده شد.

۱۵ - شیخ جعفر شوشتری (۱۲۳۰ ق - ۱۳۰۳ ق): شوشتری شاگرد صاحب جواهر و از رجال شناسان معاصر بود و تألیف او درباره رجال شهرت فراوانی دارد. قبر وی پشت ساختمان حرم در راهروی سرپوشیده، در اولین حجره سمت راست قرار دارد. (۱)

۱۶ - آخوند خراسانی (۱۲۵۵ ق - ۱۳۲۹ ق): عالم معاصر و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی است. او تألیف گران قدر و مشهوری با عنوان «کفایه الاصول» دارد که امروزه متن درسی حوزه های علمیه است. آخوند خراسانی از رهبران مذهبی و فکری مشروطیت در نجف اشرف بود و همراه با علامه نائینی به حمایت از مشروطیت در ایران می پرداخت. وی در راهروی ورودی صحن مطهر از سمت شرق در مقبره جنوبی آن به خاک سپرده شد. (۲)

۱۷ - سید محمد کاظم یزدی (۱۲۴۷ ق - ۱۳۲۸ ق): وی شاگرد میرزای شیرازی و صاحب کتاب معروف «عروه الوثقی» است. یزدی از هم فکran شیخ فضل الله نوری و از طرفداران تفکر مشروطه مشروعه بود. وی در صحن مطهر در مقبره بزرگی واقع در دومین ایوان غربی باب طوسی دفن شده است. (۳)

ص: ۵۷

---

۱- (۱) اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۹۵.

۲- (۲) همان، ج ۹، ص ۵.

۳- (۳) همان، ج ۱۰، ص ۴۳.

۱۸ - شیخ محمد جعفر کاشف الغطاء (ف ۱۲۲۷ ق): قبر وی در محله عماره است، مدرسه المعتمد مشهور به مدرسه کاشف الغطاء از بناهای باقی مانده از ایشان است.

۱۹ - سید ابوالقاسم خویی رحمه الله (۱۳۱۷ ق - ۱۴۱۳ ق): ایشان از عالمان و مراجع تقلید معاصر، شاگرد محمد حسین کمپانی و علامه نائینی بود. قبر وی در صحن مطهر، ضلع شرقی ورودی مسجد الخضراء واقع است.

۲۰ - سید مصطفی خمینی رحمه الله: سید مصطفی در سال ۱۳۰۹ هـ - ش. در شهر مقدس قم دیده به جهان گشود. رژیم شاه که می خواست ضربه روحی به امام خمینی وارد سازد و از طرفی یکی از ارکان انقلاب را از میان ببرد، او را در (۱/۸/۱۳۵۶ ش) توسط زهر به شهادت رساند. مردم مسلمان نجف پیکر پاکش را با آب فرات غسل داده، در محل خیمه گاه امام حسین علیه السلام کفن کردند و پس از انتقال به نجف، در حرم مطهر امام علی علیه السلام در مقبره زیر گلدسته جنوبی در ایوان طلا به خاک سپردند. (۱)

۲۱ - سید عبدالحسین شرف الدین، صاحب کتاب «المراجعات».

۲۲ - شهید سید محمد باقر صدر که در وادی السلام دفن است.

۲۳ - شهید سید محمد باقر حکیم که در وسط شهر و روبه روی وادی السلام دفن است.

ص: ۵۸

---

۱- (۱) ر. ک: گلشن ابرار، ج ۲، صص ۷۸۳-۷۷۴.



در پایان، یادآور می شود که بسیاری دیگر از علمای بزرگ شیعه در جوارحرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام مدفون اند که مجال پرداختن به زندگی همه آنها در این مختصر نیست.

### **مراجع تقلید (معاصر) در حوزه علمیه نجف**

۱ - آیت الله حاج سیدعلی حسینی سیستانی روز نهم ربیع الاول ۱۳۴۹ هـ - ق در مشهد متولد گردید. خاندان وی از سادات حسینی می باشند که در عهد صفوی در اصفهان می زیستند. و بعدها به سیستان و سپس به خراسان مهاجرت نمودند.

۲ - آیت الله العظمی سید محمد سعید حکیم: آیت الله سیدمحمدسعید حکیم، در روز هشتم ذی قعدة سال ۱۳۵۴ هـ - ق در نجف به دنیا آمد. وی بزرگ ترین نوه دختری آیت الله العظمی سیدمحسن حکیم است.

۳ - آیت الله العظمی شیخ محمد اسحاق فیاض: آیت الله شیخ محمداسحاق فیاض، در سال ۱۹۳۰ م در «صوبه» از استان غزنه افغانستان به دنیا آمد. پدرش، محمدرضا، کشاورزی باایمان بود.

۴ - آیت الله العظمی شیخ بشیر حسین نجفی: آیت الله شیخ بشیر حسین نجفی در سال ۱۹۴۲ م در «جالندهر» هند به دنیا آمد. وی فرزند صادق علی است.

### **مزار حاکمان و دولت مردان**

از دیر باز به سبب فضیلت این مکان مقدس و امید به شفاعت و نجات از عذاب و سختی های روز حشر، بسیاری از رجال سیاسی وصیت می کردند در

کنار مرقد مطهر امام علی علیه السلام و یا در وادی السلام دفن شوند. این افراد گروه‌ها عبارت‌اند از:

۱ - آل بویه: آل بویه از خاندان شیعی و دوست دار اهل بیت بودند که تلاش قابل ستایشی در احیاء، بازسازی و توسعه مکان‌های مقدس به عمل آوردند. بسیاری از این خاندان در جوار امامان خود از جمله امام حسین علیه السلام و امام علی علیه السلام دفن شده‌اند. مشهورترین این حاکمان، عضدالدوله دیلمی است. وی در ۳۷۳ ق در بغداد از دنیا رفت و در همان شهر به خاک سپرده شد، اما چندی بعد او را به نجف اشرف انتقال دادند<sup>(۱)</sup> و در قسمت پایین پای مبارک امام علی علیه السلام به خاک سپردند.

۲ - آل حمدان: آل حمدان از پادشاهان شیعی و از مجاهدان بزرگ قرن پنجم و ششم هجری در شام بودند. نقش آنها در نهضت مقاومت و مقابله با تجاوز نیروهای بیزانس سرنوشت ساز بود. از معروف‌ترین پادشاهان آن سلسله می‌توان سیف‌الدوله حمدانی و ناصرالدوله را نام برد.<sup>(۲)</sup>

۳ - ایلخانان و تیموریان: ایلخانان مغول از دولت‌های مسلمان و شیعی حاکم در ایران بودند که از ۷۳۶ تا ۸۱۳ ق در عراق حکومت کردند. برخی از دولت‌مردان ایلخانی، جلایری و تیموری در حرم مطهر دفن شده‌اند.

ص: ۶۰

---

۱- (۱) ابن جوزی، المنتظم، ج ۷، ص ۱۱۷.

۲- (۲) ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۲۴۰.

مقبره با فضیلت وادی السلام(۱): وادی السلام یکی از مکان های مقدس نجف است که هزاران نفر در آن به خاک سپرده شده اند؛ از جمله قبر تعدادی از پیامبران و بسیاری از سادات، صالحان و بزرگان دین نیز در آنجاست. این قبرستان قدیمی و تاریخی در شمال شرقی شهر واقع شده و بیست کیلومتر مربع مساحت دارد. قدمت آن به بیش از هزار سال می رسد(۲) و بسیاری از قبرهای آن دارای بقعه و گنبد است.(۳)

برای این قبرستان فضایل زیادی نقل شده است از جمله امام علی علیه السلام می فرماید:

«در این سرزمین ارواح مؤمنان دسته دسته با یک دیگر صحبت می کنند و هر مؤمنی در هر جایی از زمین که بمیرد به او گفته می شود: به وادی السلام ملحق شو که وادی السلام جایگاهی از بهشت است».(۴)

ص: ۶۱

---

۱- (۱) متأسفانه اخیراً برخی اعمال خود ساخته در وادی السلام مشاهده می شود که هیچ منشأ دینی ندارد و خرافاتی بیش نیست، مانند: دفن مو و ناخن، خط کشیدن اطراف خود به عنوان تعیین محل دفن، و حک نمودن نام خود بر روی سنگ به امید آن که روحشان بعد از مرگ به آنجا منتقل شود و همچنین بردن مقداری از خاک وادی السلام به عنوان تبرک.

۲- (۲) سعید بابایی، سیمای نجف اشرف، ص ۱۵۰.

۳- (۳) ناصر الدین شاه، همان، ص ۱۲۵.

۴- (۴) بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۷.

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل است:

«ما مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا إِلَّا وَحَشَّرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وادِي السَّلَامِ؛ هر مؤمنی که در شرق یا غرب عالم بمیرد، خداوند روحش را به وادی السلام می برد.»

به سند معتبر از حبه عُرْنی نقل شده، که گفت:

با امیرالمؤمنین علیه السلام به پشت کوفه رفتیم. چون به صحرای نجف رسیدیم حضرت ایستادند، گویا با جماعتی سخن می گفتند. من در خدمت آن حضرت ایستادم آن قدر که خسته شدم. پس نشستم آن قدر که حوصله ام سر رفت، باز برخاستم و ایستادم به قدری که بی تاب شدم، دوباره نشستم تا دلتنگ شدم. پس برخاستم و عبای خود را جمع کردم و گفتم: یا امیرالمؤمنین می ترسم که خستگی شما را از پا بپندازد؛ ساعتی استراحت بفرمایید.

عبای خود را انداختم تا آن حضرت بر روی آن بنشینند. ایشان فرمودند: این ایستادن برای سخن گفتن با مؤمن و انس گرفتن با اوست. گفتم: یا امیرالمؤمنین، ارواح مؤمنان چنین است؟ فرمودند: بلی، اگر از پیش چشمت پرده برداشته شود، خواهی دید که ایشان حلقه حلقه نشسته اند و با یکدیگر سخن می گویند. گفتم: بدن اند یا روح؟ فرمودند: روح هستند و هیچ مؤمنی در زمین نمی میرد، مگر آنکه به روحش می گویند: به وادی السَّلَام، که صحرای نجف است و بقعه ای از بهشت عدن است ملحق شو. (۱)

ص: ۶۲

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴، به نقل از کافی، ج ۳، ص ۱۴۳.

حضرت هود علیه السلام از پیامبران بزرگ الهی است که در میان «قوم عاد» و در سرزمین «احقاف»، - بین یمن و حضرموت - زندگی می کرد و مشهور اینکه مرقد ایشان و حضرت صالح در همان خطه می باشد، ولی در وادی السلام شهر نجف نیز قبوری به این دو پیامبر گرامی نسبت داده می شود. قوم عاد مردمی ثروتمند و نیرومند بودند و عمرهای طولانی، درآمدهای سرشار و سرزمینی آباد داشتند و خداوند نعمت های فراوانی به آنها داده بود. اما آنان کم کم از یاد خدای متعال غافل شدند و به سرکشی، طغیان و بت پرستی پرداختند. حضرت هود از طرف خدا مأمور شد تا آنان را به یکتاپرستی دعوت و از عادات بد بت پرستی و ستم دور کند. ولی تنها عده کمی به آن حضرت ایمان آوردند و بیشتر مردم، حرفهای حضرت هود علیه السلام را رد کردند و به لجاجت خود ادامه دادند. کم کم قهر خدا نمایان شد، باران نبارید و قحطی آمد و خشکسالی همه جا را فرا گرفت، تا روزی که ابری در آسمان پدیدار شد. آن قوم ابتدا خوشحال شدند که اکنون باران می بارد و زمین های ما آباد می شود، غافل از آن که آن ابر، عذابی بود که خداوند بر آنها به صورت باد، نازل کرد.

می گویند این باد، طی هفت شب و هشت روز، همه چیز را از ریشه کند و مردم مانند تنه های نخل، بر زمین می افتادند تا اینکه هر چیزی که بر روی زمین قرار داشت به امر پرودگار عالم، نابود شد. سرانجام همه افراد آن قوم تا آخرین نفر هلاک شدند و فقط حضرت هود علیه السلام و یارانش به رحمت خدا نجات یافتند. حضرت هود علیه السلام پس از این واقعه، به طرف حضرموت رفت و در آن سرزمین ساکن شد.

### ۳. مرقد منسوب به حضرت صالح علیه السلام

بعد از اینکه قوم عاد به سبب گناهان خود، نابود شدند و خداوند سرزمین و املاکشان را به «قوم ثمود» ارزانی داشت. قوم ثمود، آن سرزمین را بیش از پیشینیان آباد کردند. آنان باغ و بستان هایی به وجود آوردند و در میان کوه ها خانه هایی از سنگ تراشیدند تا از حوادث روزگار در امان باشند.

آنها نیز مانند قوم عاد در ناز و نعمت به سر می بردند، ولی به جای شکر خدای یکتا، به عبادت بت ها پرداختند.

خداوند حضرت صالح علیه السلام را بر آنان مبعوث کرد، اما آن قوم، آن حضرت را به تمسخر گرفتند و سرزنش کردند. تنها اندکی از مردم خردمند به ایشان ایمان آوردند، ولی توانگران خودسر، از وی درخواست معجزه کردند. حضرت صالح علیه السلام از شکم کوه، شتری را برانگیخت و به آنان فرمود: زنهار که موجبات آزار این شتر را فراهم سازید، چرا که به عذاب گرفتار می شوید. شتر صالح مدت ها به چرا مشغول بود و به اندازه خود از آب استفاده می کرد. عده ای نیز با مشاهده این شتر به صداقت صالح یقین کردند، اما مخالفین بر کفر خود اصرار ورزیدند و از روی کینه تیزی خواستند معجزه حضرت صالح علیه السلام را از بین ببرند، ولی از ترس جان خود، جرأت این کار را نداشتند.

زنان هرزه، مردان هوسران را به کشتن شتر ترغیب می کردند. سرانجام مردان فاسق از فرمان خداوند سرپیچی کرده، تهدید حضرت صالح علیه السلام را نادیده گرفتند و در کمین شتر نشستند. ابتدا پایش را قطع کردند و سپس آن را کشتند. پس از آن به حضرت صالح گفتند:

ای صالح، اگر راست می گویی و پیغمبر خدا هستی، عذابی که ما را به آن تهدید می کردی، نازل کن.

حضرت صالح علیه السلام به آنان فرمود: فقط سه روز در خانه های خود زنده هستید، پس از آن عذاب خدا نازل و عقاب اخروی شامل حالتان خواهد شد.

البته آنان تهدید صالح علیه السلام را دروغ پنداشته، آن را به استهزاء گرفتند و از ایشان خواستند کیفر آسمانی را هر چه زودتر برای آنان بیاورد! حضرت صالح علیه السلام فرمود: ای کاش از خدا طلب آمرزش می کردید، شاید از عذاب نجات یابید. سپس عده ای از آن قوم سیاه دل، سوگند یاد کردند تا در دل شب، با شمشیر به حضرت صالح علیه السلام و پیروانش حمله کنند، ولی خدای متعال به این خیره سران مهلت نداد و مکر آنان را به خودشان بازگرداند و حضرت صالح از توطئه قوم خویش نجات یافت.

سرانجام صاعقه آسمانی فرود آمد و آن قوم در خانه های خود به صورت جسمی بی جان درآمدند. حضرت صالح علیه السلام از کنار اجساد آنان عبور کرد و با خاطری غمگین به آنان فرمود: ای قوم! من رسالت خدای خود را به شما رساندم، ولی شما از روی غرور و نادانی، ناصحان و خیرخواهان را دوست نمی داشتید.

#### **۴. قبور صحابه و تابعین در نجف**

صافی صفایمانی: وی یکی از بزرگان یمن بوده که در سال ۳۷ ق وفات یافت و به دست امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف دفن شد. مقبره الصفا در قسمت

غرب حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام، در کنار مقام امام زین العابدین علیه السلام قرار دارد.

نقل کرده اند که روزی امیرالمؤمنین علیه السلام در کنار صحرای نجف نشسته بود؛ ناگاه دید شخصی بر ناقه ای سوار است و جنازه ای در پیش خود و به سوی نجف می آید؛ چون نزدیک شد حضرت از او پرسید از کجا می آیی؟ گفت: از یمن. حضرت پرسید: این جنازه کیست؟ گفت: جنازه پدرم؛ آورده ام تا او را در این زمین دفن کنم. حضرت فرمود: چرا او را در شهر خود دفن نکردید؟ گفت: پدرم چنین وصیت کرد که مردی در آنجا مدفون خواهد شد که به شفاعت او، به اندازه تعداد دو قبیله عظیم عرب، یعنی ربیع و مُضَر، آمرزیده می شوند. حضرت فرمود: آن مرد را می شناسی؟ گفت: نه. حضرت سه مرتبه فرمودند: به خدا قسم من آن مرد هستم. سپس برخاستند و آن جنازه را دفن کردند. (۱)

احنف بن قیس: او که در صبر و بردباری ضرب المثل بود، در محله ثویه (حی الحنّانه نجف) دفن شده است.

سهل بن حنیف: او از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود و در همه غزوات در کنار آن حضرت حضور داشت. در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام فرماندار بصره و در جنگ جمل جانشین امام در کوفه بود. در جنگ های صفین و نهروان نیز در رکاب علی علیه السلام بود. سرانجام سال ۳۸ هـ - ق در کوفه از دنیا رفت و امیرالمؤمنین علیه السلام بر جنازه اش نماز خواند.

ص: ۶۶



عثمان بن حنیف: وی برادر سهل و از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام است. او از طرف امام علی علیه السلام به حکومت بصره گمارده شد. سپاهیان جمل، پس از تسخیر بصره او را تحقیر و آزار نموده، سپس رها کردند. او سپس در کوفه ساکن شد و در زمان معاویه از دنیا رفت.

عبدالله بن ابی رافع: وی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام، و نخستین سیره نویس تاریخ اسلام است.

خبّاب بن أرت: وی در جنگ بدر همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و در جنگ های صفین و نهروان در رکاب حضرت امیر علیه السلام بود. در کوفه از دنیا رفت و امیرالمؤمنین علیه السلام بر جنازه اش نماز خواند.

عبدالله بن عقیف: از اصحاب باوفای امیرالمؤمنین علیه السلام بود که در جنگ جمل چشم چپش را و در جنگ صفین چشم راستش را از دست داد. پس از شهادت امام حسین علیه السلام در مجلس ابن زیاد قد علم کرد و مردانه در مقابل آن خبیث ایستاد و او را رسوا کرد. او با اینکه نابینا بود، شمشیر به دست گرفت و با راهنمایی دخترش با آنان جنگید تا به شهادت رسید.

براء بن عازب: از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله است که در غزوات همراه آن حضرت بوده و از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بود که در جنگ های جمل، نهروان و صفین شرکت داشته است. او در سال ۷۰ هـ - ق در کوفه از دنیا رفت و در همان جا دفن گردید.

عدی بن حاتم: عدی، فرزند حاتم طایی و از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بود. وی از جمله فرماندهان سپاه امام حسن علیه السلام به شمار می آمد و آن گاه که همه امام را تنها گذاشتند در کنار امام ماند.

او سه فرزند به نام های طریف و طارف و طرفه داشت. روزی معاویه به طعنه خطاب به عدی گفت: در جنگ صفین در رکاب علی علیه السلام کشته شدند.

معاویه گفت: علی در مورد تو از در انصاف در نیامد، چرا که فرزندان تو را پیش انداخت و فرزندان خودش هنوز زنده اند. عدی در پاسخ گفت: بلکه من انصاف را رعایت نکردم، چرا که علی علیه السلام کشته شد و من هنوز زنده ام. عدی نزدیک به ۱۲۰ سال عمر کرد و در زمان مختار از دنیا رفت. قبرش در ثویه است.

مقابر بعضی از دیگر صحابه و تابعین در محله ثویه (حی الحنانه نجف) است که عبارتند از: عبدالله بن یقطر، عمرو بن الحقیق خزاعی، سلیم بن قیس هلالی، نصر به مزاحم المنقری.

کمیل بن زیاد نخعی: وی از بزرگان تابعین و از یاران شجاع و باوفای امیرالمؤمنین علیه السلام و از اصحاب سرّ آن حضرت بود. وی یکی از هشت عابد و زاهد معروف کوفه در زمان خود بود.

امیرالمؤمنین علیه السلام دعای «خضر» را به کمیل آموخت؛ همان دعایی که به دعای «کمیل» مشهور شد و در شب های جمعه و شب نیمه شعبان خوانده می شود.

پس از شهادت امام علی علیه السلام کمیل در زمره یاران امام حسن مجتبی علیه السلام در آمد و همچنان در کنار آن حضرت بود و در واقعه صلح آن حضرت، کاملاً مطیع امام حسن مجتبی علیه السلام بود.

کمیل در زمان شهادت امام حسن علیه السلام، در مدینه نبود. او در زمان امام حسین علیه السلام نیز دستگیر شد و تا یک روز بعد از واقعه عاشورا در زندان عبیدالله بن زیاد بود. پس از آزادی، در قیام های کوفه به

افشاگری پرداخت، و در کنار مختار جنگید و بعد از آن در تاریخ خبری از او نیست و جز امام سجاد علیه السلام کسی از وی خبر نداشت.

هنگامی که حجاج بن یوسف ثقفی، فرماندار کوفه شد، مأمورین خود را برای دستگیری کمیل فرستاد. کمیل پنهان شد. حجاج، مستمری طایفه و قوم کمیل را از بیت المال قطع کرد. کمیل که این وضعیت را دید، رواندید دیگران به خاطر او آسیب ببینند، بنابراین خود را تسلیم کرد. حجاج، او را در سال ۸۳ هـ. ق در ۹۰ سالگی، همان گونه که حضرت علی علیه السلام به او خبر داده بود، به شهادت رساند. مرقد مطهر او در مسیر راه نجف به کوفه در منطقه ثویه (حی الحنابانه) نزدیک مسجد حنانه قرار دارد و ثویه، منطقه ای در اطراف کوفه بود که زندان نعمان بن منذر حاکم حیره در این منطقه قرار داشت.

دعای مشهور کمیل، یادگار امام علی علیه السلام از دعاهاى معروف و مشهور میان شیعیان است که شب های جمعه آن را با سوز و گداز قرائت می کنند. مولای عارفان این دعا را که به دعای «حضرت خضر» نیز معروف است، به کمیل بن زیاد نخعی آموخت.

شهر کوفه

اشاره

ص: ۷۰

در وجه تسمیه کوفه چند قول وجود دارد؛ یکی آنکه «کوفه به معنای جایی است که در آن ریگ و شن باشد» (۱). برخی نیز گفته اند: «به سبب وجود کوه کوچکی در آنجا که به کوفان معروف بوده، این منطقه را کوفه نامیده اند» (۲).

کوفه در هشت کیلومتری شرق نجف اشرف، و بر کرانه رود فرات قرار دارد. این سرزمین، ۲۲ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و در شرق آن رود فرات، در غرب آن، صحرا، در جنوب غربی آن، شهر باستانی حیره (شش کیلومتری آن) و در شمال شرقی آن، ذی الکفل واقع شده است.

شهر کوفه، از مهم ترین شهرهای جهان اسلام است. طبق روایات، این شهر مدفن بسیاری از انبیاء، اوصیاء، اولیاء، صلحا و علماست. تاریخ بنای ابتدایی شهر به طور دقیق معلوم نیست. اما آنچه مسلم است، قدمت زیاد این شهر است. شهر کوفه در سال ۱۷ هـ - ق پس از فتح قادسیه و مدائن به دستور خلیفه دوم، توسط سعد و قاص تجدید بنا شد. از آن پس، این شهر، دارالهیجره مسلمین بود و به قبه الاسلام معروف شده است. این شهر سال ها مرکز علم و فرهنگ و سیاست بوده و در طول تاریخ اسلام، حوادث تلخ و شیرین فراوانی به خود دیده است.

ص: ۷۱

---

۱- (۱) مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ص ۱۶۱.

۲- (۲) یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، صص ۴۸۹-۴۹۰.

هنگام هجوم سپاه اسلام به ایران و تسخیر مدائن، این شهر، آب و هوای مطلوبی برای حضور دائمی نیروهای جنگ جو نداشت و چون فتح سایر قسمت های ایران وابسته به ماندگاری نیروی نظامی یا ایجاد اردوگاهی برای حضور مستمر نیروهای جنگ جو بود، خلیفه دوم دستور داد تا سرزمینی مناسب پیدا کنند، سلمان فارسی هم محل کوفه را برای این منظور انتخاب کرد.<sup>(۱)</sup>

در آن هنگام، کوفه را به سبب وجود ریگ زاری از شن سرخ، «سهله» می گفتند. سعد بن ابی وقاص که این مکان را برای ایجاد اردوگاه مناسب دید، به احداث آن اقدام کرد.<sup>(۲)</sup> در سال انتخاب این منطقه به عنوان اردوگاه اختلاف نظر وجود دارد، اما اتفاق منابع تاریخی بر هفدهم هجری است.<sup>(۳)</sup>

جایی که بعدها شهر کوفه در آن ساخته شد، ریگ زار و صحرای شن بود و به نظر می رسد قبل از اسلام منطقه مسکونی نبوده است. اما با استناد به برخی از روایت های ایرانی، شهری بوده که «هوشنگ پیشدادی»، از پادشاهان افسانه ای ایران باستان، آن را ساخت و سعد آنجا را تجدید بنا کرد.<sup>(۴)</sup> آنچه که روشن است در این مکان به هنگام حکومت ساسانیان قلعه و دژی وجود داشت و بدان سبب آن را قبل از اسلام «سورستان» می نامیدند و سور در فارسی به معنای دیوار و حصار است.<sup>(۵)</sup>

ص: ۷۲

- 
- ۱- (۱) محمد بن طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۴۵؛ ابن خلدون، العبر، ج ۱، ص ۵۳۵.
  - ۲- (۲) بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۸؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۴.
  - ۳- (۳) احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ص ۱۶۱.
  - ۴- (۴) مصاحب، دایره المعارف فارسی، ج ۲، ص ۲۳۵۸؛ ژان اوتر، سفرنامه ژان اوتر، ص ۲۵۵.
  - ۵- (۵) معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۰؛ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۸۸.

برای شهر کوفه از سوی خلیفه، حاکمانی تعیین می شد که نخستین آن سعد بن ابی وقاص، فاتح ایران، بود. پس از آن، خلیفه، عمار بن یاسر و چندی بعد ابوموسی اشعری را والی این شهر کرد تا اینکه در ۳۶ ق، پس از جنگ جمل و شکست سپاه ناکثین، امام علی علیه السلام پایتخت را از مدینه به کوفه انتقال داد و از آن پس، مرکز خلافت اسلامی حدود پنج سال به این شهر انتقال یافت.

کوفه پس از صلح امام حسن علیه السلام برای همیشه از پایتختی افتاد، ولی موقعیت استراتژیکی خویش را به سبب حضور نیروهای جنگ جو حفظ کرد. کوفه در میان شهرهای عراق، همچنان به عنوان مرکزی در برابر شام قرار داشت و آبستن حوادث زیادی بود. یاران و صحابه امام علی علیه السلام ندای حق طلبانه خویش را از این شهر به گوش دمشق و معاویه می رساندند؛ کسانی چون حجر بن عدی، میثم تمار، کمیل بن زیاد، عمرو بن حمق خزاعی تا پای جان در دفاع از علی علیه السلام و اهل بیت ایستادند. امروزه مزار باشکوه برخی از آنان حاکی از آن ایثارها و جان فشانی هاست.

در آغاز دعوت عباسیان، کوفه یکی از مراکز استراتژیکی و مهم دعوت بود. سفاح، نخستین خلیفه عباسی، مدت کوتاهی در آنجا اقامت گزید تا اینکه شهر «هاشمیه» را به عنوان پایتخت خلافت اسلامی انتخاب کرد. از آن به بعد کوفه اهمیت خود را از دست داد و تنها در ابتدای این دوران به سبب آشکار شدن قبر مطهر امام علی علیه السلام در پشت شهر، رونق گذشته خود را بازیافت و به سبب توجه حاکمان و پادشاهان شیعی یا برخی از خلیفه ها به مرقد امام علی علیه السلام به کوفه توجه خاصی شد و این شهر نیز همانند سایر شهرهای عراق، محل حضور، سکونت و زیارت شیعیان گردید.

با همه فضیلت هایی که برای شهر کوفه گفته شد مردم این شهر نسبت به اهل بیت علیهم السلام کارنامه ای درخشان از خود برجای نگذاشته اند. مزاج رنگارنگ مردم این شهر، پیمان شکنی های آنان در دوره های متعدد، سست عنصری و جهالت آنها که در عصر امام علی علیه السلام باعث ظهور جریان انحرافی خوارج و نیز واگذاری خلافت به بنی امیه شد، مدعای این سخن است. بالاتر از همه اینها، دعوت نامه های فراوان مردم این شهر برای امام حسین علیه السلام و سپس بی وفایی به عهد خود هنگام قیام آن حضرت و عدم حمایت جدی از نماینده ایشان، مسلم بن عقیل، و سرانجام اهل بیت رسول الله، چهره ای نه چندان مطلوب از این سرزمین و مردم آن ترسیم کرده است.

با این وجود، برخی از شیعیان و دوست داران اهل بیت در این شهر کوشیدند تا وفاداری خود را به آرمان هایشان نشان دهند. از جمله این افراد تواین بودند. آنان برای امام حسین علیه السلام نامه نوشتند و آن حضرت را به کوفه دعوت کردند، ولی نتوانستند به امام بپیوندند و در کربلا حضور یابند. لذا در سال ۶۵ ق در یک قیام، جان خود را با خدای خویش معامله کردند و برای قبولی توبه خود از این کوتاهی بزرگ، آن را با خونشان مهر کردند.

یک سال بعد، مختار ابن ابی عبیده ثقفی که یکی از اهداف قیام خود را گرفتن انتقام خون شهیدان کربلا اعلام کرده بود، کوفه را تسخیر کرد. مردم این شهر و دوست داران اهل بیت، جوانمردانه در کنار او ایستادند. بیشتر آنان از موالیان و عجم بودند؛ به گونه ای که بیست هزار تن از آنان در سپاه مختار حضور یافتند. گفته اند که در سپاه او کسی جز به فارسی صحبت نمی کرد. مختار موفق شد با تلاش ابراهیم بن مالک اشتر، فرمانده سپاهش، سپاه عبیدالله بن زیاد را در نزدیکی کوفه شکست دهد و همه مسببان و عاملان



شهادت امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت را به قتل برساند. البته یک سال بعد، باشکست مختار، مصعب بن زبیر، انتقام سختی از مردم کوفه گرفت و بسیاری را قتل عام کرد.

### شهر کوفه از منظر روایات

از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم، فضیلت های فراوانی برای کوفه نقل کرده اند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است:

«خداوند متعال چهار شهر برگزید، سپس فرمود: وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ وَ طُورِ سَيْنِينَ وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ، مدینه ۲ وَ الزَّيْتُونِ ، بیت المقدس ۲ وَ طُورِ سَيْنِينَ ، کوفه ۲ وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ، مکه است».(۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمود: «این - کوفه - شهر ما و کوی ما و جایگاه پیروان ماست». همچنین از آن حضرت روایت است که فرمود:

«تُرْبَةُ تُحِبُّنَا وَ نُحِبُّهَا».(۲)

ابن قولویه از امام باقر علیه السلام نقل می کند کسی از ایشان پرسید:

کدام سرزمین پس از حرم خدا و رسولش افضل است؟ پاسخ فرمود: «کوفه که زکیه و طاهره است، در آن قبور پیامبران و اوصیای صادقین است. در آنجا مسجد سهله است که خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد، مگر آنکه در آن جا نماز گزارد و عدل خداوند در آن آشکار و استوار شده است. آنجا مکان فرود پیامبران، اوصیا و صالحین است».(۳)

ص: ۷۵

۱- (۱) شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۲۱۲.

۲- (۲) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۹۸.

۳- (۳) کامل الزیارات، ص ۲۳، شیخ مفید، المزار، ص ۱۸.

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است:

«کوفه حرم خدا و حرم رسول صلی الله علیه و آله و حرم علی بن ابی طالب علیه السلام است، نماز در آن برابر با صد رکعت نماز در جاهای دیگر است»<sup>(۱)</sup>.

در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده: «کوفه باغی از باغ های بهشت است»<sup>(۲)</sup>.

## کوفه مرکز خلافت علی علیه السلام

### اشاره

اوج شهرت و افتخار شهر کوفه، زمانی است که امام علی علیه السلام در سال ۳۶ هـ. ق این شهر را مرکز حکومت اسلامی قرار داد. این امر، کوفه را به مرکزی مهم برای فعالیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بدل کرد و باعث اقبال طوایف و قبایل جامعه اسلامی به این شهر شد.

خروج امام علی علیه السلام از مدینه و گزینش کوفه برای مرکز خلافت، کار آسانی نبود؛ همچنان که گریزی از آن نبود. این اقدام درست همانند تصمیمی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله، شهر مکه را، با آن همه قداست، ترک کرد. ورود امام علی علیه السلام به کوفه را نیز باید نوعی هجرت برای حفظ دین از دست پیمان شکنان و فاسدانی چون معاویه دانست.

کوفه ای محرم اسرار علی شاهد خطبه و گفتار علی

### دارالاماره

این ساختمان، کهن ترین ساختمان اسلامی در عراق به شمار می رود که به

ص: ۷۶

---

۱- (۱) کامل الزیارات، همان: المزار، ص ۱۹.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۵.

دست سعدبن ابی وقاص در سال ۱۷ هـ - ق پس از ساختمان مسجد کوفه ساخته شد. دارالاماره ساختمانی است مربع شکل به ابعاد ۱۱۰/۳۶ و ۱۱۰/۲۴ متر، که امروزه تنها پایه ها و برخی دیوارهای فرو ریخته آن باقی مانده است. این قصر یکی از ساختمان های عبرت انگیز روزگار است. در این قصر مسلم به شهادت رسید و سر مبارک امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا، به نمایش گذاشته شد و سپس سرهای قاتلان آن بزرگواران از سوی انتقام گیرندگان به نمایش درآمد. آن گاه ظالمان دیگری سرهای این انتقام گیرندگان را بردند و در آن به نمایش گذاشتند؛ فَأَعْتَبُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ .

موضوع دست به دست شدن حکومت در شهر کوفه چنان عبرت آمیز بوده که شعرا نیز به آن توجه داشته اند:

نادره مردی زعرب هوشمند گفت به عبدالملک از روی پند

روی همین مسند و این تکیه گاه زیر همین گنبد و این جایگاه

بودم و دیدم بر این زیاد آه چه دیدم که دو چشمم مباد

تازه سری چون سپر آسمان طلعت خورشید ز رویش نهان

بعد زچندی سر آن خیره سر بُد بر مختار به روی سپر

بعد که مصعب سر و سردار شد دست خوش او سر مختار شد

این سر مصعب به تقاضای کار تا چه کند با تو دگر روزگار

در ذیل به تاریخ وقایعی که در دارالاماره روی داده به ترتیب اشاره شده است:

۱. شهادت مسلم بن عقیل، سال ۶۰ هـ - ق

۲. شهادت امام حسین علیه السلام، سال ۶۱ هـ - ق

۳. قتل ابن زیاد، سال ۶۶ هـ - ق

۴. قتل مختار، سال ۶۷ هـ - ق

۵. قتل مصعب، سال ۷۱ هـ - ق

۶. قتل عبدالله بن زبیر، سال ۷۳ هـ - ق

۷. قتل عبدالملک ابن مروان، سال ۸۶ هـ - ق

## اماکن مقدس شهر کوفه

### ۱. مسجد کوفه و آثار دینی آن

#### اشاره

یکی از آثار مهم و زیارتی کوفه، مسجد تاریخی این شهر است. این مسجد، شاید نخستین بنایی باشد که به هنگام احداث شهر برپا کردند، زیرا وقتی سعد بن ابی وقاص این منطقه را برای استقرار دائم سپاهیان اسلام در نظر گرفت، نخستین اقدام او بنای مسجدی برای عبادت مردم بود.

امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه ای طولانی، ویژگی های مسجد کوفه را بیان می فرماید:

ای اهل کوفه، خداوند به شما نعمت هایی عطا فرموده که به هیچ کس عطا نکرده است. از برتری محل برگزاری نماز شما این است که اینجا خانه آدم، نوح و ادریس و عبادتگاه ابراهیم خلیل و عبادتگاه برادرم خضر بود و امروزه، محل عبادت و مناجات من است. سپس در ادامه فرمود:

وَلَيَأْتِينَ عَلَيْهِ زَمَانٌ يَكُونُ مُصَلِّي الْمَهْدَى عَلَيْهِ السَّلَامِ مِنْ وُلْدِي وَ مُصَلِّي كُلِّ مُؤْمِنٍ . وَ لَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ مُؤْمِنٌ إِلَّا كَانَ بِهِ، حَنَّ قَلْبُهُ إِلَيْهِ؛ برای مسجد کوفه زمانی فرا می رسد که محل برگزاری نماز مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از تبار من و محل

عبادت هر مؤمنی می شود. هیچ مؤمنی در روی زمین نمی ماند، جز اینکه به این مسجد بیاید، یا قلبش برای این مسجد پَر بزند.

در آخرین فراز از همین حدیث فرمود:

آن را هرگز فرو نگذارید، با نماز گزاردن در آن به خداوند تقرب بجویید، برای برآورده شدن نیازهای خود به آنجا روی بیاورید. اگر مردمان می دانستند که چه برکتی در آن هست، از همه اقطار زمین به سوی آن می شتافتند، اگر چه با سینه خیز بر روی برف ها باشد. (۱)

آنگاه امیر مؤمنان علیه السلام دست بر سینه نهاده، فرمود:

«ما دَعَا فِيهِ مَكْرُوبٌ بِمَسْأَلِهِ فِي حَاجَةٍ مِنَ الْحَوَائِجِ الَّتِي أَجَابَهُ اللَّهُ وَفَرَّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ؛ هَيْجَ غَمٍ زَدَهُ أَيُّ دَرِيسٍ فِي مَسْجِدِ حَاجَتِي مِنْ حَوَائِجِ خَوْفِي أَوْ مِنْ حَاجَتِ رَوْحِي كَمَا وَانْدَوَهَشَ رَوْحِي زِدَايِدًا». (۲)

مفضل می گوید:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم، هنگامی که در آخر بازار سراج ها (زین فروش ها)، به طاق زیاتین (روغن فروش ها) رسیدیم، از اسب پیاده شد و به من فرمود

:إِنزِلْ، فَإِنَّ هَذَا الْمَوْضِعَ كَانَ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ الْأَوَّلِ الَّذِي خَطَّهُ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَانَا أَكْرَهُ أَنْ ادْخُلَهُ رَاكِبًا؛ (۳) پیاده شو، زیرا

ص: ۷۹

۱- (۱) کافی، ج ۸، ص ۲۵۷.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۴.

۳- (۳) کافی، ج ۸، ص ۲۳۴.

اینجا جزو نخستین مسجد کوفه است که حضرت آدم علیه السلام آن را طرح ریزی کرده بود، من دوست ندارم که سواره، وارد آن شوم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«نِعَمَ الْمَسْجِدُ الْكُوفَةُ،

صَلَّى فِيهِ الْفُ نَبِيٌّ وَ الْفُ وَصِيٌّ؛ مسجد کوفه، چه مسجد خوبی است، هزار پیامبر و هزار وصی پیامبر در آن نماز گزارده اند.»<sup>(۱)</sup>

همچنین امام صادق علیه السلام فرموده اند: «هیچ بنده صالح و پیامبری نیست، مگر آنکه در مسجد کوفه نماز اقامه کرده است... قبله این مسجد، باغی از باغ های بهشت است...»<sup>(۲)</sup>

امام رضا علیه السلام فرمود: «مسجد کوفه خانه حضرت نوح بود؛ اگر کسی صد بار وارد شود، خداوند صد مرتبه برای او آمرزش می نویسد؛ زیرا دعای طلب آمرزش حضرت نوح در آنجاست.»<sup>(۳)</sup> منظور از این دعا، دعای رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا می باشد.<sup>(۴)</sup>

### نماز در مسجد کوفه

از امام باقر علیه السلام روایت است: «اگر مردم می دانستند در مسجد کوفه چیست، هر آینه، زاد و توشه سفر از مکان دور برمی داشتند. به درستی که نماز واجب در آن برابر با یک حج و نماز نافله، برابر با یک عمره است.»<sup>(۵)</sup>

ص: ۸۰

۱- (۱) وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۲.

۲- (۲) شیخ مفید، المزار، ص ۲۲.

۳- (۳) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳.

۴- (۴) نوح، آیه ۲۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۲.

۵- (۵) شیخ مفید، المزار، ص ۲۰.

از امام صادق علیه السلام نقل است: «نماز در چهار مکان می تواند تمام خوانده شود: مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، حرم امام حسین علیه السلام و مسجد کوفه».(۱)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

إِنَّ الصَّيْلَةَ الْمَكْتُوبَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ الْفَ صَيْلَةَ ، و أَنَّ النَّافِلَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ خَمْسَ مِائَةِ صَيْلَةَ و أَنَّ الْجُلُوسَ فِيهِ بِغَيْرِ تَلَاوِهِ وَ لَا ذِكْرٍ لِعِبَادَةِ ؛(۲) نماز واجب در مسجد کوفه معادل یک هزار نماز و نماز مستحبی معادل پانصد نماز است و نشستن در آنجا بدون ذکر و تلاوت قرآن، پاداش عبادت دارد(۳).

ثواب نماز خواندن در دیگر مساجد مشهور به حسب روایات(۴) به ترتیب ذیل آمده:

۱. ثواب یک نماز در مسجد الحرام، برابر با صد هزار نماز در مساجد دیگر.

۲. ثواب یک نماز در مسجد النبی صلی الله علیه و آله، برابر با ده هزار نماز.

۳. ثواب یک نماز در بیت المقدس، برابر با هزار نماز.

۴. ثواب یک نماز در مسجد اعظم، برابر با صد نماز.

۵. ثواب یک نماز در مسجد قبیله، برابر با ۲۵ نماز.

۶. ثواب یک نماز در مسجد بازار، برابر با ۱۲ نماز.

۷. نماز هر کس در خانه اش، فقط یک نماز است.

ص: ۸۱

---

۱- (۱) شیخ مفید، المزار، ص ۱۲۰.

۲- (۲) وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۹۱.

۳- (۳) بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۵، حدیث ۶۴۷۷.

۴- (۴) وسائل الشیعه، ج ۳، صص ۵۳۶-۵۵۱، حدیث ۲ و ۵.

## نماز حاجت در مسجد کوفه

از امام صادق علیه السلام روایت شده:

هر کس دو رکعت نماز در مسجد کوفه به جای آورد و در هر رکعت بعد از حمد این سوره ها را بخواند: «ناس»، «فلق»، «اخلاص»، «کافرون»، «نصر»، «قدر» و «اعلی»؛ و بعد از سلام نماز و تسیح حضرت زهرا علیها السلام هر حاجتی از خدا بخواهد، خداوند حاجتش را برآورده، دعایش را مستجاب خواهد فرمود، ان شاء الله (۱).

## نماز مسافر در مسجد کوفه

نظر مراجع معاصر نسبت به نماز مسافر در مسجد کوفه مختلف است، از جمله:

الف) در مسجد کوفه نماز قصر است. (آیت الله شبیری زنجانی)

ب) احتیاط واجب، نماز قصر است. (آیت الله اراکی، آیت الله بهجت)

ج) در مسجد قدیم کوفه مسافر، مخیر، بین نماز تمام و قصر است، و اما در قسمت توسعه یافته احتیاط واجب قصر است. (آیت الله گلپایگانی)

د) تخیر در مسجد کوفه، حتی قسمت های جدید. (آیت الله صافی)

ه) - تخیر در تمام مسجد کوفه. (امام خمینی، آیت الله خوئی، آیت الله فاضل، آیت الله تبریزی، آیت الله خامنه ای، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله حکیم). (۲)

ص: ۸۲

---

۱- (۱) کامل الزیارات، ص ۷۱، ح ۶۱.

۲- (۲) توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۷۲۸، مسئله ۱۳۵۶.



۱ - محراب های مسجد کوفه: در سمت قبله مسجد کوفه، دو محراب به عنوان محراب امیرمؤمنان علیه السلام موجود است. علامه مجلسی و محدث نوری نکات فراوانی را برای تعیین محراب شهادت امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده اند و سرانجام به این نتیجه رسیده اند که احتمالاً یکی از آنها محراب ضربت خوردن مولی و دیگری محراب عبادت آن حضرت باشد. (۱) لذا بهتر است به هر دو محراب تبرک شود.

۲ - دَکَّةُ الْقَضَاءِ: دکه القضاء سکویی در مسجد کوفه بود که امیر المؤمنین علیه السلام در آنجا قضاوت می کرده است. در آنجا ستون کوتاهی بوده که بر روی آن این آیه شریفه را نوشته بوده اند:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ ۚ، مشهور آن است که اعمال دکه القضا و بیت الطشت را بعد از همه اعمال مسجد کوفه به جا بیاورند. آری، روزگاری مسجد کوفه مرکز داوری و دادرسی مولای متقیان، علی علیه السلام بود و هنگام ظهور نیز مرکز داوری و دادرسی فرزند برومندش حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

۳ - بَيْتُ الطَّشْتِ: این مکان متصل به دکه القضاءست. بَيْتُ الطَّشْتِ همان مکانی است که یکی از معجزات امیرالمؤمنین علیه السلام در آن اتفاق افتاد و داستانش چنین است:

ص: ۸۳

دختری برای استحمام، میان آب نهر رفته بود، زالویی وارد بدنش شده و با مکیدن خون، کم کم بزرگ شده بود که باعث متورم شدن شکمش می گردید. برادران آن دختر به او بدگمان شده، تصمیم به قتل وی می گیرند و برای حکم آن، نزد امیرالمؤمنین علیه السلام می آیند. آن حضرت دستور داد در کنار دکه القضا خیمه ای زدند و دخترک را در آن خیمه نشانند. آن گاه به قابله کوفه امر کرد تا آن دختر را معاینه کند. قابله پس از معاینه گفت: این دختر آبستن است. حضرت برای اثبات بی گناهی دختر، دستور داد، طشتی مملو از لجن آوردند و دخترک را روی آن نشانند. زالو با استشمام بوی لجن از شکم دختر بیرون آمد و با این معجزه، امیرالمؤمنین علیه السلام، بی گناهی آن دختر را ثابت کرد. (۱)

۴ - دَکَّةُ الْمِعْرَاجِ: در شب معراج، حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خداوند رخصت خواست، بنابراین در اینجا فرود آمد و دو رکعت نماز خواند. به همین سبب این مکان را دکه المعراج نام نهاده اند.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ: أَتَدْرِي أَيْنَ أَنْتَ يَا مُحَمَّدٌ؟ أَنْتَ السَّاعَةَ مُقَابِلَ مَسْجِدِ كُوفَانَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاسْتَأْذِنَ لِي أُصَلِّيَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ، فَنَزَلَ فَصَلَّيْتُ فِيهِ؛ ... هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سیر معراج آسمانی بود، جبرئیل به او گفت: آیا می دانی که هم اکنون کجایی؟ هم اینک تو درمقابل مسجد کوفه

ص: ۸۴

قرار داری. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از خداوند برایم اجازه بگیر دو رکعت نماز در آنجا بخوانم. پس پیامبر فرود آمد و در مسجد کوفه نماز خواند....(۱)

۵- مقام حضرت آدم علیه السلام: منظور مقامی است که خداوند، به آدم علیه السلام توفیق توبه داد. در سوره بقره می خوانیم:

فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۚ (آدم از پروردگار خود کلماتی دریافت داشت و با آن توبه کرد و خدا نیز توبه او را پذیرفت).

در روایات متعددی که از طریق اهل بیت علیهم السلام وارد شده می خوانیم که مقصود از کلمات، تعلیم اسمای بهترین مخلوقات خدا؛ یعنی حضرت محمد و امام علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام بوده است و حضرت آدم با توسل به این کلمات از درگاه خداوند تقاضای بخشش نمود و خدای متعال او را بخشید(۲).

شاعری چه زیبا خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله سروده است:

عشق تو برای خضر بود آب حیات مهر تو برای نوح کشتی نجات

آدم که فریب مکر شیطان را خورد بخشیده نشد مگر به ذکر صلوات

## ۲. مقام سفینه نوح علیه السلام

شهرت این مکان، به خاطر روایات فراوانی است که محل ساخت کشتی

ص: ۸۵

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۸، حدیث ۳۹؛ شیخ مفید، المزار، ص ۲۲.

۲- (۳) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۹۹.

حضرت نوح، فوران آب از تنور و محل فرود کشتی (جودی) را، مسجد کوفه می دانند؛ از جمله اینکه امام صادق علیه السلام فرمود:

«فَعَمِلَ نُوحٌ سَفِينَتَهُ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ بِيَدِهِ ، فَأَتَى بِالْخَشَبِ مِنْ بُعْدِ حَتَّى فَرَّغَ مِنْهَا؛ (۱) حضرت نوح علیه السلام کشتی را با دست خود در مسجد کوفه ساخت.»

امیرمؤمنان علیه السلام ضمن شمارش ویژگی های مسجد کوفه فرمود:

«فِيهِ نَجْرَ نُوحٍ سَفِينَتَهُ، وَ فِيهِ فَارَ التَّنُورِ، وَ بِهِ كَانَ بَيْتُ نُوحٍ وَ مَسْجِدُهُ...؛ (۲) حضرت نوح علیه السلام کشتی اش را در آنجا ساخت، از تنور نیز همان جا آب جوشید، خانه نوح و محل عبادت او نیز آنجا بود...».

خداوند در آیه ۴۴ سوره هود، می فرماید:

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَ يَا سَّمَاءُ أَقْلِعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

(و گفته شد ای زمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان، [از باران] خودداری کن و آب فرو کاست و فرمان گزارده شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت؛ و گفته شد: دور باد قوم ستمکار).

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده است:

هنگامی که کشتی نوح به وسط مسجد کوفه رسید، خدا به زمین فرمان داد که آب خودش را فرو ببرد.

فَبَلَغَتْ مَائِهَا مِنْ مَسْجِدِ

ص: ۸۶

۱- (۱) کافی، ج ۸، ص ۲۳۴.

۲- (۲) تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۸.

الْكُوفَةَ، كَمَا بَدَأَ الْمَاءُ مِنْهُ؛<sup>(۱)</sup> پس زمین آب خودش را از مسجد کوفه فرو برد، چنانکه در آغاز نیز از همانجا شروع شده بود.

### ۳. مرقد و آثار دینی اطراف مسجد کوفه

۱ - مرقد مسلم بن عقیل: قبر مسلم بن عقیل، نماینده و سفیر امام حسین علیه السلام، سمت شرق مسجد کوفه، کنار دار الاماره و متصل به دیوار مسجد کوفه قرار دارد.<sup>(۲)</sup> نخستین کسی که بر فراز قبر او بنایی به پا کرد مختار بن ابی عبیده ثقفی بود. در زمان آل بویه، عضد الدوله نیز آن را در ۳۶۸ ق توسعه داد. سلطان اویس جلایری در ۷۶۷ ق و پادشاهان صفوی در ۱۰۵۵ ق و پادشاهان قاجار در ۱۲۳۲ ق تعمیراتی در آن آستان انجام دادند. در نزدیکی آن نیز قبرهای عاتکه و سکینه، دختران امام حسین علیه السلام، قرار دارد.<sup>(۳)</sup> در سال های اخیر به همت آیت الله حکیم و جمعی از نیکوکاران بنای جدیدی شامل حرم و رواق ساخته شد و گنبد آن طلاکاری گشت.<sup>(۴)</sup>

مسلم بن عقیل از کودکی، در میان جوانان بنی هاشم و به خصوص پسر عموهایش، امام حسن و امام حسین علیهما السلام، بزرگ شد و درس حماسه و ایثار و شجاعت را به خوبی فرا گرفت. مسلم در زمان حضرت امیر علیه السلام نوجوانی رشید و پاک بود که به افتخار دامادی آن حضرت نایل شد و با یکی از دختران امام به نام «ریه» ازدواج کرد.

ص: ۸۷

---

۱- (۱) تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲- (۲) ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۷۰، تاریخ طبری، ۴ ج، ص ۲۱۶.

۳- (۳) حجت بلاغی، تاریخ نجف و حیره، ص ۱۴۴.

۴- (۴) دایره المعارف تشیع، ج ۱، صص ۱۱۰-۱۱۱.

جناب مسلم در زمان حکومت آن حضرت (بین سال های ۳۶ تا ۴۰ هـ - ق)، صاحب منصب نظامی در لشکر حضرت علی علیه السلام بود. بعدها امام حسین علیه السلام در جواب نامه های کوفیان، مسلم را به عنوان نماینده خویش به کوفه فرستاد که در نتیجه آن هیجده هزار نفر با مسلم بیعت کردند، اما ابن زیاد با ایجاد رعب و وحشت، مردم را از اطراف مسلم پراکنده کرد. سرانجام مسلم در کوفه تنها ماند؛ به گونه ای که از هیجده هزار نفری که با او پیمان بسته بودند تا هنگام مغرب تنها سی نفر باقی ماندند و شب هنگام حتی یک نفر هم باقی نماند. مسلم، شب را در خانه «طوعه» پناه گرفت و پس از آنکه مکان اختفای او برای ابن زیاد معلوم شد، نیروهایی برای دستگیری فرستاد، مسلم یک تنه با سربازان ابن زیاد جنگید و پس از درگیری شدید او را دستگیر کردند و نزد ابن زیاد بردند. در نهایت سر از بدنش جدا کردند و پیکرش را از بالای قصر، به زیر افکندند. آنگاه سر مسلم را همراه با سر هانی نزد یزید فرستادند.

شهادت مسلم بن عقیل، روز نهم ذی حجه سال ۶۰ هجری و همزمان با روز عرفه اتفاق افتاد. آن بزرگوار به عنوان پیشاهنگ نهضت کربلا در کوفه به شهادت رسید و افتخار اولین شهید کاروان عاشورا را به خود اختصاص داد. از اولاد عقیل، نه نفر در رکاب امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند که مسلم شجاع ترین آنان بود.

۲ - مرقد هانی بن عروه: قبر این یار فداکار امام حسین علیه السلام داخل حرم مسلم بن عقیل قرار دارد؛ به گونه ای که هر دو یک صحن دارند و تاریخ بنای مرقد آنان مشترک است. ضریح قبر هانی از نقره است که شیعیان هند برای آن ساخته اند. گنبد بزرگی نیز با کاشی های آبی برفراز آن قرار دارد. (۱)

ص: ۸۸

هانی بن عروه مرادی یکی از بزرگان کوفه و رئیس قبیله بنی مراد و از یاران نزدیک امیر مؤمنان علیه السلام بود.

هنگامی که مسلم بن عقیل از طرف امام حسین علیه السلام به کوفه آمد، هانی کمک های زیادی به او رساند و خانه اش پناهگاه اصحاب مسلم و محل جمع آوری سپاه شد.

عبیدالله بن زیاد که در جست و جوی مسلم بود متوجه شد که مسلم در خانه هانی بن عروه پنهان شده است. ابن زیاد سخت خشمگین شد و هانی را نزد خود خواند. هانی ابتدا انکار، ولی سپس اعتراف کرد، اما از تسلیم مسلم به عبیدالله سر باز زد. ابن زیاد با عصا بر سر و صورت هانی زد و بینی اش را شکست و با اینکه رئیس قبیله بود، او را بر زمین کشیدند و بردند.

سرانجام به دستور ابن زیاد، هانی بن عروه را همراه با مسلم بن عقیل، روز نهم ذی حجه سال ۶۰ هجری، در دارالاماره کوفه گردن زدند و اجساد آنان را از بالای بام به زیر انداختند. خبر شهادت مسلم و هانی در محلی به نام «ثعلبیه» به امام حسین علیه السلام رسید؛ در حالی که آن حضرت همراه خانواده به سوی کوفه در حرکت بود.

۳ - مرقد مختار بن ابی عبیده ثقفی: در سمت قبله، متصل به مسجد کوفه، بقعه و مزار مختار بن ابی عبیده ثقفی است که موفق شد انتقام خون شهیدان کربلا را از سپاه عبیدالله بن زیاد بگیرد و کوفه را برای مدتی تحت تصرف خود در آورد. (۱)

ص: ۸۹

---

۱- (۱) کمونه حسینی، آرامگاه های خاندان پاک پیامبر و بزرگان صحابه و تابعین، ص ۲۵۱؛ دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۱۰.

درباره مختار و انگیزه او در قیامش، قضاوت های گوناگونی شده است تا آنجا که بعضی دانشمندان طبقه اول و دوم شیعه، درباره او نظر مساعدی ندارند، اما متأخران او را به نیکویی ستوده اند. مختار پس از قیام نافرجام سلیمان بن سرد (رئیس توابعین)، زمینه قیام بعدی شیعیان را فراهم ساخت. او می دانست اگر بخواهد جنبش شیعه به نتیجه برسد، باید یکی از خاندان پیغمبر، آن را رهبری کند یا لاقبل جنبش به نام او آغاز شود، اما چه کسی برای این کار مناسب بود؟ علی بن الحسین علیه السلام فرزند شهید آل محمد و اگر او نپذیرد محمد حنفیه فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام و عموی علی بن الحسین علیه السلام.

مختار به هر دو تن نامه نوشت. امام علی بن الحسین علیه السلام که بی وفایی اهل عراق و رنگ پذیرای آنان را دیده بود و می دانست به گفته پدر بزرگوارش، این مردم «دین را تا آنجا می خواهند که زندگانی خود را بدان سروسامان دهند و هنگام آزمایش پای پس می نهند» به مختار پاسخ مساعد نداد و تنها تا آنجا که کار او با کیفر قاتلان پدرش مربوط می شد، کردار او را تصویب فرمود، چنانکه چون مختار سر عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد را نزد آن حضرت فرستاد، امام به سجده رفت و فرمود: «الحمد لله الذی ادرک لی من أعدائی و جزى الله المختار خيراً» (۱).

در روایتی که از منهل بن عمرو است آمده: سالی به حج رفتم و علی بن الحسین علیه السلام را دیدم. پرسید: حرمله بن کاهل چگونه به سر می برد؟ گفتم: او را در کوفه زنده دیدم. امام دست های خود را بالا برد و فرمود: خدایا گرمی آهن را بدو بچشان! خدایا گرمی آتش را بدو بچشان! چون به کوفه رسیدم، حرمله را

ص: ۹۰



نزد مختار آوردند. وی دستور داد تا دست و پای او را بربندند و سپس او را به آتش سوزانند.<sup>(۱)</sup>

#### ۴. خانه امیرالمؤمنین علیه السلام

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از جنگ جمل، کوفه را به عنوان مرکز حکومتی برگزید و چون در آنجا شخصاً خانه مستقلی نداشت، در خانه پسرخواهرش امّ هانی، ساکن شد. می گویند خانه ای که در منتهی الیه زاویه جنوب غربی مسجد کوفه قرار دارد، خانه حضرت امیر علیه السلام است، اما نمی توان با قطع و یقین گفت که این خانه همان خانه ای است که حضرت در آن ساکن بوده است. این خانه تاکنون بارها مرمت و تجدید بنا شده است.

#### ۵. مرقه میثم تمار

#### اشاره

میثم فرزند یحیی و از سرزمین «نهروان» منطقه ای میان عراق و ایران است. برخی او را ایرانی دانسته اند و چون در کوفه خرمافروش بود، به «تمار» مشهور شد. میثم تمار، غلامی از بنی اسد بود که امیرالمؤمنین علیه السلام او را خرید و آزاد کرد.

حضرت امیر علیه السلام از او پرسید: نامت چیست؟ گفت: سالم. حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر دادند که نام اصلی تو «میثم» است (نامی که پدر و مادرت بر تو نهاده اند). میثم گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام راست می گویند، نام من میثم است. حضرت علیه السلام فرمود: پس همان نام قدیم تو بهتر است.<sup>(۲)</sup>

ص: ۹۱

---

۱- (۱) ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۳۳۱.

۲- (۲) ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۶، ص ۲۴۹.

میثم از خواص اصحاب و از یاران سرّ امام علی علیه السلام به شمار می آمد و به مقدار قابلیت و ظرفیت خویش از محضر امام علی علیه السلام علم آموخت. آن حضرت نیز او را از برخی اخبار غیبی و اسرار نهان آگاه ساخت تا جایی که ابن عباس از محضر میثم استفاده می کرد.

صاحب الغارات می نویسد:

ابو خالد تمّار گوید: من با میثم بر روی فرات در یک کشتی که انار حمل می کرد، همراه بودیم. میثم به ما گفت: هم اکنون معاویه در گذشت. راوی می گوید: جمعه بود که خیر درگذشت معاویه رسید. من در این مورد تحقیق کردم و معلوم شد همان روزی که میثم خیر فوت او را به ما داد، در همان وقت، معاویه مرده است. (۱)

یکی دیگر از اخبار غیبی که از میثم تمّار نقل شده مربوط به زمانی است که همراه با مختار ابن ابی عبیده ثقفی در زندان عبیدالله بن زیاد به سر می برد. شیخ مفید می نویسد:

«میثم در زندان به مختار گفت: تو به خون خواهی حسین علیه السلام قیام خواهی کرد و این کسی را که اکنون می خواهد تو را بکشد، خواهی کشت. وقتی عبیدالله می خواست مختار را بکشد نامه ای از یزید رسید و مختار آزاد شد». (۲)

روزی امام علی علیه السلام میثم را نزد خود خواند و فرمود:

ای میثم! چه خواهی کرد هنگامی که ابن زیاد تو را طلب کند و از تو بخواهد که از من برائت حاصل کنی.

میثم گفت: یا امیرالمؤمنین من هرگز از تو برائت نخواهم جست.

ص: ۹۲

---

۱- (۱) ثقفی کوفی، الغارات، ترجمه عزیزالله عطاردی، ص ۵۷۲.

۲- (۲) شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۳۲۵.

امام فرمود: بنابراین تو را خواهند کشت و به دارت خواند آویخت. میثم عرض کرد: من صبر خواهم کرد. حضرت نیز فرمود: در این صورت تو در آخرت با من خواهی بود. (۱)

ابن حجر عسقلانی و شیخ مفید و عده ای دیگر از مورخان نوشته اند که امیر مؤمنان علیه السلام چگونگی کشته شدن میثم را به او خبر داد و فرمود:

تو را بعد از من، دستگیر می کنند و به دار خواهند زد. در روز سوم از بینی و دهان تو خون روان خواهد شد و محاسنت را رنگین خواهد ساخت. تو جزء آن ده نفری خواهی بود که بر در خانه عمرو بن حریق، به دار آویخته می شوند. چوبه دار تو از همه آنها کوتاه تر است. سپس حضرت، آن نخل را به وی نشان داد و فرمود: تو را بر آن به دار خواهند آویخت.

پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام میثم پیوسته به نزد آن درخت می آمد و نماز می گزارد و با آن نخل هم سخن می شد. و به عمرو بن حریث می گفت: من همسایه تومی شوم، برای من همسایه خوبی باش. عمرو به او می گفت: آیا می خواهی خانه ابن مسعود یا خانه ابن حکیم را بخری و نمی دانست که منظور میثم چیست. (۲)

میثم در سال آخر عمر خویش به بیت الله الحرام و سپس به مدینه رفت و در آنجا به دیدار امّ المؤمنین امّ سلمه شتافت و از احوال امام حسین علیه السلام پرس و جو کرد. امّ سلمه به وی گفت: بسیار می شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش تو را به امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود. امام حسین علیه السلام نیز تو را بسیار یاد می کند.

ص: ۹۳

---

۱- (۱) الغارات، ص ۵۷۲.

۲- (۲) الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۶، ص ۲۵۰.

میثم به کوفه بازگشت و در همان سال، یعنی اواخر سال ۶۰ هجری، ده روز قبل از ورود امام حسین علیه السلام به کربلا، توسط عیدالله بن زیاد دستگیر شد.

عیدالله از میثم سؤال کرد: خدایت کجاست؟

او گفت:

«بِالْمِرْصَادِ لِلظَّلْمَةِ وَ أَنْتَ مِنْهُمْ؛ در کمین گاه ظالمان است و تو یکی از ظالمان هستی».<sup>(۱)</sup>

سرانجام میثم به همان نحوی که امام علی علیه السلام خبر داده بود به دار آویخته شد. اما او بر سر دار خاموش نبود و فضائل اهل بیت علیهم السلام و رذائل بنی امیه را بیان می کرد؛ لذا عیدالله ابن زیاد به عمرو بن حریث دستور داد بر دهان او لجام زدند و او را به طرز فجیعی به شهادت رسانند. او اولین مسلمانی بود که به هنگام قتل بر دهانش لجام زده شد. مرقد منسوب به میثم در «ثویه» بین مسجد حنانه و مسجد کوفه (هزار متری مسجد کوفه) قرار داد و فاصله چندانی با خانه امام علی علیه السلام در کوفه ندارد.

### مساجد دیگر شهر کوفه

۱. مسجد سهله و آثاردینی آن: یکی از مسجدهای مهم و با فضیلت کوفه، مسجد سهله یا سهیل است. فاصله این مسجد تا مسجد کوفه حدود دو کیلومتر است و بعد از مسجد کوفه، مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن پیرامون وجود ندارد. مسجد سهله را قبیله «بنی ظفر» ساخته اند. آنها طایفه ای از انصار بودند. امام علی علیه السلام مسجد بنی ظفر را همانند مسجد کوفه دانسته است.<sup>(۲)</sup> در علت تسمیه آن گفته اند که سهیل، نام سازنده آن مسجد است و

ص: ۹۴

۱- (۱) الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۲۵۱.

۲- (۲) محمد حسین رجیبی، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، ص ۴۲۷.

«عبدالقیس»، نام طایفه ای است که این مسجد در منطقه سکونت آنها بنا شده و بنی ظفر هم یکی از طایفه های قبیله عبدالقیس است.

این مسجد منزلگاه و عبادتگاه بسیاری از پیامبران از جمله حضرت ابراهیم علیه السلام، ادريس عليه السلام، خضر عليه السلام، و جایگاه برخی از امامان شیعه از جمله مقام امام صادق علیه السلام و امام سجاد علیه السلام بوده است. براساس روایتی از امام صادق علیه السلام، حضرت مهدی (عج) پس از ظهور در آنجا ساکن خواهد شد. (۱)

از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است: «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر آنکه در آن مسجد نماز گزارده است، در آنجا عدل الهی آشکار می شود و منازل و جایگاه های پیامبران، اوصیا و صالحین است». (۲)

۱. مقام امام صادق علیه السلام ۲. مقام حضرت ابراهیم علیه السلام

۳. مقام و منزل حضرت ادريس عليه السلام ۴. مقام حضرت خضر عليه السلام

۵. مقام انبیا و صالحین علیه السلام ۶. مقام امام زین العابدین علیه السلام

۷. مقام حضرت حجت علیه السلام

۲. مسجد صعصعه بن صوحان: این مسجد که به نام صعصعه بن صوحان است، نزدیک مسجد برادرش، زیدبن صوحان، قرار دارد و از مساجد شریف کوفه است. صعصعه بن صوحان نیز مانند برادرش از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام است که در خطابه و فصاحت، مهارتی خاص داشت و از طرف آن حضرت لقب «خطیب شحشح» گرفته است. صعصعه در شب دفن امیرالمؤمنین علیه السلام، همراه فرزندان آن حضرت بود و بعد از دفن، برای آن حضرت مرثیه سرایی کرده و به

ص: ۹۵

---

۱- (۱) شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۵؛ ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۹.

۲- (۲) حسینی الجلالی، مزارات اهل البیت و تاریخهما، صص ۶۲-۶۳.

منزله روضه خوان آن مجلس بوده است. معاویه، صعصعه را به بحرین تبعید کرد و در سال ۶۵ هـ - ق در آنجا وفات یافت. قبرش در جنوب منامه (پایتخت بحرین) زیارتگاه مؤمنان است.

## امامزاده های شهر کوفه

۱. سیدحسن، نوه حضرت ابوالفضل علیه السلام: امامزاده سیدحسن، فرزند عبدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام، در محله هاشمیه کوفه قرار دارد. وی در مدینه به دنیا آمد و در ۷۶ سالگی در کوفه از دنیا رفت. امامزاده سیدحسن، از راویان حدیث بود.

۲. محمد و ابراهیم الغمر: این دو امامزاده از فرزندان حسن مثنی و از نوادگان امام مجتبی علیه السلام می باشند.

محمد بن الحسن، ملقب به ابوحیبیات، فرزند حسن مثنی و نوه امام حسن مجتبی علیه السلام است. مادرش فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است. به دستور منصور دوانیقی، خلیفه منفور عباسی، محمد بن الحسن و بسیاری دیگر از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام را به زندان انداختند و بعد از شکنجه و آزار، زندان را بر سرشان خراب کردند. این واقعه در سال ۱۴۵ هجری اتفاق افتاد. این مرقد در منطقه عباسیه شرق شهر کوفه قرار دارد.

ابراهیم الغمر فرزند دیگر حسن مثنی و نوه امام حسن مجتبی علیه السلام است. مادر او نیز فاطمه دختر امام حسین علیه السلام است. مرقدش در کوفه و در شمال مرقد میثم به طرف نجف قرار دارد.

۳. مقام زید بن علی علیه السلام: زید بن علی بن الحسن علیه السلام فرزند چهارمین امام شیعه است. این بزرگوار در دوران هشام به سال ۱۲۱ ق قیام کرد و در محله «کناسه» کوفه بر دار کشیده شد و یوسف بن عمرو ثقفی، حاکم کوفه، جنازه او

را سوزاند و خاکسترش را به باد داد. برای زید در همان محلی که جنازه اش را آتش زدند، در ۱۵ کیلومتری شمال شهر کوفه، مقامی ساخته شد و برفراز آن گنبدی احداث گردید.

شایان ذکر است در کوفه از نسل امام سجاده، امام حسن و امام کاظم علیهم السلام فرزندان زیادی خاک شده و هر یک آرامگاهی دارند که بیان آن، موجب طولانی شدن سخن است. (۱)

### مقام و مراقب انبیاء

۱. مقام یونس نبی علیه السلام: این مقام که در شرق مسجد کوفه و رود فرات، بعد از پل قرار گرفته و شکل مسجد دارد، در میان مردم به غلط، به نام آرامگاه حضرت یونس بن مَتی علیه السلام شهرت یافته است. در قسمتی از گنبد خانه آن، محرابی است که گفته می شود امیرالمؤمنین علیه السلام در آن جا نماز گزارده است. هم اکنون این مقام در حال بازسازی است. محل آن، در فاصله یک کیلومتری مسجد کوفه واقع است و بنا بر برخی حکایات، حضرت یونس علیه السلام در این جا از شکم نهنگ بیرون انداخته شد. در کنار مقام ادریس سابقاً مسجد الحمراء قرار داشته، و یکی از مساجد مبارک شهر کوفه بوده است؛ چنانچه در حدیث امیر المؤمنین به آن اشاره شده است. (۲) این مسجد در زمان حکومت بعثی ها به بهانه بازسازی تخریب شد و امروزه اثری از آن نیست.

ص: ۹۷

---

۱- (۱) ر. ک: کمونه حسینی، همان، صص ۲۴۴-۲۵۰. وی حدود چهل تن از آنها را با نام مکان دفنشان برشمرده است.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۹.

۲. ذوالکفل علیه السلام پیامبر قوم یهود: مرقد ذی الکفل در چند فرسخی شهر کوفه در کنار فرات و در شهر «کفل» است. این شهر که در ۳۵ کیلومتری شمال شرقی نجف قرار دارد، نام خود را هم از این پیامبر بزرگ گرفته است. نام اصلی این پیامبر، حزقیل یا حزقیال است و چون قوم یهود را کفالت کرد و از دست بابلیان نجات داد، به آن حضرت لقب ذوالکفل دادند.



شهر کربلا

اشاره

ص: ۹۹

کربلا در ناحیه غربی رودخانه فرات قرار دارد. در شمال غربی آن، شهر تاریخی انبار، در شرق آن شهر باستانی بابل، در غرب آن صحرای غربی و در جنوب غربی آن شهر حیره، پایتخت «مناذره» واقع است.<sup>(۱)</sup> فاصله کربلا تا بغداد نیز ۱۰۵ کیلومتر است. تاریخ کربلا به دوران بابلی ها بازمی گردد.

امام حسین علیه السلام در روز دوم محرم سال ۶۱ هجری همراه کاروانش به کربلا- رسید. وقتی نام آن را پرسیدند و در جواب، نام کربلا را شنید، فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُرْبِ وَ الْبَلَاءِ؛ خدایا من از سختی ها و بلاهای این سرزمین به تو پناه می برم».

بنا بر گفته های بعضی از مورخین، امام علیه السلام گوشه ای از زمین کربلا (زمینی به مساحت ۳۶ کیلومتر مربع) را که اکنون شامل قبر آن حضرت و سایر شهدای کربلا می شود، به مبلغ شصت هزار درهم از مردم نینوا و غاضریه خرید و با آنها شرط کرد که مردم را برای زیارت راهنمایی کنند و از زائرین قبرش تا سه روز پذیرایی کنند.

این سرزمین تا سال ۶۱ هجری قمری، بیابانی بیش نبوده است، اما بعد از واقعه کربلا- و پس از ساخت گنبد و بارگاه برای شهدا، به یکی از شهرهای زیارتی عراق تبدیل شد. از سویی در دوره های مختلف تاریخی، از عصر اموی تا عباسی و دوران تهاجم مغولان تا عصر حاضر، مورد توجه برخی از خلفا و

ص: ۱۰۰

---

۱- (۱) آل طعمه، سلمان هادی، تاریخ مرقد الحسین والعباس، ص ۱۷.

امیران قرار داشت. این امر بیانگر ارادت و توجه آنان به مرقد مطهر امام حسین علیه السلام و یارانش بود.

## کربلا در گذر تاریخ

این شهر در روزگار کلدانی ها محل سکونت برخی از مسیحیان بود که آن را «کور بابل»، به معنای پرستش گاه خداوند، می نامیدند؛ زیرا در آنجا معبدها و پرستش گاه های بزرگی وجود داشت. (۱) کربلا- در روزگار ساسانیان و هنگامی که حیره مرکز حکومت «مناذره» بود، اهمیت ویژه ای یافت و به تابعیت دولت ایران در آمد. اهمیت این منطقه از آن رو بود که برسر شاهراه های تجاری حیره، انبار، شام و حجاز واقع شده بود. در عصر اسلامی نیز «خالد بن عرفجه» یکی از فرماندهان سعد بن ابی وقاص، کربلا را فتح کرد. او در سال ۱۴ هجری، پس از فتح کربلا، آنجا را پایگاه سپاه خود ساخت و لشکریان اسلام در آن شهر و نیز کوفه مستقر شدند. طولی نکشید که پایگاه سعد نیز به شهر کوفه منتقل شد. (۲)

بعضی در وجه تسمیه کربلا می گویند واژه کربلا از «کور بابل» گرفته شده که به معنای مجموعه روستاهای بابل قدیم است که «نینوا»، «غاضریه» و «طف» از جمله آنهاست.

به ساحل و کناره های رود در سمت خشکی، طف گفته می شود. (۳) در متون

ص: ۱۰۱

---

۱- (۱) جعفر الخلیلی، موسوعه العتبات المقدسه، قسم الکربلاء، ص ۱۰.

۲- (۲) تاریخ طبری، ج ۴، حوادث سال دوازدهم هجری.

۳- (۳) طف الفرات، ای شطه. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۱، فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۴۰۶.

تاریخی از کربلا به سرزمین طف یاد شده که امام حسین علیه السلام در آنجا به شهادت رسید. (۱) از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

«جبرئیل مرا خبر داده است که فرزندم حسین پس از من در سرزمین طف کشته می شود، جبرئیل این خاک را برایم آورده و به من خبر داده که محل قتل او در همین خاک خواهد بود». (۲)

کربلا را به سبب سکونت طایفه ای به نام بنی غاضر، از قبیله بنی اسد در نزدیکی آن، غاضریه نیز می نامند (۳)؛ همان جایی که آبادی وسیع و پر رونقی در کنار فرات و شمال کربلا قرار داشت و به آن متصل بود. (۴) این منطقه، در حقیقت به همان مکانی اطلاق می شد که تقریباً حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام است. (۵) در برخی متون تاریخی از شهادت امام حسین علیه السلام در غاضریه و در کرانه فرات یاد شده است. (۶) امام صادق علیه السلام در آداب زیارت امام حسین علیه السلام می فرماید: «هر گاه به سوی حائر آمدی از پل عبور کن و در فرات غسل نما و در غاضریه قدم بگذار». (۷)

ص: ۱۰۲

- 
- ۱- (۱) یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۱؛ ابن طاووس، اللهوف علی القتلی الطفوف.
  - ۲- (۲) محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۳۹.
  - ۳- (۳) کتاب العین، ج ۴، ص ۲۶۵.
  - ۴- (۴) یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۸۳.
  - ۵- (۵) آل طعمه، تاریخ المرقد الحسین والعباس، ص ۲۵.
  - ۶- (۶) ابو مخنف لوط بن یحیی، مقتل الحسین.
  - ۷- (۷) جعفر ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۲۱.

«نینوا» شهری تاریخی در مقابل موصل از سرزمین بابل است که کربلای قدیم نیز جزو آن بوده است لذا قدمت آن به عصر تمدن بابل می رسد. این شهر پایتخت دولت آشور و این نام از اسامی آشوری است.<sup>(۱)</sup> در دوره های بعد، این منطقه به قریه ای تبدیل شد که در نزدیکی کربلای قدیم قرار داشت.<sup>(۲)</sup> به همین سبب گاهی نام نینوا را کربلا و کربلا را نینوا نامیده اند. یاقوت حموی نیز کربلا را جزیی از نینوا می داند.<sup>(۳)</sup> امام حسین علیه السلام وقتی نام کربلا شنیدند، از نام دیگرش پرسیدند، گفتند: نام دیگرش نینواست. امام علیه السلام نیز همان موقع دستور دادند کاروان بار بگشایند و در آن سرزمین رحل اقامت افکنند.<sup>(۴)</sup>

### امیرالمؤمنین علیه السلام و کربلا

در سال ۳۶ ق، هنگامی که امام علی علیه السلام به سوی صفین حرکت می کرد، به کربلا رسید و چون نام آن را دانستند فرود آمدند، هرثمه بن سلیم می گوید:

در سفر شام همراه امیرالمؤمنین علیه السلام به سرزمین کربلا- رسیدیم، نماز به جماعت خوانده شد، پس از نماز امام علیه السلام مقداری از خاک کربلا را بویید و فرمود:

«واها لک یا تُرْبَهُ ، لِيَحْشَرَنَّ مِنْكَ قَوْمٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ آه ای زمین کربلا، روز محشر مردانی از تو بیرون می آیند که بدون حسابرسی وارد بهشت می گردند».

ص: ۱۰۳

---

۱- (۱) تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۸۱، جعفر الخلیلی، همان جا.

۲- (۲) لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۳۰، العین، ج ۸، ص ۳۹۶.

۳- (۳) یاقوت حموی، معجم البلدان، ذیل واژه نینوا.

۴- (۴) تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۲.

پس از جنگ صفین، این خبر غیبی امام را با شگفتی به همسرم «جرداء» رساندم. او گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام جز سخن حق نمی گوید. روزگار سپری شد تا اینکه لشکرهای ابن زیاد به سوی کربلا رفتند من هم با آنان به کربلا رسیدم، و خبر غیبی امیرالمؤمنین علیه السلام را در کربلاء به امام حسین گفتم؛ امام حسین فرمود: به یاری ما آمدی یا جنگ با ما؟ گفتم: هیچ کدام. فرمود: پس دور شو، زیرا هر کس کشته شدن ما را بنگرد و ما را یاری ندهد، در جهنم خواهد بود<sup>(۱)</sup>.

## اماکن زیارتی و آثار دینی کربلا

### ۱. مرقد امام حسین علیه السلام

#### اشاره

بنای مرقد امام حسین علیه السلام تاریخی به درازای چهارده قرن دارد. در روز ۱۲ محرم سال ۶۱ هـ - ق پیکر پاک سیدالشهداء و یارانش توسط قبیله بنی اسد با راهنمایی امام سجاد علیه السلام به خاک سپرده شد. در سال ۶۵ هجری مختار بر قبر امام علیه السلام، گنبدی از آجر و گچ ساخت و دو در برای آن قرار داد، ولی در سال ۱۴۶ هـ - ق ابوجعفر منصور، این بنای سرپوشیده را ویران کرد.

در سال ۱۵۸ هـ - ق مهدی عباسی، آن را از نو بنا کرد، گرچه در سال ۱۷۱ هـ - ق، هارون الرشید، بنای مزبور و گنبد آن را ویران کرد. در سال ۲۳۶ هـ - ق نیز متوکل عباسی، مرقد امام علیه السلام را به طور کامل ویران کرد و زمین آن را شخم زد.

در سال ۳۶۷ هـ - ق، عضدالدوله دیلمی، گنبدی با چهار رواق و ضریحی از عاج برای مرقد ساخت.

ص: ۱۰۴

---

۱- (۱) دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۵۳؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۹۶۱.

در سال ۳۹۷ هـ - ق، عمران بن شاهین، مسجدی به نام خود متصل به رواق بنا کرد.

در سال ۷۶۷ هـ - ق، سلطان اویس جلایری، گنبد داخلی را ساخت و صحنی بر گرد مضجع امام علیه السلام بنا کرد.

در سال ۹۳۲ هـ - ق، شاه اسماعیل صفوی دوم، ضریح مشبک و زیبایی از نقره، به مرقد امام علیه السلام هدیه کرد.

در سال ۱۱۵۵ هـ - ق، نادرشاه افشار، بناهای موجود را تزئین کرد و هدیه های گرانبهائی به گنجینه حرم مطهر هدیه داد.

در سال ۱۲۱۱ هـ - ق، آقامحمدخان قاجار، دستور داد گنبد را به طلا آراستند.

در سال ۱۲۱۶ هـ - ق، وهابی ها به کربلا یورش آوردند و ضریح و رواق آن را ویران کردند و اموال حرم را ربودند.

در سال ۱۲۵۰ هـ - ق، فتحعلی شاه قاجار، گنبد و بارگاه را نوسازی کرد و گنبد حرم ابوالفضل علیه السلام را نیز بر پا کرد.

در سال ۱۴۲۸ هـ - ق، به منظور استفاده بیشتر از فضا و محافظت زائران از سرما و گرما، صحن شریف اباعبدالله علیه السلام، با سبک جدید مسقف گردید.

### تربت امام حسین علیه السلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره تربت امام حسین علیه السلام فرمود:

«أَلَا وَ أَنْ الْجَابَةَ تَحْتَ قَبْرِهِ ، وَ الشَّفَاءَ فِی تَرْبَتِهِ ، وَ الْإِئْمَةَ عَلَيْهِ السَّلَام مِنْ وُلْدِهِ ؛ بدانید که اجابت دعا، زیر گنبد او (امام حسن علیه السلام) است، و شفا در تربت او، و امامان علیه السلام از فرزندان اویند».<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۰۵

حضرت امام کاظم علیه السلام در ضمن حدیثی که از رحلت خویش خبر می داد، فرمود:

وَلَا تَأْخُذُوا مِنْ تُزْبَتِي شَيْئاً لَتَبَرَّكُوا بِهِ فَإِنَّ كُلَّ تُزْبَةٍ لَنَا مُحَرَّمَةٌ إِلَّا تُزْبَةَ حَيْدَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَهَا شِفَاءً لِشِيَعَتِنَا وَ أَوْلِيَانِنَا؛ چیزی از خاک قبر من بردارید، تا به آن تبرک جوید، چرا که هر خاکی بر ما حرام است، جز تربت جدم حسین علیه السلام، که خداوند آن را، برای شیعیان و دوستان ما شفا قرار داده است.

بهترین سوغات زائر کربلا- نیز مهر و تسیح تربت کربلاست که داری جنبه معنوی و پاداش اخروی است، و باز گوکننده خاطرات سفر است.

### احکام تربت امام حسین علیه السلام و آثار آن

- ۱ - در نماز، سجده بر تربت امام حسین علیه السلام مستحب است و سبب افزایش ثواب نماز می شود. (۱)
- ۲ - خوردن هر نوع خاکی حرام است، به جز تربت حسینی که خوردن اندکی از آن به نیت شفا، جایز است. (۲) همچنین برداشتن کام نوزدان، با تربت حسین مستحب است. (۳)
- ۳ - حفظ احترام تربت امام حسین علیه السلام لازم است و هر گونه بی احترامی به آن، حرام می باشد، و انداختن آن در جایی که بی احترامی باشد، حرام است.

ص: ۱۰۶

---

۱- (۱) العروه الوثقی، ج ۱، فی مسجد الجبّه، ص ۶۴۶، مسئله ۲۶ - توضیح المسائل، مسئله ۱۰۸۳.

۲- (۲) توضیح المسائل، مسئله ۲۶۲۸.

۳- (۳) تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۰، مسئله ۲.



از طرفی نجس کردن آن جایز نیست و اگر در جایی بیفتد که بی احترامی باشد، باید آن را بیرون آورد.

۴ - مستحب است هنگام دفن میت، مقداری تربت همراه او گذاشته شود و با حنوط او نیز مخلوط کنند. (۱)

۵ - بوییدن و بوسیدن تربت امام حسین علیه السلام و بر چشم مالیدن آن مستحب است. حتی دست کشیدن بر آن و مالیدن بر سایر اعضای بدن ثواب دارد.

۶ - ذکر گفتن با تسبیحی که از تربت امام حسین علیه السلام ساخته شده و حتی همراه داشتن آن مستحب است. امام صادق علیه السلام در همین رابطه فرمود:

«مَنْ كَانَ مَعَهُ سُبْحَةٌ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ مَسْبُوحًا وَ إِنْ لَمْ يُسَبِّحْ بِهَا؛ هُرَّكَ تَسْبِيحًا مِنْ قَبْرِ حُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَمْرًا دَاشْتَهُ بَاشَد، تَسْبِيحٌ كُو نُو شْتَه مِي شُود، هُر چنَد بَا آن تَسْبِيح نَكُو يَد.» (۲)

### تسبیح تربت و تاریخچه آن

پس از آنکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ذکرهای معروف را به دخترشان حضرت زهرا علیها السلام آموختند، ایشان برای شمارش آن ذکرها، تسبیحی از نخ پشمین ساختند که به آن گره های متعدد زده بودند. پس از شهادت حضرت حمزه سیدالشهداء علیه السلام در غزوه احد، حضرت زهرا علیها السلام از تربت ایشان تسبیحی ساخته و به نخ کرده بودند و با آن تسبیحات را می گفتند و مردم نیز همین گونه عمل کردند. چون امام حسین علیه السلام در کربلا به شهادت رسید، به خاطر فضیلت فراوان تربت او، این کار درباره تربت قبر آن امام شهید انجام گرفت.

ص: ۱۰۷

---

۱- (۱) حنوط: مقداری کافور که بر هفت موضع سجده میت می گذارند.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۳۲.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«شیعه ما از پنج چیز بی نیاز نیست: مسواک، شانه، سجاده، تسبیح تربت و انگشتر عقیق».(۱)

امام رضا علیه السلام نیز فرمود:

هر کس با تسبیح تربت امام حسین علیه السلام این ذکر را بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ؛ با هر دانه، خداوند برای او ۶۰۰۰ حسنه می نویسد، و ۶۰۰۰ گناه از او محو می کند، و ۶۰۰۰ درجه او را بالا می برد، و ۶۰۰۰ شفاعت برای او می نویسد.

شبی در یک عبادتگاه مَهْری ز یاری با صفا آمد به دستم

چو گل بوییدم و بوسیدم آن را هنوز از عطر روح افزایش مستم

بدو گفتم کدامین خاک پاکِی که دل ای مَهر بر مَهرِ تو بستم

بگفتا تربت پاکِ حسینم که بر دامان احسانش نشستم

کمال همنشین در من اثر کرد و گرنه من همان خاکم که هستم

### حائِرِ حَسینی

لفظ حائِرِ الحسین علیه السلام (۲) در روایات امام صادق آمده و این نام گذاری پیش از آن است که متوکل عباسی پس از سال ۲۰۰ هـ. ق، بر مرقد امام حسین علیه السلام

ص: ۱۰۸

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۳۴.

۲- (۲) «حائِر» در لغت از «حیر» است از حَجَر گرفته شده و به معنی سنگ است، و آن اطاقی که از گل و سنگ بر مرقد امام حسین علیه السلام ساخته شده حائِرِ الحسین نامند و مقدار مساحت آن مورد اختلاف است.

آب مسلط کند و آب، دور قبر آن حضرت حیران شود؛ چنانچه به غلط مشهور است.<sup>(۱)</sup>

در اینکه چه مقدار مساحت از اطراف قبر مطهر امام حسین علیه السلام، حائر محسوب می شود و آن مکانی که آن همه روایات در فضیلت آن و استجاب دعا در آن، ذکر شده، کدام است، مرحوم علامه مجلسی، اقوال متعددی را از علما در این رابطه نقل کرده است. اما آنچه در نظر شریف خود ایشان تقویت دارد، این است که مراد از حائر، آن مقدار از مساحتی است که دیوارهای صحن، آن را احاطه کرده است؛ در نتیجه خود صحن از همه اطراف و ساختمان هایی که به قبه شریفه متصل است و همچنین مسجدی که در پشت آن قبه قرار دارد، جزء حائر به شمار می آیند.

مرحوم صاحب جواهر نیز در تفسیر حائر، همین معنا را انتخاب کرده، هر چند احتیاط آن است که صحن مطهر را جزء حائر ندانند و به حرم مطهر و رواق ها و مسجد بالاسر قناعت کنند، به خصوص اینکه در گذشته، حرم تا این حد توسعه نداشته است.<sup>(۲)</sup>

### نماز در حرم امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام درباره تمام خواندن نماز فرمود: «در چهار مکان نماز تمام است: مسجد الحرام، مسجد النبی علیه السلام مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام».<sup>(۳)</sup>

ص: ۱۰۹

---

۱- (۱) ر. ک: مدرس بستان آبادی، کربلا شهر حسین علیه السلام.

۲- (۲) مفاتیح نوین، صص ۴۳۸ و ۴۳۹.

۳- (۳) وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۵۴۶.

این مکان‌ها را «اماکن تخییر» می‌نامند؛ یعنی مکان‌هایی که مسافر می‌تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند. (۱) سر آنکه مسافر می‌تواند نمازش را در اماکن مذکور تمام بخواند، این است که در این جاها نباید احساس غربت کند و مثل آن است که در خانه خودش نماز می‌خواند.

اقوال فقهای معاصر نسبت به تمام یا قصر خواندن نماز در محدوده حائر حسینی علیه السلام مختلف است، از جمله:

۱ - تخییر در اطراف ضریح مقدس (حائر) و احتیاط واجب دورتر از اطراف ضریح قصر است. (آیت الله العظمی گلپایگانی، آیت الله العظمی صافی).

۲ - تخییر در محدوده حرم. (آیت الله العظمی خوئی، آیت الله العظمی بهجت، آیت الله العظمی مکارم، آیت الله العظمی تبریزی).

۳ - تخییر در حرم تا شعاع ۱۱/۵ متر از قبر مقدس. (آیت الله العظمی سیستانی).

۴ - تخییر در تمام روضه. (آیت الله العظمی اراکی).

۵ - تخییر در حرم و رواق‌ها، بلکه در مسجد متصل به حرم. (امام خمینی، آیت الله خامنه‌ای، آیت الله العظمی فاضل). (۲)

البته زائران محترم باید به فتوای مرجع تقلیدشان در مورد اماکن تخییر مراجعه کنند، اما مسافرانی که می‌خواهند عمل به احتیاط کنند، نمازشان را قصر بخوانند، چرا که تمام خواندن نماز، افضل است، اما قصر خواندن، موافق احتیاط.

ص: ۱۱۰

---

۱- (۱) تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۶۴، القول فی احکام المسافر، م ۸، توضیح المسائل، مسئله ۱۳۵۶.

۲- (۲) توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۷۲۸، مسأله ۱۳۵۶.

قتلگاه محلی است که سر مقدس امام حسین علیه السلام را از تن جدا کردند. در محل منسوب به این واقعه، حجره ویژه ای با دری نقره ای وجود دارد که برای ورود و خروج مردان است و دری هم در صحن برای ورود و خروج بانوان دارد. قتلگاه، در جنوب غربی، رواق حیب بن مظاهر واقع است.<sup>(۱)</sup>

### خیمه گاه (مُخیم)

امام حسین علیه السلام روز پنجشنبه، دوم محرم سال ۶۱ به کربلا رسید و دستور دادند خیمه ها برپا شود. امروزه مکان منسوب به این واقعه به «مُخیم» یعنی خیمه گاه معروف است.

در میان خیمه زیبای تو ناله دارد خواهر شیدای تو

خیمه ها بوی عجیبی می دهند بوی جانسوز غریبی می دهند

خیمه ها بوی اسیری می دهند خیمه ها بوی یتیمی می دهند

خیمه ها معناگر یک مطلب اند مظهر آوارگی زینب اند

### تلّ زینبیه

تلّ زینبیه در جنوب غربی (درب زینبیه) صحن مطهر قرار دارد. این مکان، یادواره حضرت زینب است که از بلندای آن وقایع جنگ را نظاره گر بود.

ص: ۱۱۱

---

۱- (۱) ادیب الملک، سفرنامه ادیب الملک به عتبات، ص ۱۶۴.

روز عاشورا، به هنگام نبرد و درگیری، حضرت زینب بر بالای تپه ای مشرف بر میدان نبرد حضور می یافت و شاهد جان فشانی های دلاور مردان و آزادگان و یاران حسین علیه السلام بود. این تل، که یادآور حضور آن بانوی فداکار است، در سمت جنوب غربی صحن مطهر واقع شده و به طور تقریبی پنج متر از کف صحن حرم بالاتر است حدود ۳۵ متر تا مقتل و قتلگاه فاصله دارد. این مکان را به صورت اتاقی ساخته اند که با چند پله می توان به آن راه یافت و گنبدی از کاشی آبی بر آن استوار است. تل زینبیه در سال های اخیر بازسازی شده است. (۱)

## بین الحرمین

بین ضریح و مرقد شریف اباعبدالله الحسین علیه السلام و ضریح و قبر مطهر حضرت ابوالفضل علیه السلام حدود ۳۷۷ متر فاصله است. که برخی آن را تشبیه به فاصله بین کوه صفا و کوه مروه نموده و فکر می کنند یک خصوصیتی دارد و یا محل استعجاب دعاست در صورتی که این فقط یک شهرت بین زائرین است و این مکان اعمال خاصی ندارد.

## ۲. مرقد شهدای کربلا

### اشاره

تمامی شهیدان کربلا، به جز حبیب بن مظاهر، حضرت ابوالفضل و حربن یزید ریاحی در نزدیکی قبر حضرت امام حسین علیه السلام به خاک سپرده شده اند و قبرهای آنان در سمت جنوب شرقی ضریح امام حسین علیه السلام، به فاصله چند متری آن قرار دارد. این قبرها، اکنون درون یک اتاقک دوازده متری و حاوی صندوق خاتم است و پنجره ای از نقره به طول پنج متر دارد و محدوده آرامگاه را مشخص می کند. بالای این پنجره، اسامی حدود ۱۲۰ تن از شهیدان کربلا،

ص: ۱۱۲

همراه با زیارت نامه مخصوص بر روی کتیبه ای از کاشی های آبی نقش بسته است. قبل از توسعه جدید حرم، یعنی تا ۱۲۱۳ ق، این قبرها بقعه ای جداگانه داشت و از حرم امام حسین علیه السلام مستقل و مجزا بود به گونه ای که طواف پیرامون آن میسر بود. سخن ابو حمزه ثمالی نیز این مطلب را تأیید می کند: «سپس از حرم مطهر خارج شو و در مقابل قبور شهدا بایست» (۱).

در سال ۱۲۱۳ ق، عملیات توسعه جدید آغاز شد و به دلیل زیاد بودن زائران و تنگی مکان زیارت، سید علی طباطبایی و آیت الله شهرستانی برای تأمین رفاه زائران، دیوار آن بقعه را برداشتند و راهروی در ورودی رواق جنوبی به مزار شهیدان را بستند و در قسمت شمالی آن، ضریحی از چوب ساج قرار دادند. سپس دیوار حائل را برداشتند و آن را به حرم متصل کردند. با این کار، امکان طواف پیرامون مزار شهیدان از بین رفت، اما فضای زیارتی مناسبی ایجاد شد. در سال ۱۲۳۰ ق از سوی ملا محمد صالح برغانی ضریحی از جنس برنج با کتیبه نقره ای حاوی شعرهای محتشم کاشانی بر آرامگاه شهیدان نصب شد و صندوقی از خاتم نیز در داخل آن قرار گرفت (۲).

### مرقد حضرت علی اکبر و شهیدان بنی هاشم

محل دفن جوان شجاع و دلاور امام حسین علیه السلام در پایین پای آن حضرت است. ضریح امام حسین علیه السلام، به صورت شش ضلعی است که دو ضلع پایین آن به علی اکبر و شهیدان بنی هاشم تعلق دارد. مزار شهیدان بنی هاشم نیز در کنار مزار حضرت علی اکبر و پایین پای مبارک امام حسین علیه السلام قرار دارد. بر

ص: ۱۱۳

---

۱- (۱) مدرس بستان آبادی، شهر حسین، ص ۳۴۷.

۲- (۲) دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۴۴.

اساس حکایات، وقتی بنی اسد شهیدان را به خاک می سپردند جنازه های شهیدان بنی هاشم را که امام حسین علیه السلام در یک خیمه گاه جمع آوری کرده بودند، پایین پای آن حضرت دفن کردند و سپس چند متر پایین تر از آن، دیگر شهیدان کربلا را به خاک سپردند. (۱)

### مرقد حبیب بن مظاهر

حبیب بن مظاهر (مظهر) اسدی، از شهدای والا قدر کربلاست. وی از طایفه بنی اسد، اهل کوفه و از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در هر سه جنگ صفین، نهروان و جمل، در رکاب امام علی علیه السلام شرکت داشت. او از اصحاب خاص امیرالمؤمنین علیه السلام و از حاملان علم آن حضرت بود و در علوم قرآنی نیز شاگرد خاص آن حضرت به شمار می آمد. حضرت امیر، او را به علم «مَنایا وَبَلایا»؛ یعنی آنچه بعدها اتفاق خواهد افتاد آگاه ساخته بود.

حبیب از اعضای گروه ویژه «شُرطه الخمیس» بود که نیروی ضربتی و مطیع امام علی علیه السلام بودند. او در نهضت مسلم بن عقیل در کوفه، از کسانی بود که در بیعت گرفتن از مردم برای جناب مسلم، کوشش می کرد. همچنین از جمله سران شیعه، در کوفه بود که به حسین بن علی علیه السلام دعوت نامه نوشتند. امام نیز پس از آگاهی از شهادت مسلم بن عقیل، نامه ای به او نوشت.

حبیب بن مظاهر نزد امام حسین علیه السلام موقعیت والایی داشت؛ به گونه ای که امام علیه السلام او را در کربلا به عنوان فرمانده جناح چپ سپاه خویش تعیین کرد. حبیب، تلاش فراوانی داشت تا یارانی را از قبیله بنی اسد به یاری امام حسین علیه السلام بیاورد، اما سپاه اموی مانع پیوستن آنان به یاران سیدالشهدا شد. (۲)

ص: ۱۱۴

۱- (۱) دایره المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۶۳.

۲- (۲) انصارالحسین علیه السلام، ص ۶۶.



حیب هنگام شهادت ۷۵ سال داشت و سر او نیز همراه سرهای شهدا در کوفه گردانده شد.

### مرقد حُرّ بن یزید ریاحی

حُرّ، فرزند یزید بن ناجیه ریاحی، منسوب به طائفه «بنی تمیم»، بزرگ قبیله و جزء سران کوفه بود. در سال ۶۰ هجری، عبیدالله بن زیاد او را به فرماندهی ۳۰۰۰۰ نفر از نیروهای قبایل تمیم و همدان منصوب کرد. وی بعد از ابن سعد، مهم ترین شخصیت سپاه کوفه در جنگ کربلا بود و مأموریت داشت راه را بر امام علیه السلام بسته، مانع حرکت آن حضرت شود. اما زمانی که به سپاه امام علیه السلام رسید، امام حسین علیه السلام او و همراهانش را که تشنه بودند سیراب کرد؛ در صورتی که می دانست آنها دشمن اند. این جوانمردی امام علیه السلام باعث تحوّل روحی حُرّ شد؛ به طوری که ابن سعد روز هشتم محرم او را از منطقه «ذوحسم» فرا خواند و از فرماندهی عزل نمود و به ناحیه دیگری در همان منطقه فرستاد. روز عاشورا حُرّ تصمیم نهایی خود را گرفت و به بهانه آب دادن به اسب، از سپاه ابن سعد جدا شد و به سپاه سیدالشهداء علیه السلام پیوست. سپس اذن میدان طلبد و به نبرد پرداخت و در خطابه ای مؤثر، سپاه کوفه را به خاطر جنگیدن با امام حسین علیه السلام توبیخ و سرزنش کرد. چیزی نمانده بود که سخنان او، گروهی از سربازان عمر سعد را تحت تأثیر قرار داده از جنگ با امام حسین علیه السلام منصرف سازد، اما سپاه عمر سعد، او را هدف تیرها قرار داد. سرانجام فردی به نام «ایوب بن مسرح» و کمانداران عمر سعد این قهرمان بزرگ و حماسه ساز را به شهادت رساندند.

امام حسین علیه السلام پیش از شهادت حُرّ، بر بالینش آمد، آنگاه سرش را به دامن نهاد و خطاب به او فرمود: تو همان گونه که مادرت، نامت را حُرّ گذاشته است، حُرّ و آزاده ای، آزاد در دنیا و سعادت مند در آخرت!

«أَنْتَ حُرٌّ كَمَا سَمَّيْتِكَ أُمَّكَ ،

وَأَنْتَ حُرٌّ فِي الدُّنْيَا وَ أَنْتَ حُرٌّ فِي الْآخِرَةِ» و دست بر چهره اش کشید و سرش را با دستمالی بست.

حرم منسوب به حرّ بن یزید ریاحی، در منطقه «حرّ» به فاصله شش کیلومتری شمال غربی کربلا قرار دارد و سبب این دوری، آن است که پس از عاشورا، وقتی که طایفه بنی الریاحی شنیدند که لشکریان عمر سعد می خواهند بر اجساد مقدّس شهدا اسب بتازند، بدن حرّ را از آنجا بردند و در یک فرسخی و در جایی که در قدیم به آن «نواویس» می گفتند دفن کردند تا پای مال سم ستوران نشود. (۱)

بنای آغازین عمارت مرقد حرّ، به وسیله شاه اسماعیل صفوی، صورت گرفت. وی دستور داد قبر حرّ را نبش کردند و دیدند جسد حرّ سالم است و دستمالی را که امام حسین علیه السلام به پیشانی او بسته، هنوز موجود است. وقتی شاه اسماعیل آن دستمال را باز کرد؛ خون تازه از جای آن جاری شد و با هیچ دستمال دیگری بند نیامد، سرانجام ناچار شدند همان دستمال را ببندند. از همان جا بود که شاه اسماعیل صفوی دستور داد حرم حرّ را بسازند.

### مرقد عون بن عبدالله

طبق روایتی عون بن عبد الله بن جعفر طیار فرزند زینب کبری علیها السلام در کنار اتوبان کنونی کربلا - بغداد دفن شده است و مزار و مرقد باشکوهی دارد. در گذشته و در عصر قاجار، این مکان با کربلا یک فرسخ فاصله داشت، ولی امروزه تقریباً به شهر کربلا متصل است. گرچه مطابق حکایتی دیگر، اینجا مزار عون بن عبد الله است که با دوازده واسطه به امام حسن مجتبی علیه السلام

ص: ۱۱۶

می رسد و صحیح تر هم به نظر می رسد، زیرا باید عون نیز در کنار سایر شهدا دفن شده باشد. اما برخی دلیل دور بودن این مکان را از حرم و مزار شهیدان چنین می دانند که وی به همراه حبیب بن مظاهر اسدی برای جلب کمک طایفه بنی اسد به این مکان رفته بود و در بازگشت با سپاه عمر بن سعد درگیر شد و به شهادت رسید. به هر حال، مقبره کنونی از عصر صفوی باقی مانده و در عصر قاجار نیز تعمیراتی در ساختمان آن صورت گرفته و گنبد آن کاشی کاری شده است. این مقبره زائران زیادی دارد. (۱)

### مقام طفلان مسلم علیه السلام

آرامگاه منسوب به دوطرف حضرت مسلم در چهل کیلومتری شمال شرقی کربلا و درمیانه بزرگراه بغداد - کربلا در کنار شهر «مسیب» قرار دارد.

وقتی دو فرزند مسلم، به نام های محمد و ابراهیم، به کمک زندانبانی به نام مشکور، از زندان ابن زیاد گریختند، شب را به خانه زنی پناه آوردند. شوهر این زن، یعنی حارث برای پیدا کردن این دو کودک، بسیار تلاش کرده بود. شب که حارث به خانه آمد و متوجه شد دو کودک فراری در خانه وی هستند، صبح، سر آن دو را جدا کرد، و بدنشان را به فرات انداخت و سرها را نزد ابن زیاد برد تا جایزه بگیرد. ابن زیاد هم وقتی چنین وضعی را دید، دستور داد گردن خود او را در همان محلی که طفلان مسلم را به شهادت رسانده بود، جدا کنند.

### مراقب امام زاده های کربلا

برخی از فرزندان امامان یا نواده های آنها در جاهای مختلف کربلا، در داخل یا پیرامون آن شهر، دفن شده اند، از جمله:

ص: ۱۱۷

---

۱- (۱) ناصر الدین شاه، سفرنامه ناصر الدین شاه به عتبات، ص ۱۱۳.

۱. مرقد سید ابراهیم مجاب: سید ابراهیم از فرزندان سید محمد عابد است و سید محمد نیز، فرزند امام موسی بن جعفر علیه السلام است. سید ابراهیم، در سال ۲۴۷ هـ. ق به کربلا آمد و در آنجا سکونت گزید. در این دوران، محمد منتصر، فرزند متوکل، امور خلافت را به دست گرفت. او که از آنچه متوکل بر علویان روا داشته بود، اندوهگین و آزرده خاطر بود، به علویان اجازه داد قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کنند.

در این دوران بود که ابراهیم، مرقد امام علیه السلام را زیارت کرد. او که از بینایی محروم بود کنار ضریح سید الشهداء علیه السلام آمد و با صدایی بلند بر ابا عبدالله چنین سلام کرد: «السلام علیک یا جدّاه». گفته می شود از درون ضریح صدایی شنید که پاسخ او را می داد: «و علیک السلام یا ولدی». از این رو چون پاسخ سلام خود را از امام حسین علیه السلام شنیده بود به ابراهیم مجاب معروف شد. (۱)

۲. محمد بن نبی بن کاظم علیه السلام: وی نوه گرامی امام کاظم علیه السلام است که در میان عرب ها به امام نوح شهرت دارد و در منطقه «طویرج»، دوازده کیلومتری کربلا، دفن شده است. (۲)

۳. اخرس بن کاظم علیه السلام: محمد بن ابی الفتح مشهور به «الاکرس»، از نواده های امام موسی بن جعفر علیه السلام، در محله ای به نام الابتر در اطراف کربلا به خاک سپرده شده است. در آن محل زیارتگاهی بنا شده و زائران زیادی به آن جا می روند. سادات آل خراسان در نجف به الاکرس منسوب هستند. (۳)

ص: ۱۱۸

---

۱- (۱) محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲- (۲) ادیب الملک، سفرنامه ادیب الملک به عتبات، ص ۲۰۴.

۳- (۳) آل طعمه، تراث کربلا، ص ۱۱۶.

۴. سید احمد ابوهاشم: نسب وی با چند واسطه به امام موسی کاظم علیه السلام می رسد. سید احمد در شمال غربی منطقه شفاءه و در ۲۵ کیلومتری این منطقه دفن شده و مزار و گنبد و صحن دارد. گنبد مرقد این امام زاده با کاشی های آبی مزین شده است. (۱)

۵. ابن حمزه: عماد الدین ابو محمد بن علی بن حمزه بن حسن بن عبید الله بن عباس بن علی علیه السلام مشهور به ابن حمزه و از نواده های حضرت ابوالفضل است. وی از عالمان بزرگ و فقیهان برجسته و راویان حدیث بود و در قبرستان قدیمی کربلا، که امروزه در جنوب شرقی آستان حضرت ابوالفضل کنار بزرگراه کربلا - طویرج قرار گرفته، دفن شده است. این بنا و مرقد در عصر صفویه تجدید بنا شد و دارای گنبد و ضریح است. همچنین در سال ۱۲۴۳ ق توسط ملا محمد صالح برغانی و سپس در ۱۲۸۷ ق تجدید بنا شد. (۲)

### مراقدهای علمای و سادات

از دیر باز به سبب قداست این مکان، در داخل و خارج حرم، ده ها تن از عالمان و روحانیان و سادات به خاک سپرده شدند که برخی از آنان قبر و نشان مشخصی دارند، از جمله:

۱. ابو احمد سیدحسین بن محمد (۳۰۴ ق - ۴۰۰ ق): نسب او با سه نسل به امام موسی کاظم علیه السلام می رسد. وی پدر گرامی سید مرتضی و سید رضی است. وفاتش در بغداد اتفاق افتاد و پس از دفن در منزلش به کربلا انتقال یافت و در

ص: ۱۱۹

---

۱- (۱) همان، ۱۱۷.

۲- (۲) دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۶۵.

حرم مطهر، کنار جدش ابراهیم اصغر بن کاظم علیه السلام به خاک سپرده شد. (۱)

۲. سید رضی (۳۵۸ ق - ۴۰۶ ق): سید رضی مشهور به شریف رضی فرزند ابواحمد سیدحسین، برادر بزرگوار سید مرتضی و از عالمان و متکلمان بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری است. علت عمده اشتها سید رضی، جمع آوری نهج البلاغه است. این بزرگوار ابتدا در منزلش در بغداد دفن شد، ولی سپس به کربلا انتقال یافت و در کنار پدر و برادرش در نزدیکی قبر سید ابراهیم مجاب در رواق غربی حرم دفن گردید. (۲)

۳. شریف مرتضی علم الهدی (۳۵۵ ق - ۴۳۶ ق): علی بن حسین موسوی، مشهور به سید مرتضی یا شریف مرتضی، از عالمان و فقیهان بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری و صاحب تألیفات زیادی است. این بزرگوار نیز ابتدا در منزلش در بغداد دفن شد و سپس به کربلا- انتقال یافت و در کنار پدر و برادرش در نزدیکی قبر سید ابراهیم مجاب در رواق غربی حرم دفن گردید. کنار قبر این سه بزرگوار، جدشان، ابراهیم اصغر فرزند امام کاظم علیه السلام ملقب به مرتضی، دفن است. (۳)

۴. علامه وحید بهبهانی (۱۱۱۸ ق - ۱۲۰۵ ق): شیخ محمد باقر بن محمد اکمل مشهور به وحید بهبهانی، از عالمان اصولی و رجال شناسان بزرگ شیعه در قرن دوازدهم هجری است که در رواق شرقی حرم دفن شده است. سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر آل کاشف الغطاء از شاگردان این بزرگوار بودند. (۴)

ص: ۱۲۰

۱- (۱) همان، ج ۳، ص ۳۶۲.

۲- (۲) عمده الطالب فی أنساب آل أبي طالب، ص ۲۴۰.

۳- (۳) ابن عنبه، جمال الدین احمد بن علی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۴- (۴) همان، ج ۱، ص ۱۳۵.

۵. میرزا محمد تقی شیرازی (ف ۱۳۳۸ ق): شیخ محمد تقی شیرازی از مراجع بزرگ شیعه و از رهبران قیام مردم عراق علیه سلطه انگلستان (۱۹۲۰ م) است که با مجاهدت های خود، سلطه و نفوذ انگلیس را در عراق از بین برد. این عالم بزرگوار را در ضلع جنوب شرقی صحن در مقبره اختصاصی خود دفن کردند.

۶. ابن فهد حلی (۷۵۸ ق - ۸۴۱ ق): قبر شیخ احمد بن محمد بن فهد، فقیه بزرگ امامیه، در غرب خیابان باب القبله، یعنی سمت قبله صحن، داخل مسجدی قرار دارد که به نام او معروف است. وی خانه اش را برای زائران به عنوان منزلگاهی وقف کرده بود و پس از مرگش او را در همان خانه خود به خاک سپردند. این قبر هم اکنون در نزدیکی خیمه گاه قرار دارد. (۱)

۷. آل عصفور بحرانی (۱۱۰۷ ق - ۱۱۸۶ ق): شیخ یوسف آل عصفور بحرانی، صاحب کتاب «الحدائق الناضره» در رواق شرقی حرم دفن شده است. وی به همراه سیدعلی طباطبایی و وحید بهبهانی در یک مقبره آرمیده اند.

### قبر پادشاهان و رجال سیاسی

۱. پادشاهان آل بویه

پادشاهان آل بویه قدیمی ترین پادشاهان دفن شده در حائر حسینی هستند. بسیاری از این امیران شیعه در توسعه، بازسازی و تزیین حرم امام حسین علیه السلام و دیگر امامان شیعه نقش مؤثری داشتند. چند تن از آنان در داخل بقعه ای در

ص: ۱۲۱

صحن کوچک خاک شده اند. در سال ۱۲۶۸ ق عبدالرسول خالصی به دستور رئیس اوقاف وقت عراق، این بقعه و آثار تاریخی وابسته به آن را تخریب کرد.<sup>(۱)</sup>

## ۲. پادشاهان و رجال قاجار

مظفرالدین شاه قاجار، محمد علی شاه و احمد شاه از جمله شاهان دفن شده در حرم مطهر امام حسین هستند. میرزا تقی خان هزاوه ای مشهور به امیرکبیر، صدر اعظم معروف و شهیر عصر ناصرالدین شاه که به دستور وی در ۱۲۹۸ ق در حمام فین کاشان به قتل رسید، از جمله بزرگانی است که در این مکان مقدس دفن شده است. گرچه ابتدا به صورت امانت در مزار مشهد آردهال دفن شد، اما سپس جسدش رابه کربلا انتقال دادند و در رواق پادشاهان به خاک سپردند. در کنار قبر وی نیز فرزندش ساعد الملک و برادرش میزا حسین خان دفن شده اند.

ص: ۱۲۲

---

۱- (۱) دایره المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۰۵.



**اشاره**

نام: عباس علیه السلام

کنیه: ابوالفضل (ابوفاضل)

لقب: قمر بنی هاشم، سقّاء، باب الحوائج

پدر و مادر: امام علی علیه السلام و فاطمه معروف به (امّ البنین)

زمان ولادت: چهارم شعبان سال ۲۶ هجرت

مکان ولادت: مدینه

اولاد: چهار پسر و یک دختر

زمان شهادت: روز عاشورای سال ۶۱ هجری

مکان شهادت: کربلا

سبب شهادت: جنگ با لشکر یزید بن معاویه

عمر: ۳۴ سال

مرقد شریف: کربلا.

**مقام و مرقد حضرت ابوالفضل علیه السلام**

مقام و مرقد حضرت ابوالفضل علم دار کربلا و یار باوفا و برادر فداکار امام حسین علیه السلام در سیصد متری شمال حرم آن

حضرت قرار دارد؛ همان جایی که

حضرتش به شهادت رسید. از دیرباز به موازات توجه و عنایت به ساخت، توسعه و تزئین حرم امام حسین علیه السلام همواره به این مرقد مطهر نیز بذل توجه شده است.

اگر چه نخستین بقعه و بنا و گنبد حرم را عضد الدوله، در قرن پنجم هجری ساخت، اما از همان قرن های نخستین اسلامی به این مرقد توجه ویژه ای می شده است. پس از بنای قبه و بارگاهی که عضد الدوله ساخت، پادشاهان صفوی عنایت خاصی نسبت به این مکان مقدس داشتند و تغییرات چشم گیری در بنا به وجود آوردند و سعی وافری در بازسازی آن داشتند. شاه طهماسب صفوی در ۱۰۳۲ ق با کاشی های زیبا به تزئین گنبد پرداخت و ضریحی روی صندوق خاتم نصب کرد و آن را روی قبر قرار داد. او همچنین، رواق و صحن را تعمیر و بازسازی کرد و برای فرش کردن حرم، فرش های گران بهایی ارسال کرد.

نادر شاه افشار نیز در ۱۱۵۳ ق، هدیه ها و جواهر نفیسی به حرم هدیه کرد و به آینه کاری برخی از بناهای حرم پرداخت. در دوران او صندوق روی قبر نوسازی شد. او چلچراغی را نیز برای قرار دادن شمع ها جهت روشنایی حرم هدیه کرد. (۱)

در دوران قاجاریه، محمد شاه قاجار ضریحی نقره ای بر روی مرقد آن حضرت نصب کرد. فتحعلی شاه نیز برای بازسازی و جبران خسارت های وارده بر اثر تهاجم وهابیان، در ۱۲۱۶ ق حرم را نوسازی و گنبد را کاشی کاری کرد. (۲)

ص: ۱۲۴

---

۱- (۱) آل طعمه، تاریخ مرقد الحسین و العباس، ص ۲۶۳.

۲- (۲) مدرس بستان آبادی، شهر حسین، ص ۴۷۴.

در قسمت شمال شرقی و جنوب شرقی صحن مطهر حضرت ابوالفضل علیه السلام دو جایگاه است که گفته می شود دست های مبارک آن حضرت، در این مکان، از تن جدا شده است.

ابن شهر آشوب گفته است:

حضرت عباس علیه السلام سقا، قمرینی هاشم و علمدار حسین علیه السلام و بزرگ ترین برادرانش بود. وقتی در پی آب بیرون آمد، بر او حمله کردند و او هم بر آنان تاخت، زید بن ورقاء جهنی، پشت نخلی کمین کرد. حکیم بن طفیل سنبلی نیز، کمکش کرد و ضربتی بر دست راست او زد. سقا شمشیر را به دست چپ گرفت و رجزخوانان بر آنان حمله آورد:

والله ان قطعتم یمینی اینی احمی أبدا عن دینی

وعن إمام صادق الیقین نجل النبی الطاهر الامین (۱)

به خدا سوگند اگر راست راستم را قطع کردید، پیوسته از دینم حمایت می کنم و از پیشوایی که یقین او راست است، حمایت می کنم که او فرزند پیامبر پاک و امین است.

حضرت عباس علیه السلام جنگید تا آنکه رمقش تمام شد. حکیم بن طفیل طایی، در پشت نخلی کمین کرد و ضربتی بر دست چپ او زد. آن گاه عباس علیه السلام گفت:

ص: ۱۲۵

یا نفس لاتخشی من الکفار و أبشری برحمه الجبار

مع النبى السید المختار قدقطعوا بیغیهم یساری

فأصلهم یا رب حَزَّ النَّارُ(۱)

امام سجاد علیه السلام فرمود:

رَحِمَ اللهُ عَمَى الْعَبَّاسِ فَلَقَدْ آتَرَ وَ أْبَلَى وَ فَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ اللهُ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ انَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللهِ مَنْزِلَةً يَغْبِطُهُ بِهَا جَمِيعُ الشَّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ؛

خدا عمویم عباس را رحمت کند که ایثار کرد و خود را به مشقت انداخت و جان خودش را فدای برادر کرد تا آنجا که دستانش از بدن قطع شد و خداوند به جای آنها دو بال به وی مرحمت کرد که در بهشت با آنها پرواز می کند؛ همانگونه که برای جعفر بن ابیطالب نیز چنین کرد. بدانید حضرت عباس در درگاه الهی منزلتی دارد، که تمام شهدا در روز قیامت به آن مقام و منزلت غبطه می خورند.(۲)

### احکام فقهی زیارت حضرت عباس علیه السلام

مقام عصمت، درجاتی دارد که حدّاعلی و اتم و اکمل آن، به حضرات معصومین علیهم السلام اختصاص دارد که عصمت ذاتی و کبری دارند. مراحل پس از

ص: ۱۲۶

۱- (۱) مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۰۸؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۰، باب ۳۷.

۲- (۲) عمده الطالب، ص ۶۵۳.

آن نیز مخصوص برخی از بزرگان دین، نظیر امامزادگان عظیم الشانی مانند حضرت زینب، حضرت معصومه و حضرت علی اکبر علیه السلام است و می توان گفت این بزرگواران معصوم به عصمت صغری می باشند. یکی از شخصیت های ممتازی که به مراحل عالی عصمت رسیده و در رتبه و مقام، آن چنان برتری یافته که برخی احکام و آداب حرمش، مانند احکام و آداب حرم امامان معصوم علیهم السلام می باشد؛ حضرت قمرینی هاشم، ابوالفضل العباس علیه السلام می باشد.

در اینجا به سه مورد از این احکام اشاره می کنیم:

۱ - زائر در هنگام خواندن زیارتنامه نسبت به تمامی معصومین علیهم السلام، طوری می ایستد که پشت به قبله و رو به آن حضرات باشد، اما غیر معصومین را باید پشت سرشان رو به قبله ایستاد و زیارت کرد، به جز حضرت عباس علیه السلام که مانند معصومین زیارت می شود.

۲ - نماز زیارت، به حضرات ۱۴ معصوم اختصاص دارد و برای امامزادگان، نماز زیارت وارد نشده است، به غیر از حضرت عباس که برای ایشان، مانند دیگر امامان معصوم، نماز زیارت وارد شده است. برای سایر امامزادگان می توان نماز را به نیت هدیه به آن بزرگواران خواند.

۳ - ورود جنب و حائض به حرم امامان معصوم جایز نیست، اما حرم امامزادگان از این قاعده مستثنی هستند، به جز امامزادگان عظیم الشان و مشهوری نظیر حضرت عباس و حضرت معصومه علیها السلام که اولی و بهتر (مستحب مؤکد) عدم توقف جنب و حائض در حرم آنها است. (۱)

ص: ۱۲۷

---

۱- (۱) جامع المسائل، مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی، ج ۱، ص ۷۱.

رودخانه فرات در بیست کیلومتری شرق کربلا- قرار دارد. در نزدیکی این رودخانه، حادثه عظیم کربلا اتفاق افتاده و یادآور تشنگی اباعبدالحسین علیه السلام و یاران ایشان در روز عاشورا است. مطابق آنچه در روایات آمده، آب فرات دارای فضیلت و برکت بسیاری است، از جمله:

۱ - نوشیدن آن در هر حال و برای شفا یافتن از بیماری مستحب است و اثر دارد.

۲ - مستحب است کام نوزاد را با آب فرات و تربت سیدالشهدا علیه السلام بردارند.

۳ - هر که با آب فرات غسل کند و قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند، مثل روزی است که از مادر متولد شده است. البته لزومی ندارد که مردم برای تبرک به آب فرات در نهر غسل کنند، بلکه استفاده از آب لوله کشی که برگرفته از آب فرات است، نیز همین برکات را ان شاء الله خواهد داشت.

علقمی نام نهری است که آن را از فرات جدا کردند. این نهر ابتدا به کربلا و از آنجا به کوفه جریان یافت و سبب آبادی کوفه شد. در وجه تسمیه آن می گویند که ابن علقمی اُسدی در قرن هفتم آن را کشیده از این روی این نهر به «نهر علقمی»<sup>(۱)</sup> مشهور شد، پس این نهر در زمان واقعه عاشورا وجود نداشته است.

نهر علقمی که سابقاً در شرق حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام جاری بوده، اکنون هیچ اثری از آن وجود ندارد و تنها خیابانی که گویا قبلاً جای نهر بوده، به

ص: ۱۲۸

---

۱- (۱) علقم، نام یک گیاه تلخ است.

همین نام نامیده می شود. نهری که هم اکنون از کنار مقام صاحب الزمان علیه السلام در شمال کربلا روان است و به نام «نهر الحسینیه» نام گذاری شده، گرچه آن هم شعبه ای از شط فرات است، اما ارتباطی با نهر علقمی ندارد.

ص: ۱۲۹

---

۱- (۱) منسوب به بنیانگذار آن سيف الدوله صدقه بن منصور مزیدی، چهارمین امیر از سلسله بنی زید که در محرم سال ۴۹۵ هـ ق شهر حله را بنا کرد.



شهر تاریخی حلّه، مرکز استان بابل، بین نجف و کربلا واقع شده و از آنجا فقها، شعرا و چهره های درخشان زیادی از شیعه برخاستند.

چنانکه نقل است مولای متقیان، علی علیه السلام در مسیر حرکت از کوفه به صفین بر تپه های بابل، روی تلّ بزرگی ایستاد و به سوی بیشه و نیزاری اشاره نمود و فرمود:

اینجا شهری است و چه شهری اصبع بن نباته، از یاران نزدیک حضرت، عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! می بینم از وجود شهری در اینجا سخن می گوئید، آیا در اینجا شهری بوده و اکنون آثار آن از بین رفته است؟ فرمود: نه! ولی در اینجا شهری به وجود می آید که آن را «حلّه سیفیه» می گویند و مردی از تیره بنی اسد آن را بنا می کند و از این شهر مردمی پاک سرشت و مطهر پدید می آیند که در پیشگاه خداوند مقرب و مستجاب الدعوه می شوند. (۱)

قبل از شهر تاریخی حلّه، بغداد مرکز علم و فقه شیعه و نشر اسلام به شمار می آمد. بعد از مدتی، قحطی سختی مردم بغداد و اطراف آن را در فشار گذاشت و باعث شد تا مردم به دیگر مناطق نقل مکان کنند. برخی نیز برای همیشه دیار خود را ترک گفتند.

ص: ۱۳۱

## ۱. باغ های معلّق بابل

یکی از اماکن تاریخی اطراف شهر حله، باغ های معلّق بابل است که یکی از عجایب هفت گانه جهان می باشد. این باغ ها، بنا به نظر بسیاری از مورخین به وسیله «نبوخذ نصر» شاه بابل، در ۶۰۰ ق. م برای همسرش «ملکه آموهیا» ساخته شده است. همسر نبوخذ نصر که اهل کشور دیگری بود، از دیدن صحراهای خالی بابل، دچار دل‌تنگی شده بود و به همین خاطر شاه بابل، طرح باغی را ریخت که تا آن زمان نظیرش در هیچ نقطه دنیا وجود نداشت.

این باغ ها بر همه شهر بابل مسلط بود و چشم انداز بسیار زیبایی داشت و از فراز آنها منظره رود، شهر، سربازان و جاده ها پیدا بود و عبور و مرور کاروان ها به خوبی از آنجا دیده می شد. در حقیقت، این باغ ها واژگون و معلّق نبودند. شاید علت نام گذاری آنها به باغ های معلّق، از آن جهت بود که کلمه معلّق در زبان لاتین به معنی تراس و بالکن است و چون در این باغ، تراس ها و بالکن های زیادی وجود داشت، نام آن را باغ های بالکن دار یا معلّق نامیدند.

بعضی نیز می گویند یک ملکه آشوری قدرتمند، باغ های معلّق را برای سرگرمی خودش ساخته است. برخی دیگر نیز عقیده دارند که این باغ ها، به دستور یک شاه آشوری ساخته شده است. چندی پیش در کشور عراق، چاه های خالی، نهرهای خشکیده و حفره هایی کشف شد که باستان شناسان معتقدند، قسمت هایی از باغ های معلّق بابل بوده است.

## ۲. مقام حضرت ابراهیم علیه السلام

محققان بر آنند که محل تولد حضرت ابراهیم علیه السلام شهر «أور»، از سرزمین بابل است. ابن بطوطه از محلی به نام بُرص (بُرس یا برس نمرود) میان حله و بغداد در عراق یاد کرده که گفته اند زادگاه حضرت ابراهیم علیه السلام است. در نزدیکی این مقام، بر بلندای تپه ای آثاری از پایه های منجیق نیز وجود دارد که می گویند ابراهیم علیه السلام را از آنجا به میان آتش پرتاب کرده اند. نام «حزاقه» نیز همان جایگاه و تپه ای است که حضرت ابراهیم علیه السلام را در زمان نمرود بر منجیق نهادند و به آتش افکندند.

## ۳. مساجد معروف حله

### الف) مسجد ردّالشمس

معجزه بازگشت خورشید، دوبار اتفاق افتاده است که ابتدا در مدینه (۱) و در زمان حیات خود پیامبر و دیگری سال ها پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در بابل که آن را به طور خلاصه نقل می کنیم. (۲)

هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام و یارانش، قصد عبور از رودخانه فرات در منطقه بابل را داشتند. امام و برخی از یاران آن حضرت، نماز عصر را به جای آوردند، اما عده زیادی از سپاهیان که مشغول عبور دادن مرکب ها و توشه ها از

ص: ۱۳۳

- 
- ۱- (۱) رک: احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۲۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۵۲. ما این حکایت را به طور اختصار در بخش دوم ضمن فضائل امام علی علیه السلام آوردیم.
  - ۲- (۲) شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۳۴۵.

رودخانه بودند، نتوانستند نماز بخوانند و خورشید غروب نمود. آنان در این باره با امام علیه السلام به گفت و گو پرداختند. وقتی امام یاران خویش را این گونه نگران دید؛ از خدای متعال درخواست نمود تا خورشید را برگرداند تا سپاهیان، نماز عصر را به جای آورند و چنین شد. صاحب بن عباد چنین سروده است:

أول الناس صلوه جعل التقوى جلاها ردّت الشمس عليه بعد ما غاب سناها

در دو کیلومتری شهر حلّه قدیم و سمت چپ جاده کربلا؛ یعنی همان جاییکه این واقعه روی داده مسجدی به نام ردّالشمس ساخته اند.

### **(ب) مسجد نخلیه**

نخلیه محلی است نزدیک کوفه که در مسیر شام قرار دارد و یادآور رشادتهای لشکریان اسلام در قرن اول هجری است. به یادبود آن حوادث در صدر اسلام مسجدی در این منطقه ساخته شد.

منطقه نخلیه، از نظر سوق الجیشی برای تمرینات نظامی، تهیه تدارکات و استراحت نظامیان، مناسب و همواره اردوگاه نظامی جنگجویان بوده است. در واقع لشکریان در این محل اجتماع می کردند تا برای جنگ بیرون روند.

در سال ۳۷ هجری، پس از آنکه حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین مجبور به پذیرش حکمیت شد، مخالفت خود را با نتیجه حکمیت اعلام کرد و از مردم خواست برای جنگ با معاویه در نخلیه اجتماع کنند. بدین ترتیب سپاه امام علیه السلام از نخلیه به مقصد شام حرکت کرد.

در سال ۴۱ هجری، امام حسن مجتبی علیه السلام نیز سپاهی ترتیب داد و آن را در نخلیه گرد آورد و آماده جنگ با معاویه شد، ولی با توطئه های معاویه، قبل از جنگ، سپاه از هم پاشید و مردم از اطراف امام پراکنده شدند و امام هم مجبور به پذیرفتن صلح شد.

در سال ۶۰ هجری، عبدالله بن زیاد، نخيله را به عنوان مرکز و آمادگاہی بر ضد امام حسين عليه السلام قرار داد.

در سال ۶۵ هجری، نخيله وعده گاه شيعيان برای قيام توأين بود. سپاه سواره نظام توأين با شعار «يالثارات الحسين»، از كوفه خارج شدند و به سمت نخيله حرکت كردند.

#### ۴. امام زاده های شهر حله

در تاريخ كهن حله، چهره پرنور امامزادگان و دانشمندانى پرتو افشانى مى كند كه تا به امروز نامشان زنده است و هر يك ستاره اى درخشانده در آسمان تشيع به شمار مى آيند. نام جمعى از آنان به اين قرار است:

الف) ابوبكر بن اميرالمؤمنين عليه السلام: ابوبكر، فرزند نهم اميرالمؤمنين على عليه السلام است. نامش، محمداصغر و مادرش، لیلی بنت مسعود بود. او همراه كاروان كربلا- به اين سرزمين آمد و در كنار اهل بيت امام حسين عليه السلام و يارانش به فداكارى و جان فشانى پرداخت و سرانجام در راه اهداف والای مقتدايش، در روز عاشورا به شهادت رسيد. مزارى منسوب به او در راه نجف به سوى بغداد واقع شده و داراى صحن، ضريح و مصلاست. (۱)

البته به احتمال قريب به يقين، ابوبكر در كنار ديگر شهيدان عاشورا در كربلا و پايين پاى مبارك امام حسين عليه السلام دفن شده و اين مزار مربوط به شخص ديگرى باشد؛ والله العالم.

ب) زيد بن على بن الحسين عليه السلام: زيد، پس از امام باقر عليه السلام بزرگ ترين فرزند امام سجاد عليه السلام است كه به زهد، فضل، سخاوت و شجاعت معروف بود. وى به

ص: ۱۳۵

منظور امر به معروف و نهی از منکر و احقاق حق و بازگرداندن خلافت به صاحبان اصلی آن، یعنی اهل بیت علیه السلام، با شمشیر قیام کرد و همین خروج و قیام مسلحانه، سبب شد عده ای گمان کنند که او مردم را به خود دعوت می کند؛ حال آنکه هدف او احیای حکومت اسلامی به رهبری ائمه هدی علیهم السلام بود.

زید، اول صفر سال ۱۲۰ هجری قیام خود را آغاز کرد. در این تاریخ، زید به عراق آمد و در کوفه مردم با او بیعت کردند.

یوسف بن عمر ثقفی که از طرف هشام، حاکم عراق بود، با وی نبرد کرد، ولی اطرافیان زید، او را تنها گذاشتند. زید با همان جماعت اندک، تا شب به نبرد ادامه داد، اما شب هنگام به واسطه شدت جراحات وارده، به شهادت رسید و یارانش جنازه او را در کف نهر آبی دفن کردند و روی قبر را پوشانده، آب نهر را بر آن جاری ساختند تا از دید دشمن پنهان بماند، ولی حاکم عراق مطلع شد. از این رو قبر را شکافت و سر زید را از بدن جدا کرد و برای هشام فرستاد.

به دستور هشام، بدن زید را در کناسه کوفه بالای دار بردند و پس از مدتی جنازه اش را سوزانده، خاکسترش را بر باد دادند. به همین جهت، زید قبری ندارد، اما در همان پای دار، در کنار شط کوفه برایش مقامی ساخته اند.

ائمه هدی علیهم السلام، همواره از جناب زید علی بن الحسین علیه السلام، به نیکی یاد می کردند. امام صادق علیه السلام پس از آنکه از شهادت عموی خود مطلع شد، گریست و فرمود:

انبأ الله و انبأ الهی راجعون؛ از خداوند به خاطر مصیبت عمویم زید، اجر و مزد می طلبم! زید، عموی خوبی بود و برای دنیا و آخرت ما سودمند بود. به خدا قسم که عمویم، شهید از دنیا رفت، مانند شهدایی که در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی و حسن و حسین علیهم السلام شهید شدند!

به روایتی، امام علیهم السلام هزار دینار از اموال خود را بین خانواده کسانی که در راه یاری وی شهید شده بودند، تقسیم نمود.

زید، دوم صفر سال ۱۲۰ هـ - ق در کوفه به شهادت رسید و هنگام شهادت ۴۲ ساله بود. پس از او، فرزندش یحیی نیز در سال ۱۲۵ در اوایل سلطنت ولید بن یزید بن عبدالملک، خروج کرد، ولی او نیز به شهادت رسید. (۱)

ج) حسن الأسمر: ابومحمد حسن الأسمر، از نوادگان زید شهید است که سمت «نقابه الطالبین» داشته است. این منطقه را به خاطر وجود این قبر، «محاویل الامام» نام گذاری کرده اند.

د) حمزه بن قاسم بن علی بن حمزه بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام: کنیه او ابویعلی است و به «حمزه الغربی» شهرت دارد. او از راویان حدیث و علمای بزرگوار شیعه بوده و قبرش در جنوب حله در جزیره بین دجله و فرات و در روستای «مزیدیه» واقع است.

هـ) - عبدالله محض: ابومحمد عبدالله، مشهور به «عبدالله محض»، نوه امام حسن مجتبی علیه السلام است. از این جهت او را محض گفته اند که هم از طرف پدر و هم از طرف مادر، فاطمی و علوی است. پدرش حسن مثنی، فرزند امام حسن علیه السلام و مادرش فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام بود. عبدالله، شباهت زیادی به رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت و زیباترین و باسخت‌ترین مردم بود.

مزار وی در شش کیلومتری شرق شهر «کفل» در اراضی خَفَّاجِه قرار دارد و دارای دو گنبد است که اولی مربوط به عبدالله محض است و دومی مربوط به ۷ تن دیگر از فرزندان و نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام.

ص: ۱۳۷

اینان همگی در زندان بودند تا اینکه منصور دوانیقی دستور داد زندان را بر سرشان خراب کردند و با این شیوه فجیع آنان را به شهادت رساندند. این واقعه دردناک در عید قربان سال ۱۴۵ هجری قمری در همین جا که سیاه چالی بوده، اتفاق افتاد. سپس محمد، معروف به نفس زکیه در مدینه و ابراهیم در بصره، از فرزندان عبدالله، علیه منصور خروج کردند و هر دو به فیض عظمای شهادت رسیدند.

(و) عبدالله بن الحسن المكفوف: این بزرگوار از نوادگان امام زین العابدین علیه السلام و قبرش در «القایم» نزدیک شهر «شَافیه» واقع شده است.

(ز) بنات الحسن: این مرقد که در بیست کیلومتری شهر حلّه و در شمال غربی استان بابل، در منطقه «باخمرا» قرار دارد، مربوط به دو تن از دختران حسن مثنیٰ به نام های رقیه و فاطمه است. این دو بزرگوار نوه های امام حسن مجتبیٰ علیه السلام هستند که به همراه برادرشان محمد به این منطقه آمدند.

(ح) محمد بن القاسم و برادرزاده اش علی بن الحسین: مرقد محمد بن قاسم بن حمزه بن حسن بن عبیدالله بن ابی الفضل العباس علیه السلام و برادرزاده اش، حسین بن علی بن قاسم در منطقه محاوایل استان بابل واقع است. این دو بزرگوار که از جور و ستم بنی عباس فرار کرده بودند، به این قریه پناه آوردند و در اینجا به شهادت رسیده یا وفات کردند. تاریخ وفات محمد بن قاسم سال ۳۸۵ هـ - ق ذکر شده است.

(ط) قاسم برادر امام رضا علیه السلام: او پس از شهادت پدرش از بغداد گریخت و در میان عشایر منطقه «سورا»، در اطراف حلّه، مخفی گردید و پس از وفات، در آرامگاه کنونی اش مدفون شد. جلالت قدر و علو مرتبه جناب قاسم از قدیم الایام بر همگان معلوم بود.



## ۵. رشید هجری از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام

رُشید هَجَری، میثم تمار و حبیب بن مظاهر، سه تن از یاران امیر المؤمنین علیه السلام بودند که حضرت به آنان علم بلایا و منایا آموخته بود؛ یعنی می توانستند از آینده خبر دهند.

شیخ عباسی قمی در منتهی الآمال و نیز در کتاب منهج المقال از رجال کشی نقل کرده است که میثم تمار به حبیب بن مظاهر رسید، در حالی که هر دو سوار بر اسب بودند. حبیب، آینده میثم را این گونه پیش بینی کرد و گفت: «گویا مرد چاقی را می بینم که موهای جلوی سرش ریخته و در کوفه بطیخ می فروشد، او را به جرم دوستی اهل بیت به دار زده اند و شکمش بر روی دار شکافته می شود».

میثم تمار به حبیب گفت: «من هم مرد سرخ رویی را می شناسم که دو کیسوی بافته شده دارد و در یاری پسر پیغمبر کشته می شود و سرش را در بازار کوفه می گردانند».

گروهی شاهد این گفت و گو بودند و هنوز متفرق نشده بودند که رُشید هَجَری از راه رسید و سراغ میثم و حبیب را گرفت. گفتند: ما دروغ گوتر از این دو ندیده بودیم. چنین و چنان غیب گویی می کردند.

رُشید گفت: «خدا بیامرزد میثم را که فراموش کرد بگوید، به حامل سر حبیب ۱۰۰ درهم بیشتر پاداش می دهند».<sup>(۱)</sup>

آن گروه به هم نگاهی کردند و گفتند: به خدا که این یکی دروغ گوتر از آن دو بود. طولی نکشید که همه آن پیشگویی ها، عیناً واقع شد و آن گروه

ص: ۱۳۹

آنچه شنیده بودند به چشم خود دیدند. رُشید هَجری نیز به دست افراد معاویه به شهادت رسید. قبر او با گنبد و بقعه ای در نزدیکی پل عباسیه نزدیک شهر کفل است. (۱)

## ۶. خاندان آل طاووس و حلّی

سه تن از بزرگوارانی که در حلّه مدفون اند، به سید ابن طاووس مشهورند، چون جدّشان محمد بسیار زیبا بود. اینان دو برادر و یک برادرزاده بودند. همچنین در بین خاندان حلّی علمای معروف و مشهوری بوده اند که بعضاً در نجف یا حلّه دفن می شدند که در اینجا با برخی از آن بزرگواران آشنا می شویم.

الف) سید ابن طاووس (سید رضی الدین علی): تولد او در ۱۵ محرم سال ۵۸۹ هـ - ق روی داد و در سال ۶۴۴ وفات یافت. او صاحب کتاب های متعددی از جمله «لهوف» است. قبر این بزرگوار در «محلّه الجامعین» در حلّه واقع شده است. هر گاه در کتب ادعیه و زیارات و ذکر زاهدین و تشرف پیدا کنندگان به محضر حضرت حجت علیه السلام، نام سید بن طاووس را ببرند، منظور همین بزرگوار می باشد.

ب) سید ابن طاووس: نام اصلی این بزرگوار سید جمال الدین احمد است که در ۶۴۸ هـ - ق متولد شد و در سال ۶۹۳ هـ - قذحلت کرد. کتاب «بشری فی الفقه» است. هر گاه در کتب فقهی و رجالی نام سید بن طاووس را ببرند، منظور این بزرگوار است.

ص: ۱۴۰

ج) سیدبن طاووس: نام اصلی این بزرگوار سیدغیاث الدین عبدالکریم است که در سال ۶۴۸ هـ - ق متولد شد و در سال ۶۹۳ هـ - وفات یافت. وی صاحب کتاب «فرحه الغری» از آثار ایشان است. قبر این عالم بزرگوار در محله «باب النجف» حله قرار دارد. هرگاه در کتب احادیث و اخبار نامی از سیدبن طاووس به میان می آید، مراد جناب عبدالکریم است.

د) نجم الدین جعفر ابن نمای حلی: وی صاحب کتاب «مثیرالاحزان» و «مقتل ابن نما» می باشد. وی در سال ۶۸۰ هجری از دنیا رفت و نزدیک مرقد پدرش در محله جباوین دفن شد.

هـ -) محقق حلی: او صاحب شرایع الاسلام است. ولادت این بزرگوار در کوفه و در سال ۶۰۱ هـ - ق روی داد و سرانجام در سال ۶۷۶ هـ - ق رحلت کرد.

و) ابن ادریس حلی (فخرالدین): وی صاحب کتاب «السرائر» است. ولادت این مرد بزرگ در سال ۵۵۸ هـ - ق و وفات او در ۵۹۸ اتفاق افتاد.

ز) یوسف بن علی بن مطهر حلی: پدر بزرگوار علامه حلی.

ح) علامه حلی: این عالم بزرگ در سال ۶۴۸ هـ - ق متولد شد و در سال ۷۲۶ رحلت کرد.

ط) فخرالمحققین: این عالم بزرگ فرزند علامه حلی است که در سال ۷۷۰ هـ - ق وفات یافت.

ی) سیدحیدر حلی: یکی از شاعران معروف است که در سال ۱۳۰۴ هـ - ق وفات کرد.

شهر كاظمين

اشاره

ص: ١٤٢

از دیگر شهرهای زیارتی و مهم عراق کاظمین است که در مجاورت بغداد و سمت غرب رودخانه دجله قرار دارد. کاظمین از لحاظ اداری تابع شهر بغداد است و مناره های طلایی آن از داخل شهر بغداد نمایان است. امروزه، این شهر به سبب توسعه بغداد به آن وصل شده است.

سابقه تاریخی کاظمین در جوار بغداد به عصر ساسانیان می رسد. بغداد در آن عصر شهری مذهبی و جایگاه خدا، یعنی «بغ» بود. در این زمان، حاشیه بغداد به «تسوج» معروف بود<sup>(۱)</sup> که بعدها کاظمین به جای آن شکل گرفت.

در جنگ نهروان به سال ۳۷ ق به دستور امام علی علیه السلام شهیدان جنگ را در این مکان به خاک سپردند و آن را «مقبره الشهداء» نامیدند.

در عصر عباسی، به هنگام توسعه و احیای بغداد و انتخاب آن به عنوان پایتخت، این قبرستان به «شونیزی» معروف بود و منصور آن را برای دفن بزرگان و خاندان عباسی در نظر گرفت و از آن پس به نام گورستان قریش شهرت یافت.<sup>(۲)</sup>

از زمان شهادت امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام و دفن آن دو امام در این منطقه، خلیفه ها و امیران شیعی همواره به آبادانی این شهر و مرقد مطهر این

ص: ۱۴۳

---

۱- (۱) یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۶۳.

۲- (۲) همان.

دو امام مظلوم همت گماشتند. این منطقه از آن پس، محل سکونت بسیاری از شیعیان و دوست داران اهل بیت شد. آل بویه، از حکمرانان شیعی بغداد، همواره نسبت به آباد کردن این شهر و مزارات آن بذل توجه داشتند(۱).

منتصر عباسی در این منطقه بر روی دجله، پل بزرگی ساخت که «جسر جدید» نامیده شد. این امر ارتباط بین دو طرف رودخانه را آسان می کرد. در این دوران، یعنی ۶۴۰ ق، شهر کاظمین توسعه یافت و بسیاری از شیعیان در جوار مرقد مطهر آن دو امام ساکن شدند.(۲)

### تاریخچه حرم کاظمین

هنگام انتخاب بغداد به عنوان پایتخت در دوره خلافت منصور، در جوار این شهر، باغ هایی وجود داشت که به «شونیزیه» معروف بود. منصور در ۱۴۵ ق این باغ را به عنوان مقبره خانوادگی خود انتخاب کرد و آن را «مقابر قریش» نامید. نخستین کسی که در این قبرستان دفن شد جعفر، فرزند منصور عباسی بود که در سال ۱۵۰ ق از دنیا رفت.

در سال ۱۷۹ ق امام موسی کاظم علیه السلام براساس دستورهارون، از مدینه به بغداد آمد و در این شهر زندانی شد. سپس در سال ۱۸۳ ق به دستور خلیفه و به وسیله زندانبان معروفش، سندی بن شاهک، مسموم شد و به شهادت رسید. آن حضرت را در همان مقابر قریش و مکانی که خود آن بزرگوار قبلاً خریداری کرده بود، به خاک سپردند.

ص: ۱۴۴

---

۱- (۱) جعفر خلیلی، آشنایی با عتبات مقدسه، ص ۸۰.

۲- (۲) میرزا عباس فیض، تاریخ کاظمین و بغداد، صص ۱۱۵-۱۲۰.

امام کاظم علیه السلام چهارمین فردی بود که در این مقبره دفن می شد. قبل از ایشان جعفر و سپس عیسی نوفلی در آن مکان به خاک سپرده شده بودند. سومین نفر نیز امین، فرزند هارون بود(۱).

با نظر امام جواد علیه السلام و به دستور مأمون بر روی مرقد امام کاظم علیه السلام بقعه ای ساختند(۲). وقتی امام جواد علیه السلام در سال ۲۲۰ ق به دستور معتصم عباسی و به وسیله ام فضل، دختر مأمون که عنوان همسری آن حضرت را داشت، مسموم و شهید شد، آن امام مظلوم را در جوار قبر جدشان، امام موسی بن جعفر علیه السلام دفن کردند(۳). آنگاه بر قبر آن دو بزرگوار، بقعه و عمارتی بنا کردند و آن را کاظمیه نامیدند. از آن پس عنوان مقابر قریش، نام خود را به «کاظمیه» تغییر داد. در کنار این بقعه، مسجدی به نام مسجد باب التبن یا مسجد کاظمیه قرار داشت که شیعیان از داخل این مسجد، قبر آن دو امام را زیارت می کردند و به همین سبب، بقعه این دو امام بزرگوار به مشهد باب التبن نیز معروف شد(۴).

در سال ۳۳۶ ق به امر احمد بن بویه ملقب به معز الدوله، از پادشاهان شیعی آل بویه، بقعه ای با شکوه بنا گردید و برفراز هر دو قبر، ضریحی جداگانه از چوب ساج نصب شد. همچنین برفراز آن مقبره ها، گنبدی بزرگ برافراشتند و فضای داخلی حرم را تزئین کردند. وی در ۳۵۸ ق در کاظمین از دنیا رفت و در مقابر قریش دفن شد. پس از او، عضدالدوله دیلمی همانند سایر مزارات

ص: ۱۴۵

- 
- ۱- (۱) دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۰۷.
  - ۲- (۲) فیض، تاریخ کاظمین و بغداد، ص ۳۰.
  - ۳- (۳) حسینی الجلالی، مزارات اهل البیت و تاریخهما، ص ۱۱۴.
  - ۴- (۴) دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۰۷.

امامان شیعه، تغییرات زیادی در حرم انجام داد و آن را توسعه بخشید. او این کار را به سال ۳۶۹ ق انجام داد. (۱)

عمده ترین بازسازی ها و تعمیرات آستان کاظمین در دوران صفویه انجام شد. شاه اسماعیل صفوی، در سال ۹۲۶ ق، تمامی بناهای حرم را خراب کرد و بنای زیبا و باشکوهی شامل رواق در چهار سو، صحن، حرم و دو گنبد جدید کاشی کاری شده ساخت. همچنین مسجدی باشکوه و با ستون های ضخیم در شمال حرم احداث کرد که اکنون هم پابرجاست. (۲) امروزه، کتیبه ای از اقدامات شاه اسماعیل همچنان موجود است. البته دیگر سلاطین صفویه نیز کارهای او را تکمیل کردند. (۳)

در عصر قاجار هم توجه خاصی به مشهد کاظمین شد، و برخی از شاهان قاجار در بازسازی و توسعه حرم نقش داشتند. (۴)

هم اکنون صحن وسیعی در شمال صحن القبله، در حال ساخت است. عملیات اجرایی این صحن که به نام شهید صدر نامگذاری شده، از سال ۱۳۷۸ شمسی آغاز شده است. مساحت این صحن، به ۷۰۰۰ مترمربع می رسد. در زیر صحن نیز سردابی به وسعت ۵۰۰۰ مترمربع ساخته شده است. ساخت مدرسه، موزه و مهمانخانه نیز در این طرح توسعه گنجانده شده است. این صحن، فعلاً بزرگ ترین صحن موجود در عتبات عراق به شمار می آید.

ص: ۱۴۶

---

۱- (۱) حسینی الجلالی، مزارات اهل البیت و تاریخهما، ص ۱۰۸.

۲- (۲) موسوی الزنجانی، جوله فی اماکن المقدسه، ص ۱۱۲.

۳- (۳) فیض، تاریخ کاظمین و بغداد، ص ۱۲۲.

۴- (۴) دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۰۹.



در داخل حرم مطهر و خارج از آن قبور تعدادی از امامزاده ها، عالمان و اندیشمندان اسلامی وجود دارد. در این بخش با برخی از آنان آشنا می شویم:

۱. عون و عبدالله: قبر دو تن از فرزندان امام علی علیه السلام به نام عون و عبدالله در آن سوی باب البصره، سمت شرقی مقابر کاظمین، قرار دارد و دارای زیارتگاهی باشکوه است. (۱)

۲. ابوسبحه: موسی بن ابراهیم اصغر بن موسی الکاظم ملقب به المرتضی که به سبب ذکر و تسبیح گفتن زیاد او را «ابوسبحه» می گفتند. این بزرگوار در بغداد از دنیا رفت و در مقابر قریش، در جوار پدر و جدش به خاک سپرده شد. (۲)

۳. آرامگاه شیخ مفید: مرقد این عالم بزرگوار در شرق رواق جنوبی قرار دارد. وی از بزرگان شیعه، فقه و متکلمان چیره دست و توانا بود و در سال ۴۱۳ هـ. ق درگذشت. بر روی قبر او ضریحی فولادی و کهن قرار دارد. بالای قبر شیخ مفید، و بر روی قطعه سنگی از مرمر، شعری منسوب به امام زمان علیه السلام نوشته شده در رثای شیخ مفید سروده شده است.

لاصوت الناعی بفقدك إنه يوم علی آل الرسول عظیم

۴. ابن قولویه: ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی، صاحب کتاب «کامل الزیارات» از فقیهان و محدثان شیعی در عصر آل بویه است که در

ص: ۱۴۷

۱- (۱) ابن جبیر، سفرنامه ابن جبیر، ص ۲۷۶.

۲- (۲) جعفر خلیلی، آشنایی با عتبات مقدسه، ص ۸۷.

رواق شرقی حرم به خاک سپرده شده است. ابن قولویه از سوی معز الدوله دیلمی دعوت شد تا از قم به کاظمین برود و حوزه علمیه آن شهر را تاسیس کند. شیخ مفید از جمله شاگردان این بزرگواران بود که در کنار ایشان به خاک سپرده شد. ابن قولویه در سال ۳۶۹ قمری دار فانی را وداع گفت.

۵. قبور منسوب به سید رضی و سید مرتضی: سید رضی و سید مرتضی چنانکه در بخش کربلا گفته شد، در بغداد و در منزل مسکونی خود دفن شدند و پس از آنجا به کربلا منتقل و در حرم مطهر به خاک سپرده شدند. امروزه این دو قبر منسوب به سید رضی و سید مرتضی که ظاهراً همان محل اولیه دفن آنان بوده دارای گنبد و بارگهی است.

۶. خواجه نصیر الدین طوسی (۵۹۷ ق - ۶۷۱ ق): این عالم سترگ در رواق باب القریش و در رواق غربی حرم مطهر به خاک سپرده شده است. خواجه نصیر الدین طوسی، وزیر ایرانی و شیعی هولاکوخان مغول، تألیفات فراوانی در کلام و عقاید و نیز علوم دقیقه مثل ریاضی و هندسه داشت که مشهورترین آنها تجرید الاعتقاد و آداب المتعلمین است. این وزیر دانشمند، هنگام تهاجم هولاکوخان مغول به بغداد و سرنگونی خلافت عباسی، خان مغول را همراهی می کرد. (۱)

ص: ۱۴۸

شهر بغداد

اشاره

ص: ۱۴۹

شهر بغداد پایتخت پرآوازه خلافت عباسی و مهم ترین شهر کنونی عراق است و به دلیل عبور رود دجله از میان آن، سرزمین پر آب و حاصل خیز به شمار می آید. واژه بغداد، مرکب از «بغ» به معنای خدا و «داد» به معنی شهر است. البته برخی از زبان شناسان نیز عقیده دارند، بغداد از دو کلمه «بغ»، مخفف باغ و «داد» مخفف دادار، به معنی پروردگار تشکیل شده و بغداد به معنی «باغ خدا» است. این رودخانه، بغداد را به لحاظ موقعیت جغرافیایی به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده است که در گذشته، به عنوان «کرخ» و «رصافه» نام گذاری شده بود.<sup>(۱)</sup>

این شهر از بناهای دوره منصور عباسی است که به سال ۱۴۲ ق به عنوان پایتخت، انتخاب و به بزرگ ترین و آبادترین شهرهای عراق تبدیل شد. در عصر هارون الرشید، نام بغداد و داستان های هزار و یک شب آن زبانزد خاص و عام و شهره آفاق بود. بغداد در عصر ساسانیان، چنانکه از نام آن بر می آید، شهری مذهبی بود.

منصور عباسی هنگام احداث این شهر با خالد برمکی، وزیر و مشاور خود، مشورت کرد و می خواست ایوان مدائن را که از شاهکارهای معماری عصر

ص: ۱۵۰

---

۱- (۱) ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۲۷۵.

ساسانیان بود، تخریب و از مصالح آن برای ساخت بغداد استفاده کند، اما خالد او را از این کار برحذر داشت.<sup>(۱)</sup> شش سال طول کشید تا بغداد بر اساس طرح هایی که در پی مشورت های فراوان مشخص شده بود، احداث شد. سپس منصور در سال ۱۴۶ ق از هاشمیه به بغداد آمد و در قصر خود مستقر شد.

این شهر در دوران هادی و مهدی عباسی تکمیل شد و گسترش زیادی یافت. بغداد مدت پنج قرن پایتخت خلافت عباسی و شاهد حوادث و وقایعی بس مهم و سرنوشت ساز در تاریخ اسلام بود. هنگام خلافت مهدی، قسمت شرقی بغداد محل استقرار لشکریان خلیفه شد و آبادانی زیادی یافت.<sup>(۲)</sup> مدرسه معروف نظامیه و نیز مدرسه مستنصریه در قسمت شرقی بغداد قرار داشت. در قرن هشتم و در همین قسمت شرقی سه مسجد جامع به نام های جامع خلیفه، جامع السلطان و جامع الرصافه وجود داشت که امروزه نیز همچنان موجود است.<sup>(۳)</sup> شهر بغداد تا پایان خلافت عباسی از رونق فراوانی برخوردار بود، اما پس از هجوم هولاء-کو و براندازی خلافت عباسی، از رونق افتاد و اعتبار خود را از دست داد. بعد از آن بغداد، میان ترکمانان و عثمانیان و آنگاه صفویان دست به دست شد و سرانجام به عنوان بخشی از امپراتوری عثمانی شناخته شد تا اینکه پس از جنگ جهانی دوم و تجزیه حکومت عثمانی، زیر نظر انگلیسی ها، به عنوان مرکز کشور نوپای عراق معرفی شد.

ص: ۱۵۱

---

۱- (۱) ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۲۰۰.

۲- (۲) اصطخری، المسالک و الممالک، ص ۸۴.

۳- (۳) ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۲۷۵؛ ناصر الدین شاه.

اشاره

در شهر بغداد و در حدّ فاصل کاظمین و اطراف آن برخی از اماکن زیارتی و آثار دینی و تعدادی از مراقد تابعین و اندیشمندان اسلامی وجود دارد که به آنها اشاره می‌کنیم:

مسجد برائنا

مسجد «برائنا»، از مساجد قدیم معروف و متبرّکی است که بین محله کرخ بغداد و کاظمین قرار دارد. برائنا نام محله ای در غرب بغداد و در جنوب کرخ است. (۱) از آن رو این منطقه را برائنا نامیده اند که کشیشی به این نام در این محل ساکن بود. این کشیش به دست امام علی علیه السلام هنگامی که آن حضرت در جنگ نهروان، یک شب را در این مکان منزل نمود، مسلمان شده. (۲) مسجد برائنا که در عصر آل بویه مکان اجتماع و عبادت شیعیان بود، توسط معز الدوله دیلمی بازسازی شد. از طرفی چون امام علی علیه السلام در این مکان چاهی حفر کرد به این مکان «بئرعلی» یا «سنگ علی» هم گفته اند. (۳)

از آن پس این مسجد توسعه یافت و حجره های متعددی پیرامون آن برای سکونت طلبه ها ساخته شد. این مسجد در عصر سلجوقی دچار آتش سوزی شد، اما سلطان اویس جلاپیری آن را تعمیر و بازسازی کرد. شاه اسماعیل نیز در سال ۹۲۷ ق دوباره به بازسازی آن پرداخت. برائنا در عصر قاجار رونق

ص: ۱۵۲

۱- (۱) یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۶۳.

۲- (۲) سفرنامه سیف الدوله به مکه مکرمه، ص ۲۱۴.

۳- (۳) فیض، تاریخ بغداد و کاظمین، صص ۲۷۸ - ۲۸۰.

بیشتری یافت، ولی در زمان رژییم بعثی مهجور و متروک شده بود، و پس از سقوط این رژیم مورد توجه مردم و علما قرار گرفت.

گفته شده این مکان، محل نماز حضرت ابراهیم علیه السلام و سایر پیامبران و نیز امام علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام بوده، به همین دلیل نماز و عبادت در این مکان توصیه شده است.<sup>(۱)</sup>

### مشهد النُّذُور

این مکان مرقد عیبدالله بن محمد بن عمر الأُطرف ابن امیرالمؤمنین علیه السلام است. این بارگاه که در منطقه اعظمیه بغداد واقع شده، به مشهد النُّذُور معروف است، چرا که اهالی بغداد نذرهایشان را به آنجا می برند و حاجت روا برمی گردند. عیبدالله، در سال ۱۵۰ هـ. ق با دسیسه منصور در ۶۷ سالگی به شهادت رسید.

### سید ادیس

وی که از نوادگان امام موسی کاظم علیه السلام است، در سال ۹۱۴ هجری از طرف شاه اسماعیل صفوی، به ستمت نقیب النقبایی منصوب شد و به سال ۹۴۸ در بغداد درگذشت و در املاک خود دفن گردید. مرقد وی در بغداد، در منطقه کزاده شرقیه قرار دارد.

### نَوَاب اربعه امام زمان علیه السلام

### اشاره

امام زمان عجل الله تعالی فی فرجه در زمان غیبت صغری، به وسیله چهار

ص: ۱۵۳

---

۱- (۱) حسینی الجلالی، مزارات اهل البیت و تاریخهما، ص ۱۲۱.

نائب مخصوص خود، با مردم در تماس بودند و بسیاری از نیازمندی های مردم را از طریق نمایندگان خاص خود برطرف می نمودند. مشخصات آن نواب اربعه به قرار زیر است:

نائب اول - عثمان بن سعید الاسدی (ابوعمر): این بزرگوار معروف به سَمَّان (روغن فروش) بود و از طرف امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام وکالت و نیابت داشت و افتخار نیابت اول حضرت حجّت را نیز کسب کرد. وی اواخر قرن سوم درگذشت و در وسط شهر بغداد، سمت رصافه، (شرق دجله) دفن شد. بعدها مسجدی به نام آن جناب در همان محل بنا شد. این بنا که در ۱۳۴۸ ق بازسازی شده، دارای حرم و صحن وسیعی است. (۱)

- ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید الاسدی: ایشان معروف به شیخ خلانی، دومین نایب حضرت مهدی (عج) است. وی پس از وفات پدر بزرگوارش به نیابت آن حضرت در آمد و ۴۸ سال سفارت ایشان را برعهده داشت و سرانجام در آخر جمادی الاولی سال ۳۰۵ هـ - ق رحلت فرمود و در بغداد نزدیک قبر والده اش دفن شد. این مکان، امروزه به محله شیخ خلانی در خیابان جمهوری معروف است. (۲)

- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی: وی به دائی خود که نوبختی است منسوب شده و گرنه اصالتاً قمی بوده و در جامعه آن روز جهان شیعه، به عقل و درایت اشتهار داشته است. جناب حسین بن روح پس از حدود ۲۱ سال نیابت حضرت حجّت، در سال ۳۲۶ هـ - ق درگذشت. قبر این نائب خاص، هم اکنون در بازار شوره بغداد واقع است.

ص: ۱۵۴

---

۱- (۱) دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲- (۲) همان، ص ۱۰۲.



- ابوالحسن علی بن محمد سمري: آخرین سفیر امام مهدی (عج)، علی بن محمد سمري است که در نیمه شعبان ۳۲۹ هجری از دنیا رفت. با درگذشت او باب سفارت خصوصی بسته شد و غیبت کبری آغاز گردید. قبر ایشان، در رصافه بغداد و غرب مدرسه مستنصریه، داخل بازار «کمالیات» قرار دارد. شش روز مانده به وفات نایب چهارم، از جانب امام علیه السلام توقیعی صادر شد و از آن به بعد هر گونه ادعای درباره نیابت خاصه آن حضرت، مردود شناخته شده است. توقیع آن حضرت به جناب سمري، چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدِ السَّمَرِيِّ اعْظَمَ اللَّهُ اجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَأَنْتَ كَمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتِّهِ أَيَّامٍ، فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُؤْصِرْ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَةُ فَلَا ظَهْرَ وَبَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمِيدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَسَيَأْتِي مَنْ يَدْعُ الْمَشَاهِدَةَ الْأَقْمَنَ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةَ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٌّ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛

بسم الله الرحمن الرحيم، ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش تو و برادرانت را زیاد کند؛ بدانکه تا شش روز دیگر از دنیا می روی؛ کارهایت را جمع و جور کن و بعد از خود کسی را جانشینت قرار مده، چرا که غیبت کبری آغاز شده است و دیگر ظهوری در کار نیست، مگر به اذن خداوند و آن بعد از مدتی طولانی خواهد بود که دل ها قسی شوند و زمین از ستم پر شده باشد، و چه بسا کسانی پیدا شوند که مدعی دیدار با من باشند؛ آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی، چنین ادعایی کند، دروغ گویی افتراگر بیش نیست. (۱)

ص: ۱۵۵

از ولادت حضرت حجت علیه السلام تا ابتدای غیبت کبری، هفتاد و چهار سال تمام طول کشید؛ یعنی از نیمه شعبان ۲۵۵ هجری که ولادت آن حضرت بود تا ۱۵ شعبان ۳۲۹ هجری که رحلت علی بن محمد سمری آخرین نائب اتفاق افتاد. همچنین از ابتدای زمان امامت حضرت حجت علیه السلام تا زمان غیبت کبری، ۶۹ سال و ۶ ماه و ۷ روز طول کشید.

مرحوم کلینی: محمد بن اسحاق الکلینی رازی، مشهور به «ثقه الاسلام» از عالمان و محدثان بزرگ شیعه در قرن سوم هجری است. وی در زمان خودش رئیس شیعه و موثق ترین و استوارترین آنان در نقل حدیث بود. ایشان کتاب شریف «کافی» را که یکی از کتب اربعه (۱) حدیثی شیعه است در مدت بیست سال، تألیف کرد. کلینی در ماه شعبان سال ۳۲۹ هجری رحلت کرد. قبر محمد بن یعقوب کلینی، در نزدیکی مرقد چهارمین نایب حضرت مهدی (عج)، علی بن محمد سمری و در نزدیکی مدرسه مستنصریه قرار دارد.

### مشاهیر اهل سنت مدفون در بغداد

در بغداد مشاهیر زیادی از علما و شعرا و متصوفه اهل سنت مدفون اند که مجال ذکر همه آنان ممکن نیست، بنابراین تنها به ذکر برخی از آنان بسنده می کنیم:

۱. ابوحنیفه: نام وی نعمان بن ثابت بن فردوس و اهل کابل است. وی اولین رئیس مذهب حنفی از مذاهب چهارگانه اهل سنت به شمار می آید. او در

ص: ۱۵۶

---

۱- (۱) کتب اربعه شیعه عبارت اند از: اصول کافی، من لا یحضره الفقیه تألیف شیخ صدوق مدفون در شهرری و تهذیب و استبصار که هر دو اثر شیخ طوسی است، که مدفن آن بزرگوار در شهر نجف می باشد.

سال ۸۰ هـ - ق به دنیا آمد و در رجب ۱۵۱ هـ - ق وفات یافت و در آن سوی دجله مقابل کاظمین در مقبره «خیزرانیه» بغداد دفن شد. این منطقه اکنون به نام «حی الاعظمیه» مشهور است و ساکنان آن عمدتاً از اهل سنت اند. اهل سنت به ابوحنیفه «امام اعظم» لقب داده اند؛ در حالی که خود ابوحنیفه می گفت:

«لولا السُّنَّان لَهَلَكَ النُّعْمَانُ؛ اگر دو سالی که در محضر امام صادق شاگرد بودم، نبود، هلاک شده بودم».

در جوار قبر ابوحنیفه دانشکده علوم دینی اهل تسنن واقع شده است. در نزدیکی قبر او نیز برخی از علما و متصوفه، از جمله حسین بن منصور حلاج مدفون اند. (۱)

۲. بشر حافی: نام وی ابونضر بن عبدالرحمن است و از اعیان متصوفه به شمار می رود. نقل کرده اند که امام موسی کاظم علیه السلام از کنار خانه بشر می گذشت. صدای غنا از خانه بشر بلند بود. در این حال کنیزی از خانه بیرون آمد؛ امام از او پرسید: صاحبخانه آزاد است یا بنده؟ کنیز جواب داد: آزاد. امام فرمود: آری، اگر بنده بود این چنین صدای آواز از خانه اش بلند نبود. بعد که بشر این فرموده امام را شنید، شتابان و پابرنه، عذرخواهان به دنبال امام دوید، به همین دلیل او را بشر نامیدند.

۳. احمد بن حنبل: ابن هلال الشیبانی از محدثان برجسته اهل سنت در قرن دوم هجری است که در سال ۱۶۴ هـ - ق در بغداد به دنیا آمد و در سال ۲۴۱ وفات یافت و در کنار دجله، در نزدیکی رصافه بغداد در مقبره دارالحرب مدفون

ص: ۱۵۷

---

۱- (۱) ابن جبیر، سفرنامه ابن جبیر، ص ۲۷۶.

شد، اما اکنون از قبرش خبری نیست. نسب احمد بن حنبل به «ذی الثدیه» رئیس خوارج می رسد. در منطقه شیعه نشین کزّاده، مسجدی به یادش ساخته شده است. نزدیک قبر این حنبل افرادی مانند ابوبکر شبلی، بشرحافی، داوودطایی و ابوالقاسم جنید دفن شده اند. قبر معروف کرخی نیز در محله باب البصره قرار دارد.<sup>(۱)</sup>

۴. شیخ عبدالقادر گیلانی: وی امام فرقه «قادریه»، از فرقه های صوفیه است که به او لقب «قدس اعظم» داده اند و اهل سنت در مقام او بسیار غلو می کنند. ولادت او در سال ۴۷۰ هجری و وفاتش در ۵۶۰ روی داد. قبر وی در شارع «الکفاح» و در منطقه رصافه بغداد است. زائران او بیشتر از کشورهای هند و افغانستان هستند.<sup>(۲)</sup> این بقعه به وسیله سلطان مراد عثمانی تعمیر و بازسازی شد و حیاط و صحن و گنبد بزرگی دارد.<sup>(۳)</sup>

۵. ابن ابی الحدید: شیخ عبدالحمید بن محمد بن محمد بن حسین، معروف به ابن ابی الحدید معتزلی شارح نهج البلاغه است. تولد او در سال ۵۸۶ هـ - ق و وفاتش در ۶۵۵ در بغداد روی داد و در منطقه رصافه دفن شد.

محمد بن جریر طبری تاریخ نگار برجسته و صاحب «تفسیر کبیر» متوفای سال ۳۱۰، و راغب اصفهانی صاحب کتاب «مفردات» و متوفای سال ۵۶۵ هجری نیز در بغداد مدفون اند.

ص: ۱۵۸

---

۱- (۱) ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲- (۲) سفرنامه سیف الدوله به مکه، ص ۲۱۸.

۳- (۳) مادام دیولافوا، سفرنامه دیولافوا، ص ۶۶۲.

## اشاره

در چهل کیلومتری جنوب بغداد و در سمت غرب رودخانه دجله، شهر تیسفون پایتخت امپراتوری ساسانیان قرار دارد. این شهر از به هم پیوستن چندین شهر به وجود آمده بود. بعد از اسلام و در سال ۱۴ ق هنگامی که سعد بن ابی وقاص آن را فتح کرد نام مدائن به خود گرفت. سلمان فارسی، از سوی خلیفه دوم، به عنوان نخستین حاکم آن انتخاب شد و حکومت آن جناب تا اوائل خلافت امام علی علیه السلام ادامه داشت تا اینکه در همانجا از دنیا رفت و دفن شد. پس از چندی حذیفه بن یمان، یکی دیگر از صحابه از سوی امام علی علیه السلام حاکم آن شهر شد و پس از مرگش نیز در همانجا به خاک سپرده شد.

مدائن در دوران اموی و عباسی رونق چندانی نداشت. حتی منصور، خلیفه عباسی قصد داشت با تخریب ایوان معروف کسری، با مصالح آن بغداد را آبادان سازد، اما وزیر ایرانی اش، خالد، او را از این کار بازداشت.

## طاق کسری

طاق یا ایوان کسری از آثار تاریخی عصر ساسانیان و بخشی از کاخ بزرگ متعلق به شاپور معروف به ذوالاکتاف است که اکنون باقی مانده است. شاپور در قرن سوم میلادی بوده و سپس خسرو انوشیروان و سایر شاهان ساسانی به حکومت رسیدند.

امروزه، از آن کاخ عظیم تنها قسمتی از یک تالار بزرگ و ایوان معروف کسری باقی مانده است. معروف است که این طاق در شب تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شکاف خورد و چهارده کنگره آن فرو ریخت. (۱)

ص: ۱۵۹

---

۱- (۱) ژان اوتر، سفرنامه ژان اوتر، ص ۱۸۶؛ مصاحب، دایره المعارف فارسی، ج ۲، ص ۱۶۵۹.

بقایای تالار بزرگ به طول ۳۶۵ متر و عرض ۲۷۵ متر، ایوان کسری را در خود جای داده است. دهانه ایوان کسری ۲۸ متر، طول آن ۵۵ متر و ارتفاع آن سی متر است. این ایوان را جزو بزرگ ترین بناهای تاریخی باقی مانده از پانزده قرن قبل می دانند. البته این طاق هلالی، دچار آسیب هایی شده، ولی امروزه در حال بازسازی و حفاظت است. (۱)

نقل است وقتی که امیرالمؤمنین علیه السلام به مداین آمد، در ایوان کسری فرود آمد و «دُلف بن بحیر» نیز به همراه حضرتش بود. حضرت علی علیه السلام در این مکان نماز به جای آورد و آنگاه برخاست و در سخنانی عبرت آموز خطاب به دلف فرمود: برای «کسری»، آن پادشاه معروف، در این مکان چنین وچنان بود. دلف هم درمقابل می گفت: آری به خدا قسم، چنین است که می فرمایی، ای سید و مولای من! شما چنان بر این دیار مطلع هستید که گویا خود شما آن را بنا نهاده اید!

### مرقد سلمان فارسی

جناب سلمان فارسی، از یاران جلیل القدر و با وفای رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام است که در دوران خلافت خلیفه دوم حاکم مدائن شد. این صحابی بزرگ در دوران حکومتش زندگی بسیار ساده ای داشت و همانند فقیرترین مردم زندگی می کرد. سرانجام پس از آنکه در سال ۳۶ ق وفات یافت، نزدیکی ایوان کسری به خاک سپرده شد. قبر مطهر او در سمت چپ کاخ کسری به فاصله چند صد متری قرار دارد. شاه اسماعیل صفوی بقعه و آرامگاه حضرت

ص: ۱۶۰

سلیمان و صحن بسیار وسیع آن را پدر آقاخان محلاتی احداث کرده اند.<sup>(۱)</sup> در جنب مدفن جناب سلمان، مسجد جامع مداین واقع شده که منسوب به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است که یا به امر آن حضرت بنا شده یا اینکه آن امام همام در آنجا نماز خوانده اند.

مرحوم علامه مجلسی می گوید:

«به سندهای مختلف از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایمان ده درجه دارد؛ مقدار تا درجه هشتم، ابوذر تا درجه نهم و سلمان تا درجه دهم قرار گرفته است!».

از این گذشته، جناب سلمان به شرافت

«سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ ؛ سلمان از ما اهل بیت است» مفتخر شده و رسول خدا صلی الله علیه و آله در فضیلت او فرموده است:

«سَلْمَانٌ بَحْرٌ لَا يُتْرَفُ وَ كَثْرٌ لَا يَنْفَدُ سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ سَلْسَلٌ يُمْنَحُ الْحِكْمَةَ وَ يُؤْتَى الْبُرْهَانَ (۲) ؛ سلمان دریایی است که نمی خشکد و گنجی است که تمام نمی شود، سلمان از ما اهل بیت است، که حکمت می بخشد و برهان می دهد».

امیرمؤمنان علیه السلام نیز در حدیثی او را همانند لقمان حکیم معرفی کرده اند.

### آرامگاه حدیفه یمانی

حدیفه بن یمان از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله و از شیعیان خاص امام علی علیه السلام بود. حدیفه در جنگ های جمل، صفین و نهروان از مردان نظامی برجسته به

ص: ۱۶۱

۱- (۱) سفرنامه عتبات ناصرالدین شاه، ص ۱۳۴.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۴۸، باب ۱۰.

شمار می آمد. او در سال ۳۶ ق از دنیا رفت و در نزدیکی قبر سلمان فارسی به خاک سپرده شد. مقبره او دارای صحن، بقعه و ایوان است و در کنارش عبدالله، پسر جابر بن عبدالله انصاری را دفن کرده اند. (۱)

ص: ۱۶۲

---

۱- (۱) سفرنامه ادیب الملک به عتبات، ص ۱۳۵.



شهر سامراء

اشاره

ص: ١٤٣

سامراء به سبب وجود مرقد مطهر دو پیشوای شیعه، یعنی امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام، مورد توجه جهان تشیع است. این شهر بر کرانه شرقی رود دجله، در میانه راه بغداد - تکریت واقع شده است. در حال حاضر، این شهر مرکز استان صلاح الدین است که از شرق به استان تمیم (کرکوک)، از شمال به نینوا، از غرب به استان الانبار و از جنوب به بغداد محدود می شود. فاصله سامراء تا بغداد ۱۲۴ کیلومتر است. (۱)

سامراء همچون شهرهای دیگر عراق، قدمت دیرینه ای دارد. برخی بنای آن را به دوران قبل از اسلام، یعنی اشکانیان و ساسانیان باز می گردانند. برخی نیز شاپور ذوالاکتاف را بانی این شهر دانسته اند. (۲) به گفته یاقوت حموی، سامراء را «سام بن نوح» ساخته است (۳) و شاید وجه تسمیه آن به سامراء نیز همین باشد؛ یعنی «سام راه» که به معنای راه عبور و مرور سام فرزند حضرت نوح است. در عصر ساسانی، این منطقه «التیرهان» نام داشت و قبل از ۳۹۳ ق تاریخ اسکندری به چنین نامی مشهور بوده است. (۴)

ص: ۱۶۴

- 
- ۱- (۱) صحتی سردرودی، سیمای سامراء، ص ۴۷.
  - ۲- (۲) حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، سامراء.
  - ۳- (۳) معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۲.
  - ۴- (۴) موسوعه العتبات المقدسه، قسم السامراء، ج ۹، ص ۱۵.

سامراء همراه دیگر شهرهای عراق در سال ۱۷ ق به وسیله سعد بن ابی وقاص فتح شد. از این هنگام تا پایان قرن دوم هجری تنها یک دیر در سامراء وجود داشت. (۱) در سال ۲۲۱ ق، به لحاظ آنکه معتصم، ترکان را بر امور نظامی و دیوانی مسلط ساخته بود، هفتاد هزار نفر از نظامیان ترک، بغداد را جولانگاه تاخت و تاز اسب های خویش ساخته، بی مهابا در کوچه های شهر می تاختند و برای مردم شهر مزاحمت و آزارهای زیادی داشتند. (۲) از آن رو، برخی از مردم به معتصم شکایت بردند و او نیز به چاره جویی برآمد و در اطراف بغداد نقطه ای را بهتر و مناسب تر از این مکان نیافت (۳). وقتی معتصم ساخت شهر را به پایان رساند ترکان را از بغداد به سامراء برد و مردم شهر را از آزار آنان رها نمود. (۴) مردم وقتی شهر جدید را دیدند خوشحال شدند که از آزار ترکان خلاصی یافته اند و به همین دلیل آنجا را «سر من رأی» نامیدند، یعنی خوشحال شد کسی که آن را دید. (۵) از آن زمان، پایتخت خلافت عباسی بین سال های ۲۲۱ تا ۲۷۶ ق به سامراء انتقال یافت و این شهر در دوره معتصم بسیار آبادان شد. (۶)

ص: ۱۶۵

---

۱- (۱) موسوی زنجانی، جوله فی اماکن المقدسه، ص ۱۲۴.

۲- (۲) ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۴۴۶.

۳- (۳) مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۴۶۷.

۴- (۴) ابن طقطقی، تاریخ فخری، ترجمه وحید گلپایگانی، ص ۳۲۱.

۵- (۵) مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ص ۶۳.

۶- (۶) جعفر الخلیلی، موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۸۴.

۱. بقعه و آستان عسکرین علیهما السلام

بقعه و آستان عسکرین، امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام، شهر تاریخی سامراء را در تاریخ به عنوان شهری مذهبی ثبت کرده است. امام هادی علیه السلام در عصر متوکل و به اجبار او، در ۲۴۳ ق از مدینه رهسپار سامراء شدند. آن حضرت بیست سال و نه ماه در سامراء اقامت داشتند و سرانجام، در روز چهارشنبه ۲۶ جمادی الآخر ۲۵۴ در منزل خود که امروزه به کوی «شارع ابواحمد» معروف است، به شهادت رسیدند و بدن مطهرشان در همان خانه به خاک سپرده شد. (۱) امام هادی علیه السلام این خانه را از فرزند یک نصرانی خریده بود و وسعت زیادی داشت. براساس منابع، پیکر آن بزرگوار را وسط حیاط خانه اش دفن کردند. چندی بعد نیز فرزند بزرگوارش، امام حسن بن علی، ملقب به امام عسکری علیه السلام را در کنار مرقد مطهر امام هادی علیه السلام به خاک سپردند. (۲)

ناصر الدوله حمدانی شیعی، برادر سیف الدوله، بر مرقد این دو امام بزرگوار قبه ای ساخت. (۳) از دیگر پادشاهان آل بویه که در این راه منشأ اثر شده اند می توان مغزالدوله را نام برد. او در سال ۳۳۷ ق گنبد و صحنی برای حرم مطهر ساخت (۴). پس از او عضد الدوله دیلمی نیز در ۳۶۸ ق، در تزئین و تجهیز حرم عسکرین تلاش های به سزایی داشت.

ص: ۱۶۶

۱- (۱) تاریخ یعقوبی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۱، صص ۵۱۳، ۵۳۵.

۲- (۲) ابن خلکان، همان، ج ۱، ص ۳۷۳.

۳- (۳) موسوی الزنجانی، جوله فی اماکن المقدسه، ص ۱۲۵.

۴- (۴) میلانی، عتبات عالیات عراق، ص ۱۷۶.

در عصر ایلخانان مغول، شیخ حسن ایلکانی، مؤسس سلسله شیعی جلایریان، در سال ۷۴۰ ق تعمیرات گسترده ای در آستان عسکرین انجام داد.<sup>(۱)</sup> در عصر قاجار نیز براساس وصیت امیرکبیر، توسعه و بازسازی حرمین شریفین ادامه یافت.

## ۲. مسجد جامع سامرا

مسجد جامع سامراء، یکی از قدیمی ترین مساجد عراق است و ساخت آن به زمان متوکل عباسی برمی گردد. این مسجد، بزرگ ترین مسجد عراق است که دارای ۳۸۰۰۰ مترمربع مساحت و ۱۴ در ورودی است و حدود دو کیلومتر پایین تر از حرم مطهر عسکرین علیهما السلام قرار گرفته است. گرچه از این مسجد تنها دیوارهای آن و مناره معروف به «ملویه» باقی مانده است. این مسجد بدون سقف بوده و کف آن خاکی است. دیوارهای بسیار ضخیم آن بیشتر به دیوارهای قلعه شباهت دارد و ارتفاع آنها به ده متر می رسد. چهل برجی که در ضلع های آن ساخته شده بود باعث می شده دیوارها از حالت یکنواختی بیرون بیایند. البته دیوارها و مناره این مسجد، در دوران معاصر بازسازی شده اند.

در ضلع شمالی مسجد جامع سامراء، به دستور متوکل عباسی، مناره ای ساخته اند که هنوز هم، پس از سال ها، پابرجا مانده و از دوردست، دیدگان هر بیننده ای را به خود جلب می کند و به مناره «ملویه» مشهور است.

این مناره عظیم به لحاظ سبک و نوع معماری، از عجایب دنیا بوده و در جهان اسلام بی نظیر است. ارتفاع آن به ۵۵ متر می رسد و بر روی یک قاعده و پایه ای مربع شکل به مساحت ۳۲ متر بنا شده است. این بنا به شکل

ص: ۱۶۷

---

۱- (۱) دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۹۳.

مخروطی تا بالاترین نقطه امتداد می یابد و رأس آن به دایره ای با ۶ متر مساحت ختم می شود. برخلاف همه مناره ها، پله های این مناره، از بیرون و اطراف آن است و به صورت مارپیچ و مدور در شش دور، از پایین تا بالا، امتداد دارد و شکلی چون حلزون به خود می گیرد. ارتفاع هر پله، حدود ۱۰ سانتیمتر است و علت کوتاهی آن، این است که خلیفه می خواست سوار بر اسب، از آنها بالا برود.<sup>(۱)</sup>

این بنا و معماری آن، ظاهراً به تقلید از معبدهای کلدانیان و بابلیان ساخته شده است، زیرا کلدانیان این نوع معبدها را برای مراسم قربانی می ساختند و سپس قربانی را به بالاترین نقطه برده، تقدیم خدایان می کردند.

### ۳. مسجد جامع ابودلف

این مسجد یکی دیگر از مساجد قدیمی و تاریخی سامراء به شمار می آید که ابودلف قاسم بن عیسی، از حاکمان عباسی، آن را ساخته است. این مسجد در شمال شرقی سامراء و در محله المتوکلیه قرار داشته و حدود ۳۰۰۰۰ مترمربع مساحت دارد.

گرچه هم اکنون از این مسجد ویرانه ای بیش بر جای نیست، ولی از نظر کارشناسان معماری اسلامی، از اعتبار ویژه ای برخوردار است، زیرا نقشه آن دست نخورده است و از دیوارهایش نیز آن قدر باقی هست که بتوان یک بازسازی نزدیک به اصل از آن ارائه داد.

ص: ۱۶۸

---

۱- (۱) ر. ک: صحتی سردودی، سیمای سامراء؛ ذبیح الله محلاتی، مآثر الکبرا فی تاریخ سامراء.

#### ۴. قبور خاندان عسکرین علیهما السلام

الف) سمانه، مادر امام هادی علیه السلام: سمانه یا سمانه مغربیه، مادر امام هادی علیه السلام، ملقب به «ام الفضل» و «سیده»، از زنان فاضل و زاهد روزگار بود که بیشتر روزها را روزه داشت و شب‌ها به نیایش می پرداخت. او در خانه امام هادی علیه السلام از دنیا رفت و در همانجا، کنار فرزند بزرگوارش، دفن شد. (۱)

ب) حکیمه خاتون: این بانوی بزرگ دختر امام جواد علیه السلام، خواهر امام هادی و عمه امام حسن عسکری علیه السلام است. وی در ۲۷۴ ق وفات یافت و داخل خانه امام هادی علیه السلام دفن شد و قبر شریفش پایین پای عسکرین و چسبیده به ضریح آن دو بزرگوار است. این بانوی بزرگوار چهار امام معصوم را درک کرد و از خواص و اصحاب سرّ ائمه علیهم السلام و مادر حضرت مهدی علیه السلام بوده است.

از افتخارات این بانوی بزرگوار تربیت و سرپرستی نرجس خاتون، مادر امام زمان علیه السلام، بود. ایشان اول کسی است که چشمش به جمال حضرت حجت روشن شد و آن بزرگوار را بوسید و به آغوش کشید. این بانوی عظیم الشان در دوران غیبت صغری به عنوان وکیل و نماینده حضرت مهدی (عج) بود. (۲)

مرحوم محدّث قمی در «مفاتیح الجنان» می گوید:

«سزاوار است زیارت آن مخدّره با الفاظی که در زیارت اولاد ائمه علیهم السلام نقل می شود یا با زیارتی که درباره عمّه مکرّمه اش حضرت معصومه سلام الله علیها، دختر گرامی موسی بن جعفر علیه السلام وارد شده، او را زیارت کنند». (۳)

ص: ۱۶۹

۱- (۱) صحتی سردرودی، سیمای سامراء، ص ۱۳۰.

۲- (۲) حسین الجلالی، مزارات اهل البیت و تاریخهما، ص ۱۴۴.

۳- (۳) منتخب التواریخ، ص ۲۲۳.

ج) سوسن، مادر امام حسن عسکری علیه السلام: مادر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را به سبب آنکه جده امام زمان است به «جده» یاد کرده اند. نام های این زن با تقوا و زاهد، حدیث، حدیثه، سوسن، سلیل و ریحانه بوده است. در متون روایتی از وی با عنوان «وکیل» یا «نماینده حضرت مهدی (عج)» یاد شده است. زیرا شیعیان از حکیمه خاتون، عمه امام حسن عسکری علیه السلام، در زمان غیبت صغری سؤال کردند که اینک به چه کسی رجوع کنند و ایشان گفت: «به جده»؛ یعنی مادر ابی محمد علیه السلام. مادر امام حسن عسکری علیه السلام تا سال ۲۶۲ ق زنده بود. این بزرگوار را پس از وفات در آستان عسکریین، در خانه مسکونی خود، به خاک سپردند. (۱)

د) نرجس خاتون: نرجس خاتون، مادر بزرگوار حضرت ولی عصر (عج)، در ۲۶۰ ق از دنیا رفت و در کنار قبر دو امام بزرگوار و داخل ضریح آنها، به خاک سپرده شد. این بانوی بزرگوار فرزند یشوعا، پسر قیصر روم، بود که به عنوان کنیز به سامراء آمد و حکیمه خاتون او را به امام حسن عسکری بخشید. نام این بانو در روم «ملیکا» بود و از نسب مادری به «شمعون» و همچنین حواریین حضرت مسیح می رسید. پس از پذیرش اسلام، نام وی به «نرجس» تغییر یافت، اما به نام های دیگری چون ریحانه، سوسن و صیقل نیز نامیده می شد. (۲) این بزرگوار پس از وفات، در خانه امام حسن عسکری علیه السلام در محل سکونت خویش و کنار امام دفن شد و مرقد مطهرش هم اکنون داخل ضریح مطهر امامین و پشت سر آنها قرار دارد.

ص: ۱۷۰

---

۱- (۱) صحتی سردرودی، سیمای سامراء، ص ۱۳۰.

۲- (۲) ذبیح الله محلاتی، مآثر الکبرا فی تاریخ سامراء، ج ۱، ص ۲۴۳.



ه -) امامزاده سید حسین: حسین فرزند امام هادی علیه السلام و برادر امام حسن عسکری علیه السلام است. او و امام حسن عسکری را «سبطین» می خواندند. حسین به امامت برادر خود، امام حسن عسکری علیه السلام، ایمان داشت و از پیروان آن حضرت بود. وی را از عابدان و زاهدان زمان خود دانسته اند.<sup>(۱)</sup> گویند صدای حضرت حجت شیه صدای عمویش حسین بود. این بزرگوار در پایین پای مبارک امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیهما السلام دفن شده است.<sup>(۲)</sup>

و) ابو عبدالله جعفر: وی فرزند دیگر امام هادی علیه السلام است. می گویند جعفر، ناخلف بود و لقب کذاب گرفت. البته برخی نیز او را تواب لقب داده اند. پس از شهادت امام هادی علیه السلام جعفر ادعای امامت کرد. او نزد خلیفه وقت رفت و گفت: بیست هزار اشرفی برای می فرستم تا فرمان دهی مقام امامت از برادرم سلب شده و من بر مسند امامت بنشینم. خلیفه در جواب گفت: اگر امامت در دست ما بود، آن را برای خودمان حفظش می کردیم. اگر شیعیان از تو نیز مانند پدر و برادرت معجزه و کرامت ببینند، تو را امام خود خواهند دانست و دیگر نیازی به کمک ما نیست. جعفر پس از شهادت برادرش امام حسن عسکری علیه السلام دوباره ادعای امامت کرد، والله العالم.<sup>(۳)</sup>

البته در منتخب التواریخ، به نقل از بحار و او از تفسیر عیاشی از مفضل بن عمرو روایت کرده که از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: **وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً** پرسیدند.

ص: ۱۷۱

---

۱- (۱) مصلح الدین مهدوی، تاریخچه شهر سامرا، ص ۶۳.

۲- (۲) سیمای سامراء، ص ۱۲۶.

۳- (۳) مهدوی، تاریخچه شهر سامرا، ص ۶۳.

این آیه در خصوص ما نازل شده است. یقیناً هیچ کس از فرزندان فاطمه علیها السلام از این دنیا نمی رود، مگر آنکه به امامت امام زمان خودش اقرار می کند؛ همان گونه که فرزندان یعقوب علیه السلام به پیامبری یوسف علیه السلام اقرار کردند، تا اینکه گفتند: به خدا سوگند یقیناً که خدا تو را بر ما برتری بخشید و به راستی که ما خطاکار بودیم. (۱)

ز) امامزاده سیدمحمد: ابو جعفر، سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام در پنجاه کیلومتری جنوب سامراء و در شمال بغداد و نزدیک قریه ای به نام «بلد (۲)» از نواحی «دُجیل» بین راه بغداد و سامراء، دفن شده است. او که از بزرگان و مبارزان عصر خود بود، در میان شیعیان و دوست داران اهل بیت به «سبع الدجیل»، شیر دجیل، معروف بود. سید محمد در ۲۲۸ ق، به دنیا آمد و در ۲۵۲ ق دو سال قبل از شهادت امام هادی علیه السلام، درحالی که از زیارت پدر باز می گشت در قریه بلد بیمار شد و از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد. (۳) از تاریخ بنای بقعه این بزرگوار اطلاعی در دست نیست و به نظر می رسد در دوران عضد الدوله دیلمی ساخته شده باشد.

سیدمحمد به جلالت شأن و بروز کرامات معروف است. عموم مردم نیز به زیارتش می روند و نذرها و هدایای بسیاری به آنجا می برند و به وسیله او از خدا

ص: ۱۷۲

---

۱- (۱) ر. ک: منتخب التواریخ، ص ۲۱۷.

۲- (۲) قریه بلد، امروزه در استان صلاح الدین واقع شده است. فاصله این قریه تا بغداد هشتاد کیلومتر است.

۳- (۳) دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۹۸.

حاجت می طلبند. اعراب آن منطقه، از آن بزرگوار حساب می برند و کرامات بسیاری از او نقل می کنند و نسبت به وی عقیده خاصی دارند؛ به همین سبب مردم آن سامان دعوای خود را با قسم خوردن به آن بزرگوار حل و فصل می کنند.

### ۵. ابوهاشم جعفری

داوود بن قاسم، فرزند اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابیطالب، معروف به ابوهاشم، از نواده های جعفر طیار است. نسب این بزرگوار از طرف مادر به محمد بن ابی بکر می رسد. او از اصحاب امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام شمرده شده است. قبر ابوهاشم نیز در داخل ضریح آستان عسکرین قرار دارد. (۱)

### ۶. ابراهیم فرزند مالک اشتر

ابو نعمان ابراهیم، فرزند شجاع و دلاور مالک اشتر و انتقام گیرنده خون شهیدان کربلا، در جنوب شهر دُجیل، در هشت فرسخی سامراء و در نزدیکی جاده قدیم بغداد - سامراء به خاک سپرده شده است.

ابراهیم فرمانده کل سپاه مختار بود که در زمان عبدالملک مروان بر خلیفه وقت قیام کرد و بصره، کوفه و سایر شهرهای عراق را به تصرف درآورد. ابراهیم در جنگ با سپاه خلیفه به فرماندهی عبیدالله بن زیاد و عامل اصلی فاجعه کربلا، موفق شد سپاهیان خلیفه را درهم کوبد و هریک از فرماندهان آن سپاه را که در حادثه کربلا نقش مؤثری داشتند، به هلاکت برساند. او عبید الله

ص: ۱۷۳

بن زیاد، شمر بن ذی الجوشن، حرمه، خولی و سایر جنایت کاران کربلا را به بدترین وجهی به قتل رساند و با گرفتن انتقام خون شهیدان کربلا نام خود را در تاریخ ماندگار و جاویدان ساخت. متأسفانه ابراهیم پس از آن به خدمت مصعب بن زبیر در آمد و به عنوان فرمانده سپاه او، در ۸۳ ق، با سپاهیان عبدالملک درگیر شد و در منطقه دیر جاثلیق نزدیک دجیل به قتل رسید. (۱)

### سرداب مقدس

در عراق ساخت سرداب برای خانه‌ها به جهت محفوظ ماندن از گرما متداول بوده است. دهخدا در تعریف «سرداب» آورده است: «خانه‌ای که در زیرزمین سازند و حوض آب سرد در آن باشد و در گرمی تابستان آنجا خواب و استراحت کنند».

خانه امام هادی علیه السلام در سامرا و سرداب واقع در آن، به جهت اینکه مسکن سه تن از امامان معصوم شیعه بوده و آن معصومان سال‌ها در آن زندگی کرده و به عبادت و راز و نیاز با خدای خویش پرداخته‌اند، نزد شیعیان جایگاه والایی دارد. (۲)

سرداب این خانه، اکنون در طرف غربی صحن عسکرین علیه السلام از جهت شمالی قرار گرفته و در طول این مدت، اصلاحاتی و تغییراتی در آن صورت گرفته است.

ص: ۱۷۴

---

۱- (۱) صحتی سردرودی، سیمای سامراء، ص ۱۳۳؛ مهدوی، تاریخچه شهر سامراء، ص ۷۰. لذا در اخبار معصومین علیهم السلام مدحی برای ابراهیم نیامده است.

۲- (۲) شیخ ذبیح الله محلاتی، مآثر الکبرای فی تاریخ السامراء، ج ۱، ص ۲۸۸.

تقدّس این مکان شریف، فقط به جهت حضور ستارگان آسمان امامت و ولایت در آنجاست؛ اما هیچ یک از علمای شیعه، سرداب را محل «غیبت» حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی دانند.

بعدها مردم عوام و بسیاری از جاهلان، پیرامون این واقعه داستان‌ها ساختند و چنین گفتند که حضرت مهدی (عج) پس از ورود به چاه داخل سرداب، ناپدید شده است. براساس این اعتقاد، زائران شیعه در داخل سرداب، از حوضی که محل وضوی امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بوده، به عنوان تبرک، خاک برمی داشتند تا اینکه کم کم این مکان به بئر غیبت یا چاه غیبت معروف شد.<sup>(۱)</sup> در اینجا ضروری است اشاره شود که در هیچ یک از متن‌های معتبر شیعی به این مکان با عنوان «چاه غیبت» یا «محل غیبت حضرت مهدی» اشاره نشده است.

مسئله «سرداب غیبت» ساخته و پرداخته افرادی است که دیدی مغرضانه نسبت به تشیع دارند. در برخی از منابع اهل سنت، تهمت‌های ناروایی در این زمینه به تشیع نسبت داده اند. غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در سرداب از عقاید شیعه پنداشته اند. یاقوت حموی، از تاریخ نویسان اهل سنت، در بیان سامراء گوید:

«وبها السرداب المعروف فی جامعها الذی زعم الشیعه ان مهدیهم یخرج منه...»<sup>(۲)</sup> در سامراء سرداب معروفی در مسجد آن شهر وجود دارد که شیعه می پندارند مهدی آنان از این سرداب ظهور خواهد کرد».

ص: ۱۷۵

---

۱- (۱) جلالی الحسینی، مزارات اهل البیت و تاریخها، صص ۱۴۱-۱۴۳.

۲- (۲) معجم البلدان، ج ۳، صص ۱۷۴-۱۷۵.

اما همه ما می دانیم که منابع شیعی محل ظهور حضرت مهدی (عج) را مکه ذکر کرده اند. (۱)

### زیارت حضرت حجت علیه السلام

سلیمان بن عیسی از پدرش نقل می کند خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: وقتی که توان آمدن نزد شما را نداشته باشم، چگونه شما را زیارت کنم؟ امام فرمود:

ای عیسی! اگر توان آمدن نزد ما را نداری، روز جمعه غسل کن یا وضو بگیر و زیر آسمان قرار بگیر و دو رکعت نماز بخوان و به سوی من توجه کن؛ پس هر کس در زمان حیاتم مرا زیارت کند، گویا در زمان مماتم مرا زیارت کرده و هر کس در زمان مماتم مرا زیارت کند، گویا در زمان حیات مرا زیارت کرده است! (۲)

از این روایت به دست می آید که زیارت امام حی که در این زمان حضرت مهدی علیه السلام می باشد، در هر مکانی ممکن است. چنانکه از همین روایت استفاده می شود که روز جمعه، در میان سایر ایام و زمان ها، ویژگی خاصی دارد. پس بر عاشقان و شیعیان آن حضرت است که اگر ممکن شد هر صبح، یادی از آن حضرت کنند و با زیارت ها و دعاها، زمزمه و نجوایی با آن بزرگوار داشته باشند و برای سلامتی و ظهور حضرتش دعا کنند و اگر هر روز ممکن نشد لاقلاً هفته ای یک بار در روز جمعه، آن حضرت را در مکان مناسبی زیارت کنند. البته بهتر است آن حضرت را با زیارت «آل یس» زیارت کنند، چرا که درین

ص: ۱۷۶

---

۱- (۱) اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۵۴۰.

۲- (۲) کامل الزیارات، باب ۹۶، ج ۱، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۶۶، باب ۳۲.

زیارتنامه های حضرت حجّت از لحاظ سند و متن بهترین زیارتنامه هاست، زیرا از ناحیه مقدّسه وارد شده؛ بدین ترتیب که به محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری فرموده اند:

«اگر بخواهید به واسطه ما به خدا تقرب جوئید یا به ما نزدیک شوید پس بگوئید آنچه خداوند فرموده:

سلام علی آل یس...»(۱).

ص: ۱۷۷

---

۱- (۱) طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۵۹۱؛ مفاتیح الجنان، باب سوم زیارات.









می توان اطلاعات کلی درباره وجود مبارک امام المتقین را به شرح ذیل بیان کرد:

نام: علی علیه السلام

کنیه: ابوالحسن، ابوتراب.

لقب: امیرالمؤمنین علیه السلام، مرتضی.

پدر: ابوطالب، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، شخصی با ایمان و درست کردار و مدافع پیامبر صلی الله علیه و آله بود. ایشان هیچ گاه بتی را نپرستید، بلکه ایمان خود را پنهان می داشت و تقیه می کرد. (۱)

مادر: فاطمه بنت اسد از طایفه قریش و دودمان بنی هاشم و دومین زن مسلمان بود و پیامبر صلی الله علیه و آله در مراسم تشییع و کفن و دفن او حضور یافت، و دستور داد با پیراهن مبارکش وی را کفن کنند. (۲)

ص: ۱۸۱

---

۱- (۱) محمد بن علی الصدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۷۰؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴.

زمان ولادت: روز جمعه، ۱۳ رجب سال ۳۰ عام الفیل، (ده سال قبل از بعثت).

مکان ولادت: شهر مکه، درون کعبه (۱).

نقش انگشتر: الملك لله الواحد القهار.

اولاد امام علی علیه السلام: ۲۸ فرزند؛ پنج فرزند از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، و محمد حنفیه از خوله، و ابوالفضل العباس علیه السلام و برادرانش از امّ البنین و بقیه فرزندان از زنان دیگر (۲).

دوران خلافت: سال ۳۶ تا ۴۰ هـ - ق (حدود ۴ سال و ۹ ماه).

آغاز امامت: ۲۸ صفر المظفر سال دهم هجرت.

مدت امامت: ۳۰ سال.

زمان شهادت: شب ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری.

مکان شهادت: مسجد کوفه.

سبب شهادت: ضربت ابن ملجم مرادی (علیه العنه).

عمر شریف: ۶۳ سال.

مرقد شریف: نجف اشرف.

دوران ملازمت با پیامبر صلی الله علیه و آله از زمان بعثت حدود ۲۳ سال.

دوران کناره گیری از دستگاه خلافت، حدود ۲۵ سال.

ص: ۱۸۲

---

۱- (۱) علامه امینی، الغدیر، ج ۶، ص ۲۲.

۲- (۲) شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۳۵.

(۱)

هر انسان منصفی با نگاهی هرچند گذرا به شخصیت حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام زندگانی ایشان را سراسرتلاش و کوشش در راه خدا و خدمت به بندگان خدا می بیند. لذا با قاطعیت می توان گفت سیره آن حضرت نه تنها برای شیعیان و مسلمانان جهان، بلکه برای همه انسان ها در خور تأمل و شایان الهام گیری است؛ چرا که ابعاد وجودی آن بزرگوار، همه بشر، اعم از دوست و دشمن را شیفته و مجذوب خود کرده است. ما در این نوشتار مختصر نمی توانیم به همه این ابعاد پردازیم، بلکه فقط می توانیم گوشه ای از فضائل و مناقب آن حضرت را به طور فهرست وار ذکر کنیم. گرچه به وقایعی از تاریخ اسلام که امام علی علیه السلام در آن ها نقش داشته اشاره می کنیم.

### برخی از فضائل امام علی علیه السلام

#### اشاره

۱ - تولّد و نام گذاری: تولّد امام علی علیه السلام در کعبه انجام پذیرفت و انتخاب نام «علی» برای آن حضرت، به طور مستقیم از جانب خداوند انجام پذیرفت. (۲)

۲ - تربیت و تعلیم: شخصیت امیرمؤمنان علیه السلام از کودکی تحت تربیت و تعلیم مستقیم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شکل گرفت؛ به طوری که خود آن حضرت در خطبه ای می فرماید:

«... وَصَعْنِي فِي حَجْرِهِ وَ أَنَا وَلَدٌ يَضُمُّنِي إِلَى صَدْرِهِ...» (۳)

ص: ۱۸۳

---

۱- (۱) بر گرفته از کتاب دورالامام علی فی تاریخ الإسلام، اثر ایوب حائری (مولف).

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۱۸.

۳- (۳) شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۱۹۷؛ بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۳۲۰، باب ۶۷.

۳ - تقدّم در اسلام: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که دست بر شانه علی علیه السلام زد، فرمود:

«أَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوَّلُ النَّاسِ إِسْلَامًا وَ أَوَّلُ النَّاسِ إِيمَانًا وَ أَنْتَ مِنْنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» (۱). انس بن مالک می گوید:

«بُعِثَ النَّبِيُّ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ أَسْلَمَ عَلِيٌّ يَوْمَ الْثَلَاثَاءِ» (۲).

بعضی از معاندان خواسته اند، تقدّم اسلام علی علیه السلام را مخدوش نمایند، به این بهانه که حضرتش در آن زمان ده سال بیشتر نداشته؛ در حالی که قرآن در مورد حضرت یحیی علیه السلام می گوید:

وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ۳

(ما حکم نبوت را در کودکی به او دادیم).

هم چنین از عیسی علیه السلام نقل می کند که هنوز در گهواره بود و فرمود:

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا ۴.

و علماء نیز در این مورد می گویند: «صغر سن منافاتی با کمال عقل ندارد و بلوغ، در احکام شرعی معتبر است، نه احکام عقلی» (۳).

۴ - در بستر پیامبر: پس از سیزده سال اقامت پر رنج رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه، مشرکان در شبی خوفناک تصمیم به ترور آن حضرت گرفتند. همان شب، پیامبر اکرم به فرمان خداوند از شهر مکه خارج و در «غار ثور» پنهان شد و

ص: ۱۸۴

۱- (۱) متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۲۴.

۲- (۲) الغدير، ج ۳، ص ۲۲۴.

۳- (۵) شیخ مفید، الفصول المختاره، ص ۲۷۵.

سپس عازم یثرب گردید، و به علی علیه السلام دستور داد تا در بستر آن حضرت بخوابد. از این رو، این شب به «لیله المیت» شهرت یافت و پیامبر خدا نجات یافت (۱).

۵ - هجرت به یثرب: پس از هجرت پیامبر به مدینه و طبق دستور آن حضرت، امام علی علیه السلام چند روز در مکه ماند تا بدهی های رسول خدا صلی الله علیه و آله را پرداخت کند و امانت هایی را که نزد ایشان بود به صاحبانش برگرداند. سپس در نیمه شب، فواطم؛ یعنی فاطمه زهرا علیها السلام، فاطمه بنت اسد و فاطمه دختر زبیر بن عوام را با خود برداشت و به سمت مدینه حرکت کرد.

پیامبر روز اول ماه ربیع الاول، از غار ثور به سوی مدینه حرکت کردند و دوازدهم همان ماه به نخستین محله مدینه، یعنی قُبا رسیدند، ولی به احترام امیرالمؤمنین علیه السلام وارد مدینه نشدند، بلکه صبر کردند تا آن حضرت به آنجا برسد و به آنان ملحق شود. بدین سبب تا روز پانزدهم ربیع (سه روز) صبر کردند و پس از ورود علی علیه السلام با همراهی ایشان، وارد مدینه شدند. (۲)

۶ - امام علی علیه السلام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله: نخستین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ورود به یثرب (مدینه)، بنای مسجد بود. علی علیه السلام نیز در ساخت مسجد، فعالیت زیادی کرد. (۳) پس از اتمام کار مسجد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و جمعی از مهاجرین، برای خود اتاق هایی در اطراف مسجد و چسبیده به آن ساختند و هر کدام دری از اتاق خود به مسجد گشودند تا هنگام نماز و اوقات دیگر، از همان درها رفت و آمد

ص: ۱۸۵

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۶۰؛ ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۳، ص ۲۸۵.

۲- (۲) اسدالغابه، ج ۳، ص ۲۸۴.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۲۴۳.

می کنند. پس از چندی که از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین دستور آمد:

«سُدُّوا الْأَبْوَابَ كُلَّهَا إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ»؛ «درها را ببندید مگر در خانه علی علیه السلام را».

چون صحابه زبان به اعتراض گشودند، پیامبر اکرم فرمود:

«مَا أَنَا سَدَدْتُ أَبْوَابَكُمْ وَفَتَحْتُ بَابَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ فَتَحَ بَابَ عَلِيٍّ وَ سَدَّ أَبْوَابَكُمْ» (۱)

۷- پیمان برادری: چند ماه از ورود پیامبر اکرم به مدینه نگذشته بود که آن حضرت، طی مراسمی میان اصحاب خود از مهاجرین و انصار پیمان برادری برقرار کرد و خود آن حضرت نیز با علی بن ابی طالب علیه السلام پیمان اخوت بست و به ایشان فرمود

: «أَنْتَ أَخِي وَ أَنَا أَخُوكَ». در احادیث بسیاری که اهل سنت نیز نقل کرده اند آمده است که پیامبر فرمودند: «من و علی از یک نور یا یک شجره ایم» (۲).

۸- ازدواج با دختر پیامبر: در اول ماه ذی الحجه سال دوم هجری امام علی علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ازدواج نمود (۳). امام صادق علیه السلام در این زمینه فرمودند:

«لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِفَاطِمَةَ مَا كَانَ لَهَا كَفُوٌّ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ» (۴). چنانچه خداوند علی علیه السلام را نمی آفرید، هم شانی برای فاطمه (علیها السلام) در روی زمین یافت نمی شد».

ص: ۱۸۶

---

۱- (۱) شهید قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۵، صص ۵۴۰-۵۸۴

۲- (۲) شهید قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۵، ص ۲۴۲.

۳- (۳) احقاق الحق، ج ۶، ص ۵۹۲.

۴- (۴) الکافی، ج ۱، ص ۴۶۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۷۵.



۹- رُدُّ الشَّمْسِ: در سال هفتم هجرت، هنگام عصر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را در پی مأموریتی فرستاد و به دنبال آن، نماز عصر حضرت قضا شد. در اینجا بود که پیامبر خدا دست به دعا برداشت و فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنَّ عَلِيًّا كَانَ فِي طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ فَارْزُدْ عَلَيْهِ الشَّمْسَ؛ (۱) خدایا! او در راه طاعت تو و فرمانبرداری پیغمبرت بوده است. پس خورشید را برای او باز گردان.»

اسماء می گوید: خورشید را دیدم که غروب کرد، ولی دیدم که بار دیگر طلوع نمود. (۲)

۱۰- روز غدیر خم: سال دهم هجرت پیامبر خدا عازم حج شدند. در این سفر که همه زنان آن حضرت و جمع زیادی از مهاجران و انصار، همراه ایشان بودند، هنگام بازگشت و در روز جمعه هجدهم ذی الحجه، جبرئیل این آیه را نازل کرد: یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۚ. آنگاه پیامبر اکرم بعد از نماز ظهر، ضمن خطبه ای، موضوع جانشینی علی علیه السلام را مطرح کرد و سه مرتبه فرمود:

«فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ». سپس افزود:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ أَحِبَّ مَنْ أَحَبَّهُ وَ أَبْغَضْ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ أَنْصِرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَ أَدْرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ...» بعد هم فرمودند: شاهدان به غایبان برسانند. آنگاه اصحاب، نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده، این مقام را به حضرتش تهنیت گفتند. (۳)

ص: ۱۸۷

۱- (۱) من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲- (۲) قطب الدین راوندی، الخرایج و الجرائح، ج ۱، ص ۵۲

۳- (۴) یوسف بن عبدالله القرطبی، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۳، ص ۲۰۳.

۱۱ - غسل دادن پیامبر: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد خاندان خویش چنین وصیت فرمود:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي». آنگاه خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«لَا يُعَسِّلُنِي أَحَدٌ غَيْرَكَ».

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

وَلَقَدْ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِنَّ رَأْسِي لَعَلَى صِدْرِي... وَ لَقَدْ وُلِّيتُ غُشِيَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْمَلَائِكَةُ أَعْوَانِي (۱)؛ به درستی که رسول خدا از دنیا رحلت فرمود، در حالی که سر مبارکش بر روی سینه من بود... و من متولی غسل آن حضرت بودم و ملائکه نیز مرا یاری می کردند.

۱۲ - زهد و عبادت علی علیه السلام: امیرمؤمنان علیه السلام با تشریح ماهیت فریای دنیا، خطاب به آن می فرماید

«غُرِّي غَيْرِي؛ (۲) غیر از من را فریفته کن» آن حضرت، در حالی که می توانست بهترین بهره ها را از دنیا بگیرد، اما در حد پایین ترین افراد، زندگی می گذراند؛ با اینکه باغ ها، قنوات و چاه های بسیاری احداث و سپس همه را در راه خدا وقف کرد. خود آن حضرت می فرماید:

«به خدا سوگند آن قدر جبه خود را پینه زدم تا آنکه از پینه زننده خجالت کشیدم و کسی به من گفت: آیا بعد از این همه، آن را از خود دور نمی کنی؟» (۳)

هنگام نماز، رنگ از رخسار مبارکش می پرید و بدنش می لرزید. به حضرتش عرض می شد: شما را چه می شود؟ می فرمود: «وقت ادای امانتی رسیده که خداوند آن را به آسمان و زمین و کوه ها عرضه داشت و آنها از حملش امتناع ورزیدند.» (۴)

ص: ۱۸۸

۱- (۱) احقاق الحق، ج ۷، ص ۲۹.

۲- (۲) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قصارالحکم، حکمت ۷۷، ص ۶۳۸.

۳- (۳) محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۷۲.

۴- (۴) بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۷.

ابن عباس می گوید: «در جنگ صفین دیدم امام در حالی که شمشیر می زند، مراقب خورشید است. وقتی از سبب این امر پرسیدم، فرمود: مراقب زوال هستم، گفتم: در این گیرودار جنگ، وقت نماز است؟ فرمود:

«إِنَّمَا نُقَاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ». همچنین ابن عباس در جای دیگری می گوید: «هیچ گاه نماز شب آن حضرت ترک نشد، حتی در شب جنگ».(۱)

۱۳ - عدلت علی علیه السلام: یکی از صفات برجسته علی علیه السلام عدل آن حضرت است تا جایی که همین امر نیز سبب شهادتش گردید. آن حضرت چنانچه می شنید فرماندارش به کسی ستم روا داشته، به عزل یا تفحص از حال او مبادرت می کرد و به احدی از نزدیکان خویش اجازه بهره برداری خصوصی از بیت المال نمی داد(۲).

۱۴ - علم علی علیه السلام: در کثرت علم امام علی علیه السلام همین بس که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام رحلت به رازگویی با آن بزرگوار پرداخت. وقتی از علی علیه السلام سؤال شد آن راز چه بود، فرمود:

«عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَنْفَتِحُ لِي مِنْ كُلِّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ»(۳)، همچنین آن حضرت بارها فرمودند:

«سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي»(۴) از هر چه می خواهید از من پرسید قبل از آنکه مرا از دست بدهید». تاریخ نگاران آورده اند که غیر از آن امام همام، هر کس چنین ادعایی نمود، رسوا شد.

ص: ۱۸۹

۱- (۱) شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ماده «صلاه».

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۳۷.

۳- (۳) عوالی اللالی، ج ۴، ص ۱۲۳، بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۴۳۲، باب ۲۷.

۴- (۴) وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۸.

مراجعات دور و نزدیک به امام علی علیه السلام در سخت ترین مسائل، به ویژه در مورد قضاوت، وسخنان گهربار و بی مانند امیرالمؤمنین علیه السلام چه در اخبار از آیندگان و چه در کلمات عمیق ایشان در نهج البلاغه و سایر گفتارها، گویای قطره ای از دریای دانش آن حضرت است. (۱)

### نهج البلاغه قطره ای از علم امام علی علیه السلام

نهج البلاغه، قطره ای از دریای بی کران و پرگوهری است که ساحلی برای آن شناخته نشده و نهایت آن برای احدی درک نگردیده است و هر یک از محققان و عالمان، تنها به قدر ظرفیت خویش توانسته اند از آن بهره گیرند.

سید رضی (۳۵۹-۴۰۶) این مجموعه را از کتب معتبر و مختلفی که نزد وی بوده جمع آوری نموده است که مشتمل بر ۲۴۱ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۰ سخن کوتاه و حکمت آمیز است.

به مصداق «کلام الامیر امیرالکلام» می توان اذعان نمود که نهج البلاغه معجزه ای است که ویژگی هایی را همچون قرآن در خود جمع کرده؛ از جمله فصاحت و بلاغت، چند بُعدی بودن و قابلیت تفسیرهای گوناگون داشتن، عدم تأثیر مرور زمان بر آن، خضوع همه ادبا در برابر نهج البلاغه و نفوذ در ابعاد روح و روان بشر.

ابن ابی الحدید شارح نهج البلاغه می گوید:

به حق، سخن علی علیه السلام را از سخن خالق فروتر و از سخن مخلوق فراتر خوانده اند. همه مردم، فن خطابه و نویسندگی را از او گرفته اند.

ص: ۱۹۰

همین کافی است که مردی مانند «جاحظ» در «البیان و التیین» و سایر کتب خویش ستایشگر اوست. (۱)

## نقش امام علی علیه السلام در تاریخ اسلام

### ۱. امام علی علیه السلام در جنگ بدر

در سال دوم هجرت، جنگ بدر به وقوع پیوست که با پیروزی مسلمین به پایان رسید. امیرالمؤمنین علیه السلام در این پیروزی، سهم بزرگی داشت، چرا که دلاوران و شجاعانی از مشرکین همچون ولید بن عتبه، عاص بن سعید، طعیمه بن عدی، نوفل بن خویلد، به دست آن حضرت به هلاکت رسیدند. اینان کسانی بودند که هر یک به تنهایی در برابر انبوهی از دشمن مقاومت می کردند. (۲)

### ۲. امام علی علیه السلام در جنگ اُحد

سال سوم هجرت، جنگ اُحد به وقوع پیوست که در ابتدا با پیروزی مسلمین همراه بود، ولی بر اثر نافرمانی جمعی از مسلمانان، مصیبت های سختی بر لشکر اسلام وارد شد و آنان را مجبور به شکست کرد. دشمن به قصد جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که افرادی، از جمله علی علیه السلام گرد ایشان بودند، جلو آمد و عده زیادی از مسلمین را به شهادت رساند. اگر دفاع امیرالمؤمنین علیه السلام و رشادت های آن بزرگوار نبود، به یقین جان پیامبر گرامی اسلام در خطر بود و

ص: ۱۹۱

---

۱- (۱) شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴.

۲- (۲) شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۶۰.

چه بسا نشانی از اسلام باقی نمی ماند. بدین سبب بود که همه اصحاب در پایان این جنگ شنیدند که جبرئیل فریاد برآورد:

«لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ» (۱).

### ۳. امام علی علیه السلام در غزوه خندق

در ماه شوال سال پنجم هجرت، مشرکین مکه با همدستی یهودیان مدینه با مردان جنگی و ساز و برگ کامل به سمت این شهر حرکت کردند. این خطر بزرگ که با توطئه منافقین داخل مدینه و گرسنگی و ترس شدید مسلمین قرین شد، سبب تزلزل بسیاری از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله گردید.

در این لشکرکشی بزرگ که حضور «عمرو بن عبد وُد»؛ یعنی شجاع ترین عرب که به تنهایی با هزار مرد جنگی مقابله می کرد، جوّ رعب و وحشت را بر مسلمین حاکم کرده بود. در این بین، تنها و تنها شجاعت علی علیه السلام به مسلمین روحیه بخشید و دل رسول الله صلی الله علیه و آله را شادمان کرد و آن، چیزی جز مقاتله با عمرو نبود. در این هنگام نبی گرامی فرمود:

«بَرَزَ الْإِيمَانُ كُلَّهُ إِلَى الشُّرْكِ كُلِّهِ؛ همه ایمان با همه شرک روبه رو گردید».

پس از کشته شدن عمرو بن عبد وُد به دست امیرالمؤمنین علیه السلام بنا بر نقل متواتر شیعه و سنی، پیامبر فرمود:

«لَضَرَبُهُ عَلَيَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ»؛ (۲) همانا ضربت علی علیه السلام در روز خندق، از عبادت جن و انس برتر بود».

ص: ۱۹۲

۱- (۱) الکافی، ج ۸، ص ۱۱۰.

۲- (۲) إقبال الأعمال، ص ۴۶۷.

#### ۴. امام علی علیه السلام در جنگ خیبر

قلعه خیبر مرکز بسیاری از توطئه های یهودیان بر ضد مسلمانان بود<sup>۱</sup>. بدین سبب در سال هفتم هجرت، رسول خدا صلی الله علیه و آله در اندیشه فتح «خیبر» بودند. این قلعه در دویست کیلومتری مدینه و در شمال غرب این شهر قرار داشت. این قلعه پایگاه محکم آنان و متشکل از هفت قلعه تو در تو بود. پیامبر به همراهی ۱۶۰۰ تن از یارانش این منطقه را محاصره کردند و طولی نکشید که لشکری را به فرماندهی ابوبکر برای فتح خیبر فرستاد، اما او بدون هیچ گونه پیروزی و دستاوردی بازگشت. دفعه دوم، لشکر را به عمر سپردند، اما او نیز کاری از پیش نبرد. در این حال بود که پیامبر خدا فرمودند:

لَا عَظِيمَ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا يَحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ كَرَارًا غَيْرَ فَرَّارٍ...<sup>(۱)</sup>؛ فردا پرچم را به مردی می سپارم که خدا و رسول را دوست دارد و آنها نیز او را دوست می دارند. حمله کننده ای است که فرار نکند.

آنگاه فرمود: علی کجاست؟ گفتند دچار درد چشم است. پیامبر در حق ایشان دعا کردند و علی علیه السلام را به میدان نبرد فرستادند.<sup>(۲)</sup>

در این جنگ «مرحوب خیبری» قهرمان بزرگ یهود به هلاکت رسید و در قلعه به دست آن حضرت از جا کنده شد و قلعه ها یکی پس از دیگری فتح گردید. خود امیرالمؤمنین علیه السلام در این مورد فرمود:

«وَاللَّهُ مَا قَلَعَتْ بَابَ خَيْبَرَ بِقُوَّةِ جِسْمَانِيَةٍ وَ لَكِنْ بِقُوَّةِ رَبَّانِيَةٍ».<sup>(۳)</sup>

ص: ۱۹۳

۱- (۱) الکافی، ج ۸، ص ۳۴۹.

۲- (۲) الارشاد، ج ۱، ص ۱۱۰.

۳- (۳) ارشادالقلوب، ج ۲، ص ۲۴۶.

## ۵. فتح مکه و شکستن بت های کعبه

شکستن بت های کعبه در دو نوبت به دست علی علیه السلام انجام گرفت؛ یک مرتبه قبل از هجرت و مرتبه بعد در فتح مکه و پس از هجرت. در این میان علی علیه السلام بر دوش رسول خدا صلی الله علیه و آله بالا رفت و کعبه، این یادگار ابراهیم علیه السلام به دست آن حضرت از لوٹ بت ها پاک گردید. (۱)

## ۶. امام علی علیه السلام در جنگ حنین

پس از فتح مکه، توطئه ای دیگر برضد مسلمانان از جانب مشرکان طرح ریزی شد و جنگ «حنین» به وجود آمد. در این نبرد، مسلمانان به علت کثرت جمعیت دچار غرور شدند و همین امر سبب شکست آنان گردید و همگی گریختند؛ به جز ده نفر که یکی از آنان امیرالمؤمنین علیه السلام بود. (۲)

## ۷. امام علی علیه السلام و غزوه تبوک

سال نهم هجرت به پیامبر اکرم خبر رسید رومیان در صدد حمله به شمال غرب حجازند. رسول خدا صلی الله علیه و آله با اعلام بسیج عمومی به همراه سی هزار نفر به سوی «تبوک» حرکت کردند، ولی از آنجا که این سفر در اواخر تابستان و زمان برداشت خرما و خشکسالی و همراه با فاصله زیاد بود، جمعی از منافقان از این حرکت سر باز زده، تصمیم گرفتند در مدینه بمانند تا با تبلیغات سوء و جلسات مخفی، مرکز حکومت اسلام را متزلزل سازند. بدین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام

ص: ۱۹۴

---

۱- (۱) ارشاد، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲- (۲) همان.



را در مدینه باقی گذاشت. امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله به حضرت عرض کرد:

«تَخْلِفْنِي مَعَ الْخَوَالِفِ؟» آیا مرا با متخلفان به جای نهادی؟

پیامبر خدا پاسخ دادند:

«إِنَّ الْمَدِينَةَ لَا تَصْلَحُ إِلَّا بِبِكِّكَ» مدینه جز با حضور من یا تو اصلاح نخواهد شد.، آنگاه فرمودند:

«أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؟» (۱)

## ۸. امام علی علیه السلام در روز مباحله

جمعی از بزرگان نصارای نجران وارد مدینه شدند و پس از گفت و گوی طولانی با پیامبر خدا، حاضر به تسلیم در برابر حقیقت نگشتند. از این جهت، حضرتش به آنها پیشنهاد مباحله (نفرین طرفینی) داد و آنان نیز پذیرفتند. همه مورخان نوشته اند در روز موعود، پیامبر اکرم همراه امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام از منزل خارج شدند و در جایگاه خود قرار گرفتند. بزرگ مسیحیان که این منظره را دید، رو به یاران خود کرده، گفت: من چهره هایی می بینم که چنانچه دست به دعا بردارند، کوه ها از جای خود کنده می شوند. اگر مایل هستید ناقوس کلیساها به صدا درآید و مسیحیتی در روی زمین باقی بماند، از این مباحله خودداری کنید. قرآن نیز در سوره آل عمران، به این ماجرا اشاره نموده و از علی علیه السلام به «نفس» و جان پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیر کرده است:

فَمَنْ حَيَّجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ۲.

ص: ۱۹۵

## اشاره

بعد از بیست و پنج سال روی گردانی از علی علیه السلام و کنار گذاشتن حدیث غدیر و پس از آنکه جامعه حجاز و عراق به علت بی لیاقتی حاکمان، دچار تحیر شدند، مردم به امیرالمؤمنین علیه السلام روی آوردند. آن حضرت ضمن سخنرانی در جمع کثیری از مردم، فرمود:

«اگر نبود حضور حاضران و اتمام حجت به وسیله آنان، ریسمان شتر خلافت را به گردنش می انداختم تا هر جا که خواهد برود».<sup>(۱)</sup>

آغاز حکومت آن حضرت، سال ۳۵ هجری و انتهای آن، سال ۴۰ هجری بود. در مدت محدود حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام سه جنگ بزرگ بر آن حضرت تحمیل گردید:

### الف) جنگ جمل (ناکین)

بنیان گذار این جنگ، عایشه و یاران او، طلحه و زبیر بودند که جزو نخستین بیعت کنندگان با امیرالمؤمنین علیه السلام به شمار می رفتند. این نبرد، در سال ۳۶ هجری در بصره به وقوع پیوست و یک روز بیشتر طول نکشید و علی علیه السلام بعد از نصایح بسیار و اتمام حجت و شروع جنگ توسط دشمن به دفاع پرداخت و این فتنه را ریشه کن ساخت.

### ب) جنگ صفین (قاسطین)

شام یکی از استان های تحت حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام بود که معاویه اعلام خودمختاری کرد و قصد تجزیه مملکت اسلامی را در سر می پروراند. این

ص: ۱۹۶

نبرد در بیست و دوم محرم سال ۳۷ هجری در منطقه صفین به وقوع پیوست و با رشادت های مجاهدینی همچون مالک اشتر، می رفت که این غائله نیز ریشه کن گردد، ولی تزویر دشمن از یکسو و نابخردی بعضی از یاران از سوی دیگر، این جنگ را متوقف کرد. معاویه با راهنمایی عمرو بن عاص، قرآن ها را بر سر نیزه ها بلند کرده، کوته بینان را به تردید انداخت و صلح را بر حضرتش تحمیل کردند و همان ساده اندیشان، شخصی همچون ابوموسی اشعری را به داوری برگزیدند، با اینکه هیچ یک از این امور، مورد رضایت حضرت علی علیه السلام نبود.

### **(ج) جنگ نهروان (مارقین)**

مارقین همان متعصبان بی رحم و کوردلی بودند که از کثرت عبادت، پیشانی آنها پینه بسته بود، ولی از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بهره ای نداشتند. آنها می گفتند ما با پذیرفتن حکمیت در جنگ با معاویه گناه کردیم و کافر شدیم و همگی باید توبه کنیم و رفته رفته هر حاکمیتی را مورد انکار قرار دادند.

علی علیه السلام بعد از نصایح بسیار، بعضی از آنان را هدایت کرد، ولی بقیه بر عناد خود اصرار ورزیدند. در این جنگ چهار هزار نفر از آنان به دست لشکر علی علیه السلام به هلاکت رسیدند و تنها ده نفر از آنان موفق به فرار شدند.

گفتنی است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ماجرای خروج آنان بر حاکمیت و دین را سال ها قبل، به علی علیه السلام خبر داده بودند. (۱) بعد از اتمام این نبرد، امیرالمؤمنین علیه السلام

ص: ۱۹۷

ضمن سخنرانی فرمود: «من چشم فتنه را در آوردم و کسی دیگر جز من بر چنین امری جرأت نداشت».<sup>(۱)</sup>

#### ۱۰. امام علی علیه السلام در محراب شهادت

مدتی پس از ماجرای نهروان، جمعی از خوارج در مکه گرد آمدند و به این نتیجه رسیدند که امت اصلاح نخواهد شد، مگر با از میان برداشتن علی علیه السلام، معاویه و عمرو بن عاص. عبدالرحمان بن ملجم گفت: من خاطر شما را از علی آسوده می‌سازم. برك بن عبدالله قتل معاویه را برعهده گرفت و عمرو بن بكر نیز عهده دار کشتن عمرو عاص شد. تصمیم آنان بر این شد که در شب ۱۹ رمضان به این امر اقدام کنند. از این رو، برك، عازم شام گردید، اما فقط توانست معاویه را مجروح سازد. عمرو بن بكر نیز راهی مصر شد، ولی در آن شب، شخصی دیگر به جای عمرو بن عاص به مسجد آمد و او کشته شد.

اما ابن ملجم وارد کوفه شد و با زنی به نام «قطام» آشنا گردید و از وی خواستگاری نمود. قطام بخشی از مهر خود را کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام قرار داد.

ابن ملجم در شب ۱۹ رمضان سال چهل هجری وارد مسجد کوفه گردید و با شمشیری که آن را به زهر آلوده نموده بود، بر فرق مبارک حضرت زد. در این هنگام دو سخن شنیده شد؛ یکی از علی علیه السلام که فرمود:

«فُزْتُ وَ رَبُّ الْكُعْبَةِ» و دیگری از جبرئیل هنگامی که درهای مسجد به هم خورد و لرزه ای زمین را فراگرفت که فریاد برآورد:

«تَهَدَّمَتْ وَ اللَّهُ أَرْكَانَ الْهُدَى... قُتِلَ عَلِيُّ الْمُرْتَضَى قَتَلَهُ أَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ».<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۹۸

۱- (۱) نهج البلاغه، خطبه ۹۳، ص ۱۷۲.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۸۲.

شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح الجنان، زیارات مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام را ذکر کرده که در همه اوقات می شود با این زیارات، حضرت را زیارت نمود و مطلق است و به روز و شب خاصی اختصاص ندارد. از جمله این زیارت امین الله است. البته ایشان زیارات مخصوص دیگری را نیز ذکر نموده است:

۱. زیارت هیجدهم ذی الحجّه، روز عید غدیر خم.

۲. زیارت هفدهم ربیع الاول، روز ولادت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله.

۳. زیارت بیست و هفتم رجب، مبعث پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله. (۱)

### عنایت امیرالمؤمنین علیه السلام به شعر شهریار

آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام می فرمودند: شبی توسل پیدا کردم تا یکی از اولیای خدا را در خواب ببینم. آن شب در عالم خواب، دیدم که در زاویه مسجد کوفه نشسته ام و وجود مبارک مولا امیرالمؤمنین علیه السلام با جمعی حضور دارند.

حضرت فرمودند: شاعران اهل بیت علیهم السلام را بیاورید. دیدم چند تن از شاعران عرب را آوردند. فرمودند: شاعران فارسی زبان را نیز بیاورید. آنگاه محتشم و چند تن از شاعران فارسی زبان آمدند. حضرت فرمودند: شهریار ما کجاست؟ آنگاه حضرت خطاب به شهریار فرمودند: شعرت را بخوان.

شهریار نیز این شعر را خواند:

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه هما را

ص: ۱۹۹

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من به خدا قسم خدا را  
به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند چو علی گرفته باشد سرچشمه بقا را  
مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ به شرار قهر سوزد همه جان ما سوا را  
برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را  
به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا  
به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب که علم کند به عالم شهدای کربلا را  
چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان چو علی که می تواند که بسر برد وفا را  
نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را  
بدو چشم خون فشانم هله ای نسیم رحمت که زکوی او غباری به من آر توتیا را  
به امید آن که شاید برسد به خاک پایت چه پیام ها سپردم همه سوز دل، صبا را  
چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان که زجان ما بگردان ره آفت قضا را

چه زخم چو نای هر دم ز نوای شرق او دم که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را

همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایی بنوازد آشنا را

زنوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا

آیت الله العظمی مرعشی نجفی فرمودند: وقتی شعر شهریار تمام شد، از خواب بیدار شدم. چون من شهریار را ندیده بودم، فردای آن روز پرسیدم که شهریار شاعر، کیست؟ گفتند: شاعری است که در تبریز زندگی می کند. گفتم از جانب من او را دعوت کنید که به قم نزد من بیاید.

چند روز بعد شهریار آمد. دیدم همان کسی است که من او را در خواب در حضور حضرت امیر علیه السلام دیده ام. از او پرسیدم: این شعر «علی ای همان رحمت» را کی ساخته ای؟ شهریار با حالت تعجب از من سؤال کرد که شما از کجا خبر دارید که من این شعر را سروده ام؟! چون من نه این شعر را به کسی داده ام و نه درباره آن با کسی صحبت کرده ام.

مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی به شهریار می فرمایند: چند شب قبل، من خواب دیدم که در مسجد کوفه هستم و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف دارند. آن حضرت، شاعران اهل بیت علیهم السلام را احضار فرمودند. ابتدا شاعران عرب آمدند. سپس فرمودند: بگوئید شاعران فارسی زبان بیایند؛ آنها نیز آمدند. بعد فرمودند: شهریار ما کجاست؟ شهریار را بیاورید و شما هم آمدید. آن گاه فرمودند: شهریار، شعرت را بخوان و شما شعری که مطلع آن را به یاد دارم خواندید.

شهریار فوق العاده منقلب می شود و می گوید: من فلان شب این شعر را ساخته ام و همان طور که قبلاً عرض کرده ام تاکنون کسی را در جریان سرودن این شعر قرار نداده ام. آیت الله مرعشی نجفی فرمودند: وقتی شهریار، تاریخ و ساعت سرودن شعر را گفت معلوم شد مقارن ساعتی که شهریار آخرین مصرع شعر خود را تمام کرده، من آن خواب را دیده ام. ایشان چندین بار به دنبال نقل این خواب فرمودند: یقیناً در سرودن این غزل به شهریار الهام شده که توانسته است چنین غزلی با این مضامین عالی بسراید. البته خودش هم از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام است و خوشا به حال شهریار که مورد توجه و عنایت جدش قرار گرفته است. (۱)

ص: ۲۰۲

---

۱- (۱) نقل از فصلنامه شهاب، شماره ۱۱.



اشاره

در یک نگاه کلی در معرفی آن حضرت می توان چنین گفت:

نام: «شُبیر» که به عربی «حسین» خوانده می شود. (۱)

ولادت: سوم شعبان سال چهارم هجری در شهر مدینه. (۲)

کنیه و لقب: کنیه «ابوعبدالله». از القاب مشهور آن حضرت، السبط و سید الشهداء.

پدر و مادر: پدر، امام علی علیه السلام، و مادر فاطمه زهرا علیها السلام.

مدت امامت: ۱۱ سال.

نقش انگشتر: حسبی الله.

زمان و مکان شهادت: شنبه دهم محرم سال ۶۱ هجری، کربلاء.

عمر شریف: ۵۸ سال که هفت سال اول آن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.

ص: ۲۰۳

---

۱- (۱) منتهی الآمال، ج ۱، ص ۵۲۳.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۱.

با مرگ معاویه در سال ۶۰ هجری فرزندش یزید، بنابر تمهیداتی که معاویه از پیش به عمل آورده بود، خلافت را به عهده گرفت. در این زمان، امام حسین علیه السلام شرایط قیام مسلحانه را بر ضد حکومت بنی امیه مهیا دید. این موضوع در سخنان امام حسین علیه السلام در طول حرکت خود، بر ضد بنی امیه به وفور تکرار شده است.

امام حسین علیه السلام بنابر تصریح پیامبر اکرم، خلافت را حق مسلم خود می دانست و بنابر قرارداد صلح میان امام حسن علیه السلام و معاویه، این مقام باید بعد از مرگ معاویه به آن حضرت می رسید. از این رو خلافت یزید شرعاً و قانوناً غاصبانه بود و امام حسین علیه السلام بر خود لازم می دید تا بر ضد او قیام کند. از طرفی بر اساس معیار شایسته سالاری، آن حضرت خود را برتر از یزید و امثال او می دانست؛ همان طور که خطاب به «ولید بن عتب» که از آن حضرت برای یزید درخواست بیعت می کرد، فرمود:

یزید مردی تبهکار، شرابخوار و کشنده انسان های محترم (و پاک) است و آشکارا گناه می کند و مثل من، با چون او هرگز بیعت نخواهد کرد. لیکن ما صبح می کنیم و شما نیز صبح کنید، ما انتظار می کشیم و شما نیز انتظار بکشید تا ببینیم کدام یک به جانشینی رسول خدا به بیعت سزاوارتریم. (۱)

امام حسین علیه السلام بیعت با یزید را زیر بار ذلت و بردگی رفتن، و مخالفت با فرمایش رسول الله صلی الله علیه و آله می دانست، چرا که پیامبر خدا فرمود: «خلافت بر خاندان

ص: ۲۰۴

ابوسفیان حرام است»<sup>(۱)</sup>. از طرفی حکومت یزید را جز تباهی، فساد و دوری مردم از دین و برگشت به جاهلیت، چیز دیگری نمی دید، از این رو، خود را مهبای قیام بر ضدّ بنی امیه کرد.

### اهداف قیام امام حسین علیه السلام

هدف قیام امام حسین علیه السلام، اصلاح جامعه اسلامی از انواع فساد مالی، سیاسی، فرهنگی اجتماعی و دینی بود. آن حضرت خود در این زمینه می فرماید:

من از روی هوی و سرکشی و تبهکاری و ستمگری قیام نکردم. تنها انگیزه من، سامان بخشی به کار امت جدم رسول خداست، می خواهم به نیکی ها فرمان دهم و از بدی ها بازدارم و روش جدّ خود و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام را دنبال کنم.<sup>(۲)</sup>

همچنین می فرماید:

اینان مردمی پابرجا در پیروی شیطان اند و به فرمان خدای رحمان عمل نمی کنند و در زمین فساد را رواج داده، حدود خداوندی را لغو کرده اند. شراب می نوشند و اموال فقرا و مساکین را ویژه خود ساخته اند و من سزاوارترم که به یاری دین خدا برخیزم و آیین او را گرامی داشته، در راهش جهاد کنم.<sup>(۳)</sup>

ص: ۲۰۵

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۲.

۲- (۲) همان، ص ۳۲۹.

۳- (۳) فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۷۹.

در جایی دیگری نیز می فرماید:

هان! ای مردم، همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که فرمانروای ستمگری را ببیند که حرام های خدا را حلال می شمرد؛ پیمان خدا را می شکند؛ با سنت رسول الله صلی الله علیه و آله مخالفت کرده، در میان بندگان خدا با گناه و تجاوز رفتار می کند و او با کردار و گفتار خود بر او نشورد، بر خداست که او را در جایگاه [پست و عذاب آور] آن ستمگر در آورد. بدانید اینان به پیروی شیطان چسبیده و اطاعت خدای رحمان را ترک گفته، شبهه ها را آشکار ساخته، حدود الهی را تعطیل کرده، بیت المال را به انحصار خود در آورده و حرام خدا را حلال و حرام خدا را حرام ساخته اند و من از هر کس دیگر سزاوارترم که بر اینان بشورم و در برابرشان بایستم. (۱)

آن حضرت در منا فرمود:

پروردگارا! این حرکت نه به خاطر رقابت بر سر حکومت و قدرت و نه به منظور به دست آوردن مال دنیاست، بلکه به خاطر آن است که نشانه های دین تو را به مردم نشان دهم و اصلاحات را در کشور اسلامی اجرا کنم تا بندگان ستمدیده ات از چنگال ظالمان در امان باشند و واجبات و احکام و سنت های تعطیل شده تو دوباره اجرا گردد. (۲)

ص: ۲۰۶

---

۱- (۱) فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۰۴.

۲- (۲) تحف العقول، ص ۲۳۷.

حرکت خونین امام حسین علیه السلام بر ضدّ ظلم و فساد بنی امیه، آثار مثبت فراوانی در جهان اسلام و حتی در بین سایر ادیان و در دوران های گوناگون، در پی داشت که به طور خلاصه به آنها اشاره می شود:

۱. احیای امر به معروف و نهی از منکر و جرأت بر انجام آن. نمونه آن، قیام مردم مدینه در سال ۶۳ هجری، قیام توّابین در سال ۶۵ به رهبری مختار ثقفی، قیام زید بن علی علیه السلام در سال ۱۲۱ هجری در کوفه، قیام یحیی بن زید در خراسان و قیام های علویان در مازندران و قیام سربداران است.

۲. گسترش روحیه شهادت طلبی، جوانمردی، شجاعت و دلاوری، ایثار و گذشت و وفاداری.

۳. افشای ماهیت بنی امیه و بدعت گذاری آنان.

۴. توجه مردم به اهل بیت علیهم السلام.

### حرکت امام به سوی کربلا

بعد از مرگ معاویه، یزید خلافت را غصب کرد و از مسلمانان با نیرنگ و زور بیعت گرفت، اما امام حسین علیه السلام از بیعت با او خودداری کرد. آن حضرت در شامگاه ۲۸ رجب سال ۶۰ هجری از مدینه خارج و برای ادای مناسک حج وارد مکه شد. خبر بیعت نکردن و نیز ورود آن حضرت به مکه به گوش مسلمانان، به ویژه مردم کوفه رسید. آنان نامه های بسیاری به امام نوشتند و از آن حضرت درخواست کردند تا به کوفه آمده، زمام امور را به دست گیرد و متعهد شدند ایشان را یاری کنند. آن حضرت، پسر عمو و نماینده خود مسلم بن عقیل را برای آزمایش وفاداری آنان به کوفه فرستاد، ولی آنان او را

تنها گذاشتند. امام در مکه احساس ناامنی کرد، بنابراین در روز هشتم ذی الحجه، مکه را به طرف عراق ترک کرد. اباعبدالله علیه السلام بعد از طی منازل بسیار، در روز پنجشنبه، دوم ماه محرم سال ۶۱ هجری، به سرزمین کربلا رسیدند. سپاه یزید متشکل از شامیان و کوفیان راه را بر آن حضرت بستند. آن شب پرستان در روز دهم ماه محرم، چنگال بر چهره آفتاب تابناک امامت زدند و خون پاک آن حضرت و ۷۲ یار باوفایش را بر زمین داغ کربلا ریختند، به خیال اینکه شهادت آن حضرت، همه موانع را بر سر راه دنیاگرایی و دنیاپرستی آنان برمی دارد.

### گریه بر امام حسین علیه السلام

گریه بر حسین علیه السلام گریه پیوند و عهد و اعلان آمادگی درونی برای فرمانبری و اطاعت از آن حضرت است. ریختن اشک، اعلام وفاداری نسبت به اهداف مقدس حسین بن علی علیه السلام و ابراز پیوند با مکتب و راه اوست. گریه برای حسین علیه السلام برای حسینی شدن است؛ چه اینکه گریه، زبان گویای دل، بیانگر احساسات پاک و علایق و تمایلات درونی دوستدار حسین علیه السلام است. گریه کننده بر آن حضرت با تمام وجود خواهان پیمودن راه حسینی است.

گریه بر امام حسین علیه السلام هم علامت است و هم علت؛ از یک طرف علامت پیوند است و از سوی دیگر علت آمادگی بیشتر برای مبارزه با فساد و سبب امیدواری برای رسیدن به اهداف مقدس است. همچنین نوعی آمادگی عاطفی برای هرگونه فداکاری و ایثار در راه امام حسین علیه السلام است. زیارت و گریه، نوعی تبری و اعلان انزجار و تنفر از هرگونه منکر، نفاق، کفر و بدعت است؛ چرا که اشک بر سیدالشهدا و شهیدان بزرگ کربلا، اشتیاق به شهادت را به همراه دارد و خوی حماسه را در وجود انسان زنده می کند. از این رو در

جامعه ای که افراد آن چنین باشند، جایی برای بدعت، کفر، نفاق و هیچ گونه انحرافی نخواهد ماند.

گریه بر امام حسین علیه السلام دارای آثار فردی و اجتماعی بسیاری است که به چند روایت بسنده می شود:

۱. بخشش گناهان: امام الرضا علیه السلام فرمودند:

فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِكِ الْبَاكُونَ ، فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ ...؛<sup>(۱)</sup> برای مثل حسین علیه السلام باید گریه کنندگان گریه کنند؛ چرا که گریه بر آن حضرت، گناهان بزرگ را محو می کند.

۲. دوری از جهنم: خدای سبحان به موسی علیه السلام فرمود:

يا مُوسَى... وَاعْلَمْ أَنَّهُ مَنْ بَكَى أَوْ أَبَكَى أَوْ تَبَاكَى ، حَرَّمْتُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ؛ ای موسی، بدان که هر کس برای حسین گریه کند یا بگریاند، یا وانمود به گریه کردن کند، بدنش را بر آتش حرام کردم.<sup>(۲)</sup>

۳. شادمانی در قیامت: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در حدیثی فرمودند:

يا فَاطِمَةُ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، إِلَّا عَيْنٌ بَكَتْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ ۳ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ؛<sup>(۳)</sup> ای فاطمه، هر چشمی در روز قیامت گریان است، مگر چشمی که برای مصیبت

ص: ۲۰۹

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.

۲- (۲) همان، ص ۳۰۷.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳.

حسین علیه السلام گریه کرده باشد که به وسیله نعمت های بهشت خندان و شادمان خواهد بود.

### فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام

معصومان علیهم السلام بر زیارت، گریه، احیا و بزرگداشت نام امام حسین علیه السلام بسیار تأکید کرده اند؛ چه اینکه، عاشورا و محرم، مشعلی است فروزان بر سر راه تمام آزادی خواهان و حق طلبان و نماد و مظهری جاودانه برای ظلم ستیزان و عدالت خواهان است. بنابراین هر کس با تفکر و تأمل چنین ارتباط عاطفی با سیدالشهدا برقرار کند، به اهداف عالی محرم و عاشورا بیشتر نزدیک شده است.

در مفاتیح الجنان به تفصیل در مورد فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام مطالبی ذکر شده، از جمله آنکه، زیارت آن حضرت معادل حج، عمره، جهاد در راه خدا، باعث مغفرت و اجابت دعاها، موجب طول عمر، حفظ بدن از بلاها و زیادی روزی، رفع غم و آمرزش گناهان می شود. (۱)

هر مالی که در راه زیارت آن حضرت خرج شود، برای هر واحدی از آن، هزار برابر، بلکه ده هزار برابر، ثواب حساب می شود. زائر امام حسین علیه السلام هنگامی که به طرف ضریح آن حضرت می رود، چهار هزار فرشته از او استقبال و هنگام بازگشت هم، او را مشایعت می کنند.

### ثواب پیاده رفتن به زیارت سیدالشهدا علیه السلام

زیارت سیدالشهدا علیه السلام با پای پیاده، ثواب بسیار دارد و مورد تأکید پیشوایان دین است. امام صادق علیه السلام فرموده است:

ص: ۲۱۰



«مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ كَانَ مَاشِيًا كَتَبَتْ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ...» (۱)

هر کس به قصد زیارت امام حسین علیه السلام پیاده از خانه اش خارج شود، خداوند در مقابل هر گام، برای او حسنه ای می نویسد و گناهی از او می زداید.

معاویه بن وهب، از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید: خدمت آن حضرت رسیدم؛ در حالی که در مصلائی خود در خانه اش نشسته بود و پس از نماز، با خداوند راز و نیاز می کرد. از جمله [در دعا نسبت به زائران قبر حسین علیه السلام] می فرمود:

خدایا زائران قبر حسین را بیمارز، اینان که در این راه، پول خرج می کنند، بدن های خود را در این راه در معرض (خطر) قرار می دهند. خدایا بر چهره هایی که آفتاب، رنگ آنها را تغییر داده، رحمت کن صورت هایی که متوجه قبر اباعبدالله علیه السلام است، چشم هایی که در محبت ما اشک می ریزد... خدایا این جان ها و بدن ها را به تو می سپارم، تا کنار حوض کوثر به هم برسیم.... (۲)

سنت پیاده روی برای زیارت، از زمان ائمه علیهم السلام تاکنون استمرار داشته و اجر بی شماری برای آن نقل شده است. فاضل دربندی می نویسد:

این پیاده بودن، یا به جهت فقر زائر است که نشان می دهد این زیارت، برخاسته از شوق و محبت است، یا به جهت آن است که زائر، خود را در برابر سلطان اقلیم جوانمردی و خورشید سپهر عصمت و شهادت، کوچک می شمارد و در راه او، رنج سفر پیاده را بر خود هموار می کند و هر دو ارزشمند است. (۳)

ص: ۲۱۱

---

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۸.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۵۲.

۳- (۳) اسرار الشهادة، فاضل دربندی، ص ۱۳۶، (چاپ سنگی).

در عراق، از سال‌ها پیش رسم بوده که هیئت‌ها، دسته‌ها و کاروان‌های کوچک یا بزرگ، در ایام خاصی، از بصره، بغداد و عمدتاً نجف، برای زیارت کربلا پیاده حرکت می‌کردند. این پیاده روی به ویژه در ایام زیارتی خاص، مثل نیمه شعبان، اول رجب، ایام عاشورا و اربعین، پرشکوه تر است. اغلب کسانی که پیاده به زیارت می‌روند راه کنار ساحل فرات را انتخاب می‌کنند. طول این مسیر از نجف تا کربلا حدود ۸۰ کیلومتر است و چند روز طول می‌کشد. در این کاروان‌های زیارتی علمای بزرگی همچون میرزای نایینی، آیت‌الله کمپانی و سیدمحسن امین شرکت می‌کردند. از طرفی در این مسیر، دیدار با عشایر و فعالیت‌های تبلیغی انجام می‌گرفت و مرثیه خوانی هم برگزار می‌شد.

در ایام حکومت بعثی‌ها، این پیاده روی‌های پرشکوه، آن‌هم از طریق جاده غیررسمی کنار فرات، رنگ مبارزه و مخالفت با رژیم عراق به خود می‌گرفت. در ایام اربعین حسینی سال ۱۳۹۷ هـ. ق درگیری‌های سختی میان نیروهای بعثی و انقلابیون شیعه و کاروان‌های زیارتی، در طول راه و در حرم ابا عبدالله الحسین علیه السلام روی داد و کشته‌ها و مجروحان بسیاری بر جای گذاشت که به «اربعین خونین» معروف شد.

### ایام مخصوص زیارت امام حسین علیه السلام

شب و روز جمعه، روز عاشورا، اول و نیمه ماه رجب، شب نیمه شعبان، شب‌های قدر، عید فطر و عید قربان، روز عرفه و روز مباحله (۲۴ ذی‌حجه) (۱) از جمله ایامی است که زیارات مخصوصی برای سیدالشهداء وارد شده است.

ص: ۲۱۲

---

۱- (۱) کامل‌الزیارات، باب ۷۰ تا ۷۴، صص ۲۰۱-۱۸۶؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ابواب ۱۴-۱۲، صص ۱۰۴-۸۵.

اشاره

جهت معرفی کلی امام کاظم علیه السلام می توان به این موارد اشاره کرد:

نام: موسی علیه السلام

کنیه: ابوالحسن اول(۱).

لقب: عبدصالح، کاظم، باب الحوائج، صابر و امین.

پدر و مادر: امام صادق علیه السلام و بانوی بزرگوار حمیده.

زمان ولادت: صبح روز یکشنبه، هفتم صفر سال ۱۲۸ هجری قمری.

مکان ولادت: روستای «ابواء» واقع در بین مکه و مدینه.

نقش انگشتر: الملك لله وحده.

ص: ۲۱۳

---

۱- (۱) مشهورترین کنیه آن حضرت ابوالحسن است. به آن حضرت ابوالحسن الاوّل می گویند؛ اگر چه حضرت امیر علیه السلام هم ابوالحسن بود، ولی در عین حال از این بزرگوار در کتب اخبار، تعبیر به ابوالحسن الاول می کنند و از حضرت رضا علیه السلام به ابوالحسن الثانی و از حضرت هادی علیه السلام به ابوالحسن الثالث. (منتخب التواریخ، ص ۵۱۶).

اولاد: ۳۷ فرزند.

آغاز امامت: ۲۰ سالگی.

مدت امامت: ۳۵ سال.

زمان شهادت: ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هـ - ق.

مکان شهادت: زندان هارون، بغداد.

سبب شهادت: زهر، به وسیله هارون الرشید.

عمر: ۵۵ سال.

مرقد شریف: کاظمین.

دوران عمر: شامل دو بخش؛ یکی دوران قبل از امامت، از سال ۱۲۸ تا ۱۴۸ هجری قمری (۲۰ سال) و دیگری دوران بعد از امامت، از سال ۱۴۸ تا ۱۸۳ (۳۵ سال).

حدود ده سال از امامت آن بزرگوار در عصر خلافت منصور، ده سال در عصر خلافت مهدی عباسی، یک سال در عصر خلافت هادی عباسی و پانزده سال در عصر خلافت هارون واقع شد.

### **امام موسی کاظم علیه السلام در زندان های هارون**

از سال ۱۷۹ هـ - ق. که هارون دستور داد امام را دستگیر کنند، تا سال ۱۸۳ که آن حضرت به شهادت رسید؛ امام موسی بن جعفر در بغداد و بصره در زندان های هارون و زیر نظر عیسی بن جعفر، فضل بن ربیع، فضل بن یحیی و سندی بن شاهک، ۱۴ سال در سخت ترین وضعیت به سر برد.

ص: ۲۱۴

والی بصره یک سال امام را به دستورهارون زیر نظر داشت، اما عیسی بن جعفر بن منصور، زیاد بر آن حضرت سخت نمی گرفت. در این مدت، زمانی که امام نزد عیسی زندانی بود، نامه ای از هارون به دست وی رسید. هارون در آن نامه از او خواسته بود تا امام را به قتل برساند. عیسی با برخی از مشاوران و نزدیکان خود به مشورت پرداخت، اما آنان وی را از مرتکب شدن به چنین کاری باز داشتند.

عیسی در پاسخ به نامه هارون نوشت:

دوره زندانی موسی بن جعفر در نزد من طول کشید و من در این مدت گماشتگانی را بر او نهادم تا از حالش برایم خبر بیاورند. در طول این مدت، ندیدم او از عبادت خسته شود و برای خود هیچ دعایی نمی کند، جز طلب آمرزش و درخواست رحمت خداوند. اگر کسی را می فرستی که او را از من تحویل بگیرد چه بهتر، وگرنه او را آزاد می کنم؛ چرا که من از نگهداری و زندانی او به حرج و مشقت افتاده ام. (۱)

نامه عیسی بن منصور، هارون الرشید را به شدت نگران کرد و از اینکه مبادا امام را آزاد کرده، تمام نقشه هایش از بین برود، کسی را فرستاد تا امام را از عیسی تحویل گرفته به بغداد منتقل کند.

امام کاظم علیه السلام پس از یک سال زندانی در بصره، به بغداد منتقل شد و زیر نظر فضل بن ربیع قرار گرفت. شیخ مفید در ارشاد می نویسد:

«امام مدتی طولانی نزد فضل بن ربیع زندانی بود، تا اینکه هارون از وی

ص: ۲۱۵

خواست امام را به شهادت برساند. اما فضل از دست زدن به چنین کاری خودداری کرد»<sup>(۱)</sup>.

سومین مکانی که حضرت در آنجا زندانی شد، نزد فضل بن یحیی و در یکی از خانه های او بود. ابن شهر آشوب می نویسد:

هنگامی که امام به فضل بن یحیی تحویل داده شد، او بر امام گشایش داد و بسیار احترام و اکرامش می کرد. برخی گزارش کرده اند امام کاظم علیه السلام در خانه فضل بن یحیی در آسایش بوده، کاملاً مورد احترام فضل قرار می گرفت. هارون الرشید، سرور خادم را برای تحقیق در این امر به خانه فضل فرستاد، او نیز گزارش رسیده را تأیید کرد و به هارون خبر داد که امام در خانه فضل بن یحیی در کمال آسایش است. هارون که از شنیدن این ماجرا به شدت عصبانی شده بود، به سندی بن شاهک و عباس بن محمد دستور داد یکصد تازیانه به فضل بن یحیی بزنند.<sup>(۲)</sup>

### امام در زندان سندی بن شاهک

هارون الرشید که از کشتن امام به وسیله عیسی بن جعفر، فضل بن ربیع و فضل بن یحیی مأیوس شد، سرانجام آن حضرت را به غلامی حلقه به گوش و ناپاک به نام سندی بن شاهک سپرد. او که در انجام دستورات هارون هرگز کوتاهی نمی کرد، زندان را به شکنجه گاهی علیه امام درآورده بود. امام در این

ص: ۲۱۶

---

۱- (۱) ارشاد، ص ۲۸۱؛ بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۲۱۱.

۲- (۲) مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۲۷.

زندان، سختی های زیادی کشید و فشارهای روحی و جسمی فراوانی را متحمل شد.

امام تا آخرین لحظات، از قید غل و زنجیر رهایی نیافت. هارون برای اینکه امام را در زندان آزار دهد، زنی را به عنوان خدمتکار برای حضرت فرستاد.

### شهادت امام موسی بن جعفر علیهما السلام

سرانجام هارون الرشید برای رهایی از امام، به سندی بن شاهک دستور داد آن حضرت را به وسیله زهر به شهادت رساند. فرزند شاهک در پی فرمان هارون، مقداری زهر در غذای امام ریخت و به حضرت داد. برخی هم گفته اند این زهر را در دانه هایی از خرما گذاشت و برای امام برد. (۱) حضرت ده دانه از آن را تناول کرد و سپس از خوردن آن دست کشید. سندی بن شاهک گفت: از این خرماها بیشتر میل کن. حضرت فرمود: بس است، چرا که تو به خواسته ات رسیدی و دستوری که به تو داده شد عملی کردی. (۲)

وی پس از مسموم کردن امام، هشتاد نفر از بزرگان را در حضور امام علیه السلام گرد آورد و به آنها گفت: به این مرد (موسی بن جعفر علیهما السلام) نگاه کنید، آیا به او آسیبی رسیده است؟ در حالی که از نزدیک، منزل و فرش و آسایش او را می بینید. امام در پاسخ فرمود:

«اما آنچه که گفته شد درست است، ولی ای مردم بدانید که به من زهر خورانده شده و چهره ام فردا سبز گشته، پس فردا از دنیا خواهم رفت.» (۳)

ص: ۲۱۷

۱- (۱) ارشاد مفید، ص ۲۸۲.

۲- (۲) اثبات الوصیه، ص ۱۹۴.

۳- (۳) مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۲۷.

سرانجام آن حضرت در سال ۱۸۳ هجری و در روز پنجم ماه رجب، در اثر زهری که سندی بن شاهک به دستورهارون به امام داد، به دیدار خدا شتافت. بدن مطهر آن حضرت را غریبانه از محلّ شهادت خود بیرون آورده، روی جسر بغداد گذاردند. اما در نهایت، با تلاش سلیمان بن ابی جعفر، عموی هارون الرشید، جنازه امام را تحویل گرفته، با عزّت تمام در مقابر قریش به خاک سپردند.

محدّث قمی از شیخ صدوق روایت کرده بدن مطهر امام را به جایی آوردند که مجلس شرطه بود؛ یعنی محلّ مأموران و نوکران حاکم شهر. سپس چهار نفر را واداشتند تا ندا دهند هر که می خواهد موسی بن جعفر را ببیند، بیرون بیاید. در شهر غلغله شد. سلیمان بن ابی جعفر، عموی هارون، قصری در کنار شط داشت. چون صدای غوغای مردم را شنید و این ندا به گوشش رسید، از قصر بیرون آمد و به غلامان خود امر کرد تا مزدوران را دور کنند و خود عمامه از سر انداخت و گریبان چاک زد. او با پای برهنه، برای تشییع جنازه آن حضرت روان شد و حکم کرد که در پیشاپیش جنازه آن حضرت، ندا کنند، هر که می خواهد به طیب پسر طیب، نظر کند به تشییع جنازه موسی بن جعفر علیهما السلام بیاید. پس تمام مردم بغداد جمع شدند و صدای شیون و فغان از زمین به فلک نیلگون می رسید. چون بدن مطهر آن حضرت را به مقابر قریش آوردند، به حسب ظاهر خود ایستاد و متوجه غسل و حنوط و کفن آن حضرت شد. او کفنی را که برای خود ترتیب داده و قیمت آن ۲۵۰۰ دینار بود و تمام قرآن را بر آن نوشته بود، بر آن حضرت پوشانیدند و با عزّت تمام آن جناب را در مقابر قریش دفن کردند. (۱)

ص: ۲۱۸



در فضیلت زیارت این امام معصوم علیه السلام، روایات زیادی وارد شده است که به بعضی از آنها که مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان آورده اشاره می شود:

۱. زیارت امام موسی بن جعفر علیه السلام مثل زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله است و هر کس او را زیارت کند مثل آن است که رسول الله صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام و امام حسین علیه السلام را زیارت کرده است.

۲. هر کس حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را زیارت کند، اهل بهشت است.

۳. ابن شهر آشوب از خطیب بغدادی (صاحب تاریخ بغداد) از علی بن خلال نقل می کند که گفت: هیچ مشکلی برای من پیش نیامد، مگر اینکه با پناه بردن به قبر مطهر موسی بن جعفر علیه السلام و توسل به آن حضرت، خداوند آن را برایم گشود و بر من آسان کرد.

اشاره

نکات کلی زندگی این امام همام را می توان در یک نظر چنین خلاصه نمود:

نام: محمد علیه السلام.

کنیه: ابوجعفر ثانی.

لقب: تقی، جواد، زکی، مرتضی، قانع، رضی، مختار، متوکل و منتجب.

پدر و مادر: امام رضا علیه السلام و بانوی بزرگوار خیزران.

زمان ولادت: جمعه ۱۰ رجب سال ۱۹۵ هجری. (۱)

مکان ولادت: مدینه.

نقش انگشتر: نعم القادر الله.

اولاد: چهار فرزند.

آغاز امامت: سال ۲۰۳ هـ - ق در هشت سالگی.

ص: ۲۲۰

---

۱- (۱) این تاریخ طبق نظر شیخ طوسی در کتاب إعلام الوری، اما طبق نظر شیخ مفید در ارشاد ولادت ایشان در ۱۹ رمضان می باشد.

مدت امامت: ۱۷ سال.

زمان شهادت: آخر ذی القعدة سال ۲۲۰ هجری.

مکان شهادت: بغداد.

سبب شهادت: خوراندن زهر به وسیله معتصم عباسی (علیه اللعنه).

عمر: ۲۵ سال و چند ماه.

مرقد مطهر: کاظمین، در جوار قبر جدّ بزرگوارش موسی بن جعفر علیه السلام.

دوران عمر: هشت سال قبل از امامت و ۱۷ سال دوران امامت که با حکومت مأمون و معتصم (هفتمین و هشتمین خلیفه عباسی) مصادف بود.

### پرتویی از سیره امام جواد علیه السلام

حضرت محمد بن علی بن موسی الرضا علیهم السلام طبق نظر شیخ مفید در ماه مبارک رمضان سال ۱۹۵ هجری در مدینه به دنیا آمد و در ذی القعدة سال ۲۲۰ هجری در ۲۵ سالگی و در شهر بغداد (کاظمین) به شهادت رسید. (۱) مادر بزرگوار امام جواد علیه السلام کنیزی از سرزمین نوبیه به نام سبیکه بود. برخی نیز نامش را «خیزران» گفته اند. روایت شده که این بانوی بزرگ از خاندان ماریه قبطیه، همسر رسول الله و مادر ابراهیم پسر پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. (۲)

معروف ترین القاب امام نهم، جواد (بخشنده) و تقی (تقوا پیشه) است. لقب های دیگر آن بزرگوار عبارتند از: مرتضی، متقی، منتجب، مختار، متوکل،

ص: ۲۲۱

---

۱- (۱) شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲- (۲) اصول کافی، ج ۲، ص ۴۱۳.

قانع و عالم. (۱) کنیه امام جواد علیه السلام، ابوجعفر است و به ایشان «ابوجعفر ثانی» گفته می شود تا از ابوجعفر اول (امام محمد باقر علیه السلام) متمایز گردد. حضرت امام جواد علیه السلام وقتی از مادر متولد شد. دست بر سر نهاد و فرمود:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۲

وقتی حضرت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۳ هجری به شهادت رسید، حضرت امام جواد علیه السلام هشت ساله بود. امام رضا علیه السلام بر جانشینی و امامت فرزندش امام محمد تقی علیه السلام تصریح کرد و در پاسخ به اشکال برخی، در مورد خردسالی ایشان فرمود: «زمانی که خدای تعالی عیسی را به پیامبری برگزید، سنّش کمتر از فرزند من بود». (۲)

در مجلسی که شیعیان برای مذاکره درباره امامت حضرت جواد علیه السلام جمع شده بودند، یونس بن عبدالرحمان از یاران امام رضا علیه السلام پرسید: تا این پسر (حضرت امام جواد علیه السلام) بزرگ شود باید چه کار کنیم؟! ریان بن صلت برآشف و دست بر گلوی یونس گذاشت و فشار داد و گفت:

ایمانت را به ما می نمایانی، اما با این همه، شک داری؟! اگر امر این پسر از جانب خدای تعالی باشد، حتی اگر یک روز از عمرش بیشتر نگذشته باشد، مثل پیرمرد داناست و اگر از طرف خدای تعالی نباشد حتی اگر هزار ساله باشد، باز هم همانند مردم عوام است.

ص: ۲۲۲

---

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۶.

۲- (۳) فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۰۳.

برخی از شیعیان، بعد از شهادت امام رضا علیه السلام پنداشتند برادر ایشان، یعنی عبدالله بن موسی امام و رهبر الهی است. پس به سوی او شتافتند و برای حصول اطمینان، از وی مسائلی پرسیدند و چون او در پاسخ به آن پرسش درماند، از دورش پراکنده شدند.<sup>(۱)</sup>

سرانجام اکثریت شیعه، امامت حضرت جواد علیه السلام را پذیرفتند؛ زیرا علاوه بر وجود نصّ پیامبر صلی الله علیه و آله و تصریح و وصیت امام رضا علیه السلام بر امامت آن حضرت، شیعیان هر سؤالی می پرسیدند امام با سرعت و دقت، جواب کامل و کافی می داد. به طوری که بنابر نقل شیخ کلینی، امام جواد علیه السلام در یک مجلس به سی هزار سؤال پاسخ داد.<sup>(۲)</sup> به نظر می رسد که این عدد، مبالغه نیست؛ زیرا بسیاری از سؤال های مردم، جواب های کوتاهی داشت، چه آنکه بیشتر سؤال ها فقهی بود و هر فرع جزئی، خود یک سؤال به شمار می آید.

### امام جواد علیه السلام و مناظره علمی

بعد از آنکه مأمون، خلیفه عباسی، از خراسان به بغداد رفت و مرکز حکومتش را آنجا قرار داد، برای آنکه امام جواد علیه السلام را تحت نظر خود داشته باشد، آن حضرت را از مدینه به بغداد فراخواند؛ امام نیز ناگزیر پذیرفت. بعد از چند روز، مأمون دختر خود امّ الفضل را به امام جواد علیه السلام به عنوان ازدواج معرفی کرد، اما امام جواد علیه السلام پاسخی نداد. مأمون، سکوت را علامت رضایت شمرد و دستور داد مقدمات جشن ازدواج فراهم گردد. برخی از عباسیان که از نقشه و نیرنگ سیاسی مأمون بی خبر بودند یا با تبانی با خود مأمون، فریاد

ص: ۲۲۳

۱- (۱) عزیزالله عطاردی، مسند الامام الجواد، ص ۲۹.

۲- (۲) الکافی، ج ۱، ص ۳۱۴.

اعتراض را بلند کردند که آیا می‌خواهی حکومت را به علویان واگذاری؟! ما هرگز اجازه چنین عملی را نخواهیم داد! زمانی که مأمون از آنان عُلّت را پرسید، پاسخ دادند: این شخص (امام جواد علیه السلام) خردسال است و چیزی نمی‌داند! مأمون پاسخ داد:

«شما اینها را نمی‌شناسید! کوچک آنها مانند بزرگشان، دانا و دانشمند است. اگر نظر مرا نمی‌پذیرید، آزمایش آسان است. دانشمندی برگزینید تا با او بحث و گفت و گو کند و درستی سخن من برای شما آشکار گردد». عباسیان، یحیی بن اکثم را برگزیدند که دانشمندی مشهور و قاضی القضاات آن عصر بود و در اداره امور مملکت نقش مهمی داشت. جلسه ای تشکیل شد و در آن گروهی از مردم و عباسیان حاضر شدند. یحیی از مأمون اجازه خواست، اما مأمون گفت: از او (امام جواد علیه السلام) اجازه بگیر. وقتی یحیی بن اکثم از امام اجازه خواست، امام فرمود: هر چه می‌خواهی پرس.

یحیی بن اکثم از امام جواد علیه السلام درباره مُحرِمی که شکاری را بکشد پرسید. امام جواد علیه السلام نیز پاسخ دادند:

آیا در محدوده حرم کشته است یا در حِلّ (خارج از محدوده حرم)؟ عالم بوده یا جاهل؟ به عمد کشته است یا به خطا؟ آزاد بوده یا برده؟ صغیر بوده یا کبیر؟ اولین بار است که مرتکب قتل شده یا سابقه داشته؟ شکارش از پرندگان بوده یا غیر آن؟ از حیوانات کوچک بوده یا بزرگ؟ بر این کار (کشتن شکار) اصرار دارد یا پشیمان است؟ در شب شکار کرده یا در روز؟ در حال احرام عُمره بوده یا احرام حَجّ؟ و...

یحیی بن اکثم، مبهوت و انگشت به دهان در ماند. او نمی‌دانست چه بگوید، زیرا امام جواد علیه السلام با این پرسش‌ها، برای او تشریح کرد که مسئله او، صدها و بلکه بیش از دوهزار فرع دارد! زیرا امام جواد علیه السلام یازده سؤال دو بخشی

مطرح کرد که تعداد فروع آن ۲۰۴۸ مسئله می شود. یحیی از گستردگی علم امام چنان شگفت زده شد که ناتوانی و زبونی در چهره اش آشکار گردید و زبانش به لکنت افتاد؛ به طوری که مردم حاضر نیز قضیه را دریافتند.

مأمون، شکر و سپاسی گفت و ابراز کرد که آیا دانستید آنچه را که من به شما گفتم؟! سپس مأمون در همان مجلس، دخترش امّ فضل را به ازدواج امام جواد علیه السلام در آورد و مراسم جشن برگزار گردید. پس از آنکه مراسم تمام شد و مردم رفتند و جز نزدیکان کسی باقی نماند، مأمون رو به امام کرد و گفت: «قربانت گردم، اگر صلاح بدانید خوب است که احکام هر یک از فروعی را که در مورد کشتن آن شکار مطرح کردید، بیان فرمایید تا بدانیم و از آن بهره بگیریم».

حضرت جواد علیه السلام پذیرفت و حکم همه فروع را بیان کرد و از جمله فرمود:

اگر مُحرم، شکار را در حِلّ بکشد و آن شکار از پرندگان بزرگ باشد، باید یک گوسفند کفّاره بدهد و اگر در حرم باشد، کفّاره اش دو برابر می شود و... و صغیر، کفّاره ای بر عهده اش نیست اما کبیر، کفّاره بر او واجب است و آنکه از کرده اش پشیمان است عقاب اخروی ندارد، اما آنکه اصرار دارد و پشیمان نیست، در آخرت، عقاب هم دارد.

مأمون بعد از شنیدن پاسخ های امام، اظهار شادمانی کرد و آفرین و احسنت گفت و ادامه داد: اگر صلاح بدانید خوب است شما هم از یحیی سؤالی پرسید، همان طور که او پرسید. حضرت خطاب به یحیی گفت: آیا پرسم؟ یحیی بن اکثم که دیگر آرام شده بود، مؤدبانه گفت: قربانت گردم، هر چه که میل شماست، اگر دانستم، پاسخ پرسش شما را می دهم، و گرنه از شما استفاده می کنم. امام جواد علیه السلام فرمود:

به من خبر بده که آن کدام مرد است که در اوّل روز، اگر به زنی نگاه کند، آن نگاه حرام است و وقتی آفتاب قدری بالا بیاید نگاه به آن زن حلال می شود، و وقتی ظهر شود دوباره حرام می شود و آنگاه که زمان عصر فرارسد دیگر بار حلال می گردد؛ وقتی غروب فرارسد باز حرام می شود و هنگامی که زمان نماز عشاء برسد بر او حلال می شود، و چون نیمه شب فرا رسد بار دیگر حرام می گردد، و وقتی سپیده صبح بدمد، بر او حلال می شود؟ این چه زن و مردی است و برای چه حلال می شود و چگونه حرام می گردد؟!

یحیی درماند و با شگفتی تمام عرض کرد: «به خدا قسم، جواب این سؤال را نمی یابم! و حکمش را نمی دانم! اگر صلاح می دانید پاسخ فرمایید تا بهره گیریم».

حضرت جواد علیه السلام فرمود:

آن زن، زنی است که کنیز بود و در آغاز روز، مرد بیگانه ای به او نظر کرد و این نگاه حرام بود. چون آفتاب بالا آمد، او را از مولایش خرید پس برایش حلال شد. ظهر که شد آزادش کرد پس بر او حرام شد، زمان عصر که فرا رسید با او ازدواج کرد، پس برایش حلال شد. چون مغرب شد «ظهار» کرد، پس بر او حرام شد و چون هنگام نماز عشاء فرا رسید کفّاره داد، پس برایش حلال شد و چون نیمه شب فرا رسید او را یک طلاق داد، پس بر او حرام شد و چون صبح صادق دمید به او رجوع کرد، پس برایش حلال شد».

مأمون با خوشحالی رو به حاضران کرد و پرسید: آیا در میان شما کسی هست که بتواند اینگونه پاسخ دهد؟! حاضران گفتند: نه، هرگز، امیرمؤمنان بهتر می داند.



وای بر شما! این خاندان، برگزیدگان اند و به فضیلت و کمال اختصاص دارند و خردسالی مانع کمال آنها نمی شود. آیا نمی دانید که رسول الله صلی الله علیه و آله دعوتش را با دعوت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آغاز کرد، در حالی که او ده ساله بود؟! و اسلام او را در آن سن پذیرفت و هیچ کس دیگری را در آن سن و سال به اسلام دعوت نکرد و با حسن و حسین علیهما السلام بیعت کرد، در حالی که آنان کمتر از شش سال داشتند و با هیچ کودک دیگری بیعت نکرد، پس آیا اکنون نمی دانید که این اختصاص الهی است که نسبت به این خاندان صورت گرفته است؟! پس حاضران تصدی کردند. (۱)

### عمر پر برکت امام جواد علیه السلام

#### اشاره

حضرت امام جواد علیه السلام با آنکه عمر زیادی نکردند و در جوانی (بیست و پنج سالگی) به شهادت رسیدند، اما با این حال، به اهتمام آن حضرت، شاگردان بسیاری پرورش یافتند؛ از جمله: صفوان بن یحیی، عبدالعظیم حسنی، علی بن مهزیار اهوازی، فضل بن شاذان، محمد بن ابی عمیر، محمد بن سنان زاهری خُزاعی. حتی برخی از زنان از جمله حکیمه دختر بزرگوار خود آن حضرت، حکیمه (دختر امام رضا علیه السلام) و حکیمه دختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز از روایان آن حضرت بوده اند.

ص: ۲۲۷

بر اساس تحقیق استاد شیخ عزیزالله عطاردی در کتاب مسند الامام الجواد علیه السلام، ۲۵۰ روایت از امام جواد علیه السلام نقل شده است. علت کمی احادیث نقل شده از آن بزرگوار، اختناق شدید و ظلم و جور گسترده خلفای عباسی در آن عصر است. ولی با این وصف، حتی برخی از محدثان و دانشمندان سنی<sup>۱</sup> مثل خطیب بغدادی نیز روایاتی با ذکر سند از حضرت امام جواد علیه السلام نقل کرده اند.<sup>(۱)</sup>

### بندهای آموزنده

در پایان، چند بند آموزنده از پیشوای هدایت و آموزگار انسانیت، حضرت امام جواد علیه السلام می آوریم تا روشنگر راه ما در زندگی سعادت‌مندانه باشد:

۱. «الْمُؤْمِنُ يَخْتِاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: تَوْفِيقَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَوَاعِظَ مِنْ نَفْسِهِ وَقَبُولَ مِمَّنْ يَنْصِيحُهُ؛ مؤمن نیازمند سه صفت است<sup>۲</sup> توفیقی از جانب خدای متعال و واعظی از طرف خودش و پذیرش نصیحت خیر خواهان.»<sup>(۲)</sup>

۲. «مَنْ أَضِيَعِيَ إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنْ لِسَانِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ؛ کسی که به سخنانی شخصی گوش دهد، او را عبادت کرده است، پس اگر گوینده از خدا بگوید او خدا را پرستیده و اگر گوینده از زبان ابلیس بگوید، پس او ابلیس را پرستیده است.»<sup>(۳)</sup>

ص: ۲۲۸

---

۱- (۱) تاریخ بغداد، ج ۳، صص ۵۴ و ۵۵.

۲- (۲) مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۲۹؛ تحف العقول، ص ۳۳۷.

۳- (۳) مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۰۸.

۳. «إِنَّكُمْ لَنْ تَسِيَعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَمَنْ بَطَلَ لَهُ الْوَجْهَ وَحُسْنِ اللَّقَاءِ؛ شَمَا نَمِي تَوَانِيدَ بَا أَمْوَالِ خُودِ هَمِه مَرْدَمِ رَا پُوشَشِ دِهِيدِ، پَس بَا گَشَادِه رُويِي وَ خُوشِ بَرِخُورْدِي، هَمِگَانِ رَا مَشْمُولِ لُطْفِ خُودِ قَرَارِ دِهِيدِ».<sup>(۱)</sup>

ص: ۲۲۹

---

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۸۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۱.

اشاره

سیمای کلی زندگی امام هادی علیه السلام را می توان چنین ترسیم نمود:

نام: علی علیه السلام.

کنیه: ابوالحسن الثالث. (۱)

لقب: هادی که مشهورترین لقب آن امام است.

پدر و مادر: پدر امام جواد علیه السلام و مادر سمانه، معروف به سیده و امّ الفضل. (۲)

زمان و مکان ولادت: ۱۵ ذی الحجه سال ۲۱۲ ق. در روستای «صریاء» (نزدیک مدینه). (۳)

ص: ۲۳۰

---

۱- (۱) کنیه امام کاظم و امام رضا علیهما السلام نیز ابوالحسن است، به همین خاطر راویان حدیث، برای تمییز بین این سه امام، به امام هادی علیهم السلام ابوالحسن سوم می گویند.

۲- (۲) منتخب التواریخ، ص ۷۰۴.

۳- (۳) تاریخ ولادت آن حضرت را برخی ۲۷ ذیحجه، و عدّه ای در ماه رجب می دانند. در این میان، قول مذکور قوی تر است. در برخی دعاها نیز آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَلْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدٍ بَيْنَ عَلِيٍّ وَالثَّانِي وَابْنَيْهِ عَلِيٍّ وَابْنَيْهِ عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ...».

نقش انگشتر: الله ربّي و هو عصمتي من خلقه (۱).

اولاد: پنج فرزند.

مدت امامت: ۳۳ سال.

زمان شهادت: دوشنبه ۳ رجب سال ۲۵۴ هجری.

مکان شهادت: سامراء.

سبب شهادت: زهری که به وسیله معتمد یا معتز به آن حضرت خوراندند.

عمر شریف: ۴۲ سال.

مرقد شریف: سامراء.

دوران زندگانی امام هادی علیه السلام با خلافت معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز مقارن بود.

### امام هادی علیه السلام از مدینه تا سامرا

بیشتر عمر امام علیه السلام در زمان متوکل گذشت و آن بزرگوار سختی های فراوانی در این ۱۴ سال تحمل کرد. متوکل عباسی همان روش پدران خود را در برخورد با اهل بیت به اجرا گذاشت و طی نامه ای امام را به بغداد احضار کرد تا بتواند آن حضرت را دقیق تر تحت نظر بگیرد. اگر چه این احضار، در ظاهر رنگ دعوت احترام آمیز داشت. (۲)

ص: ۲۳۱

---

۱- (۱) اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۷.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۶۱.

یحیی بن هرثمه با در دست داشتن نامه متوکل مبنی بر احضار امام به بغداد، به مدینه وارد شد و پس از تفتیش منزل امام و پیدا نکردن مدرکی نسبت به اقدام علیه حکومت، آن حضرت را در جریان تبعید، همراهی کرد. مردم مدینه فریاد اعتراض برآورده، شیوه و ناله سر دادند؛ به گونه ای که هرثمه می گوید: «من تا آن روز، چنان ضجه و ناله ای نشنیده بودم». (۱)

امام که از نیت پلید متوکل آگاه بود، با اکراه و اجبار تن به این سفر داد؛ چنانکه «فحام» به نقل از «منصوری» از عموی پدرش نقل می کند که امام هادی علیه السلام به من فرمود: «ابوموسی! من به اجبار و ناخواسته به سامرا آورده شدم». (۲)

تبعید امام علی بن محمد علیهما السلام در سال ۲۳۴ ق. اتفاق افتاد و آن حضرت بیست سال و اندی در سامرا به سر برد. (۳)

### ورود امام علیه السلام به سامرا

هنگام ورود امام علیه السلام به سامرا، متوکل خود را نمایاند و دستور داد تا امام را در کاروان سرای ویژه مستمندان که به «خان الصّعالیک» معروف بود، فرود آورند.

محل فرود امام به قدری تحقیرآمیز بود که صالح بن سعید می گوید:

روز ورود امام به سامرا، نزد آن حضرت رفتم. وقتی آن وضع را دیدم، عرض کردم: فدایت شوم! از هر امر و فرصتی برای خاموش کردن

ص: ۲۳۲

۱- (۱) اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۷.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۲۹.

۳- (۳) همان، صص ۱۲۹-۱۶۱.

نور الهی شما و کوتاهی کردن در حَقّتان استفاده می کنند؛ چندان که شما را در این کاروان سرای نامناسب که به مستمندان اختصاص دارد، فرود آورده اند. امام رو به من کرد و فرمود: ای پسر سعید، تو این جایی! (معرفت تو نسبت به ما در همین حد است؟) سپس با دست به سمتی اشاره کرد و فرمود: نگاه کن! صالح می گوید: وقتی نگریستم، باغ های زیبا و آراسته با نهرهای جاری و درخت های سرسبز دیدم که بهترین عطرها از آنها استشمام می شد و پسرانی که همچون مرواریدهای نهفته و دست نخورده بودند. با دیدن این منظره ها، چشمانم خیره و شگفتی ام افزون شد. امام رو به من کرد و فرمود: ای پسر سعید! ما هرجا که باشیم اینها از آن ماست، ما در خان الصعاليك نیستیم. (۱)

### دشمنی متوکل با اهل بیت علیهم السلام

متوکل در سال ۲۳۶ هجری فردی را با نام «دیزج» که از مأمورانش بود به کربلا فرستاد تا قبر مطهر امام حسین علیه السلام و خانه های اطراف آن را ابتدا تخریب کرده، سپس شخم بزنند و بر آن آب جاری سازند. دیزج تمامی این کارها را انجام داد و در اطراف حرم حسینی به مساحت هر میل نگهبانانی گذاشت تا مانع زیارت مردم شوند. (۲)

ص: ۲۳۳

---

۱- (۱) الارشاد، ص ۲۹۹.

۲- (۲) منتخب التورایخ، ص ۷۰۶.

ابو یوسف یعقوب بن اسحاق اهوازی، معروف به ابن سکیت که از اصحاب و یاران امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام است، بنا به درخواست متوکل، به منظور آموزش فرزندانش به دربار راه یافته بود. جلال الدین سیوطی این گونه نقل می کند:

روزی متوکل در حضور ابن سکیت به فرزندانش - معتز و مؤید - نگاه کرد و سپس رو به ابن سکیت کرده، از وی پرسید: کدام یک نزدت محبوب ترند؟ این دو یا حسن و حسین؟ ابن سکیت پاسخ داد: قنبر خدمتکار علی از دو فرزند تو بهتر است. متوکل خشمگین شد و دستور داد تا غلامان ترک، شکم او را بدرند..».

در روایتی دیگر متوکل دستور داد زبان او را از کامش بیرون آوردند. (۱)

### اذیت و آزار امام هادی

روزی از امام هادی علیه السلام نزد متوکل سعایت شد و ادعا کردند که آن حضرت در خانه، سلاح و اموال زیادی دارد و آنها از جانب شیعیانش در قم به او رسیده است.

متوکل گروهی از نظامیان ترک را مأمور بازرسی منزل امام کرد. آنان شبانه به خانه امام یورش بردند و منزل را تفتیش و سپس امام هادی علیه السلام را دستگیر کردند و نزد متوکل آوردند.

امام هادی علیه السلام هنگام دستگیری، در حالی که جامه ای پشمین بر تن داشت، بر روی شن، رو به قبله نشسته و مشغول عبادت بود. پس از بردن امام به قصر، گزارش خانه امام را به متوکل دادند. متوکل که از این کار خود،

ص: ۲۳۴



سودی نبرده بود، به فکر ترور شخصیتی امام افتاد و جام شراب را به امام تعارف کرد. امام فرمود: «مرا معذور بدار، سوگند به خدا گوشت و خون من هرگز به شراب آلوده نشده است».

متوکل دست برداشت، اما گفت: پس شعری بخوان. امام فرمود: «من کمتر شعر می خوانم» گفت: باید بخوانی. امام نیز این اشعار را خواندند:

بَأْتُوا عَلَى قُلُلِ الْأَجْبَالِ تَحْرِسُهُمْ غُلْبُ الرِّجَالِ فَمَا اغْتَنْتَهُمُ الْقُلُلُ

وَاسْتَنْزِلُوا بَعْدَ عِزِّ عَنِّ مَعَاظِلَهُمْ فَأَوْدَعُوا حُفْرًا، يَا بئْسَ مَا نَزَلُوا

نَادَاهُمْ صَارِخٌ مِّنْ بَعْدِ دَفْنِهِمْ أَيْنَ الْأَسَاوِرُ وَ التِّيْجَانُ وَ الْحُلُلُ

أَيْنَ الْوُجُوهُ الَّتِي كَانَتْ مُنْعَمَهُ مِنْ دُونِهَا تَضْرِبُ الْأَسْتَارُ وَ الْكِلْلُ

فَأَفْصَحَ الْقَبْرُ عَنْهُمْ حِينَ سَأَلَهُمْ تِلْكَ الْوُجُوهُ عَلَيْهَا الدُّودُ تَنْتَقِلُ

قَدْ طَالَ مَا أَكَلُوا دَهْرًا وَ مَا شَرَبُوا فَأُصْبِحُوا بَعْدَ طُولِ الْأَكْلِ قَدْ أَكَلُوا (۱)

بر بلندای کوهساران، شب را به صبح آوردند، در حالی که مردان نیرومند از آنان نگهداری می کردند.

سرانجام پس از دوران شکوه و عزت، از جایگاه های خویش به زیر کشیده و در گودال ها (قبرها) نهاده شدند و در چه جای بد و ناپسندی منزل گزیدند.

ص: ۲۳۵

پس از آنکه به خاک سپرده شدند، فریادگری فریاد برآورد: کجاست آن دستبندها و تاج ها و زیورآلات و لباس های فاخر؟! کجاست آن چهره های نازپرورده و پرده نشین!؟

قبر به جای ایشان پاسخ داد: بر آن چهره ها، هم اکنون کرم ها راه می روند.

در طول زمان چه بسیار خوردند و آشامیدند، ولی هم اکنون پس از آن همه خوردنی ها، خود خورده شدند.

اشعار امام هادی علیه السلام بزم خلیفه را دگرگون ساخت و حاضران را تحت تأثیر عمیق قرار داد تا جایی که حتی متوکل به گریه افتاد و ریشش تر شد. او جام شراب را بر زمین انداخت و دستور داد بساط را جمع کنند. سپس چهار هزار درهم به امام داد و آن حضرت را با احترام به منزلش بازگرداند. (۱)

### زیارت حرم حسینی

ابوهاشم جعفری می گوید: همراه محمدبن حمزه به عیادت امام هادی علیه السلام که بیمار بود رفتیم. امام فرمود: با مال من گروهی را به «حائر حسینی» بفرستید [تا برای شفای من دعا کنند] ما از نزد امام خارج شدیم. محمدبن حمزه گفت: ما را به حرم امام حسین می فرستد، در حالی که خود او (در شأن و مرتبت) همچون صاحب حرم است! برگشتم و سخن او را با امام در میان گذاشتم. فرمود: مطلب آنگونه که او می پندارد، نیست. خداوند جایگاه هایی دارد که دوست دارد در آن جایگاه ها عبادت شود و «حائر حسینی» از جمله این مکانهاست. (۲)

ص: ۲۳۶

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۱۱ و ۲۱۲؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۸.

۲- (۲) ابن قولویه، کامل الزیارات، باب ۹۰، ص ۲۷۳.

امام، ضمن این توصیه ها می خواستند اشتیاق شیعیان به زیارت امام حسین علیه السلام از میان نرود و فشار حکومت هم آن قدر زیاد بود که برای زیارت اجازه نمی دادند. از این رو امام در قالب دعا برای شفای خود، شیعیان را به این زیارت می فرستاد.

### زمینه سازی برای عصر غیبت

امام دهم علیه السلام از اوضاع دوران خود و دوران فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام به خوبی آگاهی داشت. آن حضرت می دید روز به روز بر فشار و اختناق، افزوده و حساسیت دستگاه خلافت نسبت به امامان شیعه بیشتر می گردد و همین امر در آینده نزدیک، تاریخ امامت را در آستانه تحوّل جدید و بی سابقه<sup>۱</sup> یعنی غیبت امام دوازدهم قرار می دهد. لذا یکی از محورهای کاری امام هادی علیه السلام آماده ساختن اذهان شیعیان نسبت به غیبت نوه بزرگوارش حضرت مهدی (عج) بود.

در روایتی، عبدالعظیم حسنی، عقاید خود را به امام هادی علیه السلام عرضه می داشت. ایشان نام یکایک امامان را برد و چون به امام هادی رسید درنگ نمود. آنگاه امام، سخن وی را پی گرفت و فرمود:

«پس از من حسن است، پس مردم با جانشین او چگونه خواهند بود؟» عبدالعظیم پرسید: چگونه سرورم؟ فرمود: «زیرا او دیده نمی شود و جایز هم نیست نام او برده شود تا زمانی که قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان سان که از ظلم و جور پر شده است.»<sup>(۱)</sup>

ص: ۲۳۷

---

۱- (۱) کمال الدین، ج ۲، صص ۳۷۹ و ۳۸۰.

اشاره

امام هادی علیه السلام هفت سال پس از متوکل زنده بود و در این دوران، فشار دستگاہ خلافت نسبت به آن حضرت کمتر شد. امام علیه السلام در میان مخالفان حکومت عباسی شناخته شده بود. لذا معتز در صدد قتل آن حضرت برآمد و مسمومش کرد.

روز دوشنبه بیست و پنجم جمادی الاخر سال ۲۵۴ هجری بود که زهر در بدن حضرت اثر گذاشت و رو به سمت قبله سوره هایی از قرآن را تلاوت فرمود. آنگاه به امامت امام حسن عسکری تصریح کرد و به آن حضرت وصیت نمود تا عهده دار مراسم کفن و دفنش گردد و بر بدنش نماز بگزارد و در خانه خود دفن نماید. (۱)

سرانجام، امام هادی علیه السلام پس از ۳۳ سال امامت و ۴۱ سال و اندی زندگی، چشم از دنیا فرو بست. (۲)

امام حسن عسکری علیه السلام پیش از آنکه بدن مطهر را برای تشییع بیرون ببرند، بر پیکر پدر نماز گزارد. در شهادت حضرت، شهر سامرا را غم جانسوزی فراگرفت و بازار شهر تعطیل شد. در پیشاپیش جنازه، وزرا، علما، قضات، سران سپاه و سایر افراد دودمان عباسی شرکت داشتند. امام حسن عسکری علیه السلام در

ص: ۲۳۸

---

۱- (۱) اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۹.

۲- (۲) برخی روز سوم رجب سال ۲۵۴ را روز شهادت امام می دانند. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۱۷-۱۱۴.

حالی در جمع تشیع کنندگان حضور یافت که سر مبارک خود را برهنه کرده بود. (۱)

پس از مراسم تشیع، به دستور معتز، احمد بن متوکل بر جنازه مطهر امام نماز خواند (۲) و سپس برای دفن به منزل آن امام برده شد. امام حسن عسکری علیه السلام وارد قبر شد و در حالی که قطرات اشک بر صورتش جاری بود، پیکر مقدس پدر را به خاک سپرد. (۳)

### زیارت جامعه کبیره

زیارت جامعه کبیره از مشهورترین زیارتنامه های ائمه اطهار علیهم السلام از امام هادی علیه السلام نقل شده است. امام در این زیارت، به معرفی جایگاه و شناسایی ابعاد وجودی امامان معصوم در نظام آفرینش و نقش هدایتگر آنان در به کمال رساندن استعدادها و سیراب کردن تشنگان از سرچشمه های زلال معرفت و دانش پرداخته اند. آن امام همام در بیانی ژرف و قالبی رسا و عارفانه از گوشه هایی از اسرار نهفته امامت پرده برداشتند و تنها راه سعادت و دستیابی به کمال را در پیروی از آنان و چنگ زدن به ریسمان محبتشان و کناره گیری و بیزاری از دشمنانشان دانسته اند. (۴)

ص: ۲۳۹

---

۱- (۱) اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۹؛ تحلیلی از زندگانی امام هادی، ص ۴۸۷.

۲- (۲) اعیان الشیعه، همان؛ دهمین خورشید امامت امام هادی، ص ۱۴۸.

۳- (۳) اعیان الشیعه، همان؛ تحلیلی از زندگانی امام هادی، ص ۴۸۸.

۴- (۴) علی رفیعی، دهمین خورشید امامت، امام هادی، ص ۱۱۲.

اشاره

در یک نگاه کلی، می توان زندگی آن حضرت را این گونه از نظر گذراند:

نام: حسن علیه السلام.

کنیه: ابومحمد.

لقب: عسکری که مشهورترین لقب آن امام است (۱).

پدر و مادر: امام هادی علیه السلام و مادرشان بانوی بزرگوار سلیل (سوسن، حدیث) (۲).

زمان و مکان ولادت: روز جمعه هشتم ماه ربیع الثانی سال ۲۳۲ هجری در مدینه منوره (۳).

ص: ۲۴۰

---

۱- (۱) چون آن حضرت در شهر سامرا و در اردوگاه نظامی تحت نظر خلیفه عباسی می زیست به عسکری ملقب شد. (بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۱۳ و ج ۳۶، ص ۳۱۲).

۲- (۲) کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۹۷؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۰۱.

۳- (۳) بعضی از مورخان روز ولادت آن حضرت را دهم ربیع الثانی و بعضی نیز از روزهای دیگری نام برده اند. برخی ولادت ایشان را در روستای «صاریا» از

نقش انگشتر: انالله شهید.

اولاد: یک فرزند.

مدت امامت: شش سال.

زمان و مکان شهادت: جمعه هشتم ربیع الأول سال ۲۶۰ هجری، سامراء.

سبب شهادت: خوراندن زهر به وسیله معتمد عباسی.

عمر شریف: ۲۸ سال.

مرقد مطهر: سامراء.

دوران عمر: ۲۲ سال قبل از امامت، از سال ۲۳۲ تا ۲۵۴ هـ. ق، دوران امامت شش سال از سال ۲۵۴ تا ۲۶۰ هـ. ق همزمان با خلافت مهتدی و معتمد عباسی.

### فعالیت های علمی امام حسن عسکری علیه السلام

(۱)

امام حسن عسکری علیه السلام در طول دوران کوتاه عمر پر بارشان، قدم های بزرگی در راه نشر و گسترش معارف، احکام و علوم اسلامی برداشتند. در این مدت عده بسیاری از علاقه مندان به معارف و علوم دینی، از نقاط دور و نزدیک جهان اسلام آن روز، به پیشگاه آن بزرگوار شرفیاب می شدند و از انوار

ص: ۲۴۱

---

۱- (۱) این بخش و بحث فعالیت های سیاسی امام با تلخیص و اضافاتی از برخی نویسندگان اقتباس شده است.

علوم آن حضرت توشه هدایت برمی گرفتند. تاریخ، نام بیش از صد تن از آنان را در حافظه خود نگه داشته است (۱). از جمله اقدامات علمی آن حضرت، تعیین وکیل و نماینده از میان شخصیت های برجسته و با فضیلت شیعه برای ارتباط علمی با مردم بود. امام عسکری علیه السلام از این راه، مشکلات علمی و مذهبی مسلمانانی را که به امام دسترسی نداشتند حل کرد و شبهات اسلام ستیزان یا مخالفان اهل بیت علیهم السلام را پاسخ دادند.

مکاتبه با شیعیان، از دیگر فعالیت های امام حسن عسکری علیه السلام در جهت گسترش علوم اسلامی و حل مشکلات علمی آنان بود. از نقاط دور و نزدیک جهان اسلام، سؤال های فراوانی در مورد اصول و فروع دین به امام می رسید و آن حضرت، بعد از نوشتن پاسخ، به وسیله پیک های مخصوص، آنها را به سؤال کنندگان می رساند. ابوالادیان، از جمله کسانی است که نامه ها و مراسلات امام را به شهرها و مناطق مختلف اسلامی می رساند. (۲)

از جمله فعالیت های علمی امام علیه السلام دروس تفسیر قرآن مجید است که آن حضرت در طول سال های ۲۵۴ تا ۲۶۰ هـ - ق. بر ابویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن یسار از ثقات شیعه، املا کرده است. شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هـ - ق) این دروس را از طرق مختلف از ابویعقوب یوسف و ابوالحسن علی بن یسار نقل روایت می کند.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «الذریعه» طی استدلال مفصلی در ده صفحه این تفسیر را از امام حسن عسکری، یقینی و مسلّم و غیر قابل انکار می داند.

ص: ۲۴۲

---

۱- (۱) اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۰.

۲- (۲) منقاب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۳۲، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۲.



این تفسیر دو جلد چاپ شده که جلد اول آن مشتمل بر تفسیر استعاذه، سوره فاتحه و سوره بقره تا آیه ۱۰۸ است و جلد دوم شامل آیات متفرقه از سوره بقره از جمله آیه ۱۵۳ و آیه ۲۸۳ می باشد. (۱)

## فعالیت های سیاسی امام علیه السلام

### اشاره

امام حسن عسکری علیه السلام در طول زندگی خود، با شش نفر از خلفای بنی عباس هم عصر بود. دوران امامت شش ساله آن حضرت (از سال ۲۵۴ تا سال ۲۶۰ هـ - ق) نیز با سه خلیفه عباسی، یعنی المعتز، المهتدی و المعتمد مقارن بود. (۲) و از سخت ترین دوران های زندگی آن امام معصوم و شیعیان به شمار می آید.

خلفای بنی عباس مانند خلفای بنی امیه گرفتار انواع هوس ها و آرزوهای نامشروع شده و حکومت بر مسلمانان را وسیله ای برای خوشگذرانی و رسیدن به مطامع دنیوی خود قرار داده بودند. در این میان، خلفای عباسی امامان معصوم را سدّ راه خواسته های نامشروع خود می دانستند، از این رو نسبت به آنان و شیعیان با شیوه های مختلف ارباب، حبس، قتل، تبعید، محاصره اقتصادی و امثال آن، سخت می گرفتند. این اعمال فشارها و محدودیت ها در عصر امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام به اوج خود رسید و شدت آن به

ص: ۲۴۳

---

۱- (۱) دایره المعارف تشیع، ج ۴، ص ۴۸۹.

۲- (۲) المتوکل بالله از سال ۲۳۲ هـ - ق. تا سال ۲۴۷، المنتصر بالله از ۲۴۷ تا ۲۴۸، المستعین بالله از ۲۴۸ تا ۲۵۲، المعتز بالله از ۲۵۲ تا ۲۵۵، المهتدی بالله فقط در سال ۲۵۵ و المعتمد بالله از ۲۵۶ تا ۲۷۹، خلافت کردند.

قدری بود که آن سه پیشوای بزرگ در سن جوانی به شهادت رسیدند. امام جواد علیه السلام در ۲۰ سالگی، امام هادی علیه السلام در ۴۱ سالگی و امام حسن عسکری علیه السلام نیز در ۲۸ سالگی به دست حاکمان عباسی شهید شدند. البته امام حسن عسکری علیه السلام دو ویژگی مهم داشتند که موجب ظلم بیش از پیش خلفای بنی عباس بر آن حضرت و شیعیانش شد. این دو ویژگی مهم عبارت بود از:

## ۱. قوت یافتن شیعیان

شیعیان و اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام در سایه تعلیمات و ارشادهای روح بخش و آگاهی آفرین مستمر آن حضرت، روز به روز آگاه تر و منسجم تر شده، قدرتمندتر می شدند؛ شیعیانی که اعتقاد راسخ داشتند حکومت بنی عباس مانند حکومت بنی امیه، حکومتی نامشروع است و آن را حق مسلم اهل بیت می دانستند. از سوی دیگر، خلفای بنی عباس هم از قوت گرفتن شیعیان هراس داشتند و می دانستند که اگر ارتباط امام حسن عسکری علیه السلام با مردم بیشتر شود، به یقین در سایه روشنگری آن حضرت، شیعیان به خود آمده، آماده هرگونه جان فشانی و ایثار خواهند بود و بساط ستم حاکمان عباسی را برخواهند چید. از این رو هرگونه اعتراضی را سرکوب می کردند و با انواع شکنجه، حبس، قتل، محاصره اقتصادی، تحقیر و مانند آن، به تضعیف شیعیان می پرداختند.

## ۲. مسئله مهدویت

خلفای بنی عباس با استفاده از روایات نبوی صلی الله علیه و آله به خوبی می دانستند که از امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی متولد خواهد شد و بساط ظلم و جور را برخواهد چید و او همان قائم آل محمد (عج) است. از این رو، پیوسته مراقب

وضع زندگی آن حضرت بودند و به طور جدی اخبار منزل آن حضرت را بررسی می کردند تا اگر فرزندی متولد شد، او را از بین ببرند.

## اقدامات خلفای عباسی علیه امام حسن عسکری علیه السلام و شیعیان

### اشاره

خلفای بنی عباس علیه امام حسن عسکری علیه السلام و شیعیان آن حضرت، دست به اقدامات ذیل زدند:

### ۱. سرکوب شیعیان

حاکمان عباسی، هرگونه اعتراض و حق خواهی را با شدیدترین وجه سرکوب می کردند. در حکومت المعتز بالله، بیش از هفتاد نفر از علویان و فرزندان جعفر طیار و عقیل بن ابی طالب را که در حجاز قیام کرده بودند، اسیر کرده، به سامرا بردند. (۱) همچنین شیعیان قم که به حق خواهی اهل بیت علیهم السلام برخاسته بودند، به وسیله والی قم، موسی بن یحیی، سرکوب شدند. در حکومت المعمد بالله نیز گروهی دیگر از علویان به شهادت رسیدند و برخی از آنان به فجیع ترین وضع کشته می شدند تا آنجا که پس از کشتن، دست و پا و گوش و بینی آنها را می بریدند. (۲)

کشتار مخالفان، زندان، تعقیب، محاصره اقتصادی و در یک کلام، ظلم و ستم های حاکمان عباسی آن چنان فراوان و گسترده بود که هر حق طلبی را با کمترین بهانه ای سرکوب می کردند. حتی بسیاری از شاعران، وضعیت نامطلوب

ص: ۲۴۵

---

۱- (۱) مروج الذهب، ج ۴، ص ۹۱.

۲- (۲) پیشوای یازدهم، مؤسسه در راه حق، ص ۹.

زمان خود را به این مضمون بیان می کرده اند که: «آشکارا ستم می کنند و مردم پیوسته در هراس اند».

## ۲. قطع ارتباط شیعیان با امام

از جمله اقدامات ستمگرانه حاکمان عباسی، تحت تعقیب قرار دادن شیعیان و کسانی بود که به نحوی می خواستند با امام حسن عسکری علیه السلام رابطه برقرار کنند. از این رو دوستان و شیعیان، به سختی می توانستند با آن حضرت در تماس باشند؛ به گونه ای که گاه مدت ها منتظر فرصت مناسب می ماندند تا با امام ملاقات کنند. گاهی نیز از باب تقیه، شیعه بودن خود را انکار می کردند تا مبادا مورد بازجویی قرار گرفته، گرفتار شوند و گاه شغل خاصی را انتخاب می کردند تا بتوانند رابطه خود را با امام حفظ کنند؛ مثل عثمان بن سعید عمری که به روغن فروشی روی آورد. (۱)

## ۳. زندانی کردن امام علیه السلام

پافشاری امام حسن عسکری علیه السلام در راه حق و عدالت و سازش ناپذیری آن حضرت با خلفای ستمگر عباسی، همواره موجب کینه توزی و شدت عمل آنان نسبت به آن حضرت می شد، از همین رو، آن حضرت را بارها زندانی کردند.

المهتدی بالله، خلیفه عباسی، در سال ۲۵۵ هـ. ق. دستور بازداشت امام علیه السلام را صادر کرد و به صالح بن وصیف سپرد تا آن حضرت را زندانی کند و بر وی حضرت سخت گیرد. یک بار دیگر هم آن حضرت در زندان «عزیر»

ص: ۲۴۶

از وابستگان ظالم خلفای عباسی محبوس شد. او بر امام سخت می گرفت و آزار می رساند؛ روزی زن عزیر به او گفت:

از خدا بترس، تو نمی دانی چه شخصی در منزل توست! (آن زن، عبادت و شایستگی امام را بیان کرد) و گفت: از ستمی که بر او روا می داری بر تو می ترسم. عزیر گفت: به خدا قسم او را در میان درندگان می افکنم. او پس از آنکه از مقامات بالا اجازه گرفت، امام را به میان درندگان افکند و شکی نداشت که درندگان، آن حضرت را هلاک می کنند. اما وقتی به سراغ امام آمد، ایشان را سالم یافت؛ در حالی که مشغول نماز بود و درندگان اطراف آن حضرت را گرفته بودند؛ از این رو دستور داد تا آن حضرت را به زندان برگردانند. (۱)

امام حسن عسکری علیه السلام در زمان خلافت المعتمد بالله نیز زندانی شد. آن حضرت همراه برادرش جعفر، نزد علی بن جرین زندانی شدند. خلیفه پیوسته از وضع امام جو یا می شد. روزی از علی بن جرین، زندانبان امام از احوال آن حضرت گزارش خواست. او در جواب گفت: روزها را روزه می گیرد و شب ها را به نماز و عبادت می گذراند. (۲)

### تدابیر امنیتی امام عسکری علیه السلام

#### اشاره

امام حسن عسکری علیه السلام با درایتی کم نظیر، در برابر ستم حاکمان عباسی ایستاد و در حفظ اسلام و شیعیان کوشید و در این راه متحمل زحمات بسیار شد. اقدامات آن حضرت عبارت بود از:

ص: ۲۴۷

---

۱- (۱) الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۴.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۳؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۰۴.

## ۱. ارتباط مستمر و منظم با شیعیان

شهرهای کوفه، مدائن، یمن، بغداد، ری، آذربایجان، نیشابور، قم، سامرا، گرگان و بصره از پایگاه های شیعیان بودند. حاکمان عباسی نیز بیشترین حساسیت را نسبت به این شهرها داشتند و همواره می کوشیدند دستداران مکتب اهل بیت را در تنگنا قرار دهند. امام علیه السلام برای حفظ شیعیان این مناطق، شبکه ارتباطی قوی و مستحکمی را ایجاد کرد. توضیح اینکه گستردگی و پراکندگی مراکز تجمع شیعیان، وجود سازمان ارتباطی و منطقی را ایجاب می کرد تا پیوند شیعیان را با حوزه امامت و نیز ارتباط آنان را با یکدیگر برقرار سازد و از این رهگذر، آنان را از نظر دینی و سیاسی، رهبری و سازماندهی کنند. آن حضرت نمایندگان از چهره های درخشان و شخصیت های برجسته شیعه برگزید و در مناطق متعدد منصوب کرد و به وسیله آن با شیعیان ارتباطی مستمر برقرار کرد. از جمله این نمایندگان می توان به ابراهیم بن عبده، نماینده امام در نیشابور و احمد بن اسحاق بن عبدالله قمی اشعری نماینده آن حضرت در قم اشاره کرد. (۱)

## ۲. فعالیت های سَری

داوود بن اسود، خدمتگزار امام حسن عسکری علیه السلام می گوید:

روزی امام مرا خواست و چوب مدوّر و بلند و ضخیمی مانند پایه در، به من داد و فرمود: این چوب را بگیر و نزد عثمان بن سعید ببر و به او بده. من چوب را گرفته، راهی شدم. در راه به آب فروشی برخوردم،

ص: ۲۴۸

قاطر او راه مرا بست. آب فروش از من خواست، حیوان را کنار بزنم، من نیز چوب را بلند کردم و به قاطر زدم، در این حال چوب ترک خورد و من وقتی محل ترک خوردگی آن را نگاه کردم، دیدم نامه های زیادی درون چوب جاسازی شده است. (۱)

این جریان نشان می دهد که آن حضرت فعالیت گسترده و در عین حال سزای در جهت مقابله با توطئه ها و ستم های خلفای عباسی انجام داده است.

### ۳. هشدار و راهنمایی شیعیان

از اقدامات مهم امام حسن عسکری علیه السلام که بیشتر اوقات با کرامات آن حضرت همراه می شد، اطلاع رسانی و آگاه کردن شیعیان از خطرات جانی بود که از ناحیه حاکمان عباسی متوجه آن شده بود. نمونه های این اقدامات بسیار است؛ از جمله ابوهاشم داوود بن قاسم جعفری می گوید:

ما چند نفر در زندان بودیم که امام و برادرش جعفر را وارد زندان کردند. برای عرض ادب و خدمت به سوی حضرت شتافتیم و گرد ایشان جمع شدیم. در زندان، مردی جمعی بود و ادعا می کرد که از علویان است. امام متوجه او شد و فرمود: اگر در جمع شما فردی که از شما نیست وجود نداشت، می گفتم که در چه زمانی آزاد خواهید شد. بعد از بیرون رفتن آن مرد، فرمود: این مرد از شما نیست، از او حذر کنید. او گزارش شما و هر چه را که شما با هم گفته اید برای خلیفه تهیه کرده و هم اکنون در میان لباس های اوست. یکی از

ص: ۲۴۹

حاضران لباس های او را تفتیش کرد و گزارش را یافت که مطالب مهم و خطرناکی را درباره ما نوشته بود.<sup>(۱)</sup>

در روایتی دیگر نیز چنین آمده است:

ما گروهی بودیم که وارد سامرا شدیم و در پی فرصتی بودیم که امام از منزل خارج شود تا بتوانیم او را در کوچه ببینیم. در این هنگام نامه ای به این مضمون از طرف امام به ما رسید که: «اگر من از خانه خارج شدم، هیچ کدام از شما بر من سلام نکنند، هیچ کس از شما به سوی من اشاره نکند؛ زیرا برای شما خطر جانی دارد».<sup>(۲)</sup>

عبدالعزیز بلخی هم می گوید:

روزی در خیابان منتهی به بازار گوسفند فروش ها نشسته بودم و امام حسن عسکری علیه السلام را که به سوی دروازه شهر حرکت می کرد، دیدم. در دلم گفتم: خوب است فریاد بزنم! این حجت خداست، او را بشناسید، ولی با خود گفتم: در این صورت مرا می کشند! وقتی امام به کنار من رسید و من به او نگریستم، آن حضرت انگشت سبابه را بر دهان گذاشت و اشاره کرد که سکوت کن! من به سرعت پیش رفتم و بر پاهای آن حضرت بوسه زدم. فرمود: مواظب باش، اگر فاش کنی (که شیعه هستی) کشته می شوی! شب آن روز به حضور امام رسیدم، فرمود: «باید رازداری کنید و گرنه کشته می شوید، خود را به خطر نیندازید».<sup>(۳)</sup>

ص: ۲۵۰

---

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۲.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹.

۳- (۳) همان، ص ۲۹۰.



امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به شیعیان چنین پیام دادند:

شما را به تقوای الهی، پرهیزگاری در دین، کوشش در راه خدا، راستگویی، ادای امانت به آنکه چیزی به شما سپرده است؛ خواه نیکوکار باشد و خواه بدکار، طول دادن سجده ها و رفتار خوب با همسایگان - که پیامبر صلی الله علیه و آله بدان مبعوث شده است - سفارش می کنم.

در میان جماعت آنان (اهل سنت)، نماز بخوانید، مردگان آنها را تشییع کنید، از بیمارانشان عیادت کنید و حقوق آنان را پردازید.

هنگامی که کسی از شما در دین پرهیزگار باشد؛ در گفته هایش راست بگوید؛ امانتداری درستکار باشد و با مردم خوش خلقی کند، می گویند: او شیعه است و این مرا خشنود می کند.

از خدا بترسید و زینت ما باشید نه خار چشم ما، هر نیکی را به سمت ما آورید و هر زشتی را از ما دور کنید. هر خوبی که گفته می شود، در ماست و هر بدی که به ما نسبت داده می شود ما از آن دور هستیم. حق ما در کتاب خداوند، مخصوص، و پیوند ما با رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار و طهارت ما به وسیله پروردگار، عیان است. (به طوری که) کسی جز ما نمی تواند چنین ادعایی کند، مگر دروغگو. همواره نام خدا را به یاد آورید و مرگ را فراموش نکنید. پیوسته قرآن بخوانید و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستید که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله، ده حسنه دارد. وصایای مرا حفظ کنید. شما را به خدا می سپارم و به شما سلام می رسانم. (۱)

ص: ۲۵۱

امام حسن عسکری علیه السلام در نامه ای خطاب به ابوالحسن علی بن حسین بن موسی معروف به ابن بابویه قمی مردم را به هر آنچه که تأمین کننده کمال آنهاست، دعوت می فرماید. متن نامه چنین است:

به نام خداوند بخشنده مهربان، سفارش می کنم (تو را) به پرهیزکاری در پیشگاه خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات؛ زیرا نماز کسی که زکات نمی پردازد، پذیرفته نیست.

و به تو سفارش می کنم که از خطای مردم درگذری و خشم خویش را فروبری، و به خویشاوندان صله و رسیدگی نمایی، و با برادران مواسات کنی و در رفع نیازهای آنان، در سختی و آسایش بکوشی، و در برابر نادانی و بی خردی افراد، بردبار باشی، و در دین ژرف نگر و در کارها استوار و با قرآن آشنا باشی، و اخلاق نیکو پیشه سازی و امر به معروف و نهی از منکر کنی. خدای متعال می فرماید:

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ ۗ

از همه بدی ها و زشتی ها خودداری کن. و بر تو باد که نماز شب بخوانی، همانا پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام سفارش کرد که:

«يَا عَلِيُّ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ ، عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ ، عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ ، وَ مِنْ اسْتَحْفَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فَلَيْسَ مِنَّا...» ای علی، بر تو باد

خواندن نماز شب، بر توباد نماز شب، بر توباد نماز شب و کسی که نماز شب را سبک بشمارد از مانیست».

پس به وصیت من عمل کن و به شیعیان من نیز دستور بده آنچه به تو فرمان دادم همان طور عمل کنند.

بر توباد که صبر و شکیبایی ورزی و منتظر فرج باشی، همانا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برترین اعمال امت من، انتظار فرج است. پیوسته شیعیان ما در حزن و اندوه خواهند بود تا فرزندم (امام قائم علیه السلام) ظاهر شود، همان که پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت داد زمین را از قسط و عدل پر می کند؛ همچنانکه از ظلم و جور پر شده است.

ای بزرگمرد و مورد اعتماد من، صبر پیشه کن و شیعه مرا به صبر فرمان ده، همانا زمین از آن خداست که بزرگان خود را وارث آن می سازد و سرانجام نیکو، برای پرهیزکاران است.

سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو و بر همه شیعیانم باد!

حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ. (۱)

### شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

معمد عباسی نفوذ معنوی و علمی امام حسن عسکری علیه السلام را در جامعه به خوبی درک کرده بود. وی می دانست که ادامه حیات آن حضرت همراه با سرنگونی حکومت ظالمانه او خواهد بود. از این رو تصمیم به قتل آن حضرت گرفت و مخفیانه توسط عمال خود در اوّل ربیع الاول سال ۲۶۰ هـ - ق. آن

ص: ۲۵۳

بزرگوار را مسموم نمود. امام حسن عسکری علیه السلام بعد از چند روز تحمل درد مسمومیت در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسید.

خلیفه عباسی و عاملان او سعی زیادی به کار بستند تا شهادت آن حضرت را طبیعی جلوه دهند، ولی این حقیقت بر شیعیان مخفی نماند. به هر حال، خبر شهادت آن حضرت در سامرا، به زودی پیچید. مردم به حرکت درآمدند و شهر سراپا فریاد و ناله گردید و بازار و مغازه ها بسته شد. خواص و عوام حتی از درباریان و مخالفان اهل بیت (علیهم السلام) در تشییع جنازه آن حضرت شرکت کردند و حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام بر جنازه آن حضرت نماز خواند.

ابوالادیان پیکر مخصوص امام حسن عسکری علیه السلام می گوید:

وقتی پیکر امام حسن عسکری علیه السلام را غسل و کفن کرده، در تابوت گذاشتند، جعفر (برادر امام) پیش رفت تا بر جنازه امام نماز گزارد. وقتی خواست تکبیر نماز را بگوید، ناگاه کودکی گندمگون و سیاه موی که دندان های پیشین وی قدری با هم فاصله داشت (از اتاق مشرف بر حیاط منزل امام) بیرون آمد و لباس جعفر را گرفت و او را کنار کشید و گفت: عمو! کنار برو، من باید بر پدرم نماز بخوانم. جعفر در حالی که قیافه اش دگرگون شده بود، کنار رفت، آن کودک (امام قائم عج) بر جنازه امام نماز خواند و حضرت را در خانه خود در کنار قبر پدرش امام هادی علیه السلام دفن کردند. (۱)

ص: ۲۵۴

---

۱- (۱) منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۳۲؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۲.

مرحوم شیخ طوسی، از ابوهاشم جعفری، از امام حسن عسکری علیه السلام نقل می کند که فرمود: «قبر من در «سرّ من رأی» امان (از بلاها و عذاب الهی) برای هر دو گروه است».

منظور امام از دو گروه، شیعه و اهل سنت بودند که در آنجا ساکن اند. طبعاً معنای این روایت آن خواهد بود که برکت قبر مطهر آن حضرت، برکت عامی است که همه را احاطه کرده است، چنان که قبر موسی بن جعفر علیه السلام امان برای همه اهالی بغداد است.

شیخ طوسی در «امالی» از بعضی نقل می کند: خدمت امام هادی علیه السلام عرض کردم: ای آقای من! دعایی به من بیاموز که از طریق آن به خدای عزوجل نزدیک شوم، فرمود:

دعایی که اکنون برایت نقل می کنم دعایی است که بسیاری از اوقات با آن، خدا را می خوانم و از خداوند عزوجل خواسته ام کسی که در حرم من این دعا را بخواند، مأیوس برنگردد؛ آن دعا این است:

يَا عُدَّتِي عِنْدَ الْعُدْدِ، وَيَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمِدَ، وَيَا كَهْفِي وَالسَّنَدَ، يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ، وَيَا قُلُّهُوَ اللَّهُ أَحَدُ، اسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ لَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا صَلِّ عَلَيَّ جَمَاعَتِهِمْ، وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا. وَ بِي جَاي «وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا» حَاجَتِش رَا بَخَوَاهِد. (۱)

ص: ۲۵۵



## فصل چهارم: فلسفه، احکام و آداب زیارت

اشاره

ص: ۲۵۷





... فَأَخْلَعُ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۱

زیارت در فرهنگ اسلامی جایگاهی والا و سابقه ای دیرینه دارد. فقیهان و عالمان دین، زیارت خانه خدا را برای مستطیعان واجب و آن را همراه با زیارت مرقد مطهر نبوی و امامان پاک علیهم السلام از مستحبات مؤکد دینی شناخته اند.

ابراز محبت به انبیا و اولیای الهی، اعلام بیعت و اطاعت از رهبران آسمانی، نمایش هم فکری و همراهی زائران با زیارت شونندگان و خفتگان در آستان های ملکوتی، بخشی از انگیزه های زیارت است.

عشق درونی به اولیای الهی، نیاز انسان به دعا و نیایش، علاقه انسان به سیر و سفر و گردش علمی، پناه بردن به پایگاه های امن و امان در برابر خطرات فردی و اجتماعی، و روا شدن حوایج و نیازها، به برکت توکل و استمداد از ارواح پاک و مقدس، از اموری است که در طول تاریخ، بزرگ ترین انگیزه انسان ها در ایجاد بارگاه ها، و سیر و سفر برای زیارت اولیای الهی بوده است.

زائران، با حضور در مزار و محضر انبیا و امامان و امامزادگان، خود را شناور در دریای رحمت و محبت الهی احساس می کنند. گویا با زیارت، گرد و غبار خستگی و ناپاکی را از روح و روان خویش می شویند و احساس طهارت و نشاط و صفا و امید بیشتری می کنند.

زیارت در اسلام، به ویژه در فرهنگ غنی تشیع، از جایگاه والایی برخوردار است. اولیای الهی علیهم السلام نیز پیروان خود را دعوت به زیارت کرده اند و پاداش فراوانی برای «زائر» برشمرده اند.

در زیارت، پیش از برهان و فلسفه چینی، شور و عشق و محبت نهفته است، و آنچه زائر را به پیمودن راه ها و طی مسافت ها و تحمل رنج سفر و بیم بادیه و استقبال از خوف و خطر وا می دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست، و اگر محبت آمد، ملال از بین می رود، و اگر عشق آمد، خستگی رخت بر می بندد.

آنچه در راه طلب خسته نگردد هرگز پای پر آبله و بادیه پیمای من است

شوق دیدار محبوب، انسان نشسته را حرکت می بخشد و ساکن را به هجرت وا می دارد و «عافیت طلب» را بادیه پیمای می سازد، به خصوص اگر عشق راستین به خدا باشد که معشوق کامل و محبوب مطلق است و پیوند با او، سوزنده و سازنده خواهد بود.

داغ محبت خدا و رسولش و اهل بیت علیهم السلام بر سینه داشتن، با رنج ها و مشقت هایی همراه است. مگر می توان از دشت ها به سوی خانه و دیار محبوب گذر کرد و تیغ بیابان را در پای ندید. اما با این حال، هر چه از دوست رسد نکوست.

در فرهنگ والای تشیع، معشوق های برین، خدا و رسول و ائمه اطهار علیهم السلام اند و در مراتب بعد صدیقین، شهیدان و پاکمردانی هستند که در

راه احیای مکتب، جان در طبق اخلاص نهادند و لایق محبت شدند. اساساً و به تعبیر زیبای امام صادق علیه السلام دین هم بر پایه محبت می چرخد:

«هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ (۱)؛ آیا دین، چیزی جز محبت است؟»

آری، محبت، پشتوانه زیارت است و آنکه عشق و شوق دارد، به زیارت می رود.

وقتی به پیامبر خدا و امام معصوم و امام زادگان سلام می دهیم، آنان توجه دارند و جواب سلام ما را می دهند. در زیارتنامه ها، در موارد متعددی چنین تعابیری وجود دارد:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمِعُ كَلَامِي وَ تَشْهَدُ مَقَامِي؛ شهادت می دهم که تو سخن و کلام مرا می شنوی و شاهد این مقام و موقعیت زیارت من هستی».

در این خصوص از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ فِي الْأَرْضِ يُبَلِّغُونِي عَنْ أُمَّتِي السَّلَامَ (۲)؛ برای خدا فرشتگانی است که در زمین می گردند و سلام ها و دروهای ائمت را بر من می رسانند».

در روایت دیگری نیز فرموده است:

«مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَرْضِ أُبَلِّغْتُهُ وَ مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ عِنْدَ الْقَبْرِ سَمِعْتُهُ (۳)؛ هر که بر من سلام دهد، از هر سرزمینی که باشد، به من رسانده می شود و اگر در کنار قبرم سلام بدهد، آن را می شنوم».

ص: ۲۶۱

---

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۳۷.

۲- (۲) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۸.

۳- (۳) همان.

هنگامی که زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله در حال مرگ و حیات آن وجود مبارک یکسان است و آن حضرت و دیگر معصومین علیهم السلام به سلام ما پاسخ می دهند، سلام دادن بر آنان چه از نزدیک و چه از دور، چه با صدای بلند و چه آهسته، ارتباطی روحی و معنوی است و مگر می شود انبیا و معصومین علیهم السلام سلام و تحیت ما را بشنوند و هیچ بذل توجهی به ما نداشته باشند؟!

زیارت، نشانه جهت گیری انسان و الهام بخش و آموزنده است؛ الهام گرفتن از اسوه هاست؛ خط دهنده است؛ تعظیم شعائر است؛ تقدیر از فداکاری ها و تجلیل و گرامی داشت فضیلت هاست؛ زمینه ساز شناخت و تربیت و بالا برنده است و تعالی بخش انسان خواهد بود.

### زیارت، تجدید عهد با امامت

زیارت، تجدید عهد با «خط امامت»، میثاق با «خون شهید»، پیمان با «محور توحید» و بیعت با «رسالت» و «وحی» است. امام هشتم شیعیان جهان، در مورد عهد و پیمانی که هر امامی بر گردن رهروان خود دارد، فرموده است:

...لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ ، فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أَيْمَنَّهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱)

برای هر امامی به گردن شیعیان و هوادارانش پیمانی است از جمله وفای به این پیمان، زیارت قبور آنان است. پس هر کس از روی

ص: ۲۶۲

رغبت و پذیرش، آنان را زیارت کند، امامان در قیامت شفیع ایشان خواهند بود.

بر اساس همین وفای به عهد است که شیعه، همواره در احیای نام و یاد و زیارت قبور اولیای دین، چه رنج‌ها که کشیده و چه شهیدها که داده است. اکنون نیز این خط ایثار و شهادت دوام دارد و زیارت، ادامه همین خط است و تَبْرُك و تَوْسَل و استشفاع و استشفاع، فیض‌گیری از آن معنویات است؛ همان‌گونه که سیره و روش گذشتگان صالح ما نیز همین بوده است.

با تَوْسَل به ارواح مطهر پیشوایان معصوم علیهم السلام است که زیارت معنا می‌یابد. بدین ترتیب، قبولی اعمال عبادی ما، بدون «استشفاع» و «توسل» و بدون عرض ارادت و «مودت» به آستان اقدسشان، بی‌ثمر و قاصر از وصول به هدف است؛ چنانکه اشرف انبیا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در این باره چنین فرموده اند:

... وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعَمَلٍ سَبْعِينَ نَبِيًّا مَا قَبِلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ حَتَّى يَلْقَاهُ بِوَلَايَتِي وَوَلَايَةِ أَهْلِ بَيْتِي؛ (۱)

سوگند به آنکه جان محمد در دست اوست، اگر بنده‌ای در روز قیامت، عمل هفتاد پیغمبر را بیاورد، خدا آن را از وی نمی‌پذیرد تا اینکه با «ولایت» من و «ولایت» اهل بیت من، خدا را ملاقات نماید.

ص: ۲۶۳

رسول الله صلی الله علیه و آله در مورد آثار زیارت اهل قبور، به ابوذر فرمود:

«به تو وصیتی می کنم، این وصیت را نگهدار، شاید خدا تو را به دلیل رعایت وصیت، بهره مند گرداند؛ به زیارت قبور برو تا آخرت را به یاد تو آورد. البته روزها به زیارت قبور برو، نه شب هنگام».<sup>(۱)</sup>

آن حضرت در جای دیگری هم فرمود: «به زیارت اموات بروید و به آنان سلام کنید؛ زیرا از این کار درس عبرتی می گیرید».<sup>(۲)</sup>

همچنین از آن حضرت نقل شده است که:

«هر که هر جمعه یک بار کنار قبر پدر و مادر یا یکی از آن دو برود و زیارت کند، خداوند وی را می بخشد و نام او را در زمره نیکوکاران می نویسد».<sup>(۳)</sup>

آری زیارت قبور، سبب رقت قلب و جاری شدن اشک از چشم می شود و آخرت را به یاد شما می آورد.<sup>(۴)</sup>

همچنین در روایتی دیگر فرمودند: «به زیارت قبرها بروید تا یاد آخرت در شما زنده شود».<sup>(۵)</sup>

جناب کلینی نیز روایت کرده هر که به زیارت اهل قبور برود و بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

ص: ۲۶۴

۱- (۱) مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۲۹.

۲- (۲) مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۸۸.

۳- (۳) کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۶۸.

۴- (۴) همان، ج ۱۵، ص ۶۴۶.

۵- (۵) همان، ص ۶۴۰.

قدیر» (۱) خداوند همه قبرها را روشن فرماید و گوینده این کلمات را بیامرزد و برای او هزار هزار حسنه بنویسد و از او هزار هزار گناه بیامرزد و مقام او را دویست هزار درجه بالا برد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره زیارت اهل قبور این دعا را فرموده است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَآءِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ، مِنْ أَهْلِ لَآءِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ، يَا أَهْلَ لَآءِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ، بِحَقِّ لَآءِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ، كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَآءِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ، مِنْ لَآءِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ، يَا لَآءِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ، بِحَقِّ لَآءِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ، اغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَآءِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرِهِ مَنْ قَالَ لَآءِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ »

سپس فرمودند: هر کس این زیارت نامه را بخواند، خداوند ثواب پنجاه سال عبادت به او می دهد و گناهان پنجاه سال را از او و پدر و مادرش بیامرزد. (۲)

### آثار زیارت قبور پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام

امام صادق علیه السلام نقل فرموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ قَبْرَكَ وَ قَبْرَ وُلْدِكَ بِقَاعِ الْجَنَّةِ وَ عَرَصَهُ مِنْ عَرَاصَاتِهَا وَ إِنْ اللَّهُ جَعَلَ قُلُوبَ نُجَبَاءٍ مِنْ خَلْقِهِ وَ صَيَّفُوهُ عِبَادِهِ تَحِجُّ إِلَيْكُمْ وَ تَحْتَمِلُ الْمَذَلَّةَ وَ الْأَذَى فَيْكُمْ وَ يُعَمَّرُونَ وَ يَكْتُمُونَ زِيَارَتَهَا تَقَرُّبًا مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ وَ مَوَدَّةً مِنْهُمْ لِرَسُولِهِ ، أَوْلَيْكَ يَا عَلِيُّ

ص: ۲۶۵

۱- (۱) الكافي، ج ۵، ص ۳۷۰.

۲- (۲) مستدرک، ج ۲، ص ۳۶۹.

المَخْصُوصُونَ بِشَفَاعَتِي وَالْوَارِدُونَ حَوْضِي وَهُمْ زُؤَارِي غَدَا فِي الْجَنَّةِ...؛(۱)

ای اباالحسن، خدا قبر تو و قبرهای فرزندان تو را، بقعه‌هایی از بقاع بهشت قرار داده و دل‌های پاکان خلق خود را چنان به سوی شما گرایش داده است که در راه شما و تعمیر قبور شما، همه نوع ناملايمات و رنج‌هایی را تحمل می‌کنند و پیوسته به زیارت قبور شما می‌روند و بدین وسیله، به خدا تقرب می‌جویند و به رسول خدا عرض ارادت می‌نمایند.

علی جان! این افراد، به شفاعت من نایل می‌شوند و وارد حوض من می‌گردند؛ و فردا اینان، زائران و همسایگان من در بهشت خواهند بود.

علی جان! هر که قبور آنان (امامان) را تعمیر کرده، در محافظتش بکوشد، مثل آن است که در ساختن بیت المقدس، به سلیمان بن داوود کمک کرده باشد و ثواب زیارت قبور ائمه برابر با ثواب هفتاد حجّ پس از حجه الاسلام (حج واجب) می‌باشد و زائر هنگام بازگشت از زیارت شما، مانند روز ولادت از مادر، از معاصی پاک می‌شود. پس ای علی جان، خوشحال باش و دوستان خود را به نعمتی مژده ده که نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه بر قلب انسانی خطور کرده است...؛(۲)

ص: ۲۶۶

---

۱- (۱) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۹۸، ح ۱.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۰، حدیث ۲۲.



امام صادق علیه السلام در خصوص ثواب زیارت قبور حضرت ختمی مرتبت، شهدای راه حق و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام چنین فرموده است:

«زیارت قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و زیارت قبور شهدا و زیارت مرقد منور امام حسین علیه السلام برابر است با یک حج مقبول که زائر همراه رسول الله صلی الله علیه و آله به جای آورده»<sup>(۱)</sup>

در روایتی دیگر می خوانیم که به پیشواز زائران رفتن نیز اجر و پاداش و برکات زیادی دارد. مُعَلَّى بنِ حُنَيْسٍ می گوید: شنیدم که ابا عبد الله علیه السلام می فرماید:

اِذَا انصَرَفَ الرَّجُلُ مِنْ اخوانِكُمْ مِنْ زيارَتِنَا اَوْ زيارَةِ قُبُورِنَا فَاسْتَقْبَلُوهُ وَ سَلَّمُوا عَلَيْهِ وَ هَتَّؤُوهُ بِمَا وَهَبَ اللهُ لَهُ فَإِنَّ لَكُمْ مِثْلَ ثَوَابِهِ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ وَ إِنَّهُ ما مِنْ رَجُلٍ يَزُورُنَا اَوْ يَزُورُ قُبُورَنَا اِلَّا غَشِيَتْهُ الرَّحْمَةُ وَ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ؛<sup>(۲)</sup>

## آداب و احکام زیارت

### اشاره

می توان آداب زیارت اهل قبور را بدین ترتیب ذکر نمود:

۱. بهتر است بعد از ظهر روز پنج شنبه به زیارت اهل قبور بروید. البته در روزهای دیگر اشکال ندارد.

ص: ۲۶۷

۱- (۱) وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۷۸.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۳۰۲.

۲. بهتر است رو به قبله در مقابل قبر بنشینید و دست خود را روی قبر بگذارید و دعا بخوانید.

۳. با وضو باشید.

۴. در قبرستان به آرامی حرکت کنید.

۵. مشغول ذکر خدا باشید و از حرف های بیهوده پرهیز کنید.

۶. راه رفتن روی قبرها و تکیه دادن یا نشستن روی قبور مؤمنین مکروه است.

۷. در قبرستان باید به فکر مردن، تاریکی و وحشت قبر باشیم.

۸. پرهیز از شوخی در قبرستان.

۹. پاشیدن آب روی قبر. در این باره از امام صادق علیه السلام پرسیدند، حضرت فرمود:

«تا وقتی که رطوبت بر خاک قبر باقی است، عذاب از میت کنار می رود».<sup>(۱)</sup>

درباره شیوه آب پاشیدن روی قبر، در کتب فقهی چنین دستور آمده: «به سمت قبله باش، ابتدا از طرف سر میت، آب بریز و تا پای میت ادامه بده. بعد اطراف قبر دور بزن. همچنین مستحب است کنار قبر مؤمن، قرآن تلاوت شود و هر سوره ای از قرآن را که می توانی بخوان، ولی بهتر است سوره یاسین و ملک، نور یا حمد و اخلاص خوانده شود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مورد ثواب خواندن آیه ای از قرآن برای اهل قبور، فرمود: «کسی که در مزار مسلمانان یکی از آیات قرآن را برای اموات بخواند، خداوند ثواب عمل هفتاد پیامبر را به او می دهد».<sup>(۲)</sup>

ص: ۲۶۸

---

۱- (۱) سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۹۶.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۳۰۰.

تشرّف به محضر اولیای خدا چه در حال حیات آنان و چه پس از شهادت و هنگام زیارت قبور آنان، آدابی دارد که آن را از دیدارهای معمولی جدا می کند. از این رو مستحب است زائر نکات زیر را که در کتب مختلف آمده رعایت کند. ما در اینجا برخی از این آداب را به نقل از شهید ثانی و از کتاب دروس وی نقل می کنیم (۱).

۱. غسل کردن و با طهارت وارد حرم شدن.
۲. اذن دخول طلبیدن و با خشوع وارد شدن.
۳. رو به ضریح و پشت به قبله ایستادن و خواندن زیارت های وارده (۲).
۴. خواندن دو رکعت نماز پس از زیارت.
۵. دعا کردن و طلب حاجت پس از نماز.
۶. خواندن قرآن و هدیه کردن ثواب آن به امام.
۷. حضور قلب داشتن و استغفار از گناه.
۸. احسان و احترام به خادمان حرم.
۹. خواندن دعای وداع در آخرین زیارت.
۱۰. زود خارج شدن از حرم پس از زیارت.
۱۱. پشت نکردن به ضریح هنگام خروج.
۱۲. پس از بازگشت به خانه، دوباره به حرم رفتن و زیارت کردن.

ص: ۲۶۹

---

۱- (۱) کتاب «دروس»، ج ۲، ص ۱۹.

۲- (۲) مانند زیارت جامعه کبیره و زیارت امین الله که از معصومین علیهم السلام رسیده است و زیارت مخصوص هر امام.

۱۳. صدقه به نیازمندان و نیز احسان به تنگدستان از سادات آن شهر.

البته آداب دیگری نیز برای زیارت ذکر شده است (۱)؛ از جمله:

الف) پوشیدن لباس پاک و تمیز که بهتر است سفید باشد.

ب) عطر زدن و خوشبو بودن.

ج) با آرامش و وقار حرکت کردن و گام‌ها را کوتاه برداشتن.

د) مشغول بودن به ذکر، در حال رفتن به زیارت.

ه -) وارد شدن به حرم با پای راست.

و) تکبیر گفتن پیش از زیارت و هنگام دیدن قبر مطهر.

ز) پرهیز از امور دنیایی و سخنان لغو و بیهوده.

### برخی از احکام زیارت معصومان علیهم السلام

#### ۱. رعایت ادب

انسان باید ادب را رعایت کند و جلوتر از قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام نماز نخواند و چنانچه نماز خواندن بی احترامی به صاحب قبر باشد، حرام است. (۲)

طبق نظر مشهور فقهاء بنا بر احتیاط واجب، جنب و حائض و نساء، نباید در حرم امامان علیه السلام و مسجد توقف کند، ولی در حرم امامزادگان اشکال ندارد.

ص: ۲۷۰

---

۱- (۱) العروه الوثقی، ج ۲، کتاب الحج، فی آداب السفر، ص ۴۱۱؛ مفاتیح الجنان، آداب زیارت.

۲- (۲) توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۸۸۴.

## ۲. جا گرفتن برای زیارت

مسجد و حرم امامان علیه السلام از اماکن مشترک و عمومی مسلمانان است که همه در استفاده از آن مساوی اند. پس اگر شخصی قبل از دیگری، جایی برای نماز یا عبادتی دیگر یا قرائت قرآن یا خواندن دعا در اختیار گرفت، دیگری نمی تواند آن مکان را از او بگیرد.<sup>(۱)</sup>

گذاشتن رحل<sup>(۲)</sup> برای نشستن در حرم یا مسجد، مانند نشستن است، یعنی صاحب رحل حق اولییتی نسبت به آن مکان پیدا می کند و دیگران نمی توانند جای او را بگیرند، به شرط آنکه رحل، چیزهایی مثل سجاده و عبا باشد که تمام محل نماز خواندن یا قسمت عمده آن را بگیرد، نه مثل گذاشتن مهر یا تسبیح یا مسواک و شانه و امثال اینها. بنابراین با گذاشتن مهر یا تسبیح و حتی هر دو، حقی برای او ثابت نیست و دیگران می توانند بردارند و در آن مکان نماز بخوانند.<sup>(۳)</sup>

## ۳. زائر و نذر و وقف

یکی از سنت های پسندیده مسلمانان، نذر اعمال یا اموال برای معصومین علیهم السلام و همچنین وقف ملک یا مالی برای آنان است و این سنت حسنه همچنان رواج دارد. لذا توجه به برخی از احکام نذر و وقف، برای زائران مفید خواهد بود، چرا که معمولاً زائرین بیش از دیگران با آن سرو کار دارند.

ص: ۲۷۱

---

۱- (۱) تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب احیاءالموات، ص ۲۱۴، م ۱۵.

۲- (۲) منظور از رحل، اثاث و وسایل مانند سجاده و عباست.

۳- (۳) تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۱۵، م ۱۷.

الف) اگر نذر کند که به زیارت یکی از امامان علیهم السلام برود، چنانچه به زیارت امام دیگر برود، کافی نیست و چنانچه به واسطه عذر نتواند آن امام را زیارت کند، چیزی بر او نیست. بنابراین اگر نذر کرده باشد به زیارت امام حسین علیه السلام برود و نتواند به زیارت ایشان برود، چیزی بر او واجب نیست. (۱)

ب) اگر برای حرم امامان علیهم السلام چیزی نذر کند، باید آن را به مصارف حرم برساند، از قبیل فرش و پرده و روشنایی. بنابراین می تواند به مسئولین دفاتر نذورات تحویل دهد تا به مصارف معین برسد. (۲)

ج) اگر چیزی را نذر خود امام علیه السلام کند، چنانچه مصرف معینی را قصد کرده، باید به همان مصرف برساند و اگر مصرف معینی را قصد نکرده، باید به فقیران و زائران بدهد یا مسجد و مانند آن بسازد و ثواب آن را به امام هدیه کند. (۳)

د) اگر چیزی را بر حرم امامان علیهم السلام وقف کرده باشد، منافع آن، صرف تعمیر نور حرم و خدمتکاران و نگهبانان حرم و سایر امور مربوط به حرم می شود. (۴)

#### ۴. نماز و زیارت نیابتی

زیارت کردن به نیابت از دیگران، چه آنان که از دنیا رفته اند و چه کسانی که زنده اند مستحب است.

ص: ۲۷۲

---

۱- (۱) توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۲۶۶۰.

۲- (۲) همان، مسئله ۲۶۶۲.

۳- (۳) همان، مسئله ۲۶۶۳.

۴- (۴) تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۷۴، کتاب الوقف، مسئله ۵۷.

در حدیث است که «داوود صرمی» به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کرد: من پدر شما را زیارت کردم و ثوابش را برای شما نیت کردم. امام فرمود:

«لَمَكَ مِنَ اللَّهِ أَجْرٌ وَ ثَوَابٌ عَظِيمٌ وَ مِنَّا الْمَحْمَدَةُ؛ برای شما از جانب خداوند اجر و ثواب عظیم است و از جانب ما حمد و ثنا». (۱).

در روایت دیگری می خوانیم که از بعضی از ائمه علیهم السلام سؤال کردند: آیا کسی که دو رکعت نماز می خواند، یا یک روز روزه می گیرد، یا حج یا عمره ای به جا می آورد، یا رسول گرامی یا یکی از ائمه علیهم السلام را زیارت می کند و ثواب آن را به پدر و مادر یا برادر دینی خود هدیه می کند، برای خود او نیز ثوابی هست؟ در پاسخ به این سؤال فرمودند: «ثواب آن عمل به «منوب عنه» هم می رسد، بدون آن که از ثواب خودش چیزی کاسته شود». (۲).

وکسی که بخواهد از سوی همه برادران ایمانی یا گروه خاصی به نیابت زیارت کند، پس آنها را به زبان یا در قلب خود نیت می کند، و زیارت را به نیابت از سوی آنها می خواند. سپس دو رکعت نماز زیارت را به جای آورده، می گوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذِهِ الزِّيَارَةَ وَ صَيَلْتُ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ وَ جَعَلْتُ ثَوَابَهُمَا هِدْيَةً مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ (نام امامی را که زیارت می کند بگوید)

عَنْ جَمِيعِ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ عَنْ جَمِيعِ مَنْ أَوْصَانِي بِالزِّيَارَةِ وَ الدُّعَاءِ لَهُ - اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي وَ مِنْهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

ص: ۲۷۳

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۵۶، ح ۳.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۳۱۱ و ۳۱۳.

پس اگر بعد از مراجعت به هر کدام از برادران ایمانی خود بگویید من از سوی تو، امام علیه السلام را زیارت کردم، دروغ نگفته است. (۱)

مرحوم علامه مجلسی در مورد نماز نیابتی می فرماید:

در حدیث صحیحی آمده است که امام صادق علیه السلام در هر شب، برای فرزند خود، و در هر روز، برای پدر و مادر خود، دو رکعت نماز می خواندند، در رکعت اول سوره «قدر» و در رکعت دوم سوره «کوثر».

در حدیث دیگری نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «ثواب اعمال خیری که برای مردگان انجام می شود، هم برای مرده نوشته می شود و هم برای کسی که آن را انجام داده است». (۲)

### زیارتنامه ها

از جمله بهترین زیارتنامه های وارده برای زیارت هر کدام از ائمه اهل بیت علیهم السلام زیارت جامعه کبیره منقول از امام هادی علیه السلام است، که از لحاظ سند، معتبر و متقن و از لحاظ محتوا و مفهوم در اوج و کمال است و اکثر کتب ادعیه و زیارت آن را نقل نموده اند. (۳)

این زیارتنامه را می توان در هر زمان و مکانی به ویژه مشاهد مشرفه معصومین علیهم السلام خواند، و مداومت بر خواندن آن مورد تأکید علمای سلف صالح به ویژه امام خمینی است. البته ما در اینجا با توجه به طولانی بودن متن این

ص: ۲۷۴

---

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۲، باب ۱۱.

۲- (۲) مفاتیح نوین، ص ۱۱۹۶.

۳- (۳) ر. ک: مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی، باب الزیارات.



زیارتنامه از آوردن آن پرهیز نموده به، جهت استفاده زائرین به ذکر زیارت جامعه صغیره و زیارتنامه امام زادگان در آخر همین فصل از کتاب اکتفا می کنیم.

همچنین باتوجه به اینکه بعد از زیارت هر معصومی مستحب است دو رکعت نماز خوانده شود، اگر به جای آن، نماز جعفر طیار خوانده شود، بهتر و آثار و برکات بیشتری خواهد داشت.

### زیارت جامعه صغیره

السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَائِهِ ، السَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقْرِرِينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَى الْأِدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَيَّنُوا وَاللَّهُمَّ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ ، وَمَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهَ ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ، وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَلِمْتُمْ ، وَحَزَبْتُ لِمَنْ حَارَبْتُمْ ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ ، مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ (۱).

ص: ۲۷۵

السَّلَامُ عَلَى جَدِّكَ الْمُصِيطَفِيِّ، السَّلَامُ عَلَى أَبِيكَ الْمُؤْتَصِّى الرِّضَا، السَّلَامُ عَلَى السَّيِّدَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ  
أُمِّ سَيِّدِهِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ أُمِّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ الْفَاحِرَةِ، وَبُحُورِ الْعُلُومِ الزَّاحِرَةِ، وَشُفَعَائِي  
فِي الْآخِرَةِ، وَأَوْلِيَائِي عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ إِلَى الْعِظَامِ النَّاخِرَةِ، أُنِّمَهُ الْخَلْقِ وَوَلَاةِ الْحَقِّ، السَّلَامُ عَلَى أَيُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِيفُ الطَّاهِرُ  
الْكَرِيمُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَمُصْطَفَاهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَمُجْتَبَاهُ، وَأَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، نَعْلَمُ  
ذَلِكَ عِلْمَ الْيَقِينِ، وَنَحْنُ لَذَلِكَ مُعْتَقِدُونَ وَفِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ. (١)

ص: ٢٧٦

## ضمیمه یا پیوست مترجم شما در سفرهای زیارتی

ضمیمه یا پیوست مترجم شما در سفرهای زیارتی (۱)

ص: ۲۷۷

---

۱- (۱) جهت مراجعه آسان زائرین گرامی واژه ها را از لحاظ موضوعی و محتوایی دسته بندی کرده ایم.



زمان و تاریخ

لحظه: لحظه

ثانیه: ثانیه

دقیقه: دقیقه

ساعه: ساعت

نهار: روز

لیل: شب

فجر: سپیده دم

یوم: روز

ایام: روزها

روزهای هفته

السَّبْت: شنبه

الأحد: یکشنبه

الإثنين: دوشنبه

الثلاثاء: سه شنبه

الأربعاء: چهارشنبه

الخميس: پنجشنبه

الجمعه: جمعه

اليوم: امروز

أمس: دیروز

قبل أمس: پریروز

البارحه: دیشب

اوله البارحه: دیشب

غداً - بکرة: فردا

بعد غدٍ: پس فردا

اسبوع: هفته

شهر: ماه

شهور: ماه ها

سنة: سال

ص: ۲۷۹

ستتین: دو سال

سنین: سال ها

فصول چهارگانه

الرَّبِيع: بهار

الصَّيْف: تابستان

الخريف: پاییز

الشَّتَاء: زمستان

خویشاوندی

أب: پدر

أُمّ: مادر

أخ: برادر

إخوان: برادران

أخت: خواهر

أخوات: خواهران

رَجُل: مرد

رِجَال: مردان

امْرَأَة: زن

نِسْوَان: زنان

ابن: پسر

أبناء: پسران

ابنّه: دختر

بنات: دختران

خال: دایی

خاله: خاله

عمّ: عمو

عمّه: عمّه

آنسّه: دوشیزه

الجّدّ: پدر بزرگ

الجّدّه: مادر بزرگ

الزّوج: شوهر، مرد

الزّوجه: همسر، زن

إبن العمّ: پسر عمو

أخت الزّوج: خواهر شوهر

الحفید: نوه پسر

الحفیده: نوه دختر

الکّنه: عروس

ص: ۲۸۰



الصَّهْر: داماد

زَوْج الأخت: شوهرخواهر

زوجه الأَخ: زن برادر

غیر شقیق: ناتنی

الأقربا: بستگان

الأُسره: خانواده

الأرحام: ارحام

رنگك ها

أخضر: سبز

أحمر: قرمز

أصفر: زرد

أبيض: سفید

أسود: سیاه

أزرق: آبی

بُنّی: قهوه ای

بَنفسجی: بنفش

رَمادی: خاکستری

وَردي: صورتی

بُرْتُقالی: نارنجی

حُمُصی: کرم

ذهبی: طلائی

فضی: نقره ای

رصاصی: سربی

کحلی: سرمه ای

فاتح: روشن

غامق: تیره

اعداد

واحد: ۱

اثنین: ۲

ثلاثه: ۳

أربعه: ۴

خمسه: ۵

ستّه: ۶

سبعه: ۷

ثمانیه: ۸

تسعه: ۹

ص: ۲۸۱

عشره: ١٠

أحد عشر: ١١

إثني عشر: ١٢

ثلاثة عشر: ١٣

أربعة عشر: ١٤

خمسة عشر: ١٥

ستة عشر: ١٦

سبعة عشر: ١٧

ثمانية عشر: ١٨

تسعة عشر: ١٩

عشرون: ٢٠

واحد و عشرين: ٢١

ثلاثين: ٣٠

أربعين: ٤٠

خمسين: ٥٠

ستين: ٦٠

سبعين: ٧٠

ثمانين: ٨٠

تسعين: ٩٠

مئة: ١٠٠

مأتين: ٢٠٠

ثلاث مائة: ٣٠٠

أربع مائة: ٤٠٠

خمس مائة: ٥٠٠

ست مائة: ٦٠٠

سبع مائة: ٧٠٠

ثمان مائة: ٨٠٠

تسع مائة: ٩٠٠

ألف: ١٠٠٠

ألفين: ٢٠٠٠

ثلاثة الاف: ٣٠٠٠

ملايين: مليون ها

خمسين بالمائة: ٥٠%

اعداد ترتيبى

الأول: يكم

الثانى: دوم

الثالث: سؤم

ص: ٢٨٢

الرَّابِع: چهارم

الخَامِس: پنجم

السَّادِس: ششم

السَّابِع: هفتم

الثَّامِن: هشتم

التَّاسِع: نهم

العَاشِر: دهم

الحَادِي عَشْر: یازدهم

الثَّانِي عَشْر: دوازدهم

كسِر اعداد

ضِعْف: دو برابر

نِصْف: نیم

ثُلُث: یک سِوُم

رُبْع: یک چهارم

ثَلَاثَة أَرْبَاع: سه رُبْع

خُمْس: یک پنجم

سُدَس: یک ششم

عُشْر: یک دهم

اعضای بدن

جسَم: بدن

رأس: سر

شعر: مو

لسان: زبان

وجه: صورت - رو

جبین: پیشانی

عین: چشم

أنف: بینی

أذن: گوش

فم: دهان

شفه: لب

حلق: حلق

خَدّ: گونه

رقبه: گردن

ذَقن: چانه

أسنان: دندان

شارب: سیل

ص: ۲۸۳

لِحْيَه: ریش

يَد: دست

إِصْبَع: انگشت

ظُفْر: ناخن

رَسْغ: مِچ

ذِرَاع: بازو

كُوع: آرنج

كَتِف: شانه

فَخَذ: ران

سَاق: ساق پا

رُكْبَه: زانو

قَدَم: پا

جِلْد: پوست

دَم: خون

ظَهْر: پشت

صَدْر: سینه

بَطْن: شکم

الطَّيِّب: پزشک

ضَغَط الدَّم: فشار خون

صَيْدَلِيَه: داروخانه

ضماده: باند

لزقه: چسب زخم

أرقد هنا: اینجا دراز بکش

افتح فمك: دهانت را باز کن

اسعل: سرفه کن

رخص: ارزان

غالی: گران

یمین: راست

یسار: چپ

فوق: بالا

تحت: پایین

قرب: نزدیک

بعید: دور

بارد: سرد

حار: گرم

مُرّ: تلخ

حامض: ترش

حُلُو: شیرین

ص: ۲۸۴



عَتِيق: قديمى

جدید: نو

وَسَخ: کثيف

نَظِيف: تمیز

مَفْتُوح: باز

مُغْلِق: بسته

عَرِيض: پهن

واسع: پهن

ضيق: تنگ

كبير: بزرگ

صغير: كوچك

أمام: جلوى

وراء: پشت

ثقیل: سنگین

خفيف: سبک

جميل: زیبا

قبيح: زشت

جيد: خوب

سىء: بد

حزين: ناراحت

سعید: خوشحال

خیر: خوبی

شَرّ: بدی

داخل: درون

خارج: بیرون

سائل: مایع

جامد: جامد

سَرِیع: تُند

بطیء: کند

سَمِیک: کلفت

رَقِیق: نازک

سَمِین: چاق

نَحِیف: لاغر

سَهْل: آسان

صَعْب: سخت

صَحّ: درست

خطا: اشتباه

ضاحِک: خندان

ص: ۲۸۵

باکی: گریان

ضجیح: سروصدا

هُدوء: آرامش

طری: نرم

قاس: سفت

طویل: بلند

قصیر: کوتاه

عال: بلند

مُنخَفَض: پست

عَجُوز: پیر

کامل: کامل

ناقص: ناقص

مبکر: زود

متأخر: دیر

ملی: پر

فارغ: خالی

نائم: خوابیده

مستيقظ: بیدار

ساطع: روشن

مُظلم: تاریک

واقف: ایستاده

جالس: نشسته

شاب: جوان

شایب: پیر

صفات برتر

أفضل: بهتر

أسوء: بدتر

أغلی: گران تر

أرخص: ارزان تر

أصغر: کوچک تر

أكبر: بزرگ تر

ماه های عربی و میلادی

كانون الثاني: (ژانویه) J u y

شُباط: (فوریه) ebru y

اذار: (مارس) M ch

ص: ۲۸۶

نيسان: (أوريل) ril

أيار: (مي) M

حُزيران: (ژوئن) June

تَمُوز: (جولای) July

آب: (آگوست) gus

أيلول: (سپتامبر) September

تَشْرين الأول: (اکتبر) October

تَشْرين الثاني: (نوامبر)

November

كانون الأول: (دسامبر)

December

تعارفات

نَعْم: بله

كَلَّا: نه، خير

تَفَضَّل: بفرمايد

مِنْ فَضْلِكَ: لطفاً

شُكْرًا: متشكرم

عَفْوًا: ببخشيد

سامحنی: عذر م را بپذير

اَسِف: متأسفم

مشاغل

طیب: پزشک

مُحامی: وکیل

مُمرّض: پرستار

مُحاسب: حسابدار

کَناس: رفتگر

سائق: راننده

عمیل: کارگر

موظف: کارمند

در بازار

سُوق: بازار

بدلّه: کت و شلوار

قمیص: پیراهن

تُنُورَه: دامن

حزام: کمر بند

سِرُوالِ قِصیر: شلوارک

ص: ۲۸۷

بُنْطُلُون: شلووار

سِرْوَال داخلى: شورت

جوارب: جوراب

رجالى: مردانه

نسائى: زنانه

قُبْعَه: كلاه

رِبْطَه: روسرى

قُطْن: پنبه

صُوف: پشم

كُتَان: كتان

حَرِير: ابريشم

قِمَاش: پارچه

مِنْشَقَه: حوله

لَعْبَه: اسباب بازی

شَمْسِيَه: چتر

ساده: ساده

مُنْقَطَّ: خالدار

مُخَطَّط: راه راه

مُرَبَّعات: چهارخانه

ساعه يد: ساعت مچی

ثياب: لباس

نظاره: عینک

خرید و فروش

بیع: فروش

شراء: خرید

سعر: نرخ

نوعیه جیده: جنس خوب

نوعیه سیئه: جنس بد

عالی: عالی

مُنخفض: پایین

غال: گران

رخيص: ارزان

معقول: مناسب

تذکار: یادگاری

إكرامیه: انعام

تخفيضات: تخفیف

مَطعم: رستوران

ص: ۲۸۸



لَانِحِه الطَعَام: لیست غذا

وَجِبِه طَعَام: پُرس غذا

مِلْح: نمک

لَبْن: دوغ

رَوْبِه: ماست

حَلِيب: شیر

جَبْنِه: پنیر

شَاي: چای

سُكَّر: شکر

مُرَبِّي: مربّا

لَحْم: گوشت

دِجَاچ: مرغ

بَيْض: تخم مرغ

سَمَك: ماهی

مَقْلِيَه: سرخ کرده

زَيْت: روغن مایع

خُبْز: نان

سَلَطَه: سالاد

شوربه: سوپ

ماءِ سَاخِن: آب جوش

مُرطبات: نوشیدنی

صَحْن: بشقاب

مِلْعَقَه: قاشق

شَوَكه: چنگال

سِكِّين: چاقو

وَلَاعَه: فندک

ثِقَاب: کبریت

سَلَّة: سبد

كَأْس: لیوان

إِبْرِيْق: پارچ

ثَلَاجَه: یخچال

حَنْفِيَه: شیرآب

میوه جات و سبزی ها

خُضْرَه: سبزیجات

عَنْب: انگور

تُفَّاح: سیب

بُرْتُقَال: پرتقال

ص: ۲۸۹

موز: موز

بطیخ: خربزه - طالبی

رَگی: هندوانه

کَرز: گیلاس

مشمش: زردآلو

خوخ: آلو - هلو

عرموط : گلابی

تین: انجیر

فاکھه: میوه

طازج: تازه

عصیر: آبمیوه

بطاطا: سیب زمینی

ثوم: سیر

بازلاء: نخودفرنگی

جزر: هویج

خَس: کاهو

بُصل: پیاز

خیار: خیار

شَمندور: چغندر

فِجَل: ترب

قَرْنِيْط : گل کلم

كُرْبِرَه : گشنیز

سِمْسِم : کنجد

حیوانات

أَسَد : شیر

بَقْرَه : گاو مادّه

ثَعْبَان : مار

تَوْر : گاو نر

جَمَل : شتر

حَمَامَه : کبوتر

دِجَاجَه : مرغ

سَمَكَه : ماهی

عُصْفُور : گنجشک

خَرُوف : گوسفند

قَطَّ : گربه

نَاقَه : شتر ماده

نَحْلَه : زنبور عسل

ص : ۲۹۰

نمله: مورچه

پست و نامه رسانی

رساله: نامه

طابع برید: تمبر

برید سریع: پیشتاز

عنوان: آدرس

المُرسل: فرستنده

المرسَل إليه: گیرنده

حرم و مسجد

جامع، مصلی: مسجد

صلاه قصر: نماز شکسته

تَجَاهَ القبله: رو به قبله

تُرْبَه: مُهر

سبحه: تسبیح

سجّاده: جانماز

کیشوانیه: کفشداری

حافی: پابرهنه

مُکبرَات الصّوت: بلندگو

جهر: صدای بلند

إخفات: صدای آهسته

در شهر

بَلَد: کشور

مُحَافَظَه: استان

مَدِينَه: شهرستان

قَضَاء: شهر

قَرْيَه: روستا

بَرِيد: پُست

مَتَحَف: موزه

مُسْتَشْفَى: بیمارستان

مُسْتَوْصَف: درمانگاه

فُنْدُق: هتل

عِمَارَه: ساختمان

بَاب: در

نَافِذَه، شَبَاك: پنجره

عُرْفَه: اتاق

ص: ۲۹۱

شُقَّة: سوئیت، آپارتمان

مَطْعَم: رستوران

سَرِير: تختخواب

مِخْدَه: متکا

نَسِيح: منسوجات

إِكْسُوَارَات: لوازم یدکی

خُيُوط: نَخ

مَرَا حِيض، مَرَا فِق: توالیت

مَقْعَد: جای نشستن

كُرْسِي: صندلی

هَاتِف: تلفن

إِبْرَه: سوزن

أَثَاث: اسباب و اثاثیه

بَسَاط: قالیچه

مِنْشَفَه وَجَه: حوله

سَرِير: تخت

مَكْنَسَه: جارو

كَهْرْبَانِيَه: برقی

طَاوِلَه: میز

عِلَاقَه: پاکت دسته دار

فِرِن غاز: اجاق گاز

فرشاه أسنان: مسواك

معجون أسنان: خمير دندان

مدفأه: بخاری

مرأه: آینه

مشط: شانه

مفتاح: کلید

مَقَصَّص: اطو

مِكْوَاه: قیچی

مِمْسَحَه أرض: زمین شور

قناه: ماهواره

لَوْحَه: تابلو

مَصْعَد: آسانسور

استعلامات: اطلاعات

توقيع: امضاء

عاطِل: خراب

إستمارة: فرم

ذهاب: رفت

ص: ۲۹۲



إياب: برگشت

سَيَّارَه: اتومبیل

سيارات: اتومبیل‌ها

باص: اتوبوس

قطار: قطار

سُكَّك حديدیه: راه آهن

سائق: راننده

طائرة: هواپیما

مطار: فرودگاه

شارع: خیابان

زُقاق، فَرع: کوچه

ساحه، دوار: میدان

طريق مُشاه: پیاده رو

طريق مسدود: راه بسته

خريطة: نقشه

موقف: ایستگاه

مَحطَّة: جایگاه

جسر: پل

سُلَم - درجه: راه پله

جواز سفر: گذرنامه

بطاقه - تذکره: بلیط

درجه اولی: درجه یک

درجه ثانیه: درجه دو

الأجره: کرایه مسافر

بطاقه: کارت

هویه: شناسایی

متأخر: دیر کرده

یصل: می رسد

یرحل: روانه می شود

یتوقف: می ایستد

افتح: باز کن

أغلق: ببند

أمتعته: بار سفر

الباخره: کشتی

شاحنه - لاری: کامیون

إلى اليمين: به طرف راست

إلى اليسار: به طرف چپ

على طول: مستقیم

ص: ۲۹۳

باب القدام: در جلو

باب الخلفی: در عقب

سیاست

شعار: آرم

إحصاء: آمار گرفتن

أخبار: اخبار

جیش: ارتش

العُلمله: ارز

الکُتله: اقلیت

ثوره: انقلاب

انقلاب: کودتا

أزمه: بحران

تَحین: شارژ

مُفتّش: بازرس

میناء: بندر

میزانیه: بودجه

مُعسکر: پادگان

مَلَفّ: پرونده

وطنی: ملی

خریطه: نقشه

مَوْحِدٌ: یکپارچه

قَصْفٌ: بمباران کردن

إِلْتِجَاءٌ: پناهنده شدن

سَيْطَرَةٌ: ایست بازرسی

بَاحِثٌ: پژوهشگر

لَا فِتْنَةَ: پلاکارد

مَلْجَأٌ: پناهگاه

مَقَرٌّ، قَاعِدَةٌ: پایگاه

جَنَسِيَّةٌ: تابعیت

إِقْتِرَاحٌ: پیشنهاد

مُقَاطَعَةٌ: تحریم

تَدْمِيرٌ: تخریب

إِرْهَابِيٌّ: تروریست

نَوَوِيَّةٌ: هسته ای

بُنْدُوقِيَّةٌ: تفنگ

تَضَخُّمٌ: تورم

مُؤَامَرَةٌ: فتنه گری

ص: ۲۹۴

إنتاج: تولید

مَهْرَجَان: سمینار

مُزَيِّف: جعلی

شَبَاب: جوانان

مُوَاطِن: هموطن

إِنذَار: هشدار

وَفْد: هیئت

مذکره: یادداشت

إِعْتِقَال: دستگیر کردن

دَعْم: حمایت

خُلُوق: خوش اخلاق

مُرَاسِل: خبرنگار

سَرِّی: محرمانه

مُدَّعی: دادستان

مُحَامِی: وکیل

عِلَاقَه: رابطه

تَصْوِیت: رأی دادن

نَاخِب: رأی دهنده

انکماشض: رکود

رَقْم قِیَاسِی: رکورد

مسار: روند

مساوم: سازش کار

مُنظَّمَه: سازمان

إِشْتِبَاك: درگیری

مَجَال: زمینه

سِجِن: زندان

صاروخ: موشک

قلق: نگرانی

معرض: نمایشگاه

متناسق: هماهنگ

تعایش: هم زیستی

هزیمه: شکست

تعذیب: شکنجه

قضاء: شهرستان

مصیری: سرنوشت ساز

مشروع: پروژه

دیمقراطیه: دموکراسی، مردم سالاری

أَبْرِيَاء: غیر نظامی

کارته: فاجعه

شامل: فراگیر

إنتهازی: فرصت طلب

ص: ۲۹۵

إنهيار: فروپاشی

ثقافة: فرهنگ

اتفاقیه: قرارداد

مهب: غارت کردن

طاری: غیر عادی

الدستور: قانون اساسی

صراع: کشمکش

مجزرة: کشتار

مُرشح: کاندیدا

قنصلیه: کنسول گری

قناه: کانال ماهواره

قمر صناعی: ماهواره

تَحْكَمٌ مِنْ بَعْدِ: کنترل از راه دور

السُّلْطَةُ الْقَضَائِيَّةُ: قوه قضائیه

السُّلْطَةُ التَّنْفِذِيَّةُ: قوه مقننه

السُّلْطَةُ التَّشْرِيعِيَّةُ: قوه مجریه

صليب الأحمر: صلیب سرخ

لغة رسمية: زبان ملی

أمانة العامة: دبیرخانه

أمين العام: دبیر کل



مِخْفَرُ شُرْطَه: پاسگاه پلیس

مِخْفَرُ حُدُودِي: پاسگاه مرزی

شَارِع رَئِيسِي: بزرگراه

اعَادَه بِنَاء: بازسازی

السُّوقُ الحُرَّة: بازار آزاد

الضوء الأخضر: چراغ سبز

الشَّرْق الأوسط: خاورمیانه

إِكْتِفَاء ذاتِي: خودکفایی

رَمِي بِالرَّصَاص: تیرباران

رَئِيس الوزراء: نخست وزیر

عنصرِي: نژادپرست

نَشِيد وطنِي: سرود ملی

استعراض عسكري: رژه نظامی

بطاقه هويه: کارت شناسایی

ص: ۲۹۶

قرآن کریم.

- ۱ - نهج البلاغه، گردآورنده سید رضی، محمد بن حسین، تحقیق مؤسسه نهج البلاغه، راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سوریه چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
- ۲ - آرامگاه های خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگان صحابه و تابعین، کمونه حسینی، عبدالرزاق، ترجمه عبدالعلی صاحبی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱ ش.
- ۳ - آشنایی با عتبات مقدسه و زندگانی چهارده معصوم، خلیلی، جعفر، ترجمه علی چراغی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- ۴ - إثبات الوصیه، علی بن حسین مسعودی، انتشارات نصاریان، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۴ ش.
- ۵ - أجوبه الإستفتاءات، إمام خامنئی، دارالنبأ، چاپ أول، بیروت، ۱۹۹۵ م.
- ۶ - الإحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.

ص: ۲۹۷

٧- احسن التقاسيم في معرفه الاقاليم، مقدسى، ابو عبدالله محمد بن احمد، به كوشش على نقى منزوى، تهران، شركت مؤلفان و مترجمان ايران، ١٣٦١ ش.

٨- إحقاق الحق، قاضى نورالله شوشترى، انتشارات مكتبه الاسلاميه، تهران، چاپ اول، ١٣٩٨ ق.

٩- احكام فقهى سفر زيارتى عتبات، محمدحسين فلاح زاده، نشر مشعر، تهران ١٣٨٦ ش.

١٠- أخبار الطوال، احمد بن داوود دينورى، دار إحياء الكتاب العربى، چاپ اول، قاهره، ١٩٦٠ م.

١١- الإرشاد، شيخ مفيد، محمد بن نعمان، كنگره شيخ مفيد، قم، چاپ اول، ١٤١٣ ق.

١٢- الإصابه، ابن حجر عسقلانى، دارالكتب العلميه، بيروت چاپ اول، ١٩٩٥ م.

١٣- اصول الكافى، ثقه الإسلام كلينى، دار الكتب الإسلاميه، چاپ چهارم، تهران، بى تا.

١٤- إعلام الورى، امين الإسلام طبرسى، دار الكتب الإسلاميه، تهران، بى تا.

١٥- أعيان الشيعه، سيد محسن امين، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٧ ق.

١٦- إقبال الأعمال، ابن طاووس، دارالكتب الإسلاميه، چاپ اول، قم، ١٣٦٧ ش.

١٧- الإمام على أدوار ومواقف، ايوب حائرى، دارالولاء، چاپ دوم، بيروت، ٢٠٠٧ م.

- ۱۸ - أنساب الأشراف، بلاذری، ابی الحسن، بیروت، ۱۹۷۴ م.
- ۱۹ - بحار الأنوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، چاپ چهارم، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۰ - پیشوای یازدهم حضرت امام حسن عسکری، قم، مؤسسه درراه حق، بی تا.
- ۲۱ - تاریخ یعقوبی، یعقوبی، احمد بن یعقوب، مکتبه المرتضویه، نجف، ۱۳۵۸ ق.
- ۲۲ - تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
- ۲۳ - تاریخ طبری، طبری، محمد بن جریر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۵۴.
- ۲۴ - تاریخ فخری، ابن طقطقی، محمد بن علی طباطبای، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، بنگاه ترجمه و نشر، تهران، ۱۳۵۰ ش.
- ۲۵ - تاریخ کاظمین و بغداد، فیض، میرزا عباس، قم، بی جا، بی تا.
- ۲۶ - تاریخ مرقد الحسین والعباس، آل طعمه، سلمان هادی، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
- ۲۷ - تاریخ نجف اشرف و حیره، بلاغی، حجت، تهران، ۱۳۲۸ ش.
- ۲۸ - تاریخچه شهر سامراء و زندگانی عسکریین، مهدوی، مصلح الدین، اصفهانی، فردوسی، ۱۳۸۱ ق.
- ۲۹ - تحریر الوسیله، امام خمینی، سفارت جمهوری اسلامی ایران در سوریه، ۱۹۹۸ م.
- ۳۰ - تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.

- ۳۱ - تذکره الخواص، سبط ابن جوزی، منشورات ذوی القربی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۷ ق.
- ۳۲ - تفسیر العیاشی، چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
- ۳۳ - توضیح المسائل مراجع، مراجع معظم تقلید، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۹ ش.
- ۳۴ - جوله فی الاماکن المقدسه، موسوی زنجانی، سیدابراهیم، بیروت، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۴.
- ۳۵ - حدیث عاشوراء، ایوب حائری، دارالولاء، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۶ ق.
- ۳۶ - الخرائج والجرائح، قطب الدین راوندی، مؤسسه الإمام المهدی، قم، بی تا.
- ۳۷ - الخصال، شیخ صدوق، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ق.
- ۳۸ - دائره المعارف الإسلامیه الشیعہ، حسن الأمين، دارالتعارف، بیروت، چاپ ششم، ۱۴۲۲ ق.
- ۳۹ - دایره المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهاء الدین خرمشاهی، مؤسسه دایره المعارف تشیع، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- ۴۰ - دایره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- ۴۱ - دلیل العتبات و المزارات و... فی العراق، دیوان الوقف الشیعی، بغداد ۱۴۲۷ ق.
- ۴۲ - دیوان الإمام علی علیه السلام، علی بن ابی طالب علیه السلام، انشارات پیام اسلام، قم، ۱۳۶۹ ش.

- ۴۳ - راهنمای عتبات عالیات، میلانی، محمد علی، ناشر محب، مشهد، ۱۳۷۷ ش.
- ۴۴ - رجال الکشی، محمد بن عمر کشی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
- ۴۵ - رجال النجاشی، نجاشی أسدی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، بی تا.
- ۴۶ - روضات الجنات، میرزا محمد باقر موسوی خوانساری، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۲ ق.
- ۴۷ - روضه الواعظین، فتال نیشابوری، دار الرضی قم، بی تا.
- ۴۸ - سفرنامه ابن بطوطه، ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، بی چا، بی جا، بی تا.
- ۴۹ - سفرنامه ابن جبیر، ابن جبیر، محمد بن احمد، ترجمه پرویز اتابکی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ ق.
- ۵۰ - سفرنامه ادیب الملک به عتبات، ادیب الملک، تصحیح مسعود گلزاری، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- ۵۱ - سفرنامه ادیب الممالک، میرزا صادق خان ادیب الممالک فراهانی، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
- ۵۲ - سفرنامه ژان اوتر (عصر نادرشاه)، ژان اوتر، ترجمه علی اقبالی، جاویدان، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- ۵۳ - سفرنامه سیف الدوله به مکه مکرمه، سیف الدوله، تصحیح خداپرست، بی چا، بی جا، بی تا.
- ۵۴ - سفرنامه عضدالملک به عتبات، عضد الملک، بی تا، بی جا، بی چا.

۵۵ - سفرنامه مادام دیولافوا (ایران و کلده)، مادام دیولافوا، ترجمه همایون سابق، ترجمه و نگارش فرهوشی، تهران، ۱۳۳۲ ش.

۵۶ - سفرنامه میرزا ابوطالب خان، ابوطالب خان، میرزا، به کوشش حسین خدیوچم، کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۵۲ ش.

۵۷ - سفرنامه ناصر الدین شاه به عتبات، ناصر الدین شاه، ناشر سنایی، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۵۸ - سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.

۵۹ - سیری در سرزمین خاطره ها، زمانی، احمد، دفتر تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.

۶۰ - سیمای سامراء، صحتی سردرودی، محمد، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش.

۶۱ - سیمای نجف اشرف، بابایی، سعید، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ ش.

۶۲ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.

۶۳ - شهر حسین یا جلوه گاه عشق، مدرس بستان آبادی، دارالعلم، قم، ۱۳۸۰ ش.

۶۴ - العبر، ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، ترجمه عبدالمحمد آیتی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۳ ش.

- ٦٥ - عتبات عالیات عراق، دکتر اصغر قائدان، نشر مشعر، تهران، چاپ اول، ١٣٨٣ ش.
- ٦٦ - عده الدّاعی، أحمد بن فهد حلّی، دارالکتاب الإسلامی، قم، ١٤٠٧ ق.
- ٦٧ - علل الشّرایع، شیخ صدوق، محمد بن بابویه انتشارات مکتبه الداوری، قم، بی تا.
- ٦٨ - عمده الطالب فی أنساب آل أبی طالب، ابن عنبه، جمال الدین احمد بن علی، بیروت، دار الحیاه، بی تا.
- ٦٩ - عوالی اللثالی، ابن ابی جمهور أحسانی، دارسید الشهداء، قم، ١٤٠٥ ق.
- ٧٠ - الغارات، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، دارالکتاب اسلامی، چاپ اول، قم، ١٤١٠ ق.
- ٧١ - الغدیر، علامه أمینی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ١٣٧١ ق.
- ٧٢ - الفصول المهمه فی معرفه أحوال الأئمّه، ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، حیدریه، نجف، ١٣٨١ ق.
- ٧٣ - قبسات من نهج البلاغه، ایوب حائری، مؤسسه السراج، چاپ دوم، بیروت، ٢٠٠٥ م.
- ٧٤ - الکامل فی التاریخ، ابن الأثیر، دار صادر، بیروت، ١٩٦٥ م.
- ٧٥ - کتاب المزار، شیخ مفید، محمد بن نعمان، کنکره شیخ مفید، چاپ اول، قم، ١٤١٣ ق.
- ٧٦ - کتاب سلیم بن قیس، سلیم بن قیس هلالی، دارالهادی، قم، ١٤١٥ ق.
- ٧٧ - کشف الغمه، علی بن عیسیٰ إربلی، مکتبه بنی هاشم، ایران، ١٣٨١ ق.



- ۷۸ - کامل الزیارات، ابن قولویه قمی، انتشارات مرتضویه، نجف، ۱۳۵۶ ق.
- ۷۹ - الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، عزالدین ابی الکریم، دارصادر، بیروت، ۱۹۶۵ م.
- ۸۰ - کتاب العین، فراهیدی، تحقیق مهدی محزومی، ابراهیم السامرایی، قم، دار الهجره، ۱۴۱۰ ق.
- ۸۱ - کربلا و حرم های مطهر، آل طعمه، سلمان هادی، مترجم حسین صابری، نشر مشعر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۸۲ - کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، دار الکتب الإسلامیه، چاپ سوم، قم، ۱۳۹۵ ق.
- ۸۳ - کنز العمال فی سنن والأفعال، متقی هندی، علاء الدین، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۸۹ م.
- ۸۴ - کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، رجبی، محمد حسین، دانشگاه امام حسین، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۸۵ - لسان العرب، ابن منظور، محمد بن ابی الکریم، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- ۸۶ - اللهوف، ابن طاووس، علی بن موسی، انتشارات جهان، تهران، ۱۳۴۸ ق.
- ۸۷ - مآثر الکبری فی تاریخ السامراء، محلاتی، ذبیح اله، قم، بی چا، بی تا.
- ۸۸ - ماضی النجف و حاضرها، آل محبوبه، شیخ باقر، دارالاضواء، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
- ۸۹ - مجمع البحرین، طریحی، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، ۱۳۶۵ ش.

٩٠ - مجموعه ورام، ورام بن أبي فراس، مكتبه الفقيه، قم، [بى تا].

٩١ - المراقده و المقامات فى كربلا، عبدالامير قريشى، بيت العلم للنابهين، بى تا، ١٤٢٩ ق.

٩٢ - مروج الذهب و معادن الجوهر، مسعودى، على بن الحسين، ترجمه ابوالقاسم پاينده، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، تهران، ١٣٤٧ ش.

٩٣ - مزارات أهل البيت، حسينى الجلالى، محمد حسين، مؤسسه الاعلمى، بيروت، چاپ سوم، ١٤١٥ ق.

٩٤ - مساجد و معالم فى الروضه الحيدريه، موسوى خراسان، العتبه العلويه، نجف، ١٤٢٧ ق.

٩٥ - مسالك و ممالك، اصطخرى، ابواسحاق ابراهيم، به كوشش ايرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر، تهران، ١٣٦٢ ش.

٩٦ - مستدرک الوسائل، محدث نورى، مؤسسه آل البيت، قم، ١٤٠٨ ق.

٩٧ - المصباح، كفعمى، مؤسسه الأعلمى، چاپ سوم، بيروت، ١٩٨٣ م.

٩٨ - معجم البلدان، ياقوت حموى، شهاب الدين ابى عبدالله، دار إحياء التراث العربى، چاپ اول، بيروت، ١٩٧٩ م.

٩٩ - مفاتيح نوين، آيه الله ناصر مكارم شيرازى، مدرسه امام على عليه السلام، چاپ ششم، قم، ١٣٨٦ ش.

١٠٠ - مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمى.

١٠١ - مفتاح الجنات، سيد محسن امين، مؤسسه الاعلمى، بيروت، ١٤٢٠ ق.

- ۱۰۲ - مقاتل الطالبيين، ابو فرج اصفهانی، منشورات الرضى، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۵ ق.
- ۱۰۳ - مقتل الحسين، عبدالرزاق المقرم، منشورات بصيرتى، چاپ پنجم، قم، ۱۲۹۴ ق.
- ۱۰۴ - مكارم الأخلاق، حسن بن الفضل طبرسى، انتشارات رضى، چاپ اول، قم، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۰۵ - من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، دفترانتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۰۶ - مناقب آل أبى طالب، ابن شهر آشوب، مؤسسه العلامه للنشر، قم، ۱۳۷۹ ق.
- ۱۰۷ - منتخب التواريخ، محمدهاشم خراسانى، إنتشارات إسلاميه، چاپ ششم، تهران، ۱۴۲۵ ق.
- ۱۰۸ - منتهى الآمال، شيخ عباس قمى، الدار الإسلاميه، بيروت، ۱۹۹۴ م و مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ سيزدهم، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۰۹ - موسوعه العتبات المقدسه، (قسم النجف، السامراء، الكوفه، الكربلا) خليلى، جعفر، مؤسسه الاعلمى، چاپ دوم، بيروت، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۱۰ - موسوعه المناسبات الإسلاميه والعالميه، ايوب حائرى، دفترنمايندگى ولى فقيه در سوريه، چاپ اول، ۱۴۲۸ ق.
- ۱۱۱ - موسوعه التاريخ الإسلامى (۸ جلد)، شيخ هادى يوسفى، مجمع انديشه اسلامى، چاپ اول، قم، ۱۴۳۱ ق.

۱۱۲ - مهج الدعوات، سید بن طاووس حلی، أنوار الهدی، چاپ پنجم، قم، ۱۴۲۹ ق.

۱۱۳ - میراث کربلا، آل طعمه، سلمان هادی، ترجمه محمد رضا انصاری، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ ش.

۱۱۴ - میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دار الحدیث، قم، ۱۴۱۷ ق.

۱۱۵ - وسائل الشیعه، حر عاملی، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۲۶ ق.

۱۱۶ - وفيات الأعیان، ابن خلکان، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۱ ق.

۱۱۷ - وقعه الطف، ابومخنف به تحقیق شیخ هادی یوسفی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ ق.

منابع و مآخذ نرم افزاری (Cd)

۱ - جامع الأحادیث: (۴۴۲ جلد کتاب در ۱۸۷ عنوان از ۹۰ مؤلف)، تولیدی مرکز کامپیوتری علوم اسلامی، قم.

۲ - جامع التفاسیر: تولیدی مرکز کامپیوتری علوم اسلامی، قم.

۳ - مکتبه اهل البیت علیهم السلام: (۴۴۶۷ جلد کتاب): تولیدی مرکز معجم فقهی مرحوم آیه الله گلپایگانی.

ص: ۳۰۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

